

حضرت مهدی (ع) فروغ تابان ولایت

مؤلف : محمد محمدی اشتیاردی

فهرست مطالب

پدر، مادر و ولایت امام زمان علیه السلام

مشخصات امام زمان علیه السلام

لقب قائم علیه السلام و مهدی علیه السلام چرا؟

اقامتگاه حضرت مهدی علیه السلام کجاست ؟

نشانه های خود حضرت چیست ؟

شخص پنج ساله چگونه امام می شود؟

چرا این همه سخن از مهدی (عج)

آیا تلفظ بنام مقدس حضرت قائم (عج) جایز است ؟

غیبت صغری و غیبت کبری

فائده غیبت طولانی چیست ؟

خودسازی در عصر غیبت حضرت مهدی

آیا عقیده به ظهور مصلح جهانی مخصوص شیعیان است ؟

یاران مهدی علیه السلام بیشتر کجا هستند؟

نشانه های ظهور امام علیه السلام چیست ؟

آیا این پیش بینی قابل اجراء است ؟

آیا قیام امام مهدی علیه السلام مسلحانه است ؟

منظور از کشته شدن شیطان بدست آن حضرت چیست ؟

ویژگیهای یاران حضرت مهدی

تجزیه و تحلیلی درباره ۳۱۳ نفر از یاران مخصوص امام

قرآن و مسئله حکومت جهانی

طول عمر امام قائم عج را چگونه حل می کنید؟

ادعای مهدویت و آمدن آن حضرت چیست ؟

رجعت چیست ؟

تکذیب ملاقات با امام زمان علیه السلام

زندگی شخصی امام عصر عج چگونه است ؟

آرامش با جنگ نمی سازد؟

آیا امام مهدی (عج) برقرارکننده اسلام است ؟

امام علیه السلام در برابر قدرتهای تخریب

قسط و عدل چیست ؟

حکومت قائم علیه السلام و پیشرفت علم ؟

حکومت مهدی (عج) و تشریفات ؟

حکومت درخشان امام مهدی

فهرست مطالب

پدر، مادر و ولایت امام زمان علیه السلام

سخنی درباره نیمه شعبان

نام و کینه امام زمان علیه السلام

جعفر کذاب عموی امام زمان علیه السلام

مسافران قمی و جعفر کذاب :

دستور دستگیری امام زمان علیه السلام

مشخصات امام زمان علیه السلام

شوکت و قدرت فوق العاده امام علیه السلام

شمائل حضرت مهدی علیه السلام

لقب قائم علیه السلام و مهدی علیه السلام چرا؟

می پرسند:

پاسخ :

اقامتگاه حضرت مهدی علیه السلام کجاست ؟

می پرسند:

پاسخ :

داستان جزیره خضراء

به گفته ملا محسن فیض کاشانی :

توضیح دیگر اینکه :

نشانه های خود حضرت چیست ؟

پاسخ :

شخص پنج ساله چگونه امام می شود؟

می پرسند:

پاسخ :

چرا این همه سخن از مهدی (عج)

می پرسند:

پاسخ :

آیا تلفظ بنام مقدس حضرت قائم (عج) جایز است ؟

پاسخ :

بررسی روایات : این مسأله

۱- قسم اول روایت :

۲-قسم دوم از روایات :

۳ قسم سوم از روایات :

۴-قسم چهارم از روایات :

نظر علامه بزرگوار شیخ حر عاملی رحمه الله :

ایردای بر کلام علامه مجلسی رحمه الله

نتیجه بحثها:

غیبت صغری و غیبت کبری

سه دوره

چگونگی غیبت صغری و نواب چهارگانه

شرح کوتاهی درباره ولایت فقیه

توضیح چند اشکال

پاسخ این ایراد بطور فشرده

در مورد اشکال اول :

در مورد اشکال دوم :

در مورد اشکال سوم :

در مورد اشکال چهارم :

سؤال :

پاسخ :

فائده غیبت طولانی چیست ؟

می پرسند:

پاسخ :

خودسازی در عصر غیبت حضرت مهدی

مقدمه

خودسازی و پاکسازی

آیا عقیده به ظهور مصلح جهانی مخصوص شیعیان است ؟

می پرسند:

پاسخ :

یاران مهدی علیه السلام بیشتر کجا هستند؟

پاسخ :

امیرمؤ منان علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

نشانه های ظهور امام علیه السلام چیست ؟

پاسخ :

خروج سید حسنی و یمانی

سفیانی و دجال کیستند؟

آیا این پیش بینی قابل اجراء است ؟

می پرسند:

پاسخ :

آیا قیام امام مهدی علیه السلام مسلحانه است ؟

پاسخ :

منظور از کشته شدن شیطان بدست آن حضرت چیست ؟

می پرسند:

پاسخ :

ویژگیهای یاران حضرت مهدی

مقدمه :

ویژگیهای یاران آن حضرت در قرآن

ویژگی اول :

ویژگی دوم :

ویژگی سوم :

ویژگی چهارم :

بالاخره ویژگی پنجم :

پیشگویی پیامبر صلی الله علیه و آله از یاران اسلام در ایران

تحلیل سخنی از امام سجاد علیه السلام

نخست :

دوم :

سوم :

حرکت انقلابی نه گام به گام

تجزیه و تحلیلی درباره ۳۱۳ نفر از یاران مخصوص امام

تواتر حدیث ۳۱۳ نفر

ویژگیهای این افراد

۱- امام در انتظار آنها بسر می برد:

۲- آنها از اطراف جهان جمع می شوند:

۳- آنها نخستین بیعت کنندگان با امام قائم (عج) هستند:

۴- آنها جانبازان سلحشورند:

۵- آنها پرچمداران و حاکمان روی زمینند:

۶- آنها امت معدود و همچون پاره های ابرهای متراکم هستند:

۷- آنها رکنها و پایه های خلل ناپذیر و پشتیبانان محکم اند:

۸- چند نشانه دیگر از این ۳۱۳ نفر:

۹- دست خدا بالای سر امام عج و یارانش :

۱۰- نقش زنان در انقلاب حضرت مهدی (عج):

نتیجه بحث و بررسی بیشتر

اوتاد عصائب ، ابدال ، نجباء، رفقاء و اعاجم ؟

اوتاد

عصائب

ابدال

نجباء

رفقاء

اعاجم

امدادهای غیبی به کمک انقلابیون

قرآن و مسئله حکومت جهانی

می پرسند:

پاسخ :

۱- در قرآن کریم می خوانیم :

۲- در سوره انبیاء، آیه ۱۰۵ می خوانیم :

۳- در سوره نور، آیه ۵۵ می خوانیم :

۴- قرآن پس از ذکر فرعون و فرعونیان در این آیه می فرماید:

طول عمر امام قائم عج را چگونه حل می کنید؟

می پرسند:

پاسخ :

اما از نظر دانش :

اما از نظر قرآن و احادیث

ادعای مهدویت و آمدن آن حضرت چیست ؟

پاسخ :

رجعت چیست ؟

پاسخ :

تکذیب ملاقات با امام زمان علیه السلام

می پرسند:

پاسخ :

زندگی شخصی امام عصر عج چگونه است ؟

پاسخ :

آرامش با جنگ نمی سازد؟

می پرسند:

پاسخ :

آیا امام مهدی (عج) برقرارکننده اسلام است ؟

می پرسند:

پاسخ :

امام علیه السلام در برابر قدرتهای تخریب

می پرسند:

پاسخ :

قسط و عدل چیست ؟

می پرسند:

پاسخ :

حکومت قائم علیه السلام و پیشرفت علم ؟

می پرسند:

پاسخ :

حکومت مهدی (عج) و تشریفات ؟

می پرسند:

پاسخ :

۱- توحید سراسری در همه زمینه ها

۲- پیشرفت عجیب علوم

۳- پیشرفت و رشد کشاورزی و امکانات

۴- برادری و صفا و صمیمت

۵- امنیت و برکت و وفور نعمت و عدالت

۶- توجه کامل به اماکن مقدسه و توسعه شهرها و بهداشت

دولت کریمه

توجه امام علیه السلام به مکه ، کوفه و قم

۱- مکه مرکز اولین جرقه های انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج)

۲- کوفه مقر حکومت حضرت مهدی

۳- قم ، آشیانه اهل بیت علیه السلام و مرکز نشر اسلام

دیدار کنندگان امام (عج)، در غیبت کبری

۱- امام زمان علیه السلام به صابونی اجازه دیدار نداد:

۲- علامه حلی رحمه الله در خدمت امام زمان علیه السلام :

۳- فریادرسی امام زمان علیه السلام در بحرین :

درخت انار شهادت می دهد:

مشورت و راه حل :

آنجا که پرده ها کنار می رود!

گواهی فرماندار:

۴- شفای بیمار

۵- تشرف یکی از فرزندان آیه الله اراکی قدس سره

۶- راهنمایی حضرت مهدی (عج) در مسجد جمکران :

۷- نتیجه تواضع به مسجد جمکران ، پایگاه مقدس امام زمان علیه السلام

۸- محبت امام زمان علیه السلام به شیخ مفید:

گفتار امام قائم (عج) به شیخ مفید رحمه الله :

برگ سبز از نگارنده ، خطاب به امام زمان علیه السلام :

انتظار، یا زمینه سازی

مقدمه

پاسخ به یک سؤال:

پاسخ اینکه :

عوامل مهم زمینه سازی

۱ جاذبه قرآن و حقانیت اسلام :

۲- علم و اندیشه و به کار انداختن آن :

۳- استقامت و پایداری و شجاعت :

۴- زهد و رعایت اخلاق و حقوق :

۵- ایمان و توکل به خدا:

۶- تعاون و همکاری

۷- برخوردها و روشهای منطقی با یکدیگر:

قرآن می فرماید:

۸- توجه به طبقه مستضعف :

۹- اتحاد و انسجام مسلمانان :

۱۰- رهبر شایسته :

۱۱- لزوم برنامه ریزی

عناصر اصلی برنامه ریزی قیام و ظهور

۱- هدفداری :

۲- توجه به جهانی بودن ظهور:

۳- جهش و انقلاب :

۴- پیشرفت عمیق و استوار:

۵- اخلاص :

۶- تخصص و تعهد:

۷- مانع شناسی :

۸- هشیاری و هوشمندی :

۹- دورنمایی از امکانات عظیم دنیای اسلامی و نتیجه بحث :

الف : از جهت نیروی انسانی و اتحاد:

ب : امکانات جغرافیائی دنیای اسلام :

ج : امکانات اقتصادی دنیای اسلام :

نشانه های عالی انتظار

دوازده نشانه

رعایت حقوق برادران

مبارزه و جهاد و یاد خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

ایستادگی در سختیها و آزمایشها

معرفت امام عج و پیروی از آن حضرت

مسئله رهبری

توجه به شناخت قرآن و اجرای آن

زنان باید احساس مسؤولیت کنند

توجه به جمعه و جماعات

پدر، مادر و ولایت امام زمان علیه السلام

پدر بزرگوار امام زمان علیه السلام حضرت امام حسن عسکری علیه السلام امام یازدهم شیعیان است ، بنقل شیخ مفید امام عسکری علیه السلام در مدینه در ۲۴ ربیع الاول سال ۲۳۲ متولد شد و در سال ۲۶۰ در سن ۲۸ سالگی در منزل شخصی خود در سامرا به شهادت رسید.(۱)

مادر بزرگوار امام زمان علیه السلام ((ملیکه)) است که از طرف پدر دختر ((یشوعا)) فرزند امپراطور روم شرقی بود، و از طرف مادر نوه شمعون از یاران مخصوص حضرت عیسی علیه السلام و وصی او بشمار می رفت .

او با اینکه در کاخ می زیست و با خاندان امپراطوری زندگی می کرد اما آنچنان پاک و با عفت بود که گویی شباهت به خانواده خود ندارد، بلکه به مادر و خانواده مادری کشیده و زندگیش همچون زندگی شمعون و عیسی علیه السلام و مریم علیهماالسلام از صفا و معنویت و پاکی خاصی برخوردار بود، از اینرو دوست داشت با یک خانواده پاک و خداپرست وصلت کند و به توحیدیان بپیوندد، خداوند او را در این هدف کمک کرد و او را بطور عجیب (که در داستان ماجرای اسارت او و خریداری از جانب امام هادی علیه السلام برای امام عسکری علیه السلام در تاریخ آمده است) به خواسته و هدفش رسانید. ملیکه یا نرجس خاتون به خانه امام حسن عسکری علیه السلام وارد شد، امام هادی علیه السلام به خواهرش حکیمه فرمود: او را به خانه ببر و دستورات اسلامی را به او بیاموز، او همسر فرزندان حسن علیه السلام و مادر مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله خواهد بود، آنگاه به نرجس رو کرده و فرمود:

مژده باد ترا به فرزندی که سراسر جهان را با نور حکومتش پر از عدالت و دادگری کند، پس از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد.

آری این چنین یک دختر پاک و دانا، آلودگی کاخ شاهان را رها کرد و در خط جد مادریش ((شمعون)) قرار گرفت و سرانجام به سعادت عظمای همسری حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در آدم و لیاقت پر افتخار مادر حضرت قائم (عج) را پیدا کرد.

او نامهای دیگر مانند ریحانه ، صقیل و سوسن نیز دارد و خواهر امام هادی علیه السلام حکیمه او را به عنوان سیده (خانم) می خواند.

این بانوی با سعادت در سال ۲۶۱ هجری و به روایتی قبل از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا رفت و قبر

شریفش در سامرا کنار قبر منور امام عسکری علیه السلام قرار گرفته است .(۲)

امام قائم (عج) از همین خاندان پاک در شب جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در زمان حکومت معتمد عباسی در سامرا متولد شد و هنگام شهادت پدر، پنج ساله بود. (۳)

تولد آن حضرت را جز عده ای خاص نمی دانستند و برای نوع مردم مخفی بود، تا مبادا مورد گزند طاغوتیان غاصب و ستمگر زمان قرار گیرد.

حکیمه خاتون عمه امام حسن عسکری علیه السلام گوید: روز پنجشنبه نیمه شعبان به منزل برادرم رفتم، هنگام مراجعت، امام عسکری علیه السلام فرمود: امشب را نزد ما باش، امشب فرزندی که خداوند زمین را به علم و ایمان و هدایت او زنده گرداند متولد می شود.

بالاخره ماندم صبح صادق حالت اضطراب در نرجس خاتون علیها السلام پدید آمد، او را در برگرفتم، امام علیه السلام فرمود: سوره قدر را بر او بخوان، مشغول خواندن سوره قدر شدم شنیدم آن کودک در رحم مادر در خواندن سوره با من همراهی می کند در این موقع پرده ای بین من و آنها افکنده شد، دیگر نرجس را نمی دیدم، از آنجا سراسیمه دور شدم امام عسکری علیه السلام فرمود: برگرد، برگشتم در نرجس علیها السلام نوری مشاهده کردم که دیده ام را خیره کرد و امام زمان علیه السلام را دیدم رو به قبله به سجده افتاده سپس دستش را بلند کرد و می گفت: گواهی می دهم به یکتائی خدا و اینکه جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله است، و پدرم امیر مؤمنان علیه السلام، وصی رسول خدا است، بعد یک یک امامان را شمرده تا به خود رسید.

او را به نزد پدرم بردم، تا او را دید به دست گرفت و پس از خواندن آیاتی از قرآن و انجیل و تورات و زبور این آیه را تلاوت فرمود:

((و نريد ان نمّن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين و نمکن لهم في الارض و نرى فرعون و هامان و جنودهما منهم ما كانوا يحذرون؛))

((اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین، نعمت بخشیم و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم،

حکومتشان را پا بر جا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریان آنها آنچه را بیم داشتند از این گروه نشان دهیم)) (۴)

نمونه کامل و گسترده مفهوم آیه مذکور، ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین بوسیله امام قائم (عج) است.

سخنی درباره نیمه شعبان

شیخ حر عاملی رحمه الله از بزرگان اصحاب نقل می کند که امام صادق علیه السلام فرمود:

((شبی که حضرت قائم (عج) در آن متولد شد، هیچ نوزادی در آن شب متولد نمی شود مگر اینکه مؤمن خواهد شد، و اگر

در سرزمین کفر متولد گردد، خداوند او را به برکت امام مهدی (عج) به سوی ایمان منتقل می سازد.)) (۵)

در نیمه شعبان زیارت حضرت امام حسین علیه السلام و همچنین زیارت امام زمان علیه السلام مستحب است، امام صادق علیه السلام فرمود:

((شب نیمه شعبان بهترین شب بعد از شب قدر است و خواندن دو رکعت نماز در شب نیمه شعبان بعد از نماز عشاء مستحب

است، در رکعت اول بعد از حمد، سوره کافرون و در رکعت دوم بعد از حمد سوره توحید خوانده شود.)) (۶)

غسل و شب زنده داری و عبادت در این شب بخصوص فضائل بسیار دارد، این شب در نزد خدا چنین مقامی دارد که ولایت با سعادت امام زمان علیه السلام در سحرگاه این شب واقع شده و بر عظمت و رونق آن افزوده.

ضمناً روایاتی آمده که نیمه شعبان همان شب قدر و تقسیم ارزاق و عمرها است، و در بعضی از این روایات است شب نیمه شعبان شب امامان علیهم السلام است و شب قدر شب رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

از جمله فضائل این شب اینکه، از شبهای مخصوص زیارت امام حسین علیه السلام است که صد هزار پیامبر (صلوٰه الله علیهم) آن حضرت را در این شب زیارت می کنند.

از نمازهای مستحبی که در این شب وارد شده دو رکعت نماز است که در هر رکعت بعد از حمد صد بار سوره توحید خوانده می شود.

نقل شده: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شب نیمه شعبان در خواب دیدم جبرئیل بر من نازل شد و فرمود: ای

محمد: ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم در چنین شبی خوابیده ای؟ گفتم: این شب چه شبی است؟

فرمود: شب نیمه شعبان است برخیز، مرا بلند کرد و به بقیع برد، و سپس فرمود: سرت را بلند کن زیرا در این شبها درهای

رحمت خدا در آسمان بروی بندگان باز است، همچنین در رضوان، در آمرزش، در فضل، در توبه، در نعمت، در جود و

سخاوت، در احسان باز است، خداوند به عدد پشمها و موهای چرندگان در این شب گنهکاران را آزاد می کند، پایان عمرها

در این شب، تعیین می گردد، رزق های یکسال در این شب تقسیم می شود و حوادث یکسال در این شب معین می گردد.

ای محمد! کسی که این شب را با تکبیر و تسبیح و تهلیل و دعا و نماز و قرائت قرآن و اطاعت و خضوع و استغفار بسر برد،

بهشت منزل و سرای او است، و خداوند گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد... ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم این

شب را احیاءدار و به امت خود دستور بده آنها نیز این شب را احیاء بدارند، و با عمل به سوی خدا تقرب جویند، چرا که این شب شبی شریف است .

از اعمال این شب ، خواندن دعای کمیل در سجده است روایت شده که کمیل گوید دیدم علی علیه السلام این دعا را در شب نیمه شعبان در سجده خواندند.

در مورد زیارت امام حسین علیه السلام در این شب بخصوص در صورت امکان در کنار قبرش ، آمده هر که بشناسد امام حسین علیه السلام را و شهادت او و هدف شهادتش را که موجب نجات امت گردید و وسیله و راهگشائی برای رسیدن به فوز عظیم شد (خلاصه اینکه عبادتش در این شب از روی توجه و علاقه و معرفت خاص باشد) آنگونه خوشتن را در برابر خدا خاضع نماید که شایستگی آن را دارا می باشد و نیز از خدا خواسته های شرعیش را تقاضا کند.(۷)

نام و کینه امام زمان علیه السلام

امام زمان علیه السلام هنگام تولد تا وقتی که پدرش به شهادت رسید (از سال ۲۵۵ تا سال ۲۶۰) مخفی بود و تنها خواص از اصحاب او را می دیدند و مسائل خود را از ایشان می پرسیدند، هنگام رحلت پدر، پنج سال داشت ، سرانجام عواملی باعث شد که آن حضرت از نظرها غایب گردید و نخست غیبت صغری و سپس غیبت کبری به وجود آمد (که در این مورد، بعد سخن خواهیم گفت).

بهر حال : چنانکه در روایات آمده ، محل زندگی امام زمان علیه السلام در دوران کودکی همچون محل زندگی حضرت موسی علیه السلام مخفی بود تا از گزند طاغوتیان محفوظ گردد.(۸) در اینجا برای اینکه دورنمایی از دوران خفقان آن زمان را دریابیم شایسته است به داستان زیر توجه فرمائید.

جعفر کذاب عموی امام زمان علیه السلام

گاه می شود بر اثر عواملی ، از حضرت نوح علیه السلام پسری ناخلف بنام کنعان و یا از حضرت آدم علیه السلام پسری متمرّد بنام قابیل به وجود می آید.

حضرت امام هادی علیه السلام دارای ۵ فرزند بنامهای امام حسن علیه السلام ، حسین ، محمد، جعفر، و علیه بود. در میان این فرزندان ، جعفر، بسیار ناخلف بود که لقب کذاب (دروغگو) را گرفت ، امام هادی علیه السلام درباره او فرمود: از فرزندم جعفر دوری کنید، نسبت او به من همچون نسبت کنعان به نوح علیه السلام است ، امام عسکری علیه السلام فرمود: مثل

من و جعفر مانند هابیل و قابیل دو فرزند آدم علیه السلام است ، اگر کشتن من برای جعفر ممکن بود، مرا می کشت ، ولی خداوند جلو او را گرفت .

جعفر از افرادی بود که ادعای امامت داشت و پس از رحلت پدر می گفت امام مردم من هستم نه برادرم ، امام عسکری علیه السلام ، حتی پس از رحلت پدر نزد خلیفه وقت رفت و گفت : بیست هزار اشرفی برای تو می فرستم و از شما خواهش دارم که فرمان دهی تا بر مسند امامت بنشینم و این مقام از برادرم سلب گردد.

خلیفه در جواب گفت : عجب آدم احمق هستی اگر امامت در دست ما می بود آن را برای خود قرار می دادیم اگر امام شناسان و شیعیان آنچه از برادرت و پدرت از معجزات و... دیدند از تو بینند تو را امام خود می دانند، دیگر نیازی به کمک ما نداری و گر نه هرگز به تو ایمان نخواهند آورد.

کارشکنی های او در عصر امامت برادرش امام عسکری علیه السلام بجائی نرسید ولی پس از شهادت برادرش دوباره شروع به ادعا کرد و اعلام داشت که امام بعد از برادرم من هستم .

امام عسکری علیه السلام برای اینکه امر بر مردم اشتباه نشود و امامت امام مهدی (عج) را از کارشکنی های جعفر، حفظ کند، در آخرین لحظات عمر، یکی از اصحاب بنام (ابوالادیان) را به حضور طلبید و به او فرمود:

((چند نامه هست اینها را به مدائن می بری و به فلان و فلان کس می رسانی و جواب نامه ها را می گیری ، روز ۱۵ به

سامراه می آئی ، صدای گریه از خانه من خواهی شنید مطلع می شوی که من از دنیا رفته ام.))

ابوالادیان : فدایت شوم ، معلوم است که سخن شما راست و درست است ، و همین طور که می فرمائی خواهد شد ولی سؤ

الی دارم و آن اینکه پس از شما امام کیست ؟

امام عسکری علیه السلام : ((امام کسی است که جواب نامه ها را از تو مطالبه کند.))

ابوالادیان : علامت دیگر امام پس از شما چیست ؟

امام عسکری علیه السلام : ((امام کسی است که بر جنازه من نماز بخواند.))

ابوالادیان می گوید: علامت دیگر چیست ؟

امام عسکری علیه السلام فرمود: امام کسی است که از میان همیانهای طلا خبر دهد.))

ابوالادیان می گوید: ابهت امام عسکری علیه السلام مرا گرفت ، دیگر نپرسیدم که منظور چه همیانی است برخاستم

خداحافظی کردم نامه را گرفتم بسوی مدائن رهسپار شدم ، نامه ها را به صاحبانشان دادم جواب نامه ها را گرفت و به سامره

برگشتم همین که وارد خانه امام حسن علیه السلام شدم صدای گریه شنیدم فهمیدم که امام عسکری علیه السلام دار دنیا را وداع کرده است ولی دیدم گروهی دور جعفر کذاب را گرفته اند و به او به عنوان امام تهنیت می گویند و بعضی به او تسلیت می گفتند.

در این میان کسی آمد و به جعفر گفت : جنازه برادرت را غسل داده اند، بفرمائید بر جنازه نماز بخوانید دیدم جعفر برخاست و همراه گروهی برای انجام نماز رهسپار شد، با خود گفتن : عجب! اگر امام مردم ، بی دین بشود، معلوم می شود که همواره دین از اول سست بوده است ، چون من جعفر کذاب را می شناختم که همواره با ساز آواز و شرابخواری سر و کار داشت ، من هم دنبال جعفر براه افتادم تا ببینم جریان به کجا منتهی می شود.

کنار جنازه امام عسکری علیه السلام رسیدیم جعفر پیش ایستاده و همراهان پشت سرش ، گفتم دیگر کار از کار گذشت ، ناگهان پرده سفیدی که در حجره آویزان بود بلند شد، دیدم کودکی نورانی پیدا شد، ردای جعفر را گرفت و فرمود: ای عمو! پس برو، من سزاوارترم که بر جنازه پدرم نماز بخوانم ، جعفر مانند نقش بر دیوار هیچ نتوانست بگوید و کنار رفت .

آن کودک مشغول نماز شد و پس از نماز همین که خواست برود به من رسید و فرمود: جواب نامه ها را به من بده ، نامه ها را به او دادم ، رفت به حجره ، با خود گفتم حمد و سپاس خدا را که دو علامت از علاماتی که امام عسکری علیه السلام به من فرموده بود ظاهر شد، نزد جعفر آمدم و گفتم این طفل که بود؟

گفت : من اصلا چنین کودکی را ندیده ام و نمی شناسم .

مسافران قمی و جعفر کذاب :

روز بعد دیدم گروهی از اهل قم آمده بودند به زیارت امام عسکری علیه السلام نائل شوند، مطلع شدند که حضرت از دنیا رفته است ، پرسیدند: امروز امام و حجت خدا کیست ؟

گروهی جعفر کذاب را نشان دادند، اهل قم نزد جعفر آمده و سلام کردند و گفتند: پول زیادی که مخصوص امام علیه السلام است برای شما آورده ایم ، دستور داد پولها را بگیرند.

گفتند: ما هر وقت خدمت امام عسکری علیه السلام می رسیدیم و پولی نقد می آوردیم نام صاحبان پول را حضرت می بردند و حدود مبلغ را از درهم و دینار می فرمود، شما هم اگر امام هستید و جانشین برادر خود می باشید مبلغ و عدد و اسم صاحبان پول را بگوئید.

جعفر گفت : مردم از من علم غیب می خواهند، مگر برادرم علم غیب داشت ؟

اهل قم گفتند: در چنین صورت ما پول را نخواهیم داد.

دستور دستگیری امام زمان علیه السلام

جعفر دید با این وضع به هدف شوم خود نمی رسد، نزد معتمد عباسی خلیفه وقت رفت و گزارش داد که برادرم امام عسکری علیه السلام پسری دارد و او بر جنازه پدرش نماز خواند (امام عسکری علیه السلام برای حفظ فرزندش حضرت حجت (عج) از دشمنان، تولد او را به کسی نفرموده بود). خلیفه، ضد مأمور به فرماندهی شخصی بنام ((رشیق)) به خانه امام عسکری علیه السلام فرستاد و به او دستور اکید داد که برو به خانه امام عسکری علیه السلام همه حجره ها را جستجو کن، بی آنکه اجازه بگیری وارد خانه شو.

رشیق با مأمورین به خانه امام عسکری علیه السلام آمدند و همه حجره ها را گشتند تا به آن حجره که در آن پرده سفید آویزان بود رسیدند، پرده را بلند کردند دریائی آنجا دیدند که در وسط آن، کودکی سجاده انداخته و نماز می خواند، رشیق یکی از مأمورانش دستور داد که برو، و آن کودک را بگیر. آن مأمور تا به سراغ کودک آمد در میان آب غرق شد. رشیق به دیگری دستور داد، دیگری وقتی خواست به طرف کودک رود در آب غرق شده با فریاد بلند تقاضای کمک کرد، او را نجات دادند، حضرت با کمال وقار نماز را تمام کرد و سپس در پیش روی مأموران از حجره بیرون آمد. مأموران گویا چوب خشکی شده بودند. اصلاً نتوانستند کوچکترین آسیبی به کودک که حضرت حجت (عج) بود برسانند. همین موقع بود که حضرت مهدی علیه السلام غایب شد و غیبت صغری به وقوع پیوست. (۹)

مشخصات امام زمان علیه السلام

بهر حال امام زمان علیه السلام در زمان پدر که ۵ ساله بود (از سال ۲۵۵ تا ۲۶۰، سال شهادت پدر) نزد پدر بود، ولی در مخفیگاه بسر می برد، بسیاری از اصحاب ائمه علیهم السلام و علما و فقهای اعلام اسلام، وی را زیارت کرده اند، حتی بسیاری از نوابغ و علمای بزرگ چین و بخارا و سمرقند و هندوستان و اندلس و اروپا به سامراه سفر کرده و توسط امام عسکری علیه السلام با امام زمان علیه السلام ملاقات کرده و مسائل خو را از وی پرسیده اند، و نشان سوغات و هدایای صاحبانش را از او خواسته اند، او به یک یک آنها پاسخ صحیح داده است. (چنانکه این مطلب در جلد ۵۲ و ۵۳ بحار بطور مفصل آمده است.)

برای اینکه بیشتر با این عزیز که پرده های غفلت و گناه، ما را از دیدارش محروم ساخته آشنا شوید به این حدیث توجه کنید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

((المهدی من ولدی اربعین سنه کان وجهه کوکب دری فی خده الایمن خال اسود علیه عبائتان قطوا نیتان ، کانه من رجال بنی اسرائیل یستخرج الكنوز و یفتح مدائن الشرک ؛))

مهدی (عج) از فرزندان من دارای چهل سال است (یعنی هنگام خروج همچون مرد چهل ساله است) صورتش همچون ستاره درخشان است ، در گونه راستش خال سیاهی است و دو عبا ی قطوانی بر دوش دارد، قیافه اش همانند مردان بنی اسرائیل (زمان حضرت موسی علیه السلام) است گنجها را استخراج کند، در کشورهای شرک را فتح کرده و تحت رهبری خود در می آورد.)) (۱۰)

از خصوصیات امام قائم (عج) اینکه آن حضرت از ناحیه پدر از نسل امام حسین است ، از ناحیه مادر از نسل امام حسن علیه السلام است ، از این رو که مادر امام باقر علیه السلام از فرزندان امام حسن علیه السلام است. (۱۱)

از ویژگیهای او اینکه پس از ظهور، حضرت عیسی علیه السلام از آسمان آمده و پشت سر او نماز بجا می آورد. (۱۲) و دیگر اینکه در آخر عمر امام قائم (که رجعت امامان به وجود می آید) پس از آنکه حضرت قائم (عج) از دنیا رحلت کرد، امام حسین علیه السلام بدن او را غسل می دهد. (۱۳)

و دیگر اینکه امام عصر (عج) شبیه یوسف علیه السلام و عیسی علیه السلام و موسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم است .

این هم در جای خود بسیار جالب است که بزرگترین چهره انقلابی تاریخ ، حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام در غسل و کفن و دفن مصلح بزرگ جهان حضور یابد.

بهر حال مردم در هر زمان ، امام زمان علیه السلام خود را بشناسد و هر زمانی دارای امام است (و این کتاب برای همین منظور نگاشته شده) در زمان ائمه علیهم السلام یاران امامان در این جهت خیلی کوشا بودند که امام حق را بشناسند، اکنون به روایت زیر توجه کنید:

محمد بن عثمان (۱۴)گوید: از پدرم شنیدم گفت : از امام عسکری علیه السلام این سؤال شد و من در حضورش بودم ، سؤال این بود:

((این مطلب که از پدران شما نقل شده : هیچگاه زمین از حجت خدا خالی نمی ماند و اگر کسی بمیرد و امام زمانش را

نشناسد به مرگ زمان جاهلیت مرده است (۱۵) آیا حق است ؟))

امام حسن علیه السلام فرمود:

آری این مطلب حق است همچنانکه روز حق است ، شخص پرسید: بعد از شما امام مردم کیست ؟

فرمود: پسر محمد، امام و حجت بعد از من است کسی که بمیرد و او را شناسد به مرگ زمان جاهلیت مرده است ، ولی برای او غیبتی هست که نادانان در این مورد حیران گردند و منحرفان هلاک شوند، و کسانی که وقت ظهورش را تعیین کنند او را تکذیب نمایند، سپس ظهور می کنند گویا می بینم طوقهای سفیدی را که بر بالای سر او در نجف و کوفه در حرکت است .(۱۶) و در پرچم ارتش آن حضرت نوشته شده :

((البيعة لله ؛ بيعت مخصوص خداست .)) (۱۷)

از ویژگیهای آن بزرگوار اینکه : پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

((مهدی طاووس اهل بهشت است .))

و در عبارت دیگر فرمود:

((چهره مهدی (عج) از فرزندانم همچون ماه تابان است ، رنگ چهره اش عربی است و بدنش همانند جسم مردان بنی

اسرائیل (بلند قد) است ، زمین را همانگونه که پر از ظلم و جور شده ، پر از عدل و داد می کند، اهل آسمانها و زمین و

پرندهگان در هوا از حکومتش راضی هستند، بیست سال حکومت می کنند.)) (۱۸)

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دختر گرامیش فاطمه علیها السلام رو کرد و به این شخصیتها افتخار کرده و

فرمود:

((بهترین پیامبران پدرت است ، و از ما است بهترین اوصیاء که شوهرت علی علیه السلام است و از ما است بهترین شهدا که

عموی من حمزه است ، از ماست آن کس که دو پر دارد و با آن دو پر در بهشت هر جا بخواهد به پرواز در می آید، و او پسر

عموی پدرت جعفر است ، از ماست دو سبط این امت ، دو آقای جوانان اهل بهشت ، حسن علیه السلام و حسین علیه

السلام و این دو فرزندان تو هستند و از ما است مهدی (عج) و او از فرزندان تو است .)) (۱۹)

امام سجاد علیه السلام فرمود:

((قائم ما دارای نشانه هایی از شش پیامبر است :

۱- نشانه ای از نوح علیه السلام .

۲- نشانه ای از ابراهیم علیه السلام .

۳- نشانه ای از عیسی علیه السلام .

۴- نشانه ای از موسی علیه السلام .

۵- نشانه ای از ایوب علیه السلام .

۶- نشانه ای از محمد صلی الله علیه و آله و سلم .))

امام نشانه اش از نوح علیه السلام طول عمر است ، اما نشانه اش از ابراهیم علیه السلام مخفی بودن محل ولادتش است ، اما نشانه اش از موسی علیه السلام ترس از دشمن و غیبت است (که موسی علیه السلام از ترس فرعونیان از مصر به مدین رفت و مدتی مخفی بود) اما نشانه اش از عیسی علیه السلام اختلاف راءی مخفی بود) اما نشانه اش از عیسی علیه السلام اختلاف راءی مردم درباره اش ، و اعتزال او از مردم است ، اما نشانه اش از ایوب علیه السلام گشایش و پیروزی پس از بلیات و گرفتاری است ، اما نشانه اش از محمد صلی الله علیه و آله و سلم قیام به شمشیر است .)) (۲۰) و در بعضی روایات ، نشانه ای از حضرت یوسف علیه السلام نیز ذکر شده و آن زندان است (۲۱) (شاید منظور دوری او از دوستانش که به منزله زندانی بودن او است) .

از ویژگیهای امام قائم (عج) اینکه : امام حسین علیه السلام فرمود:

((او از نظرها پنهان است تا کسی او را به بیعت خود نخواند، و او زیر پرچم هیچ رهبر ناشایستی نرود.)) (۲۲)

شوکت و قدرت فوق العاده امام علیه السلام

حضرت رضا علیه السلام در ضمن روایتی فرمود:

((قائم علیه السلام کسی است که هر گاه خروج کند، در سن پیری است اما سیمای جوان دارد، و آنچنان قدرت جسمی دارد که دستش را به بزرگترین درخت روی زمین بیاندازد، می تواند آن را از ریشه برکند، و اگر در میان کوهها صدایش را بلند کند سنگهای کوهها قطعه قطعه گردند، عصای موسی علیه السلام و انگشتر سلیمان علیه السلام همراه اوست .)) (۲۳) از ویژگیهای حضرت قائم (عج) اینکه : پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

((بهشت مشتاق چهار نفر از خاندان من است که خدا آنها را دوست دارد و مرا به دوستی با آنها فرمان داده است :

۱- علی بن ابیطالب علیه السلام ۲ حسن علیه السلام ۳ حسین علیه السلام ۴ مهدی (عج) که پشت سر مهدی (عج)

حضرت عیسی علیه السلام نماز می خواند.)) (۲۴)

و در روایت دیگر فرمود: ((ما خاندان عبدالمطلب سادات و بزرگان بهشت هستیم ، من و برادرم علی علیه السلام و عمویم

حمزه و جعفر و حسن و حسین و مهدی علیهم السلام .)) (۲۵)

شمائل حضرت مهدی علیه السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

((مهدی از ما خاندان است ، بلند پیشانی و بر آمده بینی است (که وسط بینی اش برآمدگی دارد). (۲۶)

و نقل شده : روزی حضرت علی علیه السلام به امام حسین علیه السلام نگاه کرد و فرمود:

این پسر آقا است چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را آقا خواند، و بزودی خداوند در صلب او مردی ظاهر سازد که همنام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شماس است ، و در صورت و سیرت شبیه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است ، وقتی که مردم در غفلت بسر می برند و حق زیر پا قرار گرفته و مرده شده و ظلم و جور آشکار گشته ، خروج می نماید، سوگند به خدا اگر خروج به قیام نکند، گردنش را می زنند، اهل آسمان و ساکنان آن از خروجش شاد می شوند، بلند پیشانی و برآمده بینی ، سطر شکم ، لاغر ران و در ران راستش ، خالی هست ، گشاده دندان می باشد، زمین را همچون که پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد کند.)) (۲۷)

از خصائص امام مهدی (عج) اینکه : حکومتش سراسر جهان را می گیرد، در این مورد مفسر معروف اهل تسنن قرطبی روایت می کند که جمیع کسانی که جهانگیر شدند چهار نفرند که دو نفرشان کافر بودند یعنی نمرود و بخت النصر و دو نفرشان مؤمن بودند یعنی : ذوالقرنین و سلیمان بن داود علیهما السلام و بزودی از امت اسلام پنجمین نفر حاکم سراسر زمین می شود و او مهدی (عج) است . (۲۸)

جایز جعفری گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم می فرمود:

((روزی عمر بن خطاب از امیرمؤمنان علی علیه السلام در مورد حضرت مهدی علیه السلام توضیح خواست .

علی علیه السلام فرمود: اما نامش ، حبیب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با من عهد کرده که نامش را نبرم تا خداوند او را مبعوث کند، امام سیمایش ، او جوان نه بلند قد و نه کوتاه قد، خوش صورت است ، مویش زیبا است ، و از سرش به شانه اش ریخته ، نور صورتش سیاهی موی سر و صورتش را تحت الشعاع قرار داده است .))

امام صادق علیه السلام فرمود:

((مهدی (عج) خروج نمی کند مگر در سالهای طاق مانند ۱ ۳ ۵ ۷ ۹.)) (۲۹)

لقب قائم علیه السلام و مهدی علیه السلام چرا؟

می پرسند:

چرا زمان علیه السلام با کلمه ((قائم)) و ((مهدی)) خوانده می شود، و اینکه بعضی با شنیدن لقب ((قائم)) برمی خیزند و می ایستند برای چیست؟

پاسخ:

در بسیاری از روایات، آن حضرت با لقب قائم (۳۰) و مهدی، یاد شده و در مورد قائم، بسیار می شد که در زمان ائمه علیهم السلام بر اثر ظلم و فساد و حاکمان غاصب، امامان به یاد امام زمان علیه السلام می افتادند و می فرمودند: ((قائم ما انتقام ما را خواهد گرفت)).

قائم یعنی قیام کننده، نظر به اینکه قیام و نهضت حضرت مهدی (عج) جهانی است و در تمام تاریخ بشر چنین قیام و حکومتی نبوده، آن حضرت با این عنوان خوانده می شود.

اما اینکه پیروان آن حضرت با شنیدن این لفظ و یا با تلفظ به این کلمه برمی خیزند و می ایستند، این کار یک نوع عمل مستحبی است و احترام و اظهار پیوند و انتظار آن حضرت است و ضمناً مردم را به یاد نهضت و قیام حضرت مهدی (عج) می اندازد و برای آنها تلقین عملی می شود که باید برخاست، نهضت کرد، امیدوار بود و به زمینه سازی برای ظهور و قیام جهانی رهبری معصوم و قاطع که امید پیامبران و امامان و همه مستضعفان جهان و قلب تپنده هستی است پرداخت. این کار حتی در زمان امام صادق علیه السلام در میان شیعیان معمول بوده، حتی نقل شده در خراسان در حضور حضرت امام رضا علیه السلام کلمه ((قائم)) ذکر شد، امام رضا علیه السلام برخاست و دستش را بر سر نهاد و فرمود: ((اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه؛))

((خداوندا بر فرجش شتاب کن، و راه ظهور و نهضتش را آسان گردان.)) (۳۱)

اما در مورد واژه مهدی، از این روست که امام زمان هدایت شده و هدایت کننده است.

امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی در این مورد فرمود:

((انما سمی القائم مهدیا لانه یهدی الی امر مصلول عنه و سمی القائم لقیامه بالحق؛))

آن حضرت را مهدی گویند، زیرا او مردم را به امری که گم کرده اند هدایت می کند، و قائم گویند چون به حق قیام

کند)). (۳۲)

از امام باقر علیه السلام سؤال شد چرا قائم را ((قائم)) خواندند؟

فرمود:

((زیرا یاد او فراموش می شود و بسیاری از معتقدان به امامت آن حضرت ، راه ناصحیح می روند.))

از آن حضرت سؤال شد چرا او را منتظر گویند؟ فرمود:

((زیرا برای او غیبتی طولانی است که روزهایش بسیار است افراد مخلص و پاک در انتظارش بسر می برند ولی افراد شکاک

و مردد او را انکار می کنند و منکران ، نامش را به مسخره می گیرند و تعیین کنندگان وقت بسیارند، عجله کنندگان در او به

هلاکت می رسند، مسلمانان در مورد او نجات می یابند.))

اقامتگاه حضرت مهدی علیه السلام کجاست ؟ (۳۳)

می پرسند:

امام قائم (عج) کجاست و آیا فرزند و همسر دارد؟

پاسخ :

از قواعد و روایات معصومین علیهم السلام استفاده می شود که امام قائم (عج) هم اقامتگاه مخصوص دارد و هم زن و

فرزند.

در مورد اقامتگاه آن حضرت نخست باید توجه داشت که آن حضرت همه ساله در مراسم عظیم حج شرکت می کند. (۳۴)

و بعضی از سعادتمندان در مراسم حج به محضرش شرفیاب شده اند.

همچنین هر جا که بخواهند از مشاهد مشرفه و... خواهد رفت .

اما در مورد اقامتگاه آن حضرت و فرزندان و بستگان و یاران مخصوص (اوتاد) چندین مکان ماند: مدینه ، دشت حجاز، کوه

رضوی ، کرعه (۳۵) و سرزمینهای دور دست و... گفته شده است .

در میان این گفتار آنچه بیشتر نظرها را جلب می کند این است که اقامتگاه آن حضرت و فرزندان و گروهی از خواص

یارانش در جزیره ای از دریای بزرگ می باشد.

از امام هادی علیه السلام داستانی نقل شده که خلاصه اش این است :

حضرت مهدی (عج) و فرزندان در جزیره هائی بسیار بزرگ و پهناور در دریا زندگی می کند و عدد شیعیان آنجا بسیار زیاد

است ، و فرزندان وی هر یک حاکم جزیره ای هستند و خدا بهتر می داند.(۳۶)

داستان جزیره خضراء

در داستانی که در مورد تشرف علی بن فاضل مازندرانی در سال ۶۹۰ هجری در جزیره ((خضراء)) از طرق بسیار موثق نقل شده حاکی است که اقامتگاه امام قائم علیه السلام و همسران و فرزنداش در جزیره ((خضراء)) است اینک اصل داستان را از کتاب اثبأ الهداء نقل می کنیم :

علامه مجلسی در بحار الانوار از یحیی بن فضل در کتاب ((رسالة البحر الابيض و الجزيرة الخضراء)) از علی بن فاضل مازندرانی مجاور نجف در حدیث بسیار طولانی چنین نقل می کند:

وارد شهری از شهرهای غرب (اسپانیا) شدم مرکبهای از بلاد امام عصر(عج) وارد آنجا شد، یکی از مسافرین آنها پیرمردی بود که چون مرا دید گفت : نام تو چیست ؟ گمان می کنم علی باشد.

گفتم : آری ،

گفت : نام پدرت چیست ؟ گویا فاضل باشد؟

گفتم : آری ، چه خوب نام من و پدرم را می شناسی .

گفت : بدان که نام و اصل و وصف و خصوصیات ترا برای من بیان کرده اند و من تا جزیره خضراء با تو هستم .

بسیار خوشحال شدم مرا با خود به دریا برد، روز شانزدهم به آب سفیدی رسیدیم ، پرسیدم اینجا کجاست ؟

گفت : بحر ابیض است و آن جزیره خضراء است که این آب سفید اطرافش را گرفته است و به حکمت خداوند چون کشتیها

و وسائل نقلیه دیگر دشمنان به اینجا رسند غرق می شوند و به آن حضرت دست نیابند. سپس وارد جزیره خضراء شدیم و

رفتیم در مسجد، شخصی بنام ((سید شمس الدین)) را دیدم که می گفت : من از نوه های امام عصر(عج) هستم ، پس از

گفتگوئی به او گفتم : هرگز امام را دیده ای ؟ گفت : نه ولی پدرم نقل کرد که صدای امام را شنیده ام و خودش را ندیده ام

و اما جدم ، هم خودش را دیده است و هم صدایش را شنیده است ، آنگاه با آن سید از شهر بیرون رفتیم و به پیرمردی

رسیدیم ، از سید احوال آن پیرمرد را پرسیدم ، گفت : این کوه را می بینی ، در وسط آن جای خرمی است و در آن چشمه ای

است و کنار چشمه ، قبه ای است و این مرد با رفیقش خادم آن قبه است ، من هر صبح جمعه می روم آنجا خدمت امام

عصر(عج) (البته با توجه به آغاز حدیث ، خود امام را نمی بیند و صدایش را نمی شنود) و در قبه دو رکعت نماز می خوانم و

کاغذی می یابم که در آن حکم مرافعه ای را که در هفته به من رجوع می کنند در آن نوشته ، کاغذ را برمی دارم و هر چه

در آن نوشته به آن عمل می کنم .

علی بن فاضل گوید: از خادمها خواهش کردم مرا به حضور امام (عج) ببرند، گفتند: راهی ندارد، آن رفیقم به من گفت : دستور آمده که تو را به وطن برگردانم ، برای من و تو مخالفت روا نیست .(۳۷)

ناگفته نماند که علی بن فاضل داستان خود را به طور مفصل در کتابی بنام ((الفوائد الشمسیه)) آورده است ، و ضمنا به احتمال قوی آن آب سفید که در داستان فوق آمده همانند یک حصار محکم و مجهز، دشمن را از آن جزیره دفع می کند. بعضی از نویسندگان به عنوان احتمال مطرح کرده اند که شاید این جزیره خضراء (با توجه به آب سفید و سایر خصوصیات که در داستان آمده بود) همان مثلث برمودا که از عجیب ترین و مرموزترین مکانهای روی زمین است و در غربی ترین اقیانوس اطلس قرار دارد باشد.

از عجائب مثلث برمودا اینکه هر هواپیما یا کشتی به حدود آن برود بطور اسرارآمیزی ناپدید می گردد، و جالب اینکه آبهای آن سفید است ، و هر روز خبر غرق شدن تعداد تازه ای از کشتیهای اقیانوس پیما در آبهای سفید ((مثلث برمودا)) به گوش رسیده است .

خلبانها و ملوانهائی که در این منطقه حوادثی را تجربه کرده اند گزارش داده اند که در مسیر خود، به صورت اسرارآمیزی تغییر جهت حاصل شده و به مناطقی که تصمیم نداشته اند هدایت شده اند.(۳۸) این هم یک احتمالی است ، که باید دانشمندان و محققان بیشتری کنند.

فقط در اینجا اضافه می کنیم : یکی از دعاهای حضرت مهدی (عج) این است که :

((اللهم احببني عن عيون اعدائي و اجمع بيني و بين اوليائي ؛))

خدایا مرا از دیدگان دشمنانم پوشیده بدار و بین من و دوستانم اجتماع حاصل کن .(۳۹)

به مقتضای استجاب این دعا، اقامتگاه آن حضرت از دشمنان محفوظ خواهد بود. و ممکن است همین مطلب تاءییدی باشد که آن جزیره ، در مثلث برمودا است .

از سوی دیگر غیر از همسر و فرزندان ، جمعی از دوستانش که طبق روایت سی تن از ((اوتاد)) و برجستگان هستند (۴۰) همواره در خدمت آن حضرت بسر می برند.

بهر حال باید با ذکر اشعار حافظ گفت :

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور

کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

دور گردون گرد و روزی بر مراد ما نگشت

دائما یکسان نماند حال دوران غم مخور

هان مشو نومید چون واقف نه ای ز اسرار غیب

باشد اندر پرده بازیهای پنهان غم مخور

حال ما در فرقت جانان و ابرام رقیب

جمله می داند خدای گردان غم مخور

به گفته ملا محسن فیض کاشانی :

ای تو ما را راحت جان الغیث

دردها را جمله درمان الغیث

ای سرو سرکرده هر سروری

نیست ما را بی تو سامان الغیث

ثائم آل پیامبر(عج) دست گیر!

بی توام افتادن و خیزان الغیث

کار شرع از دست شد بیرون خرام

تازه کن آئین ایمان الغیث

عالمی گردید مالا مال شر

از جفا و جور و طغیان الغیث

خون ما خوردند این دجالیان

مهدی و هادی دوران الغیث

فیض شد دلتنگ صحرای فراق

مونس دل راحت جان الغیث

توضیح دیگر اینکه :

براساس داستان ((علی بن فاضل)) فرزندان حضرت ولی عصر(عج) در جزیره ای بنام خضراء در اقیانوس اطلس، زندگی می کنند، و شخص آن بزرگوار همه ساله در موسم حج شرکت نموده، پس از زیارت آباء و اجداد طاهرینش در حجاز، عراق و طوس به جزیره باز می گردد و غالب اقامت آن بزرگوار در همان جزیره است. (۴۱)

نشانه های خود حضرت چیست؟

پاسخ:

مقداری از نشانه های قائم (عج) در ضمن این کتاب آمده است، ولی در اینجا نیز به چند نشانه اشاره می کنیم:

امام صادق علیه السلام فرمود:

((امامت امت (۴۲) صلاح نیست مگر برای شخص که دارای سه خصلت باشد:

۱- سزاوارترین مردم به امام قبل.

۲- اسلحه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در نزد او باشد.

۳- امام سابق، او را به طور آشکار، وصی خود کرده باشد.)) (۴۳)

اباصلت هروی گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم نشانه قائم (عج) در وقت خروج چیست؟

فرمود: ((او در سن پیران است ولی سیمای جوان دارد ناظران به او گمان می برند که چهل سال یا کمتر دارد، او با مرور شب

و روز پیر نمی شود تا پایان عمرش فرا رسد.)) (۴۴)

مرحوم صدوق رحمه الله از امام باقر علیه السلام نقل می کند:

((نخستین سخنی که حضرت مهدی (عج) پس از قیام خود می فرماید این است:))

((من بقیة الله و حجت و خلیفه خدا بر شما هستم))

سپس هیچ کس بر او سلام نمی کند بر او سلام نمی کند مگر اینکه می گوید:

((السلام علیک یا بقیة الله فی ارضه:))

((سلام بر تو ای بقیه (ذخیره بادوام) خدا در زمین خدا.)) (۴۵)

قبلا گفتیم امام قائم (عج) در تمام جهات شباهت به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دارد حتی در قیافه و روش و

خصوصیات.

نیز امام علیه السلام فرمود:

((در مکه تعداد بیعت کنندگان به ۱۰/۰۰۰ نفر می رسند، و در سراسر زمین معبودی جز خدا یافت نمی شود و همه معبودهای

باطل ، آتش می گیرند...)) (۴۶)

امام صادق علیه السلام فرمود:

((شب ۲۳ ماه رمضان ندا بنام امام قائم (عج) بلند شود، و آن حضرت در روز عاشورا که در آن امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، قیام کند، گویا روز شنبه دهم محرم را می نگرم که آن حضرت بین حجرالاسود و مقام ابراهیم علیه السلام و در کنار کعبه ایستاده و جبرئیل در حضورش است ، اعلام بیعت می شود که همه شیعیان و طرفداران او از اطراف جهان به مکه آیند و با او بیعت کنند، زمین برای آنها در نور دیده می شود (که زودتر برسند)، پس آنگاه خداوند زمین را که پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد کند.)) (۴۷)

شخص پنج ساله چگونه امام می شود؟

می پرسند:

حضرت قائم (عج) هنگام شهادت پدر در سال ۲۶۰ هجری قمری پنج سال داشت و پس از پدر امام بر مردم بود، آیا یک نفر پنج ساله می تواند امامت کند؟

پاسخ :

اگر کودکی ، بخاطر استعدادهای فوق العاده که خدا به او داده ، در اوج کمال بود، چه مانعی دارد امام مردم شود، مانند حضرت عیسی علیه السلام که به فرموده قرآن در سن کودکی ، پیغمبر و حجت خدا شد و مانند بوعلی سینا و امثال او. (۴۸) و در دنیا گاهی کودکان استثنائی و نابغه بسیارند مانند: ((سید محمد طباطبایی قمی در عصر ما که در پنج و نیم سالگی حافظ همه قرآن شد، و هم اکنون (۴۹) که حدود هفت سال دارد، دروس حوزوی را می خواند، و آن چنان بر معنای آیات قرآن ، مسلط است ، که در گفتگو، با آیات قرآن سخن می گوید و به سؤالات جواب می دهد. (۵۰) و مانند توماس یونگ و امثال او که در دو سالگی خواندن و نوشتن را می دانست و در هشت سالگی به تنهائی به آموختن ریاضیات پرداخت (۵۱) بسیارند و اینها حکایت از آن می کند که چنین چیزی محال نیست وقتی محال نبود قدرت خدا به آن تعلق خواهد گرفت .

ما امامان دیگری مانند امام جواد و امام هادی علیه السلام نیز داریم که قبل از بلوغ به امامت رسیده اند.

چرا این همه سخن از مهدی (عج)

می پرسند:

چرا از حضرت مهدی (عج) آن همه سخن به میان آمده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و همه ائمه علیهم السلام در فرصتهای مختلف از آن حضرت سخن گفته اند، حتی به جزئیات و شمائل و خصوصیات مربوط به آن حضرت تصریح کرده اند... که درباره هیچ یک از ائمه علیهم السلام چنین نیست ؟

پاسخ :

این همه توجه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان به حضرت مهدی (عج) و ذکر ویژگیهای شخص آن حضرت و قیام او... به خاطر چند جهت است :

- ۱- مردم در طول زمان ، خود را آماده ، ظهور آن حضرت کنند و با داشتن هدف مشخص ، دنبال آن حضرت را بگیرند تا حکومت جهانی از دست استکبار جهانی بیرون آید و بدست صالحان قرار گیرد و این کار با نهضتهای اسلامی عمیق و پی گیر قابل اجرا است .
- ۲- ذکر خصوصیات برای آن است که افراد دروغگو که از معتقدات مذهبی مردم سوء استفاده کرده و در طول تاریخ خود را همان مهدی موعود خوانده اند، شناخته شوند و رسوا گردند.
- ۳- اهمیت مهدی (عج) و انقلابش که امید همه در همه جهان در تاریخ است ، نیز عاملی است که قبل از ظهورش از آن حضرت سخن بسیار به میان آید و قلبها و روحها بنام نام آن حضرت سرشار از امید و توجه به آینده روشن گردد، و مؤمنان و مستضعفان بدانند که خداوند آنها را به خودشان واگذار نکرده ، آنها حجت بر حق دارند، رهبری معصوم ، پشتیبان آنها است ، با چنین پشتیبانی از هیچ چیز و هیچ کس نهراسند و تحت رهبری او به پیش روند.
- و در طول زمان غیبت ، با توجه به اوصاف او، دریابند که چه کسی می تواند به نیابت عام آن حضرت ، زمام امور و رهبری را بدست گیرد، دریابند که باید نزدیکترین فرد به این خصوصیات و اوصاف ، بر مسند نیابت عام آن حضرت بنشیند و به عنوان ولایت فقیه مردم را رهبری کند.
- اما اگر این خصوصیات ذکر نمی شد و این همه اهمیت به آن داده نمی شد، مردم در بسیاری از امور سیاسی و اجتماعی و معنوی ، راه را گم می کردند و از صراط مستقیم به سوی شرق و غرب پناه می بردند.

آیا تلفظ بنام مقدس حضرت قائم (عج) جایز است ؟

پاسخ :

مشهور بین جمعی از محدثان و راویان آن است که تکلم به نام اصلی امام عصر(عج) حرام است ولی تلفظ به القاب آن حضرت مانند مهدی، حجت، قائم و... حرام نیست.

اینک این سؤال پیش می‌آید آیا این حکم مخصوص زمان غیبت صغری بوده است همانگونه که علامه مجلسی (در جلد ۱۳ بحار، چاپ قدیم) از بعضی از علماء نقل کرده و یا در هر زمان و مکانی تا موقعی که حضرتش ظهور کند حرام است؟ و اینکه حرمت تلفظ نام مقدس آن حضرت بستگی به موارد خاصی مانند تقیه و ترس دارد که اگر موارد ترس و تقیه نباشد جایز است؟

و آیا این مسئله اختصاص به آن بزرگوار دارد یا درباره سایر امامان علیه السلام نیز جاری است؟ دانشمند معروف شیعه، علامه عالی مقام شیخ حر عاملی در کتاب وسائل الشیعه در آغاز و آخر بابی که به همین عنوان در کتاب مذکور اختصاص داده. (۵۲)

همین قول را انتخاب کرده که در مورد تقیه و خوف، تلفظ بنام آن حضرت حرام است و در غیر موارد تقیه و خوف حرام نیست. (۵۳)

بررسی روایات: این مسأله

ما در اینجا نخست به تجزیه و تحلیل و بررسی روایاتی که در این مورد رسیده می‌پردازیم و پس از نتیجه گیری نظر خود را خاطر نشان خواهیم ساخت.

روایاتی که در این مورد به ما رسیده، پس از بررسی به چهار قسم تقسیم می‌شوند:

۱- قسم اول روایت:

پاره ای از روایاتی که در این مورد رسیده، دلالت دارند که تلفظ نام مبارک حضرت ول عصر(عج) به طور مطلق (در هر زمان و مکانی در هر شرایطی) بی آنکه جای تقیه باشد حرام است و در این قسم روایات، علت خاصی ذکر نشده است، در اینجا بذکر چند نمونه از این قسم روایات می‌پردازیم.

۱- مرحوم کلینی رحمه الله از علی بن رثاب رحمه الله نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود:

((صاحب هذا الامر لا یسمیه باسمه الا کافراً))

نام مبارک صاحب این امر (حضرت ولی عصر عج) را هیچ کس جز شخص کافر نمی‌برد. (۵۴)

۲- و نیز مرحوم کلینی از ریان بن صلت نقل می‌کند که گفت:

((سمعت ابا الحسن الرضا عليه السلام و سئل عن القائم قال : لا يرى جسمه و لا يسمى اسمه ؛))

از حضرت رضا عليه السلام در مورد سؤالی که پیرامون حضرت قائم (عج) شده بود شنیدم فرمود: ((جسمش دیده نمی گردد، و نامش برده نمی شود)) (۵۵)

۳- مرحوم صدوق رحمه الله در کتاب اکمال الدین از صفوان بن مهران نقل می کند که شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: مهدی (عج) که از فرزندان تو است کیست ؟
فرمود:

((الخامس من ولدی السابع یغیب عنکم شخصه و لا یحل لکم تسميته ؛))

((مهدی پنجمین امام از فرزندان امام هفتم است وجود مقدسش از شما پنهان می شود و برای شما بردن نام او جایز نیست)) (۵۶)

۴- و نیز مرحوم صدوق رحمه الله در کتاب نامبرده از محمد بن عثمان بن عمری رحمه الله نقل می کند که گفت : برایم دستخطی (توقیع) پدیدار شد که با آن دستخط آشنا بودم (۵۷)
به این عبارت :

((من سمانی فی مجمع من الناس فعليه لعنة الله ؛))

((کسی که در میان اجتماع مردم ، نام مرا ببرد، لعنت خدا بر او باد.)) (۵۸)

۵- مرحوم صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین از حضرت عبدالعظیم حسنی رحمه الله نقل می کند که امام محمد تقی علیه السلام درباره حضرت قائم (عج) فرمود:

((ینفی علی الناس ولادته و یغیب عنهم شخصه و تحرم تسمیه و هو سمی رسول الله و کنیته ؛))

((تولد آن حضرت بر مردم مخفی است ، وجود او از انتظار آنان پنهان است و بر آنان بردن نام او حرام می باشد، او هم نام و هم کنیه ، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است)) (۵۹)

و روایت دیگری که در این معنی به ما رسیده است .

۲- قسم دوم از روایات :

پاره ای از روایات که در این مورد وارد شده به روشنی دلالت دارد بر ترک نام بردن آن حضرت تا موقعی که قیام می کند و سراسر زمین را همانگونه که پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد می نماید، اینک نظر شما را به چند نمونه از آنها جلب می کنیم :

۱- علامه مجلسی رحمه الله در کتاب بحارالانوار از محمد بن زیاد از دی رحمه الله نقل می کند که امام موسی بن جعفر علیه السلام هنگامی که از امام قائم (عج) سخنی به میان آمد فرمود:

((خفی علی الناس ولادته و لا یحل لهم تسميته حتی یظهره عزوجل فیملاء به الارض قسما و عدلا، کما ملئت ظلما و جورا؛))

((تولد حضرت قائم (عج) بر مردم پنهان است، نام بردن او برای آنان جایز نیست تا وقتی که خداوند متعال او را ظاهر کند، و به وسیله او زمین را همانگونه که پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد نماید.)) (۶۰)

۲- علامه مجلسی رحمه الله از حضرت عبدالعظیم حسنی روایت می کند که اما هادی (عج) درباره حضرت قائم (عج) فرمود:

((لا یحل باسم حتی یرج یملاء الارض قسما و عدلا کما ملئت ظلما و جورا...؛))

((یاد کردن حضرت قائم (عج) بنام جایز نیست تا وقتی که نهضت کند و زمین را همان گونه که پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد نماید.)) (۶۱)

۳- مرحوم کلینی رحمه الله به سند خود از ابن هاشم داود بن قاسم جعفری رحمه الله نقل می کند که امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود:

((و اشهد علی رجل من ولد الحسن لایسمی و لا یکنی حتی یظهر امره فیملها عدلا کما ملئت)) (جورا انه القائم بامر الحسن بن علی علیه السلام ؛))

گواهی می دهم به آمدن مردی از فرزندان امام عسکری علیه السلام که نام و کنیه اش برده نمی شود تا قیامتش ظاهر گردد، زمین را همان گونه که پر از جور شده پر از عدل و داد کند، اوست که به امر جانشینی از امام حسن عسکری علیه السلام می پردازد.)) (۶۲)

۴- مرحوم صدوق در کتاب اکمال الدین به سند خود از حضرت عبدالعظیم حسنی نقل می کند که وی (حضرت عبدالعظیم) اعتقادات خودش را در محضر امام هادی علیه السلام عرضه داشت و (در ضمن) به امامان یکی پس از دیگری بنام اقرار کرد تا اینکه به امام دهم عرض کرد: ای سرور من! پس از اینها امام من شما هستید؟
حضرت فرمود:

((و من بعدی ابنی الحسن فکیف للناس بالخلف من بعده؟))

قلت: فکیف ذلک؟

قال: لانه لا یری شخصه و لا سحل ذکره باسمه حتی یخرج فیملاء الارض قسطا و عدلا الی ان قال هذا دینی و دین آبائی؛))

((اما بعد از من فرزندان حسن علیه السلام است، پس حال مردم نسبت به جانشین بعد از او چگونه است، عرض کردم: (برای چه؟) چگونه است؟

فرمود: زیرا او دیده نمی شود و بردن نامش جایز نیست تا وقتی که قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید تا اینکه فرمود
دین و عقیده من و پدرانم همین است.)) (۶۳)

۳- قسم سوم از روایات:

پاره ای از روایات دلالت دارند که نام بردن حضرت مهدی (عج) جایز نیست و در همین روایات عدم جواز نام بردن حضرت به خوف و ترس از ضرر تعلیل شده است به عنوان نمونه به این چند روایت ذیل وقت کنید:

۱- مرحوم کلینی رحمه الله به سند خود از علی بن محمد از ابو عبدالله صالحی رحمه الله نقل می کند که گفت: پس از درگذشت امام حسن عسکری علیه السلام، اصحاب ما از من خواستند که اسم و مکان حضرت مهدی (عج) را سؤال کنم (پس از سؤال) جواب آمد:

((ان دللتم علی الاسم اذا دعوه و ان عرضو المكان دلوا علیه؛))

((اگر آنها را به اسم حضرت مهدی (عج) آگاه سازید آن را ظاهر می سازند، اگر مکانش را بشناسند بر ضد او اقدام می کنند.)) (۶۴)

محدث بزرگ شیخ حر عاملی رحمه الله پس از نقل این حدیث می گوید این حدیث دلالت دارد که نهی ائمه اطهار علیهم السلام از نام بردن حضرت مهدی (عج) مخصوص مواردی است که خوف از ضرر و بروز فساد باشد.

۲- نیز مرحوم کلینی رحمه الله از عبدالله بن جعفر حمیری رحمه الله نقل می کند: که شخصی از محمد بن عثمان رحمه الله (نایب خاص دوم) پرسید: آیا جانشین حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را دیده ای؟ او در پاسخ گفت: آری به خدا سوگند، تا اینکه پرسید اسمش چیست؟

در پاسخ گفت:

((فالاسم محرم علیکم ان تساءلوا عن ذلک من عندی فلیس لی ان احلل و لا احرم ولکن عنه علیه السلام فان الامر عند السلطان ابا محمد مضی و لم یخلف ولدا (الی ان قال) و اذا وقع الاسم وقع الطلب فاتقوا الله وامسکوا عن ذلک؛)) اما در مورد نام بردن از حضرت مهدی (عج) پرسش کردن از آن، بر شما حرام است، این را از پیش خود نمی گویم، برای من روا نیست که پیش خود چیز حلال را حرام و یا حرام را حلال کنم ولی حکم امام را گفتم، زیرا زمامدار وقت چنین تصور می کند که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا چنین تصور می کند که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا رفت و فرزندى بجای نگذاشت تا اینکه گفت: هر گاه نام حضرت مهدی علیه السلام برده شود نتیجه اش طلب کردن (دشمنان) از اوست، بپرهیزید از خدا و از این مطلب دوم فروبندید.)) (۶۵)

این روایت همانند روایت است که با صراحت و روشنی دلالت دارد بر اینکه نهی از نام بردن حضرت، به خاطر خوف و رسیدن ضرر به آن بزرگوار است، چه آنکه وقتی نام او شناخته شد. دنبالش به جستجوی او خواهند پرداخت از این رو امام علیه السلام از بردن نام آن حضرت نهی فرموده، بلکه از نام بردن آن حضرت به طور مبهم رد شده، تا کسی که آن را نمی داند به آن مطلع نشود، لذا کسی که می داند بر او اظهار آن نام حرام است.

۳- مرحوم صدوق رحمه الله در اکمال الدین از علی بن عاصم کوفی رحمه الله نقل می کند که در میان توقیعات (دست خطهای) امام زمان علیه السلام این جملات پدیدار شده:

((ملعون ملعون من سمانی فی محفل من الناس؛))

مشمول لعنت است کسی که نام مرا در میان اجتماعی از مردم ببرد.)) (۶۶)

اینکه حضرت شمول لعنت را مقید بنام نموده در میان اهل سنت (و بنی عباس) دلیل آن است که در غیر اجتماع آنها نام بردن آن حضرت جایز است.

بنابراین که بگوئیم قید در این گونه موارد دلالت بر مفهوم دارد (بنابراین) نهی امام علیه السلام به خاطر رعایت تقیه است.

۴- نیز مرحوم صدوق رحمه الله از محمد بن همام رحمه الله نقل می کند که : محمد بن عثمان عمری گفت :

((خرج توقيع به خط عرفته من سمانی فی مجمع من الناس فعليه لعنة الله))

در توقیعی که آن را می شناختم از حضرت ولی عصر(عج) است چنین پدیدار شد: کسی که نام مرا در میان جمعیتی از مردم ببرد لعنت خدا بر او باد.(۶۷)

دلالت این حدیث بر این که حرمت نام بردن حضرت مهدی (عج) مخصوص موارد خوف و ضرر است همانند دلالت حدیث قبل است .

۵- علامه مجلسی رحمه الله نقل می کند که ابن خالد کابلی رحمه الله گفت :

هنگامی که امام سجاد علیه السلام از دنیا رفت ، به حضور امام باقر علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم قربانت گردم حتما اخلاص و انس و الفت مرا نسبت به پدر بزرگوارت و وحشت مرا از مردم می شناسی .(۶۸)

امام باقر علیه السلام فرمود: آری راست می گوئی اینک منظورت چیست ؟

عرض کردم : قربانت گردم ، پدرت آن چنان صاحب این امر (حضرت مهدی (عج) را برایم توصیف کرده که اگر او را در راهی ببینم دستش را می گیرم .

حضرت فرمود: ای ابو خالد منظورت چیست ؟

گفتم : می خواهم نام حضرتش را برایم بگوئی تا او را بنام بشناسم .

فرمود:

((ساءلتنی و الله یا ابا خالد عن سوء ال مجهد و لقد ساءلتنی عن امر لو ان بنی فاطمة عرفوه حرصوا علی ان یقطعوا بضعته))

ای ابو خالد به خدا سوگند از من سوء ال ناراحت کننده ای می پرسی ، از موضوعی می پرسی که به کسی از آن خبر نداده ام تا به تو خبر دهم ، از مطالبی سوء ال می کنی که اگر فرزندان حضرت فاطمه علیهاالسلام او را می شناختند حرص آن داشتند

که او (حضرت مهدی) را قطعه قطعه کنند.(۶۹)

این که می گوید اگر فرزندان فاطمه علیهم السلام او را می شناختند... دلالت دارد بر این که عده ای از آنها قصد ضرر

رساندن به حضرت مهدی (عج) را داشتند، تا چه رسد به غیر آنها. از این رو امام باقر علیه السلام آن حضرت را به نام یاد

نکرد تا نامش پوشیده بماند و شناخته نشود و دستهای مخالفان به آن حضرت نرسد، از ترس آنکه مبادا به وجود مقدسش

ضرری برسد...

نتیجه اینکه : روایات قسم سوم بیانگر این است که پوشاندن نام حضرت مهدی (عج) به خاطر امر تعبدی خاص نیست ، بلکه تنها به ملاک تقیه (با آن شرایطی که دارد)، می باشد.

۴- قسم چهارم از روایات :

پاره ای از روایات که در این مورد به ما رسیده دلالت دارند که خود ائمه اطهار علیهم السلام یا اصحابشان در موارد متعددی حضرت مهدی (عج) را بنام یاد کرده اند.

بی آنکه ائمه علیهم السلام اصحاب خود را از این کار نهی کنند به این چند نمونه از روایات ذیل که این معنی را تأیید می کند دقت کنید:

((ان ابا محمد الحسن بن علی العسکری بعث الی بعض من سماه ، شاء مذبوحه و قال : هذه من عقیقه ابني محمد؛))

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام برای بعضی از افراد که نام آنها را برده ، گوسفند ذبح شده ای را فرستاده و فرمود:

این گوسفند عقیقه (۷۰) فرزندم محمد (حضرت مهدی (عج) است . (۷۱)

این روایت دلالت دارد که ائمه علیهم السلام صریحاً اسم حضرت مهدی (عج) را می بردند و ضمناً اجازه به دیگران نیز داده اند.

۲- مرحوم صدوق نقل می کند: ابوغانم خادم گفت :

((ولد لابی محمد علیه السلام مولود فسماه محمدا و عرضه علی اصحابه یوم الثالث و قال هذا صاحبکم من بعدی و خلیفتی

علیکم و هو القائم (عج)؛))

برای امام عسکری علیه السلام فرزندی متولد شد، او را محمد نامید، روز سوم او را به اصحاب خود نشان داده و فرمود: این

نوزاد بعد از من سرپرست و رهبر شما و جانشین من نسبت به شماست و قائم ((عج)) همین است .)) (۷۲)

این حدیث گر چه دلالت آشکار ندارد که ائمه اطهار علیهم السلام نام مبارک حضرت مهدی (عج) را برده اند، ولی اگر نام

بردن آن حضرت ممنوع بود ابوغانم خادم ، نام او را بر زبان نمی آورد، بلکه این حدیث ((بطور اجمال)) دلیل آن است که

امام حسن عسکری علیه السلام برای ابوغانم و امثال او تصریح به نام حضرت مهدی (عج) کرده است .

۳- مرحوم صدوق رحمه الله از مرحوم کلینی رحمه الله و او از اعلان بن رازی رحمه الله و او از بعضی اصحاب نقل می کند:

((وقتی همسر حضرت امام عسکری علیه السلام باردار شد، امام حسن علیه السلام به او فرمود:

((ستحمیلین ولدا و اسمہ محمد و هو القائم من بعدی ؛))

بزودی پسری را حمل می کنی که نامش ((محمد)) است قائم بعد از من اوست .)) (۷۳)

نقل این احادیث بطور اجمال گواه بر جواز نام بردن آن حضرت است .

۴- نیز مرحوم صدوق رحمه الله از ابن نصره رحمه الله و او از امام باقر علیه السلام نقل می کند که جابر بن عبدالله انصاری رحمه الله گفت :

((در نزد حضرت فاطمه زهراء علیهاالسلام صحیفه درخشانی یافتیم که در آن نام ائمه اطهار علیهم السلام از فرزندانش مذکور بود، آنگاه جابر آنها را به ردیف خواند تا گفت :

((ابوالقاسم محمد بن الحسن حجد الله على خلقه القائم امه جارية اسمها نرجس ؛))

ابوالقاسم محمد فرزند امام حسن عسکری ، حجت خدا بر آفریده هایش که قائم است ، مادرش کنیز و نرجس نام داشت .))
نقل کردن همه راویان این روایات به اضافه جابر، دلیل آن است که چنین نیست که نام بردن حضرت مهدی (عج) به طور کلی در همه جا و همه حالات ممنوع می باشد.

۵- نیز مرحوم صدوق رحمه الله از ابن جارود رحمه الله و او از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود:

((پدرم از پدرش نقل کرد که امام علی علیه السلام روی منبر فرمود: در آخر زمان مردی از فرزندانم خروج و قیام می کند سپس اوصاف و احوال حضرت قائم (عج) را تشریح کرد و آنگاه فرمود:
(له اسمان ، اسم یخفی فاحمد و اما الذی یعلن فمحمد...))

او دو نام دارد یک نامش پنهان است که عبارت از احمد می باشد، اما نام دیگری که آشکار است محمد است .)) (۷۴)
این روایت دلالت دارد که تصریح بنام حضرت به گفتن محمد، حتی بالای منبر جایز است .

۶- نیز مرحوم صدوق رحمه الله با اسناد بسیاری از حسن بن محبوب رحمه الله و او از ابن داود رحمه الله و او از امام باقر علیه السلام نقل می کند که جابر رحمه الله گفت :

((بحضور حضرت فاطمه علیهاالسلام شرفیاب شده و در مقابل او لوح و صفحه ای دیدم که در آن نامهای اوصیاء از فرزندان آن بانوی بزرگوار مذکور بود، شمردم دوازده نفر بودند که آخر آنها حضرت قائم (عج) بود.

((ثلثة منهم محمد و اربعة منهم علی ؛))

نام سه نفر از آنها محمد بود (یعنی امام پنجم و امام نهم و امام مهدی (عج) و نام چهارم نفر آنها علی بود یعنی امام اول و چهارم و هشتم و دهم .)) (۷۵)

۷- نیز مرحوم صدوق رحمه الله از مفضل بن عمر رحمه الله نقل می کند که گفت :

به حضور امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم : برای ما ائمه بعد از خود را معرفی بفرمائید، فرمود: ((الامام بعدی ابنی موسی و الخلف المأمول المنتظر محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی ؛))

امام بعد از من فرزند موسی علیه السلام است ، جانشینی که مورد آرزو و انتظار مردم است ، او محمد فرزند حسن ، فرزند علی ، فرزند محمد، فرزند علی ، فرزند موسی می باشد. (۷۶)

۸- علامه طبرسی رحمه الله در کتاب اعلام الوری از محمد بن عثمان عمری رحمه الله و او از پدرش نقل می کند که امام عسکری علیه السلام در خبری که از پدرانش نقل می فرمود بیان داشت :

((زمین هیچگاه خالی از حجت خدا بر مخلوقاتش نیست و کسی که از دنیا برود ولی امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است ، و این مطلب حق است همانگونه که روز، حق است .

شخصی از آن حضرت پرسید: امام و حجت بعد از تو کیست ؟ فرمود:

((ابنی محمد هو الامام و الحجة بعدی فمن مات و لم يعرفه مات میتة جاهلیة ؛))

پسرم محمد امام و حجت بعد از من است کسی که از دنیا برود ولی او را نشناخته باشد، مانند مردگان دوران جاهلیت مرده است .)) (۷۷)

و روایت دیگری که به این مطلب دلالت دارند.

نظر علامه بزرگوار شیخ حر عاملی رحمه الله :

محدث و دانشمند معروف شیخ حر عاملی صاحب کتاب وسائل الشیعه در آخر باب ۳۳ از ابواب امر به معروف ، مطلب بسیار خوبی گفته است آنجا که می گوید:

((درباره تصریح بنام حضرت مهدی (عج)، امر بنام بردن آن حضرت به طور عموم ، یا خصوص ، یا صراحت ، یا اشاره و

ابتداء، و یا به عنوان تقریر و بیان کردن ، در روایات و زیارتها و دعاها و تعقیبات نماز و تلقین میت و... جدا بسیار است .))

(۷۸)

و در پاورقی (وسائل ، ج ۱۱، ص ۴۹۲) به نقل از شیخ حر عاملی رحمه الله آمده :

جماعتی از علماء ما در کتاب حدیث و اصول و کلام و... تصریح بنام حضرت مهدی (عج) کرده اند که از آنها علامه حلی رحمه الله و محقق رحمه الله و مقداد رحمه الله و سید مرتضی رحمه الله و شیخ مفید و ابن طاووس رحمه الله و... می باشند، ولی علمایی که نام بردن آن حضرت را حرام دانسته کم هستند، ما این مطالب را در رساله جداگانه ای بحث کرده ایم . این بود آنچه که در این مورد از روایات مختلف و گفتار اصحاب وارد شده است .

شکی نیست که قول به حرمت نام بردن آن حضرت (عج) تعبداً، سخنی خالی از تحقیق است ، گر چه بعضی از بزرگان به آن تصریح نموده اند، بلکه ظاهر آن است که : ممنوعیت نام بردن آن حضرت بستگی به وجود ملاک تقیه دارد، ولی در غیر موارد تقیه مانند امثال زمان ما بنابر تحقیق حرام نیست .

ایردای بر کلام علامه مجلسی رحمه الله

آنچه علامه مجلسی پس از ذکر پاره ای از روایات که دلالت بر ممنوعیت نام بردن آن حضرت تا هنگام ظهورش دارد (۷۹) می گوید:

((قول به اینکه لحن روایات صراحت دارند که حرمت نام بردن امام عصر(عج) مخصوص زمان غیبت صغری نیست که بعضی آن را به اتکا برخی علل استنباط کرده و با استبعاد و عمی اختصاص به این زمان داده اند)) جدا مردود است ، چه آنکه دانستنی که این اختصاص به اتکاء علل استنباط شده و استبعاد و همی نیست بلکه در روایات متعدد که کمتر از روایات دیگر نیست تصریح به عدم اختصاص ممنوعیت بردن نام آن حضرت به عصر غیبت صغری شده است ، به اضافه روایاتی که به روشنی دلالت بر جواز و تصریح بنام آن حضرت دارند (که در قسم چهارم از روایات ، آنها را شناختی که از نظر عدد زیادت و از نظر دلالت قوی تر از روایات دیگر بودند).

نتیجه بحثها:

کوتاه سخن آنکه : ممنوعیت و حرمت نام بردن حضرت مهدی (عج) بستگی به خوف و ترس رسیدن ضرر به خود آن حضرت یا طبق میزانهای معتبری که در تقیه گفته شده دارد و در غیر مورد تقیه جایز است به چند دلیل :

۱- این مطلب (حرمت در موارد تقیه ، جواز در غیر آن موارد) یگانه راه جمع بین روایات و حمل کردن روایات مطلق آن بر روایات مقید می باشد (به عبارت روشنتر) روایات مطلق (بدون قید) یعنی همان قسم اول از روایات و قسم دوم نیز که خاطر نشان شد (۸۰) بوسیله قسم سوم که دلالت داشتند بر این که حرمت نام بردن حضرت مهدی (عج) بستگی به موارد تقیه دارد، مقید می گردد نتیجه اینکه منظور از عدم جواز نام بردن ، در قسم اول و دوم از روایات در مورد تقیه است .

و اگر این راه را نپذیریم (طبق دستور تعارض روایات) وقتی که قسم اول و دوم از روایات با قسم سوم تعارض کردند از اعتبار ساقط می شوند اگر گفتیم که هر یک از این اقسام به حساب زیاد بودن آنها قطعی یا همانند قطعی هستند. (۸۱)

بنابراین که اسناد این روایات ظنی است (نه قطعی) قائل به تخییر (و انتخاب هر کدام از روایات) می شویم و در این صورت نیز حکم، به جواز تصریح به نام حضرت مهدی (عج) خواهد بود.

قوی ترین قرائن و علائم بر صحت راه جمعی که خاطر نشان ساختیم قسم چهارم از روایات است که دلالت صریح و روشن بر جواز اجمالی نام بردن حضرت را داشتند.

کاش می دانستیم که قائل به حرمت نام حضرت قائم (عج) بطور مطلق در همه شرایط و زمانها درباره این روایات قسم چهارم که جدا بسیار هستند چه می گوید؟ آیا طرد و نادیده گرفتن همه آنها با اکثریتی که دارند ممکن است؟ به علاوه فتوای بسیار از اصحاب ما بر طبق آن روایات است، آیا ممکن است که در مقام تعارض غیر قسم چهارم از روایات را بر قسم چهارم ترجیح دهیم؟

چنین نیست، بلکه هیچ راه حلی جز همان راه جمعی که ذکر کردیم نیست.

۲- احادیث بسیاری از طرق اهل بیت علیهم السلام و اهل تسنن وارد شده که در آنها تصریح گشته است که اسم مهدی (عج) همان اسم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و کنیه حضرت مهدی (عج) نیز همان کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد.

و روشن است که این مطلب در قوه و ردیف نام بردن حضرت مهدی (عج) است، زیرا ظاهر بعضی از روایاتی که دلالت بر ممنوعیت نام بردن آن حضرت را دارند آن است که این ممنوعیت باید طوری باشد که انسانهای مورد خطاب ندانند که اسم شریف آن حضرت چیست، نه اینکه محض تلفظ بنام آن حضرت ممنوع باشد.

مگر این که گفته شود: گر چه مفاد بعضی از اخبار دلالت بر ممنوعیتی دارد که ندانند نام حضرت مهدی (عج) چیست؟ ولی این روایات با بعضی دیگر از روایاتی که تنها تلفظ بنام امام علیه السلام را حرام می دانند نه دلالت بر آن را اگر چه به قسمی از اقسام کنایه باشد، منافات دارد (دقت کنید).

۳- قول به حرمت تلفظ بنام شریف آن حضرت بی آنکه موارد تقیه یا محذور دیگری باشد با قول به جواز تلفظ به لفظ کنائی که دلالت بر اسم می کند و یا مثل: ((م ح م د)) احتیاج به تعبد به اسم کنایه مانند کدورتی در تلفظ اسم آن حضرت است با اینکه تلفظ به اسم او به کنایه مانند این که بگوئیم او همانم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است یا با حرفی از هم

جدا (م ح م د) جایز است ، با فرض این که در ظاهر حتما هیچگونه محذوری در کار نیست ، آیا این حکم در احکام شرعی شبیهی دارد؟

مثل این نوع استبعاد و بعید دانستن حرمت تلفظ به اسم در همه جا یا جواز تلفظ با آن با کنایه گر چه به تنهایی در احکام فقهی دلیل نخواهد بود، ولی ممکن است آن را تأیید گفتار خود قرار دهیم .

نیز این مطلب را تأیید می کند بعضی از روایاتی که در مورد عدم جواز تصریح به نام ائمه علیه السلام دیگر غیر از امام قائم (عج) در مورد تقیه وارد شده اند، بنابراین حکم عدم جواز، اختصاص به اسم شریف آن حضرت ندارد.

مانند روایت که مرحوم کلینی رحمه الله با اسناد زیاد از عنبرسه نقل می کند که امام صادق علیه السلام فرمود:

((ایاکم و ذکر علی و فاطمه فان الناس لیس شیئی ابغض الیهمن من ذکر علی و فاطمه؛))

پرهیز کنید از بردن نام امام علی علیه السلام و فاطمه علیه السلام چه آنکه چیزی برای مردم مانند ذکر نام علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام مبعوضتر نیست .)) (۸۲)

عجیب این که مطابق با آنچه از مرحوم صدوق رحمه الله حکایت شده ، ایشان بعد از اقرار به این که در روایت لوح (۸۳) تصریح بنام مهدی (عج) شده است گوید:

((ولی حدیث با تصریح بنام آن حضرت وارد شده ولی نظر من آن است که از نام بردن او نهی شده است .))

قبلا دانستی که تصریح به نام شریف آن حضرت منحصر به روایت لوح بلکه منحصر به روایات قسم چهارم که ذکر شدند و در آنها تصریح به اسم شده بود نیست ، با این حال معلوم نیست که چرا مرحوم صدوق رحمه الله قول به جواز را در غیر موارد تقیه اختیار نکرده ، همان گونه که صاحب وسائل اختیار کرده است و این قول به جواز از بیان بسیاری از اصحاب ظاهر می شود.

شاید مرحوم صدوق عدم جواز را موافق با احتیاط دیده است گر چه قول به عدم جواز احتیاط در عمل با احتیاط در فتوا دو چیزند.

خلاصه اینکه : جدا این احتیاط ضعیف است و رعایت آن واجب نیست .

کوتاه سخن اینکه : از همه مطالبی که خاطرنشان گردید، استفاده می شود که بردن نام شریف حضرت مهدی (عج) که عبارت از محمد(عج) فرزند امام حسن عسکری علیه السلام می باشد در امثال زمان ما که از این جهات مورد تقیه نیست

جایز است . (۸۴)

نگارنده گوید: نظر صاحب کشف الغمه عالم بزرگ تشیع (علی بن عیسی اربلی) نیز همین است چنانکه در کشف الغمه، جلد ۳، صفحه ۴۳۸، گوید: ((فتوای من این است که منع تلفظ بنام مهدی (عج) (محمد) از روی تقیه بوده است ولی اکنون اشکال ندارد.)) (والله اعلم).

غیبت صغری و غیبت کبری

سه دوره

دوران زندگی امام زمان علیه السلام را می توان به سه دوره تقسیم کرد:

۱- دوره کودکی (از سال ۲۵۵ تا سال ۲۶۰).

۲- دوره غیبت صغری (از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹).

۳- دوره غیبت کبری (از سال ۳۲۹ هجری قمری شروع می شود تا وقتی که فرمان و نهضت جهانی آن حضرت از طرف خداوند متعال صادر گردد).

اخبار و روایات در این مورد بسیار است که برای آن حضرت دو غیبت خواهد بود، یکی کوتاه، دومی طولانی، در غیبت طولانی در غیبت صغری (کوتاه) خواص شیعه و نواب خاص آن حضرت با او تماس داشته اند، ولی در غیبت طولانی او، توده مردم از اقامتگاه او بی خبرند جز دوستان مورد اعتماد که متصدی خدمتگذاری از اقامتگاه او می باشند، و طبق روایتی همواره سی تن از شیعیان و نزدیکان در حضور آن حضرت هستند که هر گاه عمر یکی از آنان بسر آمد یکی دیگر بجای او تعیین می شود. (۸۵)

و به گفته صاحب مستدرک، مرحوم نوری رحمه الله اگر تقدیر نباشد که این سی نفر مانند خود امام زمان علیه السلام عمر طولانی داشته باشند در هر قرنی ۳۰ نفر از مؤمنین پرهیزکار و بسیار سعادتمند، به سعادت خدمتگذاری و مصاحبت آن حضرت نائل می شوند. (۸۶)

به هر حال این افراد همان اوتادند که در محضر آن حضرت به سر می برند، اکنون درباره غیبت صغری و کبری به شرح کوتاهی می پردازیم.

چگونگی غیبت صغری و نواب چهارگانه

وضع زمان و عدم پذیرش مردم باعث شد که امام زمان علیه السلام از نظرها پنهان گردد، این پنهانی که از آن به عنوان غیبت، یاد می شود تا وقتی که مردم آماده شدند و شرایط ظهور مهیا گردید ادامه دارد.

ولی طبیعی است که وقتی امام مردم غایب شد، مردم را به حال خود نمی گذارد، بلکه افرادی مخصوص را بین خود و مردم واسطه قرار می دهد، وظیفه مردم هم این است که با کنجکاوی دقیق این افراد را بشناسند و تکلیف خود را از آنها بگیرند. بر همین اساس پس از آنکه امام زمان علیه السلام در سال ۲۶۰ هنگام رحلت پدر بزرگوارشان، از نظرها پنهان شدند (و غیبت صغری به وجود آمد) تا نیمه شعبان سال ۳۲۹ چهار نفر از علماء و فقهاء ربانی به ترتیب زیر از جانب آن حضرت تعیین شده و واسطه بین آن حضرت و مردم شدند:

۲- محمد بن عثمان رحمه الله که ۵ سال عهده دار نیابت خاص بود و در سال ۳۰۵ درگذشت .

۳ حسین بن روح رحمه الله که در شعبان سال ۳۲۶ وفات کرد.

۴- علی بن محمد سمیری رحمه الله که در نیمه شعبان سال ۳۲۹ از دنیا رفت، و امام به او دستور داد که دیگر کسی از جانشین خود نکند.

از این وقت به بعد دوران غیبت کبری (طولانی) آغاز شد (دستور و توقیع امام (عج) به چهارمین نائیش در کتاب اعلام الوری صفحه ۴۱۷ و... آمده است).

غیبت کبری که از نیمه شعبان سال ۳۲۹ شروع شد تا هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام ادامه دارد. (۸۷) اینک پرسید که شیعیان در این زمان به چه کسی مراجعه کنند و وظائف دینی خود را از چه کسی بپرسند و به آن عمل کنند؟ پاسخ آنکه: خوشبختانه امام قائم (عج) در این مورد مردم را به اطاعت از ولی فقیه فرا خوانده است اینجا است که مسئله معروف ((ولایت فقیه)) پیش می آید و درباره آن اکنون اندکی توضیح می دهیم .

شرح کوتاهی درباره ولایت فقیه

ولایت یعنی رهبری و حکومت، فقیه یعنی کسی که دارای شرایط استنباط احکام از ادله اسلامی باشد، به علاوه عادل و پرهیزکار نیز باشد.

بنابراین ولی فقیه یعنی مرجع تقلیدی که شایستگی نیابت عام امام زمان علیه السلام را دارد، چنین فردی می تواند به جانشینی از امام زمان علیه السلام زمام امور مردم را بدست گیرد، البته عقل و حتی آیات و روایات هم بیانگر این است که در میان افراد، اعلم موجودین تقدم دارند.

درباره اصل ولایت فقیه دلائل فراوان داریم از جمله در روایت آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سه بار فرمود:

((خدایا جانشینان مرا مورد رحمت قرار ده ، شخصی پرسید جانشینان شما کیانند؟

فرمود: آنانکه پس از من می آیند، گفتار و سنت (روش و سیره) مرا نقل می کنند و پس از من آن را به مردم می آموزند.))
اسحاق بن یعقوب رحمه الله گوید از عثمان بن سعد رحمه الله اولین نائب خاص امام زمان علیه السلام خواستم نامه ای به امام عصر(عج) برساند.

و در ضمن نامه پرسیدم در زمان غیبت به چه کسی مراجعه کنیم ؟ امام (عج) با خط خودشان در پاسخ چنین مرقوم فرمود:
((...و امام الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا، فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله ؛))

... در حوادث به راویان احادیث ما مراجعه کنید که آنها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا هستم بر شما.)) (۸۸)
البته دلائل ولایت فقیه بسیار زیاد است در این باره به کتاب شریف ولایت فقیه امام خمینی رحمه الله مراجعه کنید.
در احتجاج طبرسی آمده : امام عسکری علیه السلام در ضمن حدیث ولانی فرمود:

((فاما من كان من الفقهاء صائنا لنفسه ، حافظا لدينه مخالفا لهواه ، مطيعا لامر مولاه فللعوام ان يقلدوه ، و ذلك لا يكون الا بعض فقهاء الشيعة لا جميعهم ؛))

((هر کدام از فقهاء که نگهدارنده نفس خود از انحرافات و صبر انقلابی دارند و حافظ دین خود و مخالف هوی و هوس خود و مطیع فرمان خدایش باشد، بر عوام است که از وی تقلید کنند و چنین صفاتی را بعضی از فقهای شیعه دارند، نه همه آنها.))
(۸۹)

با توجه به واژه ((تقلید)) که به معنی پیروی است ، می فهمیم که امور مردم در زمان غیبت به فقهاء ربانی سپرده شده و آنها ولایت بر مردم دارند.

این حدیث ، شرایط یک فقیه را که می تواند جانشین امام زمان علیه السلام باشد بیان می کند.

از آنجا که توضیح این روایت خود کتاب مفصلی می خواهد بطور خلاصه باید حکومتش بر مردم همانند حکومت امام علی علیه السلام باشد، آنجا که برادرش عقیل ، که از گرسنگی رنگ بچه های او پریده شده و مطالبه کمک اضافی از بیت المال می کند، آه ن سرخ گذاخته در دستش می گذارد. (۹۰)

و آنجا که با خبر می شود خلخال یک زن یهودی به دست دشمن از پایش در آمده سخت عصبانی می شود. (۹۱)

و آنجا که می بیند کارگزارانش به بیت المال تجاوز کرده اند و بنفع خویشاوندان برداشت کرده اند هر چند پسر عمومی آن حضرت باشد نامه ای آتشین می نویسد و به او اعتراض می کند و از کار برکنارش می سازد و می نویسد: ((این تبعیض را از دو فرزندم حسن و حسین علیهماالسلام هم نمی پذیرم.)) (۹۲)

و آنجا که می بیند فرماندارش به میهمانی پولداری رفته فریادش به اعتراض بلند می گردد. (۹۳) نامه های آن حضرت ، (که در نهج البلاغه آمده) به استانداران و بخشداران و فرماندارانش گویای این گونه حقائق است که نائب بر حق امام زمان علیه السلام رعایت می کند. بنابراین ولایت فقیه همان دنباله امامت است . یعنی مجتهد اعلم به نیابت عام از امام زمان علیه السلام امور رهبری امت را بدست می گیرد.

توضیح چند اشکال

آنانکه از اسلام دل خوشی نداشتند و ندارند، و آنها که حسن نیت دارند ولی شناخت ندارند، شروع به ایراد تراشی به این مسئله که دنباله مسأله امامت است کرده اند. بیشتر این ایرادات بی اساس ، از آنان است که از اسلام می ترسند، یعنی با تشکیل حکومت اسلامی منافع خود را در خطر می بینند.

وقتی که این ایرادات را بررسی می کنیم برگشت همه آنها به این چهار ایراد است :

۱- ولایت فقیه یک نوع حکومت روحانیت و انحصارطلبی است .

۲- ولایت فقیه موجب استبداد و دیکتاتوری است .

۳- ولایت فقیه با حاکمیت ملی سازگار نیست .

۴- ولایت فقیه موجب تعدد مراکز قدرت و تصمیم گیری می شود.

پاسخ این ایراد بطور فشرده

در مورد اشکال اول :

اولا ما مدعی نیستیم که ((ولی فقیه)) کلیه امور را باید در دست داشته باشد و لذا در قانون اساسی مصوب امام و امت

بخصوص در اصل ۱۱۰ اختیارات ولی فقیه را بطور فشرده بیان داشته است .

ما نمی گوئیم ولی فقیه کلیه زمام امور قانون گذاری و قدرت اجرایی را بدست می گیرد، تا گفته شود این یک نوع حکومت روحانیت و انحصارطلبی است بلکه ضمن آنکه می بایست کلیه مناصب برای مشروع بودنش با اجازه یک حاکم شرع مطلق باشد، ولایت فقیه از هر گونه انحراف فکری و مکتبی و انحراف در مسیر اجراء و پیاده نموده احکام جلوگیری می نماید. با توجه به اینکه در هر کاری باید به متخصص مراجعه کرد و با توجه به اینکه لباس و روحانی بودن دلیل آن نمی شود که در موارد حق از او پیروی نکنیم ، ما باید پیرو حق باشیم هر چند این حق از جانب روحانیت باشد. به اضافه اینکه باید به شرایط ولایت فقیه که در چه کسی هست توجه کرد نه به لباس او.

در مورد اشکال دوم :

((ولی فقیه)) خودش غیر از اسلام ، نظری ندارد، تا او را به استبداد راءی متهم کنیم ، صفت آگاه ((تخصص)) و عادل (درستکار) حاکی است که او در حفظ اسلام قدم برمی دارد، بنابراین اگر از این خط منحرف شد، خودبخود از این مقام بر کنار خواهد شد (با توجه به اینکه ملت مسلمان خواهان اجرای اسلام هستند نه غیر اسلام).

در مورد اشکال سوم :

وقتی ملت ، مسلمان بودند، و در نهاد انقلابشان تشکیل حکومت اسلامی می جوشید، و به عبارت دیگر انقلابشان ، انقلاب نان و آب و مسکن نبود بلکه انقلاب مکتبی بود (که البته در پرتو این مکتب نان و آب و مسکن نیز هست) معنای آن این است که ملت ، حکومت اسلامی را با آنچه که در آن است می خواهند، و روشن است که از مهمترین مقررات اسلام ، مسئله امامت و ولایت فقیه است ، پس به اراده ملت کاملاً توجه شده است ، وانگهی وقتی که اکثریت ملت قانون اساسی را که در آن اصل ولایت فقیه آمده تصویب کردند، آیا معنای این مطلب این نیست که به آراء ملت احترام شده است ؟ با توجه به اینکه در مورد قانون اساسی کاملاً به آراء ملت احترام و تکیه شده است و تشکیل مجلس شورای اسلامی نیز مؤید این مطلب است .

از طرفی اکثریت عملاً به دنبال ((ولایت فقیه)) هستند، بنابراین در کجای ولایت فقیه ضدیتی با حاکمیت ملت دیده می شود؟!

در مورد اشکال چهارم :

وقتی که حکومت اسلامی و اعضای حکومت اسلامی براساس یک قانون اساسی ، زیر نظر یک رهبر ((که ولی فقیه است)) باشد همه ارگانها در یک مسیر گام برمی دارند، دیگر تعدد مراکز قدرت لازم نمی آید.

ما اقرار می کنیم که در آغاز پیروزی انقلاب در بعضی از موارد بر اثر عواملی این اشکال وجود داشت ، علت این بود که هنوز آن هماهنگی اسلامی و هدف از حکومت اسلامی در میان نبود. ولی پس از تحقق حکومت تحت نظارت و رهبری و ولایت فقیه ، حتما قدرتها و تصمیمها به یک مرکز برگشته و این اشکال برطرف خواهد شد.

در اینجا اضافه می کنم : چنین نیست که عده مخصوصی حکومت را بدست گرفته باشند بلکه همه مردم مسلمان حکومت را بدست گرفته اند، نهایت اینکه نماینده های آنها یعنی افراد مورد قبول اکثریت با همکاری ملت دست اندر کار شده اند، اگر یک اتومبیل را در نظر بگیریم ، این اتومبیل دارای دهها و صدها اعضا است که هر کدام در ساختمان و حرکت آن نقشی دارند، ولایت فقیه ، هم نقش دنده عوض کردن و هم نقش ترمز را دارد، تا هم آن را به حرکت در آورد و به مقصد برساند و هم هنگام خطر با نگهداری آن ، خطرات را دفع و رفع نماید (البته از ذکر این مثال پوزش می طلبم) لازم به تذکر است که مسأله امامت و دنبال آن ولایت فقیه در بینش تشیع از اصول و ارکان دین است ، و در اصول دین هر کس خودش باید دلیل و شناخت داشته باشد و تقلید روا نیست .

در اینجا این سخن را نیز اضافه می کنیم که به حکم آیات و روایات از جمله :

((یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق و لا تتبع الهوی ؛))

((ای داود ما تو را خلیفه خود در زمین قرار دادیم ، بنابراین ببین مردم به حق حکومت و قضاوت کن و از هوی و هوس

پیروی مکن.)) (۹۴)

ولایت فقیه که دنباله روی از پیامبران و امامان (سلام الله علیهم اجمعین) است ، مبانی آن براساس اصالت جامعه یا اصالت فرد و یا اصالت انسان نیست ، بلکه مبانی آن براساس اصالت ((الله)) است که امروز به صورت اسلام و قوانین اسلام متبلور شده است ، با توجه به اینکه با اجرای اسلام نیازهای فردی و جامعه و انسانها تاءمین شده و همه را به سوی کمال و سعادت همه جانبه رهنمون می سازد.

سؤال :

در ضمن بررسی روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام آمده که امام صادق علیه السلام به مفضل رحمه الله فرمود:

((هر بیعت ، قبل از ظهور مهدی علیه السلام ، کفر، نفاق و تزویر است و لعنت بر بیعت شونده و بیعت کننده.)) (۹۵)

و از امام حسین علیه السلام نقل شده که فرمود:

((هر پرچم (برافراشته از رهبری) قبل از قیام مهدی علیه السلام طاغوت است.))

و بفرموده امام باقر علیه السلام :

((صاحب آن پرچم طاغوت است .)) (۹۶)

آیا اگر ((ولی فقیه)) در زمان غیبت ، زمام رهبری را بدست گیرد مشمول این گونه روایات نیست ؟!

پاسخ :

این روایات مربوط به آن رهبرانی است که مستقلاً رهبری امور را بدست می گیرند، ولی در ولایت فقیه ، استقلال نیست ، بلکه نیابت به اذن عام حضرت مهدی (عج) است ، چنانکه خود دلائل ولایت فقیه این مطلب را ثابت می کند، و در حقیقت این پرچم و بیعت ، به عنوان نیابت و زمینه سازی برای ظهور آن حضرت می باشد، و آن حضرت و امامان علیهم السلام دیگر هم چنین اجازه بلکه چنین تکلیف را به مردان فقیه شایسته داده اند.

فائده غیبت طولانی چیست ؟ (۹۷)

می پرسند:

غیبت طولانی امام مهدی (عج) و عدم دسترسی ما به او، چه سودی دارد؟

پاسخ :

امام قائم (عج) بخاطر عدم پذیرش جامعه ، از نظرها پنهان است ، او همچون امامان معصوم علیه السلام دیگر اگر آشکار بود، مردم همان که با آن امامان کردند با او می کردند، اما او غائب است تا مردم آمادگی پذیرش او را در طول زمان و با برنامه ریزیهای دراز مدت و تکامل معنوی و مادی پیدا کنند.

غیبت او چنانکه در روایات آمده همچون پنهان شدن خورشید پشت ابرها است ، گر چه ابرها از تابش مستقیم خورشید ممانعت می کنند، ولی هرگز نمی توانند تابش خورشید را بطور کلی محو سازند.

غیبت امام قائم (عج) دهها فایده دارد که در اینجا به طور اختصار به چند فایده آن اشاره می کنیم .

۱- غیبت او به پیروانش امید می بخشد و آنها را دلگرم می کند که دارای چنین رهبری هستند، با توجه به اینکه امید، آن هم امیدی این چنین ، سازنده است .

۲- غیبت آن حضرت پیروانش را قدم به قدم آماده می سازد تا آن حضرت را از عزلت بیرون آورند.

۳- آن حضرت در عین اینکه غائب است گاه در مسائل مهم با فقهاء و بزرگان اسلام تماس می گیرد و آنها را راهنمایی می کند (چنانکه شواهد آن بسیار است و بعضی از آنها در این کتاب آمده است .)

۴- گفتگو درباره قیام مهدی (عج) و تشکیل کنگره ها و کنفرانسها و تنظیم نوشته ها و مقالات در طول زمان با فرصت کافی موجب پرورش نفوس و آمادگی، در اندیشه انقلاب جهانی بودن و هدف داری و... می شود، در نتیجه آمادگیهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، صنعتی، اقتصادی و بالاخره نظامی در همه جا پیدا می شود و به این ترتیب زمینه سازی ظهور آن حضرت مهیا می گردد.

۵- شناخت موانع یک انقلاب جهانی در تمام ابعاد و براندازی آن موانع نیاز به طول زمان و کمک فکری بسیار در سطح جهان دارد، این نیز یکی از فوائد غیبت امام قائم (عج) می باشد.

۶- از طرفی طول غیبت و دوری مردم از رهبر مصلح و عادل موجب فساد در تمام زمینه ها شده، و همین فساد موجب خستگی و ناراحتی و نارضایتی مردم می شود و در دل این فساد، جرقه های انقلاب بروز می کند و مردم، تشنه مصلح واقعی و عدالت می شوند، چرا که تا همه، رنج ظلم و فساد را نبرند آماده درک لذت عدالت و اصلاح نخواهند شد، چنانکه در روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) بسیار آمده که:

((یملاء الارض عدلا و قسطا و نورا کما ملئت ظلما و جورا و شرا؛))

آن حضرت زمین را پر از قسط و عدل و نور خواهد کرد همان گونه که پر از ظلم و جور و بدی شده باشد؟)) (۹۸)

و انقلاب واقعی، انقلابی است که طبیعی و خودجوش و از متن توده ها برخیزد، و همگان به خوبی آن را درک کنند.

البته این سخن به این معنی نیست که ما تن به ظلم و فساد دهیم، و مبارزه با ظلم و فساد نکنیم که شرع و عقل چنین اجازه ای به ما داده، بلکه این سخن خبر از آینده می دهد، و حاکی است که مردم بر اثر دوری از یک مصلح عادل و آگاه چگونه در لجن فساد فرو می روند، در این صورت باید برای یافتن آن مصلح به پاخاست و خود گرفتاری مردم، آنها را برای یافتن راه حل برمی انگیزاند.

آری باید مدتها بگذرد، تا مردم تکامل یابند و حقائق برایشان کشف گردد، و با تجربیات تلخ خود روی حکومتهای باطل از آنها روگردان گردند و تشنه وجود امام قائم (عج) شوند.

در قرآن کریم می خوانیم:

((سنریهم آیاتنا فی الآفاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق ؛))

بزودی آیات خود را از هر سوی جهان و در وجود خود مردم نشان می دهیم تا برای آنها آشکار گردد که او حق است.)) (۹۹)

در مورد اینکه منظور از ضمیر ((او)) به کجا بازگشت می کند امام صادق علیه السلام در ضمن روایتی فرمود:

((منظور خروج (عج) است که او حق است (و حقانیتش آشکار می گردد)). ((۱۰۰))

خودسازی در عصر غیبت حضرت مهدی

مقدمه

باید مسلمانان ، هشیار و بیدار باشند و فراموش نکنند و بدانند که انگیزه غیبت آن حضرت چه بوده و فوائد آن چیست ؟

انتظار یعنی چه ؟

یاران خاص مهدی (عج) باید دارای چه ویژگیهایی و شرایطی باشند؟

امکانات دنیای اسلام بسیار وسیع است و با به کارگیری صحیح آن می توان به حکومت جهانی رسید.

برای تحقق چنین طرحی نیاز به برنامه ریزی جامع و جهاد و مبارزه خستگی ناپذیر و پی گیر و هشپاری است .

هدف ، مشخص است نه کور، بنابراین ، این گامها به سوی روشنایی برداشته می شود.

توجه به اماکن مقدسه و شهرهای با اهمیت و صدور انقلاب به این سرزمینها و بالاخره آمادگی فرهنگی و اقتصادی و رزمی

و تشکیل ارتشهای میلیونی و راه اندازی نهضت‌های جهانی در همه سرزمینها همچون صدر اسلام ، که هر فرد مسلمان یک

سرباز جانباز حکومت اسلامی باشد.

اتحاد و برادری و رعایت حقوق همدیگر مسلمانان در تمام زمینه ها، با توجه به اینکه توحید و نفی شرک مطلق و همچنین

تقوی و پاکی و خلوص در این امور که سنگ اول این ساختمان عظیم را تشکیل می دهد باید از مهمترین برنامه ها باشد.

علمای اخلاق می گویند:

مراحل تکامل ، چهار پایه دارد: ۱- کشف و شناخت ۲- استخراج و عمل ۳- فردسازی ۴- جامعه سازی .

به راستی که درست گفته اند، اگر این مراحل به طور صحیح طی شود، آن وقت است که ما در مسیر انتظار هستیم .

خلاصه و جمع بندی کتاب در یک کلمه ، آمادگی و تلاش پی گیر در تمام ابعاد اسلامی است ، توجه به تاریخ اسلام و

معانی آیات قرآن و روایات معصومین علیه السلام ما را در این جهت کمک بسزایی می کند، چنانکه گفتیم : مهمترین هدف

امام قائم (عج) پس از ظهور، تهذیب و تکمیل نفوس است که در پرتو آن سایر امتیازات نیز به دست خواهد آمد.

خودسازی و پاکسازی

امام صادق علیه السلام فرمود:

((من سر ان يكون من اصحاب القائم فلينتظر و ليعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر فجوا وانتظروا هنيئا لكم ايتها العصابة المرحومة))

کسی که دوست دارد تا از یاران قائم (عج) باشد، باید در انتظار ظهور باشد، و حتما باید کارهایش براساس تقوی و پاکی و اخلاق نیک باشد، چنین کسی منتظر امام (عج) است، و در این راه بکوشید و آماده باشید، گوارا باد بر شما ای جوانمردان که رحمت خدا با شما است.)) (۱۰۱)

علمای اخلاق می گویند: انسان وقتی که صبح از خواب برمی خیزد تا شب که می خوابد باید چهار چیز را حفظ کند: ۱ مشارطه ۲ مراقبه ۳ محاسبه ۴ محاکمه

یعنی نخست متعهد باشد که در کارهایش گناه وارد نشود، دوم مواظب باشد که این حالت ادامه یابد، سوم در آخر، کار خود را به حساب بکشد که مبادا در حسابش بدهکار خدا باشد، چهارم در صورت بدهکاری، نفس خود را به محاکمه بکشد و بازخواست نماید و به جبران بدهکاری پردازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

((آیا می خواهید شما را به زرنگ ترین و احمق ترین احمقها خبر دهم ؟
یاران عرض کردند: آری .

فرمود: زیرکترین زیرکها کسی است که خود را برای بعد از مرگ به حساب بکشد، و احمقترین احمقها کسی است که از هوای نفس پیروی کند امان و رحمت الهی را داشته باشد. (۱۰۲)

امام علی علیه السلام در ضمن خطبه ای فرمود:

((آیا در قیامت نفوس انسانها حتی به مقدار خردل (ذره) مورد بازخواست نیست ؟)) (۱۰۳)

قرآن در سوره نساء آیه ۱ می فرماید:

((ان الله کان علیکم رقیبا))

خداوند حتما مراقب کارهای شما است .))

و در روایات آمده :

((انه ينشر للعبء فی کل حرکة من حرکاته و ان صغرت ثلاثهواوین ، الاول ((لم)) الثانی ((کیف)) الثالث ((لمن))))

هنگام انجام عمل هر قدر هم کوچک باشد سه دفتر برای ثبت خصوصیات آن گشوده می شود: اول (چرا) دوم (چگونه) سوم (برای چه کس) .)) یعنی انگیزه عمل و چگونگی و کیفیت آن و هدف نهائی آن چیست ؟

(۱۰۴)

بنابراین باید منتظران حضرت مهدی (عج) و زمینه سازان انقلاب جهانی به رهبری آن حضرت این امور را رعایت کنند، که پایه و سنگ اول است .

باید توجه داشت که مبدا ما مورد نفرین امام (عج) گردیم .

امام باقر علیه السلام فرمود:

((من مات و هو عارف لامامته لم يضره تقدم هذا الامر او تاءخره و من مات عارفا بامامته كان كمن كان مع القائم في فسطاطه ؛))

کسی که بمیرد ولی شناخت به امامت (حضرت قائم ((عج)) داشته باشد، دیر و یا زود شدن ظهورش ، به او ضرر نمی رساند، و کسی که شناخت به امامت او نداشته باشد و بمیرد، مانند کسی است که همراه قائم (عج) در میان خیمه او است .))

(۱۰۵)

بنابراین ما هم اکنون می توانیم با خودسازی ، از یاران نزدیک امام قائم (عج) باشیم .

آیا عقیده به ظهور مصلح جهانی مخصوص شیعیان است ؟

می پرسند:

آیا عقیده به ظهور حضرت مهدی (عج) در آخرالزمان مخصوص شیعه است یا ادیان دیگر نیز به آن معتقدند؟

پاسخ :

این عقیده حتی در کتب زرتشتیان ، هندیان و تورات و انجیل و در میان مصریها و چینیها و حتی در میان غربیها وجود دارد و

در منافع اهل تسنن ، روایات متواتر و بسیار زیاد آمده است ، به عنوان نمونه به کتابهای :

۱- نورالابصار صفحه ۱۵۷.

۲- التاج الجامع الاصول (تألیف شیخ منصور علی ناسف).

۳- کتاب صواعق الحرقه .

۴- کتاب منتخب الاثر (تأليف آية الله صافی).

۵- اثبأه الهدأه ، ج ۷، از صفحه ۱۷۹ به بعد.

۶- الجالس السنيه نوشته سيد محسن جبل عاملی (ره) جلد ۵ صفحه ۷۱۳ تا ۷۴۳ مراجعه فرمائيد.

ياران مهدي عليه السلام بيشتر كجا هستند؟

پاسخ :

جالب اينكه در روايات بسيارى آمده كه مستجات ياران امام مهدي (عج) از مشرق زمين بپا مي خيزند،

رسول اكرم صلى الله عليه و آله و سلم فرمود:

((هنگام ظهور) پرچمهاي سياه از طرف مشرق نمودار شود، پس با وي (امام قائم ((عج)) بيعت كنيد كه او خليفه خدا

مهدي (عج) است .

و نيز فرمود: جمعي از مردم از طرف مشرق خروج كنند و مقدمات حكومت مهدي (عج) را فراهم سازند.)) (۱۰۶)

اميرمؤ منان عليه السلام فرمود:

((آفرين بر طالقان كه خداوند در آن گنجهاي نهاده كه از طلا و نقره نيست بلكه مردان مؤ مني هستند كه بطور شايسته خدا

را شناخته اند و در آخرالزمان ، ياوران حضرت مهدي (عج) خواهند بود.)) (۱۰۷)

رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم فرمود:

((هنگامي كه پرچمهاي سياه را از جانب خراسانديد، به طرف آن برويد هر چند با دست و سینه روی برف باشد، چرا كه

خليفه خدا مهدي (عج) در ميان آنها است .)) (۱۰۸)

و در روايت ديگر فرمود:

((بزودي اهل بيت من دچار گرفتاريها و آوارگيها خواهند شد، تا اينكه جمعي با پرچمهاي سياه از طرف مشرق بيايند... تا

اينكه امر به يكي از افراد اهل بيت من (امام قائم ((عج)) سپرده شود، كه او سراسر زمين را بعد از آنكه پر از ظلم و جور

شده باشد پر از عدل و داد كند، ((فمن ادرك منكم فلياتها و لو حبوا على الثلج ؛)) هر كدام كه از شما آنها را درك كرديد به

آنها بپيوندید گر چه با راه رفتن با دست و سینه روی برف باشد خود را به آنها برسانيد.)) (۱۰۹)

به این ترتیب می بینیم ، مشرق زمین مورد توجه قرار گرفته است و چنانکه هم اکنون از نشانه هایش پیداست ، تنها مشرق زمین است که این کار را خواهد کرد، بنابراین مشرق زمین باید بپاخیزد!

و با توجه به اینکه اکثریت قریب به اتفاق امت مسلمان از مستضعفان در مشرق زمین هستند و با توجه به امکانات عظیم جغرافیائی و اقتصادی و نیروی انسانی که دارند، می توانند بپاخیزند و دستهای ابرقدرتها را قطع کنند و زمینه سازی خوبی برای ظهور مهدی (عج) ایجاد بنمایند.

نشانه های ظهور امام علیه السلام چیست ؟

پاسخ :

وقت ظهور آن حضرت معلوم نیست ، و حتی مطابق روایات کسانی که وقت ظهور را تعیین کنند، دروغگو شمرده شده اند. (۱۱۰)

ولی نشانه هایی به عنوان علائم در روایات بسیار آمده که مربوط به مدت اندکی قبل از ظهور و مربوط به آستانه و آغاز ظهور است ، این نشانه ها بسیار زیادند (۱۱۱) که معروفترین و جامعترین آنها این است که هرج و مرج در همه چیز دنیا مشهود می گردد. (۱۱۲)

سراسر جهان پر از ظلم و جور و فساد گردد (۱۱۳) چنانکه در هر انقلابی معمولاً، ظلم و فساد قبل از آن ، باعث انقلاب می گردد، این موضوع در ضمن یک روایت جامع بطور مشروح بیان شده و امام صادق علیه السلام آن را در ۱۱۹ ماده بیان کرده است و اینک ترجمه روایت :

حضرت امام صادق علیه السلام به یکی از یارانش فرمود:

۱- هرگاه دیدی : حق بمیرد و طرفدارنش نابود شوند.

۲- و دیدی که : ظلم همه جا را گرفته .

۳- و دیدی که : قرآن فرسوده شده و درست معنی نمی شود.

۴- و دیدی که : دین همچون ظرف تو خالی ، و بی محتوا شده است .

۵- و دیدی که : طرفداران حق بر طرفداران باطل فائق شده اند.

۶- و دیدی که : کارهای بد آشکار شده و از آن نهی نمی شود و بدکاران بازخواست نمی شوند.

۷- و دیدی که : چنان فسق و فجور آشکار شده که مردان به مردان و زنان به زنان اکتفاء می کنند.

۸- و دیدی که : افراد با ایمان سکوت کرده و سخنشان را نمی پذیرند.

۹- و دیدی که : شخص بدکار، دروغ گوید، و کسی دروغ و نسبت ناروای او را رد نمی کند.

۱۰- و دیدی بچه ها، بزرگان را تحقیر کنند.

۱۱- و دیدی که : قطع پیوند خویشاوندی شود.

۱۲- و دیدی که : بدکار را ستایش کنند و او شاد شود و سخن بدش به او برگردد.

۱۳- و دیدی نوجوانان پسر، همان کنند که زنان می کنند.

۱۴- و دیدی که : زنان با زنان ازدواج نمایند.

۱۵- و دیدی که : مداحی دروغین از اشخاص ، زیاد شود.

۱۶- و دیدی که : انسانها اموال خود را در غیر اطاعت خدا مصرف می کنند و کسی مانع نمی شود.

۱۷- و دیدی که : افراد با دیدن کار و تلاش نامناسب مؤ منین ، به خدا پناه می برند.

۱۸- و دیدی که : همسایه به همسایه خود اذیت می کند و از آن جلوگیری نمی شود.

۱۹- و دیدی که : کافر به خاطر سختی مؤ من ، شاد است .

۲۰- و دیدی که : شراب را آشکارا می آشامند و برای نوشیدن آن کنار هم می نشینند و از خداوند متعال نمی ترسند.

۲۱- و دیدی : کسی که امر به معروف می کند خوار و ذلیل است .

۲۲- و دیدی آدم بدکار در آنچه آن را خدا دوست ندارد، نیرومند و مورد ستایش است .

۲۳- و دیدی راه نیک بسته و راه بد باز است .

۲۴- و دیدی خانه کعبه تعطیل شده ، و به تعطیلی آن استوار داده می شود.

۲۵- و دیدی که : انسان به زبان می گوید ولی عمل نمی کند.

۲۶- و دیدی که : مردان از مردان و زنان از زنان لذت می برند، (یا مردان خود را برای مردان ، و زنان خود را زنان فربه می کنند).

۲۷- و دیدی که : زندگی مرد از راه لواط و زندگی زن از راه زنا تأمین می شود.

۲۸- و دیدی که : زنان همچون مردان برای خود مجالس (نامشروع) تشکیل می دهند.

۲۹- و دیدی که : در میان فرزندان ((عباس))، کارهای زنانگی به وجود آید.

- ۳۱- و دیدی که : زن برای زنا با مردان ، با شوهر خود همکاری کمک می کنند.
- ۳۲- و دیدی که : بیشترین مردم و بهترین خانه ها که زنان را بر بدکاری کمک می کنند.
- ۳۳- و دیدی که : مؤ من ، خوار و ذلیل شمرده شود.
- ۳۴- و دیدی که : بدعت و زنا آشکار شود.
- ۳۵- و دیدی مردم به شهادت ناحق اعتماد کنند.
- ۳۶- و دیدی که : حلال ، حرام شود و حرام ، حلال گردد.
- ۳۷- و دیدی که : دین براساس میل اشخاص معنی شود و کتاب خدا و احکامش تعطیل گردد.
- ۳۸- و دیدی که : جرئت بر گناه آشکار شود، و دیگر کسی برای انجام آن منتظر تاریکی شب نگردد.
- ۳۹- و دیدی مؤ من نتواند نهی از منکر کند مگر در قلبش .
- ۴۰- و دیدی که : ثروت بسیار زیاد در راه خشم خدا خرج گردد.
- ۴۱- و دیدی که : سردمداران به کافران نزدیک شوند و از نیکوکاران دور شوند.
- ۴۲- و دیدی که : والیان در قضاوت رشوه بگیرند.
- ۴۳- و دیدی که : پستهای مهم والیان براساس مزایده است نه براساس شایستگی .
- ۴۴- و دیدی که : مردم را از روی تهمت و یا سوءظن بکشند.
- ۴۵- و دیدی که : مرد بخاطر همبستری با همسران خود مورد سرزنش قرار گیرد.
- ۴۶- و دیدی که : مرد از بدکاری همسرش نان می خورد.
- ۴۷- و دیدی که : زن بر شوهر نیست انجام می دهد، و به شوهرش خرجی می دهد.
- ۴۸- و دیدی که : مرد همسر و کنیزش را کرایه می دهد و به غذای پست (که از این راه بدست می آورد) خشنود است .
- ۴۹- و دیدی که : سوگندهای دروغ به خدا بسیار گردد.
- ۵۰- و دیدی که : آشکارا قمار بازی می شود.
- ۵۱- و دیدی که : مشروبات الکلی بطور آشکار بدون مانع خرید و فروش می شود.
- ۵۲- و دیدی که : زنان مسلمان خود را به کافر می بخشند.
- ۵۳- و دیدی که : کارهای زشت آشکار شده و هر کس از کنار آن می گذرد مانع آن نمی شود.

- ۵۴- و دیدی که : مردم محترم ، توسط کسی که مردم از سلطنتش ترس دارند، خوار شوند.
- ۵۵- و دیدی که : نزدیکترین مردم به فرمانداران آنانی هستند که به ناسزاگوئی به ما خانواده عصمت علیهم السلام ستایش شوند.
- ۵۶- و دیدی که : هر کس ما را دوست دارد او را دروغگو خوانده و شهادتش را قبول نمی کنند.
- ۵۷- و دیدی که : در گفتن سخن باطل و دروغ ، با همدیگر رقابت کنند.
- ۵۸- و دیدی که : شنیدن سخن حق بر مردم سنگین است ولی شنیدن باطل برایشان آسان است .
- ۵۹- و دیدی که : همسایه از ترس زبان بد همسایه ، او را احترام می کند.
- ۶۰- و دیدی که : حدود الهی تعطیل شود و طبق هوی و هوس عمل شود.
- ۶۱- و دیدی که : مسجدها طلاکاری (زینت داده) شود.
- ۶۲- و دیدی که : راستگوترین مردم نزد آنها مفتریان دروغگو است .
- ۶۳- و دیدی که : بدکاری آشکار شده و برای سخن چینی کوشش می شود.
- ۶۴- و دیدی که : ستم و تجاوز شایع شده .
- ۶۵- و دیدی که : غیبت ، سخن خوش آنها گردد، و بعضی بعض دیگر را به آن بشارت دهند.
- ۶۶- و دیدی که : حج و جهاد برای خدا نیست .
- ۶۷- و دیدی که : سلطان به خاطر کافر، شخص مؤ من را خوار کند.
- ۶۸- و دیدی که : خرابی بیشتر از آبادی است .
- ۶۹- و دیدی که : معاش انسان از کم فروشی بدست می آید.
- ۷۰- و دیدی که : خونریزی آسان گردد.
- ۷۱- و دیدی که : مرد بخاطر دنیایش ریاست می کند.
- ۷۲- و دیدی که : نماز را سبک شمارند.
- ۷۳- و دیدی که : انسان ثروت زیادی جمع کرده ولی از آغاز آن تا آخر زکاتش را نداده است .
- ۷۴- و دیدی که : قبر مرده ها را بشکافند و آنها را اذیت کنند.
- ۷۵- و دیدی که : هرج و مرج بسیار است .

- ۷۶- و دیدی که : مرد روز خود را مستی به شب می رساند و شب خود را نیز به همین منوال به صبح برساند و هیچ اهمیتی به برنامه مردم ندهد.
- ۷۷- و دیدی که : با حیوانات آمیزش می شود.
- ۷۸- و دیدی که : مرد به مسجد (محل نماز) می رود وقتی برمی گردد لباس در بدن ندارد (لباسش را دزدیده اند).
- ۷۹- و دیدی که : حیوانات همدیگر را بدرند.
- ۸۰- و دیدی که : دل‌های مردم ، سخت و دیدگان‌شان خشک و یاد خدا برایشان گران است .
- ۸۱- و دیدی که : بر سر کسب‌های حرام آشکارا، رقابت کنند.
- ۸۲- و دیدی که : نماز خوان برای خودنمائی نماز می خواند.
- ۸۳- و دیدی که : فقیه برای دین ، فقه نمی آموزد و طالب حرام ، ستایش و احترام می گردد.
- ۸۴- و دیدی که : مردم در اطراف قدرتمندانند.
- ۸۵- و دیدی که : طالب حلال ، مذمت و سرزنش می شود و طالب حرام ستایش و احترام می گردد.
- ۸۶- و دیدی که : در مکه و مدینه کارهائی می کنند که خدا دوست ندارد و کسی از آن جلوگیری نمی کند، و هیچ کس بین آنها و کارهای بدشان مانع نمی شود.
- ۸۷- و دیدی که : آلات موسیقی و لُهو در مدینه و مکه آشکار گردد.
- ۸۸- و دیدی که : مرد سخن حق گوید و امر به معروف و نهی از منکر کند ولی دیگران او را از این کار بر حذر می دارند.
- ۸۹- و دیدی که : مردم به همدیگر نگاه می کنند، (به اصطلاح چشم و هم چشمی می کنند) و از مردم بدکار پیروی نمایند.
- ۹۰- و دیدی که : راه نیک خالی و راه رونده ندارد.
- ۹۱- و دیدی که : مرده را مسخره کنند و کسی برای او اندوهگین نشود.
- ۹۲- و دیدی که : سال به سال بدعت و بدیها بیشتر شود.
- ۹۳- و دیدی که : مردم و جمعیتها جز از سرمایه داران پیروی نکنند.
- ۹۴- و دیدی که : به فقیر چیزی دهند که برایش بخندند ولی در راه غیر خدا ترحم کنند.
- ۹۵- و دیدی که : علائم آسمانی آشکار شود و کسی از آن نگران نشود.

۹۶- و دیدی که : مردم مانند حیوانات در انظار یکدیگر عمل جنسی بجا می آورند و کسی از ترس مردم از آن جلوگیری نمی کند.

۹۷- و دیدی که : انسان در راه غیر خدا بسیار خرج کند ولی در راه خدا از اندک هم مضایقه دارد.

۹۸- و دیدی که : عقوبت پدر و مادر رواج دارد و فرزندان هیچ احترامی برای آنها قائل نیستند، بلکه نزد فرزند از همه بدترند.

۹۹- و دیدی که : زنها بر مسند حکومت بنشینند، و هیچ کاری جز خواسته آنها پیش نرود.

۱۰۰- و دیدی که : پسر به پدرش نسبت دروغ بدهد، و پدر و مادرش را نفرین کند و از مرگشان شاد گردد.

۱۰۱- و دیدی که : اگر روزی بر مردی بگذرد ولی او در آن روز گناه بزرگی مانند بدکاری ، کم فروشی ، و زشتی انجام نداده ، ناراحت است .

۱۰۲- و دیدی که : قدرتمندان ، غذای عمومی مردم را احتکار کنند.

۱۰۳- و دیدی که : اموال حق خویشان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (خمس) در راه باطل تقسیم گردد، و با آن قماربازی و شرابخواری شود.

۱۰۴- و دیدی که : به وسیله شراب ، بیمار را مداوا کنند، و برای بهبودی بیمار آن را تجویز نمایند.

۱۰۵- و دیدی که : مردم در مورد امر به معروف و نهی از منکر و ترک دین بی تفاوت و یکسانند.

۱۰۶- و دیدی که : سر و صدای منافقان بر پا است ولی سر و صدای حق طلبان خاموش است .

۱۰۷- و دیدی که : برای اذن و نماز مزد می گیرند.

۱۰۸- و دیدی که : مسجدها پر است از کسانی که از خدا نترسند و غیبت هم نمایند.

۱۰۹- و دیدی که : شرابخوار مست ، پیش نماز مردم شود.

۱۱۰- و دیدی که : خورندگان اموال یتیمان ستوده شوند.

۱۱۱- و دیدی که : قاضیان برخلاف دستور خداوند قضاوت کنند.

۱۱۲- و دیدی که : استانداران از روی طمع ، خائن را امین خود قرار دهند.

۱۱۳- و دیدی که : فرمانروایان ، میراث (مستضعفان) را در اختیار بدکاران از خدا بی خبر قرار دهند.

۱۱۴- و دیدی که : بر روی منبرها از پرهیزکاری سخن می گویند ولی گویندگان آن پرهیزکار نیستند.

۱۱۵- و دیدی که : صدقه را با وساطت دیگران بدون رضای خدا و بخاطر درخواست مردم بدهند.

۱۱۶- وقتی که دیدی : وقت (اول) نمازها را سبک بشمارند.

۱۱۷- و دیدی که : هم و هدف مردم ، شکم و شهوتشان است .

۱۱۸- و دیدی که : دنیا به آنها روی کرده .

۱۱۹- و دیدی که : نشانه های برجسته حق ، ویران شده است ، در این وقت خود را حفظ کن و از خدا بخواه که از خطرات

گناه نجات بدهد... (۱۱۴)

البته باید توجه داشت ، که این نشانه ها هم اکنون در دنیای غرب ، در اروپا و آمریکا و حتی بعضی از کشورهای آفریقا و آسیا وجود دارد، شکر خدا را که به برکت انقلاب اسلامی در ایران ، از بسیاری از این گناهان جلوگیری شده و می رود که از همه جلوگیری شود و زمینه سازی برای ظهور امام قائم (عج) گردد.

خروج سید حسنی و یمانی

از جمله علائمی که در آستانه ظهور امام قائم (عج) رخ می دهد خروج سید حسنی با یارانش برای یاری آن حضرت است ، اینک توضیح آن :

سید حسنی جوان خوش صورتی است که از طرف دیلم (۱۱۵) و قزوین خروج می نماید و با صدای بلند فریاد کند که به فریاد رسید آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را که از شما یاری می طلبند و این سید حسنی ظاهرا از اولاد حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام باشد و دعوی بر باطل ننماید و دعوت بر نفس خود نکند بلکه از شیعیان خلص ائمه اثنی عشر علیهم السلام و تابع دین حق باشد و دعوی نیابت و مهدویت نخواهد نمود و لکن مطاع و بزرگ و رئیس خواهد بود و در گرفتار و کردار موافق است با شریعت مطهره حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم و در زمان خروج او کفر و ظلم ، عالم را فرا گرفته باشد و مردم از دست ظالمان و فاسقان در اذیت باشند و جمعی از مؤمنین نیز مستعد باشند از برای ظلم ظالمین ، و در آن حال سید حسنی استغاثه نماید از برای نصرت دین آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم پس مردم او را اطاعت نمایند خصوصا گنجهای طالقان که از طلا و نقره نباشند بلکه مردان شجاع و قوی دل و مسلح و مکمل که بر اسبهای اشهب سوار باشند، در اطراف او جمع گردند و جمعیت او زیاد شود و مانند سلطان عادل در میان ایشان حکم و سلوک نماید و کم کم بر اهل ظلم و طغیان غلبه نماید و از مکان و جای خود تا کوفه زمین را از لوث وجود ظالمین و کافران پاک کند و چون با اصحاب خود وارد کوفه شود، به او خبر دهند که حضرت حجة الله مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم ظهور نموده و از مدینه به کوفه تشریف آورده است پس سید حسنی با اصحاب خود خدمت آن حضرت

مشرف می شوند و از آن حضرت مطالبه دلائل امامت و موارثت انبیاء علیه السلام را می نمایند، حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید: به خدا سوگند که آن جوان آن حضرت را می شناسد و می داند که او بر حق است و لکن مقصودش این است که حقیقت او را بر مردم و اصحاب ظاهر نماید، پس آنحضرت دلائل امامت و موارثت انبیاء علیه السلام از برای او ظاهر نماید، در آن وقت سید حسنی و اصحابش با آن حضرت بیعت خواهند نمود مگر قلیلی از اصحاب او که ۴۰۰/۰۰۰ از زیدیه باشند که مصحف ها و قرآن در گردن ایشان حمایل است و آنچه مشاهده نمودند از دلائل و معجزات آن را حمل بر سحر نمایند و گویند این سخنان بزرگی است و اینها همه سحر است که به ما نموده اند، پس امام قائم (عج) آنچه آنان را نصیحت و موعظه نماید و آنچه از معجزات بیاورد در آنها تاءثیر نخواهد کرد، تا سه روز ایشان را مهلت می دهد و چون موعظه آن حضرت را که حق است قبول ننمایند امر می فرماید که گردنهای ایشان را بزنند و حال ایشان شبیه است به حال خوارج نهروان که در لشکر امام علی علیه السلام در جنگ صفین بودند. (۱۱۶)

یمانی نیز از رهبران بر حق است که به حمایت از مهدی (عج) خروج می کند، امام صادق علیه السلام در ضمن روایتی فرمود: سفیانی و خراسانی و یمانی در یک سال و در یک شهر و در یک روز خروج می کنند و هیچ پرچمی مانند یمانی، به هدایت نزدیکتر نیست، زیرا یمانی مردم را به حق دعوت می کند. (۱۱۷)

سفیانی و دجال کیستند؟

در آستانه ظهور حضرت مهدی (عج) نشانه های دیگری نیز بروز می کند از جمله خروج سفیانی و دجال (۱۱۸) است

سفیانی از جانب شام، برمی خیزد. (۱۱۹)

و افراد دیگری نیز که تا ۳۰ یا ۶۰ کذاب در روایات ذکر شده است (۱۲۰)، اینها همه پرچم مخالفت بر می افروزند و سرانجام بدست یاران مهدی (عج) و به رهبری آن حضرت شکست می خورند و به هلاکت می رسند، از جمله از شکست خوردگان گروه ۱۰/۰۰۰ نفری ((بتریه)) است که در مسیر کوفه با سپاه قائم (عج) جنگ کنند و همگی به هلاکت می رسند، امام در کوفه کاخهای ستمگران را ویران می سازد و همه منافقین توطئه گر بدست یاران مهدی (عج) به هلاکت می رسند. (۱۲۱)

در وصف سفیانی آمده که او از نسل ابوسفیان است از پلیدترین مردم، سرخ مایل به زرد رنگ است (در ظاهر مقدس مآبی می کند) و ذکرش این است: یا رب، یا رب، یا رب، سرانجامش دوزخ است، آنقدر پلید است که کنیزش را که از او بچه دار شده زنده به گور می کند. (۱۲۲)

و به نقل دیگر امام باقر علیه السلام : در شام سه گروه دارای پرچم ، خروج می کنند: اصهب ، ابقع و سفیانی . (۱۲۳)

به هر حال سفیانی پلید با دار و دسته اش بر ضد حضرت مهدی (عج) قیام می کند.

مهدی (عج) به مردم فرمان می دهد به جنگ این دشمن خدا و دشمن خودتان برخیزند.

سپس خود حضرت مهدی (عج) همراه مسلمانان برای جنگ با سفیانی از مکه به شام رفته و در شام با او می جنگد

سرانجام سفیانی و دار و دسته اش ، شکست می خورند و سفیانی زیر درخت بغوطه دمشق به هلاکت می رسد. (۱۲۴)

و در بعضی از روایات آمده : ارتش و طرفداران او برای جنگ با مهدی (عج) به مکه می روند، وقتی که در راه به سرزمین

((بیدا)) رسیدند، بقدرت الهی مسخ می گردند و یا در زمین فرو می روند. (۱۲۵)

کوتاه سخن آنکه : ((سفیان)) یک طاغوت پلید دارای یک رژیم جهنمی است که با ویژگیهای خاص با انقلاب جهانی مهدی

(عج) مخالفت می کند و شکست می خورد. (۱۲۶)

اما در مورد دجال باید گفت : او نیز یک طاغوت حيله گر دیگر است . طبق نقل امام صادق علیه السلام ، امیر مؤمنان علی

علیه السلام در ضمن خطبه طولانی فرمود:

((حضرت مهدی (عج) با یارانش از مکه به بیت المقدس می آیند و در آنجا بین آن حضرت با دجال و ارتش دجال جنگ

واقع می شود، دجال و ارتشش مفتضحانه شکست می خورند، بطوریکه از اول تا آخر آنها به هلاکت می رسند و دنیا آباد می

شود و حضرت مهدی ، عدالت و قسط را در جهان بپا می دارد.

طبق روایتی : آن حضرت دجال را در کناسه کوفه به دار می زند.)) (۱۲۷)

خروج دجال در روایات اهل تسنن و در تورات و انجیل نیز آمده است .

اوصاف و ویژگیهای او نیز در روایات ذکر شده . (۱۲۸)

به هر حال آن حضرت ، دجال یعنی آن طاغوت حقه باز و پر تزویر را نیز که به جنگ مهدی (عج) برمی خیزد شکست می

دهد و طبق بعضی از روایات ، آن حضرت ، حضرت عیسی علیه السلام را در کشتن دجال در سرزمین فلسطین کمک می

کند. (۱۲۹)

آری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود:

((بدانکه فرزندانم از کسانی که به تو و شیعیان تو ستم کردند در دنیا انتقام می گیرند، و خداوند در آخرت آنها را عذاب می

نماید.

سلمان پرسید: او کیست ؟

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: او نهمین فرزند حسین علیه السلام است که پس از غیبت طولانی ظاهر می شود و فرمان خدا را اعلام می کند و دین خدا را آشکار می سازد و از دشمنان خدا انتقام می گیرد و سراسر زمین را همان گونه که پر از ظلم و جور شده ، پر از عدل و داد می نماید.)) (۱۳۰)

ضمناً روشن شد که رهبران مخالف دیگر نیز، طاغوتها با طاغوتچه هایی دیگر روی زمینند.

آیا این پیش بینی قابل اجراء است ؟

می پرسند:

آیا چنین پیش بینی برای آینده در مورد مصلح جهانی حضرت مهدی (عج) از نظر طبیعی و اجتماعی (با توجه به شرایط زمان در همه کشورها)، قابل عمل و یا دست کم امکان پذیر است ؟!

پاسخ :

سیر تکاملی بشر که در همه جهان مشاهده می شود، بخصوص سیر تکاملی اجتماعی و علمی در میان انسانها، نوید برقراری حکومت مصلح واحد را در آینده به روشنی به ما خبر می دهد.

از سوی دیگر همه دستگاههای آفرینش به سوی تکامل گام برمی دارند، و ما که جزئی از آفرینش هستیم ، اقتضای هماهنگی و همدوشی با آفرینش الزام می کند که انسانها نیز به سوی یک تکامل بزرگ که در سایه یک حکومت الهی تحت رهبریهای مردی بزرگ و عادل برقرار می شود گام بردارند و به نتیجه برسند.

به علاوه ضرورتهای اجتماعی ، و واکنشهایی که همه روزه در گوشه و کنار جهان در برابر ظلم و تعدی پیدا می شود به نوبه خود نیز پله های تکاملی به سوی وحدت جهانی تحت حکومت مصلح جهانی را مژده می دهند.

در اینجا اضافه می کنیم که در فطرت و اعماق وجدان و نهاد انسانها، عدالت خواهی و صلح و صفا و مبارزه با ظلم و هر گونه فساد و تعدی سرشته شده است ، و این عامل نیز خواه ناخواه به طور طبیعی و خودجوش ، انسانها را به برقراری چنین حکومت ایده آل و چنین نظام بهشتی و سراسر صفا سوق می دهد و سرانجام در این سیر، توفیق دستیابی به چنین نظامی را پیدا خواهد کرد، تا از نظامهای جهنمی رهائی یابد.

بنابراین : چنین پیش بینی از نظر طبیعی و جامعه شناسی هم قابل پیش بینی است و هم امکان پذیر است ، و هم عملی است .

فراز و نشیبهای تاریخ بشر در مسیر طولانی خود شواهد بسیاری را برای جهش و پیروزی در انقلابها و طرحهای بسیار برای زندگی بهتر از نظر روحی و جسمی در آینده که همه را می توان پله هائی برای دستیابی به انقلاب عظیم جهانی مصلح کل در طول تاریخ به حساب آورد نشان می دهد.

ما این مطلب را در مقایسه با هزاران سال قبل که چگونه بشر در رشته های بسیار علمی و اقتصادی و اجتماعی به پیش رفته به خوبی می توانیم درک کنیم .

آیا قیام امام مهدی علیه السلام مسلحانه است ؟

پاسخ :

امام قائم (عج) همچون پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نخست اعلان دعوت می کند و در آغاز ظهور، پیامش را به جهانیان می رساند، در این میان عده ای دعوتش را می پذیرند ولی عده ای دیگر کارشکنی و توطئه گری کرده و به مخالفت برمی خیزند، امام علیه السلام در برابر اینها قیام مسلحانه می کند.

در حدیثی امام جواد علیه السلام فرمود:

((وقتی که ۳۱۳ نفر یاران خاص امام قائم (عج) به خدمتش در مکه رسیدند، حضرت دعوتش را به جهانیان آشکار می سازد (یعنی ظهور می کند) و وقتی که این تعداد به ۱۰/۰۰۰ نفر رسید، به اذن خداوند متعال قیام مسلحانه می کند (خروج می نماید)).)) (۱۳۱)

منظور از کشته شدن شیطان بدست آن حضرت چیست ؟

می پرسند:

در قرآن آمده : ابلیس (پدر شیاطین) به خدا عرض کرد: خدایا مرا تا روز قیامت مهلت بده خداوند فرمود: به تو تا روز وقت معلوم مهلت داده می شود. (۱۳۲)

از این تعبیر معلوم می شود درخواست شیطان ، اجابت نشده است ، و طبق فرموده امامان علیهم السلام منظور از روز وقت معین وقت ظهور امام قائم (عج) است ، بنابراین آیا شیطان در این وقت کشته می شود و یا می میرد؟

پاسخ :

ما در روایات می خوانیم شخصی در مورد جمله ((یوم الوقت المعلوم)) که در آیه مذکور آمده از امام صادق علیه السلام سؤال کرد، امام علیه السلام فرمود:

وقتی که قائم ما (عج) ظهور کند و به مسجد کوفه بیاید، در این مسجد، شیطان به حضور آن حضرت می آید و زانو به زمین می زند و می گوید:

((یا ویله من هذا الیوم ؛))

ای والی از این روز.))

آنگاه امام قائم (عج) موی پیشانی شیطان را می گیرد و گردنش را می زند و او را به هلاکت می رساند، این روز وقت معلوم ، (در آیه مذکور) است . (۱۳۳)

بنابراین شیطان کشته می شود، ولی در اینجا این سؤال پیش می آید، پس دیگر مردم ، آزادی در اراده ندارند و همچون فرشتگان مجبور به اطاعت خدا خواهند شد؟

در پاسخ می گوییم : آزادی اراده و اختیار از انسانها گرفته نمی شود، منظور از کشتن شیطان این است که ریشه های فساد و عوامل انحراف و ظلم و جور در عصر درخشان حکومت مهدی (عج) نابود می گردد و بجای آن عقل و ایمان حکومت می کند، چنانکه در حدیثی دیگر نیز می خوانیم :

((در صحف ادریس پیامبر علیه السلام آمده : تو ای شیطان تا زمانی که مقدر کرده ام که زمین را در آن زمان از کفر و شرک و گناه پاک ساز، مهلت داده خواهی شد، ولی در این زمان (بجای تو) بندگان خالق و پاکدل و با ایمان روی کار آیند آنها را خلیفه و حاکم زمین می کنم و دینشان را استوار می سازم ، که آنها تنها مرا می پرستند و هیچ چیز را شریک من قرار نمی دهند در آن روز است که تو (شیطان) و همه لشکریانت از پیاده و سواره را نابود می نمایم .)) (۱۳۴)

به این ترتیب می فهمیم در آن زمان دیگر حنای شیطان و بچه هایش رنگ ندارد، و در برابر بندگان مخلص خدا به رهبری حضرت حجت (عج) همچون خفاشهایی در برابر خورشید تابناک عالمند، نتیجه می گیریم مرگ شیطان فرا رسیده است .

ویژگیهای یاران حضرت مهدی

مقدمه :

بر هیچ کس پوشیده نیست که برای پیروزی انقلاب و شکست و نابودی حکومتهای جور و ستم و نیاز به عوامل بسیاری است ، که در راءس آنها حضور در صحنه و حمایت و تلاش خستگی ناپذیر، و آگاهی و تحمل رنجها و امید به آینده درخشان است و به عبارت دیگر یاران حضرت مهدی (عج) دارای این ویژگیها هستند.

ما وقتی که زندگی و مراحل دعوت پیامبران علیهم السلام را تجزیه و تحلیل می کنیم ، می بینیم هر کجا آنها حامی و یاور داشتند و این حامیان و یاوران به طور آگاهانه و قاطع در صحنه بودند و با امید و توکل به خدا به پیش می رفتند، پیامبرشان هر چند در بخشی از اهدافش به پیروزی می رسید و در غیر این صورت شکست ظاهری نصیبش می شد.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران چندین مسئله مبهم را در رابطه با قیام حضرت مهدی (عج) روشن و ثابت کرد، از جمله اینکه در شرایط فعلی دنیا هر چند غرق در گناه و فساد باشد، انقلاب و دگرگونی ، نه تنها ممکن بلکه عملی است و دیگر اینکه باید دنبال کار را گرفت و امید به آینده داشت ، از همه روشنتر اینکه باید حمایت و بسیج همه جانبه شود و با وحدت و تجمع یاران مخصوص ، به این کار بزرگ یعنی آماده کردن جهان برای ظهور حضرت قائم (عج) دست زد. با توجه به اینکه بهترین حکومت آن است که به طور طبیعی و خودجوش روی کار آید نه به طور تحمیلی و زور، آنانکه می گویند حکومت حضرت مهدی (عج) بدون معجزه امکان پذیر نیست گویا به این اشکال توجه ندارند که اگر بنابر معجزه و اجبار هر چند اجبار فکری باشد آن حالت زیبای طبیعی و خودجوش خود را از دست می دهد و یک نوع حکومت تحمیلی می گردد.

البته ما امدادهای غیبی نیستیم ، وقتی مردانی با اخلاص و صداقت به پیش رفتند خداوند هم آنها را یاری می کند و به اهدافشان می رساند. (۱۳۵)

بنابراین همان گونه که در بسیاری از روایات آمده (۱۳۶) حکومت حضرت مهدی (عج) همچون حکومت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است منتها در سطح وسیعتر و عمیقتر همانگونه که یاران آگاه و با استقامت آن حضرت در صدر اسلام شیران روز و پارسایان شب بودند و نقش مؤثر و مهم در تشکیل حکومت اسلامی را ایفاء کردند، حکومت حضرت حجت (عج) نیز از این قانون مستثنی نیست ، و چنانکه در جای خود مشروحا بیان شده معنای واقعی ((انتظار)) نیز آمادگی یاران و بسیج همه جانبه آنها در سطح وسیع مناسب با حکومت جهانی است .

ویژگیهای یاران آن حضرت در قرآن

در قرآن این کتاب انسان ساز و حرکت آفرین در رابطه با یاران نمونه حضرت مهدی (عج) یک آیه است که بسیار امید بخش و سازنده است ، این آیه در حقیقت بیانگر حقائق و واقعیهائی است که اگر به طور جدی و همه جانبه تعقیب گردد، موانع سر راه را برمی دارد و جهان را به استقبال مصلح جهانی حرکت می دهد.

در سوره مائده آیه ۵۹ خداوند به طور مستقیم ، مؤ منان را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

((ای مؤ منان هر کس از شما مرتد شد و از اسلام بیرون رفت ، خداوند در آینده جمعیتی را می آورد که دارای این پنج امتیاز هستند:

۱- هم خداوند آنها را دوست دارد و هم آنها خدا را دوست دارند.

۲- در برابر مؤ منان خاضع و مهربانند.

۳- در برابر مشرکان و دشمنان ، سرسخت و نیرومندند.

۴- به طور پی گیری در راه خدا جهاد و تلاش می کنند.

۵- در مسیر انجام وظیفه از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای نمی هراسند.

این فضل خدا است که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می دهد، فضل و رحمت خدا وسیع است و او بر همه چیز آگاه است ((. (۱۳۷)

در روایات برای این آیه مصادیق مختلفی بیان شده از جمله اینکه : این آیه در مورد یاران حضرت مهدی (عج) است که با این ویژگیها با تمام قدرت ، در مقابل مرتدین و کارشکنان می ایستند، و برای برقراری حکومت عدل امام قائم (عج) و برقراری عدالت در کل جهان تلاش می کنند. (۱۳۸)

و در عبارتی امام صادق علیه السلام فرمود:

((صاحب این امر (حضرت مهدی ((عج)) در پرتو این آیه (در حمایت چنین یاران آگاه و دلاور) محفوظ است ((. (۱۳۹)

ویژگی اول :

به عشق آن یاران به خدا اشاره می کند، آنها که جز به خدا نمی اندیشند، در حدی که خداوند نیز آنها را دوست دارد. روشن است که چنین روحیه ای که در پرتو ایمان و توکل بدست می آید، بزرگترین عامل خیزش و پرواز و اراده و تقوی است که نقش آن در حماسه آفرینی اعجازآمیز و شگفت انگیز می باشد.

ویژگی دوم :

به پیوند اخلاقی و وحدیت و یکپارچگی با مؤ منان اشاره می کند که نقش آن در پیشبرد کار بسیار مهم و چشمگیر است .

ویژگی سوم :

حاکمی از سازش ناپذیری مؤمنان در برابر کافران ، و نه شرقی بودن و نه غربی بودن آنها است ، که در پرتو آن هر گونه تلاش و شگرد دشمن خنثی می گردد....

ویژگی چهارم :

جهاد و مبارزه پی گیر با کفار و دشمنان اسلام است .

بالاخره ویژگی پنجم :

که بسیار مهم است ، قاطعیت و پایداری مؤمنان را بیان می کند که روح محافظه کاری و مجامله در آنها نیست ، از عوامزدگی و محیطزدگی و غوغای اکثریت منحرف و استهزاء آنها نمی هراسند، و با گامهای استوار در صراط مستقیم حرکت می کنند و یاهوهای چپ و راست در حرکت آنها اثر ندارد.

و باید به آغاز آیه نیز توجه داشت که ارتداد و بیعت شکنی عده ای وجیه المله ، آنها را سست و نگران نمی کند، آنها شرایط سخت حاضر را معیار قرار نمی دهند امید به آینده دارند، چرا که خود آینده سازند و کمبودها آنها را سست و لرزان نمی کند. در میان این ویژگیها هر چند همه در جای خود از اهمیت بسیار برخوردارند ولی این ویژگی پنجم از همه مهمتر به نظر می رسد ابوذر غفاری ، آن مرد نستوه و قاطع را در تاریخ با این لقب : ((لا یخاف فی الله لومۃ لائم)) می خوانند، و خود می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله به من سفارش کرد که در راه خدا از یاهو سرائی یاهو سرایان و سرزنش کنندگان نهراسم . (۱۴۰)

وقتی که حجر بن عدی آن بزرگمرد خدا با یارانش به فرمان معاویه به شهادت رسیدند، امام حسین علیه السلام بزرگترین چهره انقلابی تاریخ به عنوان اعتراض به معاویه نوشت و در آن نامه بخصوص این ویژگی حجر و یارانش را تذکر داد و نوشت :

((تو کسانی را کشته ای که امر به معروف و نهی از منکر می کردند، گناه را بزرگ می شمردند ((و لا یخافون فی الله لومۃ لائم ؛))) (و در راه خدا از ملامت ، ملامت کنندگان نمی هراسیدند)) (۱۴۱)

بسیاری هستند از یاهو سرائیهای رسانه های همگانی شرق و غرب تحت تاءثیر قرار می گیرند و خود را می بازند، ولی اگر دارای این ویژگی بودند، هیچگونه تحت تاءثیر قرار نمی گرفتند بلکه بیشتر به راه خود ادامه می دادند.

پیشگویی پیامبر صلی الله علیه و آله از یاران اسلام در ایران

در روایتی می خوانیم وقتی از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد آیه مذکور سؤال کردند پیامبر صلی الله علیه و آله دست خود را بر شانه سلمان رحمه الله نهاد و فرمود:

((منظور از این یاران ، هموطنان این شخص هستند.))

سپس فرمود:

((لو كان الدين معلقا بالثريالتنا و له رجال من ابناء الفارس ؛))

((اگر دین به ستاره ثریا بسته باشد و در آسمانها قرار گیرد، مردانی از فارس آن را در اختیار خواهند گرفت.)) (۱۴۲)

اگر کوششهای پی گیر و نتیجه بخش ایرانیان را در طول تاریخ اسلام بررسی کنیم ، بخصوص در قرن معاصر، و پیروزی انقلاب اسلامی ، و تشکیل حکومت اسلامی به نیابت از حضرت قائم (عج) به خوبی به حقانیت این پیشگوئی پی می بریم ، بعلاوه این پیشگوئی اعجازآمیز الهام بخش آن است که مسلمانان ایران در حرکت دادن مردم جهان به سوی حکومت مهدی (عج) نقش مؤثر و اساسی دارند، و چنانکه از نشانه هایش پیداست ، نسبت به آینده امید بخش است . (۱۴۳)

به هر حال همانگونه که در آخر آیه مذکور می خوانیم باید امید به فضل و لطف خدا داشت ، فضل و رحمت خدا وسیع است ، و حتما شامل افراد شایسته و برازنده خواهد شد.

به این ترتیب نتیجه می گیریم که طرفداران جدی تشکیل حکومت جهانی به رهبری قائم (عج) باید با کسب ویژگیهای که در تفسیر آیه مذکور بیان شد، در هر جا ستاد مقاومت و تلاش تشکیل دهند و بدانند که حتما با چنین حرکت قرآنی به کعبه مقصود خواهند رسید.

در اینجا از یک شاهد عینی کمک گرفته و بطور ملموس موضوع را ترسیم می کنیم :

از شما می پرسم برآستی اگر مردم همه کشورهای اسلامی با هدف قراردادن اسلام تحت رهنمودهای پیامبر صلی الله علیه و آله و آله و آله ، تحت نظر مردان صالح و آگاه خود، همچون کشور ایران در وضع فعلی به جنگ با طاغوتیان بروند، و حکومت اسلامی تشکیل دهند و کم کم آنرا توسعه داده و به تهذیب و تکمیل آن بپردازند چقدر به حکومت جهانی امام قائم (عج) نزدیک خواهند شد؟

امید آنکه جهان اسلام با تجزیه و تحلیل و دیدن این نشانه های عینی و ملموس ، دنبال کار را بگیرد که مسلما به نتیجه خواهد رسید.

تحلیل سخنی از امام سجاد علیه السلام

امام سجاد علیه السلام درباره منتظران و یاران حضرت مهدی (عج) به یکی از دوستانش بنام ابو خالد رحمه الله چنین فرمود:
((مردمی که در زمان غیبت امام زمان علیه السلام به سر می برند و معتقد به امامت و رهبری آن حضرت بوده و منتظر ظهور و قیامش هستند، از مردم هر زمانی برترند، چرا که خداوند آنها را آنچنان از عقل و فهم و شناخت برخوردار کرده که غیبت امام زمان علیه السلام برای آنان همچون ظهور آن حضرت است، خداوند آنها را در این زمان همچون مجاهدانی قرار داده که با شمشیر در پیشاپیش رسول خدا صلی الله علیه و آله با دشمن می جنگیدند، در حقیقت مردان خالص و شیعیان راستین ما چنین افرادی هستند که در آشکار و پنهان به سوی خدا دعوت کنند.)) (۱۴۴)

در این روایت مردم منتظر ظهور امام زمان علیه السلام در زمان غیبت به عنوان ((برترین مردم)) همه زمانها خوانده شده اند و در پایان به عنوان ((انسانهای خالص و شیعیان راستین)) لقب گرفته اند به خاطر سه ویژگی :

نخست :

به خاطر آگاهی و شناخت به گونه ای که غیبت امام زمان علیه السلام را همچون حضور او دانسته و تلاش و فکر و هدفشان بر این اساس است ، نه اینکه دست روی دست بگذارند که از ما کاری ساخته نیست به انتظار می نشینیم تا امام زمان علیه السلام ظهور کند و خودش کارها را اصلاح نماید.

دوم :

به خاطر اینکه جهاد و تلاش و پیکار با دشمنان دارند، بسان مجاهدان صدر اسلام که در پیشاپیش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با دشمن می جنگیدند، بی تفاوت نیستند و تا آخرین حد توان در صحنه نبرد حضور دارند.

سوم :

به خاطر اینکه مردم را در آشکار و پنهان به سوی خدا می خوانند:

اولا دعوتشان به سوی خداست نه به سوی شرق و غرب ، ثانيا همواره در آشکار و نهان کارشان هدایت و روشنگری است تا مردم را به سوی حق جلب و جذب کنند.

به این ترتیب یاران ویژه و ویژگیهای یاران امام زمان علیه السلام را می شناسیم و در یک جمع بندی کوتاه چنین نتیجه می گیریم که اگر هواداران امام زمان علیه السلام دارای چنین ویژگیهایی باشند، جهان به سوی حکومت واحد جهانی تحت رهبری حضرت قائم (عج) نزدیک می شود و قدمهای بزرگ و مؤثری برای ظهور آن حضرت برداشته خواهد شد.

نکته دیگری که در رابطه با یاران مهدی (عج) باید مورد توجه قرار گیرد این که از روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) کاملاً استفاده می شود که نهضت و انقلاب آن حضرت به گونه رفورمی و گام به گام نیست، بلکه به طور انقلابی است، و در میان صفات یاران مهدی (عج) پس از ایمان و معرفت، بیشتر از سلحشوری و جهاد و رزمندگی از اراده قوی آنها سخن به میان آمده است، و این حکایت از آن می کند که برای برقراری حکومت جهانی امام مهدی (عج) باید جهاد کرد و هرگز از راه سازش با دشمنان اسلام برخورد ننمود اکنون به چند روایت ذیل در این جهت توجه فرمائید: ۱ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

((مردمی از مشرق زمین بپاخیزند و زمینه ساز حکومت حضرت مهدی (عج) شوند.)) (۱۴۵)

تعبیر ((خروج)) که در فارسی معادل: نهضت و شورش و انقلاب است دلیل بر حرکت انقلابی یاران مهدی (عج) است نه حرکت گام به گام.

ضمناً از این روایت استفاده می شود، یاران زمینه ساز برقراری حکومت حضرت مهدی (عج) در مشرق زمین هستند.

۲- شخصی از امام باقر علیه السلام پرسید:

((مردم گویند وقتی که حضرت مهدی (عج) قیام کرد کارها به طور طبیعی به پیش می رود و به اندازه شاخ حجامتی خونریزی نمی شود؟))

امام در پاسخ فرمود: به خدا سوگند چنین نیست اگر چنین چیزی ممکن بود در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله صورت می گرفت، در صورتی که دندان آن حضرت در جهاد با دشمن خون افتاد و پیشانی شکست، به خدا سوگند نهضت امام قائم (عج) تمام نمی شود مگر اینکه در میدان جنگ عرق بریزیم و خونها ریخته شود، پس دست به پیشانی مبارکش مالید.)) ۳ امام باقر علیه السلام در ضمن گفتاری فرمودند:

(۱۴۶)

((وقتی قائم ما (عج) قیام کرد و هر یک از شما به اندازه قوت چهل مرد نیرو پیدا می کند، و دلهای شما همچون پاره های آهن می شود که اگر به کوهها بزنند آنها را می شکافند...)) (۱۴۷)

۴- نیز فرمود:

((قیام حضرت مهدی (عج) از این جهت شباهت به لشکر حضرت محمد صلی الله علیه و آله دارد که با شمشیر قیام می کند و دشمنان خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و گمراه کنندگان را به قتل می رساند و با شمشیر و ترساندن ، پیروز می گردد، آنچنان پیروزی که هیچ پرچمی از او شکسته نمی شود.))
روشن است که کلمه شمشیر، کنایه از جنگ با اسلحه است .

۵- روایاتی که درباره ویژگیهای منتظرین حضرت مهدی (عج) آمده نیز مطلب فوق را تأیید می کنند که در بسیاری از این روایات آمده :

((منتظرین همانند کسانی هستند که در رکاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر فرق دشمن ضربه مهلک وارد می سازند.)) (۱۴۸)

ضمناً لقب قائم ((عج)) (قیام کننده) برای حضرت مهدی (عج) و اوصافی که در مورد او آمده مانند اینکه : حضرت رضا علیه السلام فرمود:

((قائم (عج) در سن پیران ولی به صورت جوانان ظاهر می شود، به قدری قوی و نیرومند است که اگر به بزرگترین درخت روی زمین دست دراز کند آن را از ریشه می کند و اگر در میان کوهها فریاد بزند سنگهای سخت آن متلاشی می گردند.)) (۱۴۹)

۶- در بعضی از تعبیرات ائمه علیهم السلام آمده :

((و لو مروا الجبال من حديد ليقطعوها لا يكفون سيوفهم حتى يرضى الله عزوجل ؛))

((اگر این یاران به کوههایی از آهن عبور کنند آنها را قطعه قطعه کنند، اسلحه هایشان همواره در کار است تا خداوند راضی شود.)) (۱۵۰)

اینها همه حاکی است که قیام حضرت مهدی (عج) یک حرکت عمیق انقلابی در کل جهان است و باید برای چنین حرکتی بسیج عمومی و به تعبیر دیگر ارتش عمومی و مجهز از مسلمانان در تمام نقاط دنیا تشکیل شود، ارتشی که کاملاً آمادگی رزمی داشته باشد و با روحیه ای عالی به پیش رود و در جسم و روح بتوان او را به عنوان سرباز امام زمان علیه السلام خواند. برای تکمیل این بحث به روایت معروف ذیل توجه کنید:

امام صادق علیه السلام فرمود:

(همراه ظهور قائم ((عج))) بیست و هفت نفر از پشت کوفه (نجف اشرف) ظاهر شده (و به حضرت مهدی ((عج)) می پیوندند)، پانزده نفر آنها از قوم موسی علیه السلام هستند که به سوی حق هدایت می کنند و حاکم به حق و عدالتند و هفت نفر آنها اصحاب کهف اند و بقیه عبارتند از: یوشع بن نون رحمه الله ، سامان رحمه الله ، ابودجانه انصاری رحمه الله ، مقداد رحمه الله و مالک اشتر رحمه الله اینها در خدمت امام زمان علیه السلام به عنوان یاران و فرماندهان آن حضرت به شمار می آیند. (۱۵۱)

با توجه به اینکه گروه کوچکی از افراد صالح و طرفدار حضرت موسی علیه السلام که همه جا حامی موسی علیه السلام بودند و تسلیم دعوت سامری نشدند و همواره در این فکر بودند که از خط موسی علیه السلام خارج نشوند، چنانکه در قرآن (آیه ۵۹ سوره اعراف) اشاره ای به این گروه صالح و در خط حق و عدالت شده است ، همان پانزده نفر مذکور در روایت فرق می باشند.

و همچنین با توجه به داستان زندگی آزاد مردان و حق طلبانی همچون اصحاب کهف و مبارزه منفی آنها با طاغوت زمانشان ... و همچنین با توجه به حمایتها و فعالیتهای یوشع بن نون (وصی حضرت موسی علیه السلام) در راه توحید چنانکه در تاریخ آمده و با توجه به زندگی برجسته مردانی همچون ابودجانه انصاری ، سلمان رحمه الله ، مقداد رحمه الله و مالک اشتر رحمه الله در می یابیم که یاران راستین حضرت مهدی (عج) باید چگونه افرادی باشند؟ و در چه خطی باشند و چگونه در راه حق از جان و مال دریغ نورزند؟

تجزیه و تحلیلی درباره ۳۱۳ نفر از یاران مخصوص امام

تواتر حدیث ۳۱۳ نفر

برای شناخت این یاران مخصوص به مطالب زیر توجه کنید:

در همه جا معروف است و در کتابهای مربوط به امام زمان علیه السلام نوشته شده که هنگام ظهور آن حضرت ۳۱۳ نفر یاران مخصوصش به او می پیوندند و همچون کوه در برابر حوادث ایستادگی کرده و همراه امام (عج) هستند، اکنون بجاست که در این کتاب درباره این افراد خاص به بررسی فشرده ای پردازیم ، برای روشن شدن مطلب نخست صحت اصل حدیث را مورد بررسی قرار داده سپس ویژگیهای این یاران را بیان می کنیم .

به طوری که در کتب مربوطه مانند بحارالانوار، (طبق قدیم ، جلد ۱۳، و نیز چاپ جدید جلد ۵۲)، اثبأه الهداء ، جلد ۷، و منتخب الاثر و... آمده ، حدیث ماجرای پیوستن ۳۱۳ نفر از یاران خاص حضرت قائم (عج) به آن حضرت ، هنگام ظهور در

مکه ((متواتر)) است ، یعنی به اندازه ای نقل شده که انسان با بررسی آنها علم پیدا می کند که این حدیث صحیح است ، و از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نقل شده است .

بنابراین نباید شکی در صدور حدیث مذکور از جانب معصومین علیهم السلام نمود.

توضیح بیشتر اینکه : این حدیث با تعبیرات گوناگون نقل شده و در مجموع به اصطلاح ، تواتر معنوی بر صحت صدور آن از معصومین علیهم السلام داریم .

ویژگیهای این افراد

اکنون با توضیحات کوتاه ، ویژگیهای این افراد و یاران مخلص دیگر امام قائم (عج) را در امور ده گانه زیر بررسی می کنیم :

۱- امام در انتظار آنها بسر می برد:

هنگام ظهور امام قائم (عج) آن حضرت قبل از آنکه کنار کعبه برود و تکیه بر کعبه (کانون و مرکز توحید) کند و صدای دل آرای خود را بلند کرده و به جهانیان برساند، در مکانی بنام ((ذی طوی)) (۱۵۲) در انتظار ۳۱۳ نفر از یاران خاصش توقف می کند، تا اینکه آنها می آیند و به آن حضرت می پیوندند... (۱۵۳) و از آنجا همراه امام به کنار کعبه می روند... (۱۵۴)

۲- آنها از اطراف جهان جمع می شوند:

این ۳۱۳ نفر از اطراف جهان و دورترین نقطه ها جمع شده و به امام قائم (عج) می پیوندند چنانکه در حدیثی از امام باقر علیه السلام بیان شده :

((یجمع الله من اقاصی البلاد علی عده اهل بدر ثلاثاء و ثلاث عشر رجلا؛))

((خداوند برای حضرت قائم از دورترین شهرها، به تعداد جنگاوران جنگ بدر، ۳۱۳ مرد را جمع می کند.)) (۱۵۵)

۳- آنها نخستین بیعت کنندگان با امام قائم (عج) هستند:

هنگام ظهور، نخستین کسانی که پس از جبرئیل امین علیه السلام با امام قائم (عج) بیعت می کنند، همین ۳۱۳ نفر هستند، چنانکه این مطلب را امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود. (۱۵۶)

البته باید توجه داشت که در آغاز ظهور، یاران امام زمان علیه السلام ۳۱۳ نفرند، و گرنه به طور سریع بر یاران آن حضرت افزود می شود به طوری که در همان آغاز به ۱۰/۰۰۰ نفر می رسند، چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود:

((ما یخرج الا فی اوله قوم و ما یکون اولو القوة اقل من عشرة آلاف ؛))

امام زمان علیه السلام خروج و ظهور نمی کند مگر همراه یاران نیرومند و رشید، و این یاران کمتر از ۱۰/۰۰۰ نفر نیستند.

(۱۵۷)

۴- آنها جانبازان سلحشورند:

این ۳۱۳ نفر در حدی از ایثار و جانبازی و شجاعت و سلحشوری هستند که دشمنان قائم (عج) جمع می شوند تا آن حضرت را به قتل برسانند، همین ۳۱۳ نفر با دفاع قهرمانانه و جانبازی در راه آن بزرگوار، دشمنان را دفع کرده و آنان را در راه رسیدن به هدف شوم خود، مفتضحانه شکست می دهند، چنانکه این مطلب در ضمن حدیثی از امام سجاد علیه السلام نقل شده

است. (۱۵۸)

۵- آنها پرچمداران و حاکمان روی زمینند:

این افراد، در روایات بسیار، تشبیه به ۳۱۳ نفر مسلمانان شجاع و سلحشوری شده اند که در جنگ بدر، نخستین شکست بزرگ را بر کفار و دشمنان اسلام وارد آوردند، که تا آن وقت دشمنان چنین شکستی از اسلام نخورده بودند، و اصلاً تصور چنین شکستی را نمی کردند.

به علاوه، این ۳۱۳ نفر پرچمداران روی زمین، و حاکمان خدا بر مردم در سراسر زمین می باشند، این ویژگیها حکایت از آن می کند که این افراد علاوه بر سلحشوری و شجاعت، دارای علم و بینش بوده که لیاقت رهبری جامعه ها را دارند و شایستگی آن را دارند که پرچمدار کشورها باشند.

شاید بتوان گفت: هنگام برقراری حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) همه جهان به ۳۱۳ ایالت و استان تقسیم گردد، و در هر یک از این ایالتها و استانها این مردان بزرگ رهبر آنجا گردند، اینک به اصل روایت توجه کنید:

((عن الصادق علیه السلام و کاءنی انظر الی القائم (عج) علی منبر الکوفه و حوله اصحابه ثلثاء و ثلاث عشر رجلاً عدّه اهل البدر و هم اصحاب الاءلویه و هم حکام الله فی ارضه علی خلقه ...))

امام صادق علیه السلام فرمود: گویا امام قائم (عج) را بر بالای منبر کوفه می نگریم که یارانش ۳۱۳ نفر مرد به تعداد جنگاوران مسلمان جنگ بدر، اطرافش را گرفته اند، این یاران پرچمداران و حاکمان بر مردم در زمین از جانب خدا هستند.

(۱۵۹)

۶- آنها امت معدود و همچون پاره های ابرهای متراکم هستند:

در قرآن می خوانیم:

((هر جا که باشید خداوند همه شما را حاضر می کند.)) (۱۶۰)

در تفسیر این آیه ، امام باقر علیه السلام فرمود:

((یعنی اصاب القائم (عج) الثلاثاء و البضعه عشر رجلا و الله هم الامه المعدوده قال يجتمعون و الله في ساعه واحده قزع كقزع الخريف ؛))

((منظور یاران قائم (عج) اند که ۳۱۳ نفرند، به خدا سوگند منظور از امت معدوده (که در آیه ۸، سوره هود آمده) آنها هستند، به خدا سوگند در یک ساعت همگی جمع می شوند همچون پاره های ابر پائیزی که بر اثر باد جمع و متراکم می گردد.)) (۱۶۱)

و در حقیقت آیه مبارکه مذکور می گوید: خدائی که قدرت دارد ذرات پراکنده خاک انسانها را در قیامت از نقاط مختلف جهان جمع آوری کند به آسانی می تواند یاران مهدی (عج) را در یک روز و یک ساعت برای برای افروختن نخستین جرقه های انقلاب به منظور تاسیس حکومت جهانی عدل الهی و پایان دادن به ظلم و ستم جمع نماید.

تعبیر ((امه معدده)) و همچنین با پاره های ابر پائیزی که توده های آن جمع و متراکم می گردند، حاکی است که این ۳۱۳ نفر خود یک ((امت)) هستند و همچون توده های ابرهای متراکم ، خلل ناپذیر و تیز پرواز و نیرومند می باشند.

۷- آنها رکنها و پایه های خلل ناپذیر و پشتیبانان محکم اند:

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۸۰، سوره هود علیه السلام که در آن آمده حضرت لوط علیه السلام به قوم سرکش و تبهکار خود گفت :

((لو اعن لی بکم قوه اءو آوی الی رکن شدید؛))

((افسوس) ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم یا تکیه گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود (آنگاه می دانستم که با شما پس فطرتان چه کنم) .))

فرمود: منظور از ((قوه)) همان قائم ((عج)) است و منظور از ((رکن شدید)) (پشتیبانان محکم) ۳۱۳ نفر از یارانش هستند.

(۱۶۲)

آری حضرت لوط علیه السلام آرزو می کند که ای کاش مردانی مصمم ، با قدرت روحی و جسمی کافی و هم پیمانهای نیرومند همانند ۳۱۳ نفر مردانی که هسته مرکزی حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) را تشکیل می دهند در اختیار داشت تا قیام کند و با تکیه بر قدرت ، با فساد و انحراف مبارزه نماید.

و طبق روایت می خوانیم آنها همچون پاره های آهن ((محکم و استوار)) هستند. (۱۶۳)

۸- چند نشانه دیگر از این ۳۱۳ نفر:

امام صادق علیه السلام به یکی از یاران مخصوص ((مفضل)) رحمه الله فرمود:

((وقتی که امام قائم (عج) از سوی خدا اجازه خروج و ظهور بگیرد، خدا را به اسم اکبر در لغت عبرانی بخواند و ۳۱۳ نفر از اصحابش که از افراد نخستین در مورد قبول ولایت امام هستند، مانند پاره های ابر پائیزی که به سوی او می شتابند، جمعی شبانگاه از بستر خود ناپدید شوند، و صبحگاه در مکه باشند و جمعی در روز دیده می شوند که بر روی ابر حرکت می کنند تا آنجا که فرمود:

این آیه ((هر کجا باشید خداوند همه را حاضر می کند)) (۱۶۴)

درباره آنها نازل شده است.)) (۱۶۵)

یکی از اصحاب می گوید: در مسجدالحرام در مکه در حضور امام باقر علیه السلام بودم آن حضرت دستم را گرفت و فرمود: ((بزودی خداوند متعال ۳۱۳ نفر را در همین مسجد حاضر کند، مردم مکه می دانند که هنوز پدران و اجداد آنها خلق نشده اند، همراه آنها شمشیرهایی است که بر هر شمشیری نام شخص و نام پدر و اوصاف و نسبش نوشته شده، سپس به دستور امام (عج) شخصی اعلام می کند:

این مهدی (عج) همچون داود علیه السلام و سلیمان علیه السلام قضاوت می کند و گواهی نمی خواهد.)) (۱۶۶)

و در ضمن روایتی از امام صادق علیه السلام می فرماید:

((بر شمشیرهای آنان هزار کلمه نوشته شده که هر کلمه آن کلید هزار کلمه دیگر است و آن حضرت، باد را در هر دره ای بفرستد که ندا کند: این مهدی (عج) است که قضاوت و حکومتش همچون قضاوت و حکومت داود علیه السلام است و گواهی از متخلفین نمی خواهد.)) (۱۶۷)

و بالاخره امام باقر علیه السلام فرمود:

((امام قائم (عج) دارای ۳۱۳ نفر یاور است که این افراد از نژاد ((عجم)) هستند، بعضی از آنها در روز بر روی ابر سوار شده و راه می روند، و بنام و پدر و اوصاف و نسب معروفند (۱۶۸) و بعضی از آنها در بستر خود خوابیده اند و بدون وعده قبلی در مکه به حضور امام قائم (عج) شرفیاب می گردند.)) (۱۶۹)

این روایات حاکی است که ۳۱۳ نفر در همه ابعاد انسانی، افراد شایسته و شخصیت‌های ممتاز و قاطع و دلیر و دارای امکانات وسیع بوده و شایستگی آن را دارند که نخستین دسته گروندگان به آن حضرت باشند و هسته مرکزی حکومت حضرت قائم (عج) و سران ارتش انقلاب جهانی ایشان را تشکیل می‌دهند.

۹- دست خدا بالای سر امام عج و یارانش :

از آنجا که این مردان آزاده، براستی به امام (عج) می‌پیوندند تا در راه او هر گونه جانبازی لازم را بنمایند، خداوند نیز یار و یاور آنها است و با نیروهای غیبی آنها را کمک می‌کند.

چنانکه قرآن می‌فرماید:

((ان تنصرو الله ینصرکم و یثبت اقدامکم)):

((اگر شما خدا را یاری کنید، خداوند شما را یاری می‌کند و گامهای شما را استوار می‌دارد.)) (۱۷۰)

امام سجاد علیه السلام فرمود:

((گویا صاحب شما (حضرت قائم (عج)) را می‌بینم که همراه سیصد و اندی نفر در پشت کوفه به نجف مشرف شده، جبرئیل علیه السلام در طرف راست و میکائیل علیه السلام در طرف چپ و اسرافیل علیه السلام در پیش روی او است، پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را برافراشته و آن پرچم را به جانب هیچ گروهی از مخالفان متمایل نکند، مگر اینکه خداوند آنان را به هلاکت می‌رساند.)) (۱۷۱)

نیز در ضمن روایتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

((هنگام خروج قائم (عج) منادی خدا از آسمان فریاد می‌زند: ای مردم! مدت ستمگران تمام شد، و کار بدست بهترین امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم افتاد، روانه مکه شوید.)) (۱۷۲)

به این ترتیب می‌بینیم دست خدا همراه مهدی (عج) و یارانش است، در این صورت پیروزی آنها حتمی است از طرفی در روایات می‌خوانیم خداوند خروج قائم (عج) را در یک شب سامان می‌بخشد. (۱۷۳)

به هر حال طبق مضمون فرموده امام باقر علیه السلام این انقلاب نیاز به یاران قهرمان و رشید دارد، و باید در این راه خونها ریخته شود و عرقها در بدن جاری گردد. (۱۷۴)

یارانی که شایسته اطراف امامی باشند که پرچم رسول خدا را به دست گرفته و اسلحه های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را با خود حمل می کند، و پیراهن خونی شده ای را که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ احد در تن داشت به تن دارد. (۱۷۵)

۱۰- نقش زنان در انقلاب حضرت مهدی (عج):

جالب اینکه از امام باقر علیه السلام نقل شده فرمود:

((... و یجی و الله ثلاث مائه و بضعة عشر رجلا فیهم خمسون امرئة یجتمعون بمکة علی غیر میعاد قزعا کقزع الخریف؛))
((سوگند به خدا سیصد و اندی نفر مرد می آیند در میانشان ۵۰ نفر زن هستند، در مکه اجتماع می کنند بی آنکه قبلا وعده داده باشند، آمدنشان همچون ابرهای پائیزی است (که با حرکات تند می آیند و در آن مرکز جمع می گردند.)) (۱۷۶)
شکی نیست و به تجربه ثابت شده که زنان در انقلابها نقش مؤثر و تعیین کننده دارند، زنان هستند که جوانان رشید و سلحشور در دامان پاک خود می پروراند و در پشت جبهه و خانه داری، پشتیبان محکم و خوب برای مردان می شوند، آنها می توانند با تصمیم آهنین خود شهید پرور باشند، آتش انقلاب را شعله ور سازند، و در کنار جبهه ها به پانسمان زخمی ها بپردازند و نوازشگر انقلابیون شوند.

در روایات آمده پس از جنگ احد بدن حضرت علی علیه السلام پر از زخم شد به طوری که ۶۰ مورد از بدن مولا علی علیه السلام بریدگی سخت پیدا کرد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم دو زن بنام ام سلیم و ام عطیه رحمهما الله را مأمور مداوا و پانسمان زخمهای بدن مبارک امام علی علیه السلام نموده، آنها طبق مأموریت به زخم بندی مشغول شدند، بعد گزارش دادند بقدری بدن حضرت علی علیه السلام پر از زخم شده که هر زخمی را می بندیم در کنارش زخم دیگری شکافته می شود. (۱۷۷)

نیز در روایات آمده پنجاه نفر از اصحاب (یاران خاص) حضرت قائم (عج) زن هستند. (۱۷۸)

به این ترتیب: زنان نیز باید شخصیت و نیروی معنوی خود را بیابند و بدانند که می توانند نقش سازنده داشته باشند و از اصحاب امام مهدی (عج) گردند، و در جبهه های سیاسی و نظامی، شرکت و تلاش فعال نمایند، و همچون زینب کبری علیها السلام مسؤ و لیتهای سنگین یک انسان کامل را بدوش بکشند و رسالت خود را انجام دهند. (به امید آن روز).

به این حدیث جالب نیز توجه کنید:

مفضل رحمه الله گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

((همراه مهدی (عج) سیزده زن هست .

عرض کردم این بانوان برای چه در کنار مهدی (عج) هستند؟ فرمود: اینها مجروحان را مداوا می کنند و از بیماران جنگی پرستاری می نمایند، چنانکه زنان در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم همراه آن حضرت در جنگها این کارها را به عهده می گرفتند.))

ضمناً ناگفته نماند که از کتاب خطبة البیان منسوب به امام علی علیه السلام آمده نخستین کسی که از ۳۱۳ نفر به خدمت امام عصر علیه السلام می رسد دو نفر بصری بنام علی و محارب ، و شش نفر دیگر از ابدال بنام عبدالله هستند. (۱۷۹) و بالاخره در وصف یاران مهدی (عج) از امام صادق علیه السلام به این مضمون آمده است :

((آنچنان در برابر فرمانده کل قوا خبردار ایستاده اند که گویا مرغی بر سرشان است و تکان نمی خورند غذایان تمام شده ، در عین حال آثار سجده در پیشانیشان پیدا است ، شیران روز و پارسایان شب هستند و قلبشان همچون پاره آهن محکم است . همراه آنها پرچمی است که جبرئیل علیه السلام در جنگ بدر برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آورد... پرچمی که تا یک ماه راه از چهار طرفش ترس را بر دشمنان مسلط می کند از مکه بیرون نمی آید تا اینکه ((حلقه ای)) در اطرافش باشند، شخصی پرسید: این حلقه از چند نفر تشکیل شده ؟

امام صادق علیه السلام فرمود: از ده هزار نفر که جبرئیل علیه السلام در طرف راست و میکائیل علیه السلام در طرف چپ این حلقه هستند، سپس امام علیه السلام پرچم فتح را برافرازد و حرکت کند و در مشرق و مغرب کسی نماند جز اینکه ((از روی عناد)) بر آن پرچم لعنت کند.)) (۱۸۰)

نتیجه بحث و بررسی بیشتر

از گفتار گذشته چنین نتیجه می گیریم که یار و یاور، آنهم یاران جانباز و مخلص و آگاه و متعهد از شرایط اولیه ظهور حضرت مهدی ((عج)) است باید در همه نقاط جهان ، افرادی از مرد و زن آماده شوند و خود را با یاران حقیقی (عج) تطبیق دهند، یارانی ممتاز و آگاه در همه زمینه ها، یارانی ایثارگر و رزمنده و دشمن برانداز. و باید علاقمندان به ظهور قائم (عج) چنین باشند و چنین یارانی در همه جا به وجود آورند تا زمینه خوبی برای نزدیک شدن ظهور گردند.

برای این که بیشتر به سلحشوری یاران حضرت مهدی (عج) پی ببریم ، در پایان به این روایت نیز توجه کنید:

امام باقر علیه السلام فرمود:

((القى الرعب فى قلوب شيعتنا من عدونا، فاذا وقع امرنا و خرج مهدينا كان احدهم اجرى من الليث وامضى من السنان و يطاعدونا و يقتله بكفيه ؛))

((امروز ترس و رعب دشمنان ما بر دل دوستان ما افکنده شده و چون امر ما واقع شود و حضرت مهدی (عج) ما خروج کند،

هر کدام از دوستان ما از شیر، دلیرتر و از نیزه برانتر شوند و دشمنان را پامال کنند و با دست و چنگ بکشند.)) (۱۸۱)

به هر حال چنانکه از روایات استفاده می شود: فتح و پیروزی همراه امام قائم (عج) است و هر کجا که می رود فتح و

پیروزی در آنجا به دست می آید. سرانجام در غرب و شرق به حمایت از آن حضرت برمی خیزند. (۱۸۲)(۱۸۳)

و طبق روایتی سیصد و شصت مرد کامل الهی در بین حجرالاسود و مقام ابراهیم علیه السلام با امام قائم (عج) بیعت می

کنند... و آنها وزیران اویند که بار سنگین مسئولیتهای کشور جهانی را اداره می نمایند. (۱۸۴)

آن حضرت در فتح روم دارای هفتاد هزار سپاه است که تکبیر گویان آنجا را فتح می کنند، غرش تکبیر اول یک سوم روم را،

و غرش دوم یک سوم دیگر روم را و غرش سوم که همراه یورش قهرمانان است همه مردم را تحت پرچم امام قائم (عج)

قرار می دهد، اسلام و مسلمین سربلند و پیروز می شوند، و کفر و کافران ذلیل و خوار گردند، و تنها دین خالص حکومت

خواهد کرد. (۱۸۵)

صلیبها شکسته می شوند و خوکها نابود می گردند، عصر او عصر پرهیزکاران است، یارانش پاک و خالص هستند و از

آلودگیها بدورند و در خط حق که خط آن حضرت و یارانش می باشد گام برمی دارند و به عنوان ((رجال الهی و وزیران آن

حضرت)) یاد شده اند. (۱۸۶)

و به فرموده امام باقر علیه السلام هفتاد هزار نفر از افراد راستین و خالص از اهل کوفه به حمایت امام زمان علیه السلام

برمی خیزند. (۱۸۷)

اوتاد عصائب، ابدال، نجباء، رفقاء و اعاجم؟

جالب این که در وصف یاران مهدی (عج) واژه هایی مانند: ((اوتاد، عصائب، ابدال، نجباء، رفقا و اعاجم)) آمده که با توجه

به معانی این عناوین با ویژگی های یاران حضرت مهدی (عج) نیز آشناتر می شویم.

اوتاد

قبلا گفتیم که ایشان طبق روایات سی نفرند که همواره در خدمت امام عصر(عج) به سر می برند، هر کدام از آنها که از دنیا بروند، فرد شایسته دیگری جانشین او می گردد. (۱۸۸)

با توجه به کلمه ((اوتاد)) که جمع ((وتد)) به معنی میخ است و با توجه به آیه ۷ سوره نباء قرآن که خداوند می فرماید:
((والجبال اوتادا!))

((ما کوهها را میخهای زمین قرار دادیم.)) (که زمین را نگهدارند و بوسیله آن، زمین از هم نپاشد)

نتیجه می گیریم که این یاران از مردان بسیار خالص و دلاور هستند که همچون کوه استوار، در خدمت آن حضرت بسر می برند.

عصائب

طبق بعضی از روایات، اینها یاران حضرت مهدی (عج) در عراق هستند که هنگام ظهور آن حضرت خود را به مکه می رسانند و با او بیعت می کنند. (۱۸۹)

با توجه به معنی ((عصائب)) که جمع عصبه به معنی جوانمردان رشید و نیرومند است، به دست می آوریم که یاران مهدی (عج) باید چنین باشند.

ناگفته نماند که در بعضی از روایات حضرت مهدی (عج) با عنوان ((اخیار)) خوانده شده اند. (۱۹۰)

ابدال

اینها از یاران حضرت مهدی (عج) در شام هستند و هنگام خروج و ظهور آن حضرت خود را به مکه می رسانند و با آن حضرت بیعت می کنند. (۱۹۱)

معنی ابدال چنانکه مرحوم طریحی در مجمع البحرین می گوید: آنها جمعی از صالحان می باشند، که همواره در زمین

هستند، وقتی یکی از آنها فوت کرد، خداوند بدل او شخص صالح دیگر را می گذارد، اینها ۴۰ یا ۷۰ نفر در شام هستند و یا ۳۰ نفر در جای دیگر. (۱۹۲)

بنابراین اینها مردان خالص و کامل و صالح روی زمین هستند. ضمناً ناگفته نماند که شخصی از حضرت رضا علیه السلام در مورد ابدال پرسید، آن حضرت فرمود: ابدال، اوصیاء پیامبران هستند. (۱۹۳)

نجباء

طبق روایتی که از امام علی علیه السلام و امام باقر علیه السلام نقل شده : اینها یاران مهدی (عج) از سرزمین مصر هستند.
(۱۹۴)

با توجه به معنی ((نجباء)) که جمع نجیب به معنی افراد پاک سرشت و خوش نفس و جوانمرد است ، نیز به ویژگی دیگر یاران مهدی (عج) پی می بریم .

رفقاء

یاران حضرت مهدی (عج) از کوفه هستند و خود را هنگام ظهور به مکه رسانده و با آن حضرت بیعت می کنند و همچون پاره های متراکم ابر پاییزی به سوی مکه روانه می شوند. (۱۹۵)

با توجه به اینکه پنجاه نفر از سیزده نفر اهل کوفه هستند (۱۹۶) و با توجه به معنی ((رفق)) و ((رفاقت)) که نشانگر صفا و صمیمیت و پیوند محکم آنهاست به ویژگی دیگر یاران مخلص حضرت مهدی (عج) نیز پی می بریم .
اعاجم

یعنی غیر عرب ، چنانکه هم اکنون نیز ما نشانه هایش را در ایران ، افغانستان و پاکستان و... می بینیم ، امام زمان علیه السلام یاران بسیار مقاوم و خستگی ناپذیر و مخلص در این کشورهای عجمی دارد. همین ها می توانند هسته مرکزی ارتش نیرومند امام (عج) را در کشورهای عجمی تشکیل دهند و سپس به توسعه آن اقدام جدی کنند. (۱۹۷)

با توجه به اینکه حکومت جهانی ارتش نیرومند و قوی و کامل می خواهد. آن هم در اطراف امامی که غرق در اسلحه های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است و حتی اسب و شتر و دلدل و براق و پرچم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم همراه اوست و مصحف مخصوص امیرمؤمنان علی علیه السلام را در دست دارد. (۱۹۸)

این نیز قابل توجه است که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: اصحاب مهدی (عج) جوانند و پیر در آنها یافت نمی شود، جز مثل سرمه در چشم و نمک در غذا، که کمترین چیز در غذا، نمک است . (۱۹۹)

امدادهای غیبی به کمک انقلابیون

از آنجا که مردان خدا به یاری حضرت قائم (عج) می شتابند و شب و روز برای برقراری حکومت جهانی تحت رهبری آن حضرت تلاش می کنند، خداوند نیز با امدادهای غیبی خود بهترین حمایت را از آنجا خواهد کرد، چنانکه در قرآن کریم می فرماید:

((اگر شما خدا را یاری کنید، خدا نیز شما را یاری می کند، و قدمهای شما را ثابت و استوار می دارد.)) (۲۰۰)

اینک به این روایت که فشرده روایات بسیاری است توجه کنید:

((هنگام ظهور امام قائم (عج) فرشته ای بالای سر آن حضرت فریاد می زند این مهدی (عج) خلیفه خدا است، پس از او پیروی کنید، مردم به سوی او سراسیمه می شوند، و او حکومت شرق و غرب را به دست می گیرد، خداوند او را به سه هزار فرشته کمک می نماید، اصحاب کهف از یاران او هستند، جبرئیل در پیشاپیش سپاهش، و میکائیل در کنار سپاهش می باشد، و حضرت مهدی (عج) صندوق سکنه را از غار انطاکیه بیرون آورد، و اسفار تورات را از کوهی در شام خارج کرده و با آن یهود، احتجاج و استدلال می کند و بسیاری از یهودیان مسلمان می شوند.)) (۲۰۱)

به این ترتیب می بینیم: بزرگترین امدادهای غیبی به کمک حضرت مهدی (عج) و یارانش می شتابند و همه سختیها و ناگواریها برای او و یارانش آسان می شوند.

چنانکه امام صادق علیه السلام در ضمن روایتی فرمود:

((یدل له کل صعب ؛))

((همه مشکلات در برابر امام قائم (عج) تسلیم و رام می گردد.)) (۲۰۲)

و این موضوع باید مسلمین را قوی دل و محکم کند آنها نهراسند و بدانند کمک خدا پشت سر آنهاست.

قرآن و مسئله حکومت جهانی

می پرسند:

اگر حکومت جهانی مهدی (عج) سراسر جهان را فرا خواهد گرفت، و پرچم اسلام و توحید در همه نقاط زمین به اهتزاز در

می آید، آیا در قرآن مجید این سند محکم و بزرگ و خلل ناپذیر اسلام، سخنی در این باره به میان آمده است؟

پاسخ:

آیات متعددی که تاءویل آن تطبیق با حضرت ولی عصر (عج) شده، بسیار است (در این باره به بحار، طبع جدید، ج ۱۵۱ از

ص ۴۴ به بعد مراجعه گردد)، به عنوان نمونه:

۱- در قرآن کریم می خوانیم:

((او خدائی است که رسولش را با دلائل رهنمون بخش فرستاد تا آن را بر تمام دینها غالب گرداند هر چند این موضوع خوش

آیند مشرکان نیست.)) (۲۰۳)

این آیه صریحا نوید می دهد که روزی خواهد آمد که آئین اسلام همه ادیان و مرامها را تحت الشعاع خود قرار می دهد و سراسر جهان زیر لوای اسلام قرار می گیرد، که منظور همان وقتی است که حضرت مهدی (عج) در سراسر جهان حکومت واحد اسلامی تشکیل می دهد.

۲- در سوره انبیاء، آیه ۱۰۵ می خوانیم :

((یقینا (بدانید که) ما در زبور (کتاب حضرت داود علیه السلام) نوشتیم پس از آنکه این مطلب را در ذکر (تورات) نیز نوشته بودیم که : حتما بندگان صالح وارث زمین می شوند.)) (۲۰۴)

این آیه حاکی است که در کتابهای آسمانی زبور و تورات و قرآن موضوع حکومت انسانهای شایسته بر سراسر زمین نوشته شده است ، روشن است که وعده خدا حق است ، روزی خواهد آمد که بندگان صالح که از نظر قرآن ، مسلمین راستیم هستند حکومت واحد صالحان را بر همه نقاط زمین برقرار می سازند، که اشاره به حکومت حضرت مهدی (عج) است .

۳- در سوره نور، آیه ۵۵ می خوانیم :

((خداوند با آنانکه ایمان آورده و کارهای شایسته می کنند وعده داده که آنان را نماینده ((خود)) در زمین گرداند همانگونه که گذشتگان آنان را خلیفه کرد وعده داده که دینشان را که برای آنها پسندیده ، نیرومند گرداند و ترسشان را مبدل به امنیت و آرامش کند، و برای من شریک نمی گیرند. (۲۰۵)

این آیه بیانگر حکومت واحد بر سراسر زمین است به آنانکه ایمان و عمل صلاح دارند (یعنی منتظر واقعی هستند و با ایمان نیک خود زمینه سازی برای ایجاد آینده درخشان می کنند) نوید می دهد که خداوند حکومت زمین را بدست آنها می سپرد، دین آنها نیرومند و قوی می گردد، و در نتیجه آرامش و امنیت جانشین خوف و ناآرامی می شود.

در پایان آیه اشاره به این مطلب می کند که حکومت آنها بر سراسر زمین براساس توحید و پرستش خدای یکتا و نفی هر گونه شرک است .

چنانکه در حدیثی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد عقائد این حکومت واحد سراسری فرمود:

((فلا بقی علی وجه الارض احدا الا قال لا اله الا الله))

((هیچ فردی روی زمین نمی ماند مگر اینکه معتقد است خدائی جز خدای یکتا وجود ندارد.)) (۲۰۶)

به این ترتیب می بینیم قرآن این کتاب آسمانی نیز به حکومت درخشان و سراسر توحید آینده که همه مرم تحت پرچم توحید قرار گرفته و مردم صالح زمام امور را بدست می گیرند خبر می دهد.

۴- قرآن پس از ذکر فرعون و فرعونیان در این آیه می فرماید:

((و نريد ان نمى على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين؛)) (۲۰۷)

((ما بر این اراده کردیم که به مستضعفان نعمت بخشیم و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم.))

این آیه گر چه در ماجرای موسی علیه السلام و فرعون نازل شده که خداوند موسی علیه السلام را بر فرعون و فرعونیان پیروز کرد و مستضعفان را به رهبری موسی علیه السلام به حکومت رسانید، ولی این آیه هرگز مربوط به زمان خاص موسی علیه السلام نیست بلکه یک بشارت عمومی است در مورد پیروزی حق بر باطل ، که سرانجام این پیروزی بطور جامع و کامل و جهانی بدست مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم صورت می گیرد، چنانکه در روایات به این مطلب تصریح شده ، و مهدی (عج) و پیروانش به موسی علیه السلام و پیروانش تشبیه شده اند و در روایت می خوانیم ، امام سجاد علیه السلام فرمود:

((سوگند به کسی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به حق بشارت دهند و بیم دهنده قرار داد، نیکان ما همانند موسی

علیه السلام و پیروانش هستند و بدان ما همانند فرعون و پیروانش می باشند.)) (۲۰۸)

و امام علی علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمود:

((این گروه آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم ، خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می شود

برانگیزد و به آنان عزت می دهد و دشمنان آنان را ذلیل و خوار می کند.)) (۲۰۹)

طول عمر امام قائم عج را چگونه حل می کنید؟

می پرسند:

اکنون که سال ۱۴۱۷ هجری قمری است با توجه به سال تولد امام قائم (عج) که سال ۲۵۵ بوده ، ۱۱۶۲ سال از عمر آن

حضرت گذشته است ، آیا ممکن است شخصی این قدر یا بیشتر عمر کند؟

پاسخ :

این سؤال در طول تاریخ از زمان مرحوم صدوق رحمه الله به بعد مطرح است و هم اکنون یکی از سؤالات مربوط به آن حضرت است .

ما وقتی که نظر دین و دانش ثابت کنیم که عمر طولانی این چنینی محال نیست ، آنگاه می گوئیم چه مانعی دارد خداوند

متعال با آن قدرت لایزال خود شرایطی را در شخصی به وجود آورد که هزاران سال یا بیشتر عمر کند؟

اما از نظر دانش :

زیست شناسان می گویند: اگر اختلالات و آسیبهایی که به انسان می رسد و موجب کوتاهی عمر او می شود رفع گردد، عمر او به ۲۰۰ سال خواهد رسید. بعضی می گویند انسان باید ۳۰۰ سال عمر کند این که می بینی ۷۰ یا ۸۰ سال عمر می کند، بر اثر آن است که عضوی از او فرسوده می شود و به عضوهای دیگر سرایت می کند. (۲۱۰)

و از آزمایشاتی که دانشمندان ، روی حشرات و سلولها و گیاهان کرده اند نشان می دهد که گاهی عمر آنها را به صدها بلکه به هزارها برابر رسانده اند.

((یوری فیالکوف)) استادپلی تکنیک ((کیف)) در شوروی سابق می گوید: سلول که سنگ اول و اصلی بنای جانداران می باشد جاوید است و هرگز نمی میرد، مشروط بر این که غذا داشته باشد و سرما و گرمای شدید سبب هلاکتش نشود. وی اضافه می کند: انسان باید زنده و جاوید باشد هرگز از بین نرود زیرا سلولهای تشکیل دهنده بدن او جاوید است . (۲۱۱)

اما از نظر قرآن و احادیث

از نظر دینی نه تنها هیچگونه دلیلی بر انکار عمر طولانی در افراد استثنائی نداریم ، بلکه در تواریخ و روایات مذهبی می خوانیم : ادريس عليه السلام و الياس عليه السلام و خضر عليه السلام و عيسى عليه السلام ، هنوز زنده اند و همچنین حضرت لقمان عليه السلام و نوح عليه السلام و عاد عليه السلام و پیامبران دیگر، عمرهای بسیار طولانی کرده اند، تا آنجا که قرآن در آیه ۴ سوره نمل درباره حضرت نوح عليه السلام می گوید:

((نوح عليه السلام در میان قوم خود هزار سال جز پنجاه سال (یعنی ۹۵۰ سال) درنگ کرد.)) و طبق روایات حضرت عاد ۳۵۰۰ سال عمر کرد. (۲۱۲)

بنابراین چه مانعی دارد که خداوند تمام علل پیری و فرسودگی را به امام زمانش آموخته باشد و او با بکار گرفتن آن ، عمر بسیار کند (۲۱۳)

وقتی که اصل مسئله محال نبود، قدرت و اراده خداوند بقیه امور را درست خواهد کرد.

ضمناً باید به این نکته توجه داشت که استثنائات در جهان نمونه های بسیار دارد مانند: کشف ماهیهای ۳/۰۰۰/۰۰۰ ساله و کشف ۴/۰۰۰ دانه از یک بوته گندم ، و کشف آبی که یخ نمی زند و... که اینها هم حکایت از قدرت لایزال الهی می کند و حاکی است که این طور نیست که جهان همیشه در محور علل و معلول طبیعی معمولی ، بگردد، بلکه گاهی علل مافوق علل طبیعی در کار است ، که آن هم کار خدا است ، چنانکه قرآن اکرارا می فرماید:

((بدانید حتما خداوند بر هر چیز تواناست)). (۲۱۴)

ادعای مهدویت و آمدن آن حضرت چیست ؟

پاسخ :

به نظر نگارنده موضوع مدعیان مهدویت ، و قول به آمدن مهدی (عج) و رفتنش بقدر مضحک است که اصلاً قابل بحث نیست و هیچگونه با قرآن و روایات اسلامی تطبیق نمی کند، چنانکه با خواندن این کتاب و مقایسه مطالب آن با وضع زمان ، به آن پی می برید.

تنها به این مطلب اشاره می کنیم که استعمارگران شرق و غرب برای اینکه ثروت بی حساب مشرق زمین را برای خود ببرند و چپاول کنند، و از طرفی حس مذهبی را در میان مردم این سرزمین ها، بسیار قوی دانستند با به وجود آمدن بابی گری و بهائی گری و قادیانی گری و... خواستند در صفوف مسلمانان اختلاف ایجاد کنند و تفرقه بیندازند و به هدف شوم خود برسند و در این راه گر چه نتیجه مطلوب نگرفتند، امام ضربه های بسیار وارد کردند، عرض خود را بردند، اما مسلمانان را در بعضی نقاط به زحمت انداختند، امید آنکه ، مسلمانان با هوشیاری بیشتر که ماهیت استعمارگران و توطئه های آنها را بشناسند. و متوجه باشند که آنها از راه عقائد مذهبی مردم را فریب ندهند. (۲۱۵)

رجعت چیست ؟

آیا مردان شایسته پس از مرگ ، در عصر حکومت مهدی (عج) زنده خواهند شد؟ و در صف یاران آن حضرت قرار می گیرند؟

پاسخ :

رجعت از دیدگاه تشیع یعنی خداوند عده ای از مردگان را با همان اندام و صورتی که بودند زنده کرده و به دنیا برمی گرداند، به گروهی از آنان عزت می دهد و گروهی را ذلیل خواهد کرد و حق مظلومان را از ستمگران می گیرد و این جریان پس از قیام مهدی (عج) به وقوع می پیوندد.

با توجه به اینکه زنده شدگان کسانی هستند که در حد اعلای ایمان و یا در حد اعلای کفر و فسادند، پس از مدتی زنده شدن و دریافت کیفر و پاداش برخی از اعمالشان ، دوباره می میرند و در روز قیامت برای کیفر و پاداش کاملتر زنده می شوند.

در قرآن آیات متعددی بر این مطالب دلالت دارد از جمله آیه ۱۰ سوره مؤ من و ۲۶۰ سوره بقره و...

روایات هم در این باره به حد تواتر (بسیار که موجب علم است) به ما رسیده است . (۲۱۶)

در مورد حضرت ولی عصر(عج) در روایات آمده ؛ آن حضرت پس از ظهور، عده ای از ظالمان را به اذن خدا از قبرها بیرون می کشد و به اذن خدا زنده می کند و مجازات می نماید.

او یگانه منتقم خون امام حسین علیه السلام است چنانکه در دعای ندبه می خوانیم :

((این الطالب بدم المقتول بکربلا این المنصور علی من اعتدی علیه وافتری ...؛

کجاست طالب خون حسین علیه السلام که در کربلا کشته شد؟ کجاست آن یاری شده تا یاری کند کسانی را که حقشان پایمال شده است .))

از طرفی در روایات می خوانیم : نواده های قاتلان حسین علیه السلام را به خاطر کار پدران ظالم شان می کشد.
امام صادق علیه السلام فرمود:

((هیچ مؤ منی نیست مگر اینکه هنگام قیام امام مهدی (عج) در قبرش خوشحال می شود.)) (۲۱۷)

و نیز فرمود:

((هنگام رجعت کسانی که مومن خالص و کافر خالص هستند زنده می شوند و به دنیا برمی گردند.)) (۲۱۸)

و نیز فرمود:

((در پشت کوفه (نجف) ۲۷ مرد از هدایت شدگان و از بزرگان اصحاب زنده شده و به امام ملحق می شوند.)) (۲۱۹)

وقتی که قائم (عج) قیام کرد خداوند همه اذیت کنندگان به مؤ منین را زنده می کند تا به مجازات دنیوی برسند و به داد مؤ منان نیز برسد.

و به یکی از یارانش به نام مفضل رحمه الله فرمود: تو و چهل و چهار نفر مردم دیگر با قائم (عج) هستید. (۲۲۰)

به این ترتیب می بینیم رجعت مؤ منان مخلص و کافران محض ، در زمان حضور حضرت قائم (عج) مسلم است .

ضمناً ناگفته نماند که کشتن نواده قاتلان امام حسین علیه السلام با اینکه خودشان در قتل آن حضرت شرکت نداشتند. طبق روایات بخاطر رضایت آنها از ظلم پدرانشان است .

و نیز در عصر رجعت ، پس از امام قائم (عج)، ائمه دیگر به دنیا برمی گردند و یکی پس از دیگری حکومت می کنند، حتی

وقتی حضرت قائم (عج) از دنیا رفت امام حسین علیه السلام او را غسل می دهد. (۲۲۱)

تکذیب ملاقات با امام زمان علیه السلام

می پرسند:

با اینکه طبق روایات کسانی را که مدعی دیدار امام زمان (عج) هستند باید تکذیب کرد پس چرا به ذکر نمونه هائی از دیدار کنندگان ، در این کتاب یا در کتابهائی مانند: بحارالانوار، اثبأ الهدأ و كشف الغمه و... پرداخته شده است ؟

پاسخ :

نظر به اینکه : مدعیان در بسیاری از مواقع ، می خواهند با این ادعا سوء استفاده کنند، چنانکه در تاریخ مکرر دیده شده است

.

و نظر به اینکه در بعضی از موارد در زمانهای معاصر امامان علیهم السلام و نزدیک به آن ، برای حفظ جان ، تقیه واجب بوده است و اگر کسی چنین ادعائی می کرد در مخاطره قرار می گرفت .

و امور دیگر که بر ما پنهان است موجب آن شده که ائمه علیهم السلام دستور داده اند که هر کس گفت : من امام زمان علیه السلام را دیده ام ، او را تکذیب کنید و یا اینکه تکذیب مربوط به احکام است ، یعنی کسی که حکمی از اسلام را از امام زمان علیه السلام نقل کند او را قبول نکنید.

وانگهی داستان دیدار کنندگان نوعاً بعد از مرگشان آشکار شده است ، به هر حال اگر سوء استفاده و تقیه و آثار سوء و یا عوامل مهمتری در کتمان نباشد، اظهار آن ظاهراً بی مانع خواهد بود (والله اعلم).

زندگی شخصی امام عصر عجل چگونه است ؟

پاسخ :

زندگی او همچون زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام است او در دوران حکومتش همچون طاغوتیان و مستکبران زندگی نمی کند و در کاخهای آسمان خراش نمی نشیند، لباس و غذا و برخوردش با مردم بسیار ساده است .

حضرت رضا علیه السلام فرمود:

((و ما لباس القائم (عج) الا الغلیظ و لا طعامه الا الخشب ؛))

((لباس قائم (عج) جز پارچه زبر و خشن ، و غذای او جز غذای ساده نیست .)) (۲۲۲)

او در برخورد با مستضعفان آنچنان است که به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم .

هنگام حکومت مهدی (عج) نیازمندانی به حضورش می آیند و درخواست نیازمندیهای خود می کنند، آن حضرت مقداری که درخواست کنندگان بتوانند حمل کنند بدون شماره به آنها می دهد. (۲۲۳)

آری این همان روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام و سایر امامان معصوم علیهم السلام است .
امام علی علیه السلام می فرماید:

((پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هنگام غذا خوردن روی زمین می نشست و با دست خود کفشهایش را می دوخت و لباسش را وصله می کرد.)) (۲۲۴)

و حضرت علی علیه السلام در مورد خودش هنگام حکومت فرمود:

((امام شما با این قدرت و مکت از دنیا به دو لباس کهنه و عادی ، و از غذا به دو قرض نان اکتفا کرده است .)) (۲۲۵)
این عمل انقلابی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام باید سرمشق همه باشد، چرا که انسان تا خود را از اسارت‌های مادی نرهاند، نمی تواند خیزش کند و در فضای معنویت به پرواز در آید، از طرفی مفسد تجمل پرستی و ولخرجی اسراف و اتراف بر کسی پوشیده نیست ، بنابراین بیائیم در زندگی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آلش علیهم السلام اقتداء کنیم .

همین معنی در حدیثی از امام صادق علیه السلام برای یار و شاگرد با وفایش مفضل (رحمة الله) بیان شده است ، به مفضل (رحمة الله) فرمود:

کار امام قائم سیاست شب و سیاحت روز و غذای ساده است همچون زندگی امیرالمؤمنین علیه السلام . (۲۲۶)

علامه مجلسی (رحمة الله) گوید: منظور از سیاست شب ، رتق و فتق امور و اتخاذ روشهای سیاسی در پیشبرد هدفهای سیاسی و طرح ریزی در این باره است .

و منظور از سیاحت روز، تلاش و حضور در صحنه اجتماع برای مبارزه و جهاد با دشمن و تاءمین نیازهای مردم و رسیدگی به درد دل آنها است .

و منظور از خوراک ساده هم معلوم است ، خلاصه اینکه روش زندگی اش همچون روش حضرت علی علیه السلام می باشد. (۲۲۷)

البته باید توجه داشت که آن حضرت هنگام قیام و حضور در جبهه جنگ با دشمن ، غرق در اسلحه است ، زره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در تن شمشیر ذوالفقار آن حضرت در دست و کلاهخود آن حضرت را بر سر دارد. (۲۲۸)

و از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

((تراث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به امام قائم (عج) می رسد، یکی از یاران پرسید تراث چیست ؟

فرمود: شمشیر، زره ، عمامه ، لباس برد، شلاق و اسب و زین و آلات جنگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است .))

(۲۲۹)

آرامش با جنگ نمی سازد؟

می پرسند:

اگر سراسر زمین تحت یک حکومت قرار می گیرد و همه تحت پرچم توحید بسر می برند و امنیت و آرامش و صفا، در همه جا حاکم است ، پس جنگ مهدی (عج) با مخالفان برای چیست ؟ اگر جنگ هست امنیت نیست وانگهی چرا این همه از شمشیر سخن به میان آمده ، مگر حکومت زور است ؟

پاسخ :

به نظر می رسد این ناآرامیها و جنگها در مراحل اول ظهور باشد، چنانکه نوعا دوره اول انقلابها تواءم با درگیریها و جنگها است ، وانگهی آنانکه منافع مادیشان در خطر است و مانع عدالت اجتماعی می شوند، به مخالفت برمی خیزند، که اولاً در اقلیتند و ثانيا نارضایتی آنها دلیل بی عدالتی و ناآرامی نیست و حاکی از نقص حکومت نمی باشد.

اینکه در روایات آمده : امام عصر(عج) پنج یا هفت سال و یا ۹ سال و یا ۲۰ سال (۲۳۰) و یا چهل سال و یا ۳۰۹ سال (۲۳۱) به مقدار خواب اول اصحاب کهف در آن غار، حکومت می کند، شاید اشاره به مراحل کهف در آن غار، حکومت می کند، شاید اشاره به مراحل حکومت باشد، به این بیان که تشکل و پایه ریزی حکومت در پنج و هفت و نه سال اول صورت می گیرد و پس از گذشت چهل سال به حد کمال می رسد و بیش از ۳۰۰ سال ادامه می یابد. بنابراین ممکن است این درگیریها و یا توطئه ها و کارشکنی عناصر کافر و سودجو، در آن سالهای اول حکومت باشد، اما پس از چهل سال ، عدل و داد همه جا را فرا می گیرد و دیگر هیچ مانع و مزاحم و توطئه گر و ضد انقلابی باقی نمی ماند.

چنین فرضی از نظر عقل و جامعه شناسی ، صحیح به نظر می رسد زیرا طبیعی است که بعضی از برنامه ها (اگر از طریق اعجاز نباشد) نیاز به انقلاب فرهنگی دراز مدت دارد، و نمی توان یک شبه ره صد ساله را طی کرد.

و اگر در روایات ، مکرر از شمشیر امام قائم (عج) سخن به میان آمده حتی مانع زکات ، اعدام می شود، این به آن معنی نیست که حکومت ، زوری است بلکه این شمشیر به عنوان قصاص و مقابله به مثل با مخالفان و خائنان و زورگویان و توطئه گران و توطئه گران است ، همان گونه که در قرآن کریم آمده است :

((و آهن (شمشیر و اسلحه عدالت) را فرستادیم که در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است .)) (۲۳۲)

و یا در جای دیگر می فرماید:

((برای شما در قصاص ، زندگی است ای اندیشمندان .)) (۲۳۳)

بنابراین ، این شمشیر برای امنیت و آسایش و صفای مردم و قصاص و مقابله به مثل است که در تمام دنیا به عنوان یک اصل پذیرفته شده است . تا مبدا عده ای سود جو و خائن ، به امنیت و آسایش مردم ضربه بزنند، و هرج و مرج ایجاد کنند، به این ترتیب می توانیم بدست بیاوریم که انقلاب مهدی (عج) در بعضی از امور تدریجی و در برخی از امور فوری و انقلابی است .

آیا امام مهدی (عج) برقرارکننده اسلام است ؟

می پرسند:

طبق بعضی از روایات مانند: روایت امام صادق علیه السلام که فرمود:

((اذا خرج القائم یاءتی بامر جدید و کتاب جدید و سنه جدیدة و قضاء جدید))

((هنگامی که قائم (عج) نهضت می کند، فرمان نو و کتاب نو و روش نو و دادگاه نو می آورد.)) (۲۳۴)

آیا با توجه به این روایت ، آئین و دینی که امام قائم (عج) برقرار می کند دین دیگر (جدید) غیر از اسلام نیست ؟!

پاسخ :

تعبیر به نو و جدید، اشاره به این است که انقلاب مهدی (عج) یک دگرگونی اساسی است نه روبنائی ، از این رو جامعه خیال می کند چیز جدیدی غیر از اسلام است .

به عبارت دیگر: پیرایه هائی که در طول تاریخ اسلام توسط زمامداران نالایق و دیگران به اسلام بسته اند، اسلام را طوری

کرده ، که اگر امام علیه السلام آنها را از اسلام دور کند و حقیقت اسلام را آشکار سازد مردم عوام خواهند گفت : این یک

چیز جدیدی است نه اسلام ، در صورتی که اسلام واقعی همین است .

آری در طول تاریخ اسلام نفوذ اندیشه های بیگانه در اسلام و تجددگرایی افراطی مسلمین و رخنه فرصت طلبان و داخل کردن طرحهای مبهم به عنوان طرح اسلامی در میان اسلام و تحریفات گوناگون و... اسلام را مسخ خواهد کرد در این صورت اگر امام قائم (عج) حقیقت اسلام را آشکار می سازد، مردم خیال می کنند مکتب جدید و روش جدید و دادگاه جدیدی غیر از اسلام به میان آمده است .

در اینجا برای تکمیل این موضوع به روایت زیر توجه فرمائید:

یکی از یاران امام صادق علیه السلام گوید: از آن حضرت پرسیدم روش حضرت مهدی (عج) چگونه است ؟

((یصنع ما صنع رسول الله ، یهدم ما کان قبله کما هدم رسول الله امر الجاهلیة و یتألف الاسلام جدیداً))

((همان روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را انجام می دهد، روشهای باطل قبل را ویران می کند چنانکه پیامبر صلی

الله علیه و آله و سلم چنین کرد و اسلام را نوسازی و تکمیل می نماید.)) (۲۳۵)

بنابراین ، انقلاب حضرت مهدی (عج) همان انقلاب اسلامی است ، منتهی در سطح وسیعتر و عمیقتر.

ابوبصیر رحمه الله یکی از یاران امام صادق علیه السلام گوید: از آن حضرت پرسیدم مرا از سخن امیر مؤمنان علیه السلام

خبر بده که فرمود:

((ان الاسلام بدء غریبا وسیعود کما بدء فطوبی للغرباء))

((اسلام در آغاز غریب بود و بزودی همچون آغاز غریب خواهد شد، خوشا به سعادت غریبان .))

امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمود:

((وقتی که امام قائم (عج) قیام کند دعوت به اسلام را از نو شروع می کند، چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دعوت

را شروع کرد.)) (۲۳۶)

مطلب دیگر اینکه : حضرت قائم (عج) خودش نور و منطق گویا برای جهانیان است .

امام صادق علیه السلام فرمود:

((وقتی که قائم ما قیام کند، سراسر زمین به نور پروردگارش روشن می گردد:))

((واستغنی العباد عن ضوء الشمس و القمر))

((و مردم از نور خورشید و ماه بی نیاز می شوند و تاریکی بطور کلی از بین می رود.)) (۲۳۷)

مرحوم ملا محسن فیض رحمہ اللہ در حاشیہ تفسیر خود گوید: گویا منظور از بی نیازی سراسر زمین به نور خورشید و ماه ، بی نیاز شدن از برهان و دلیل ساطع است چرا که خود وجود امام کافی است و دلها و مغزهای همه را نورانی و قبضه می کند با توجه به اینکه تمام علوم در زمان غیبت در محور برهان و دلیل است .

و مطابق روایات : امام قائم (عج) با معتقدان به ادیان مختلف مناظره و احتجاج می کند و با توراتیان به تورات ، با انجیلیان به انجیل و با صحفیان به صحف و با قرآنیان به قرآن و ... همه آنها به حقانیت امام علیه السلام پی می برند و سوگند می خورند که تورات و انجیل و صحف و قرآن حقیقی همانست که امام علیه السلام به آنان نشان می دهد سرانجام آنها به اسلام حقیقی می گروند. (۲۳۸)

در عین حال ، با کمال قاطعیت به کتاب خدا قرآن ، عمل می کند و هر گونه منکرات را نابود می سازد. (۲۳۹)

و برای برقراری حکومت جهانی قیام به شمشیر (نہضت نظامی) می کند، در حدی که بفرموده امام صادق علیه السلام .

((اذا قام بالسيف فقتل من كل الف تسعماء و تسعة و تسعين ؛))

((وقتی که امام زمان علیه السلام قیام به شمشیر می کند (از منحرفان و طاغوتیان و توطئه گران) از هر هزار نفر، ۹۹۹ نفر آنها را به هلاکت می رساند.)) (۲۴۰)

امام علیه السلام در برابر قدرتهای تخریب

می پرسند:

بر همگان روشن است که روز بروز بر کیفیت و کمیت سلاحهای مدرن از موشکهای قاره پیما گرفته تا بمبهای اتمی و هیدروژنی افزوده می شود، و این وسائل در دست استکبار جهانی است ، آیا امام زمان علیه السلام می تواند در برابر این قدرتها ایستادگی کند و جهان را تحت حکومت خود آورد؟

پاسخ :

اولا: اگر از راه اعجاز، نه امور عادی مسأله را بررسی کنیم ، که پاسخ سؤال آسان است ، چرا که امدادهای غیبی و قدرت مطلق خدا پشتیبان حضرت است و همه چیز را برای او یک شبه حل خواهد کرد، به این معنا که اسباب کار را از هر سو فراهم خواهد نمود.

و اگر مسئله را از راه عادی و طبیعی بررسی کنیم ، که پاسخ پشتیبان حضرت است و همه چیز را برای او یک شبه حل خواهد کرد، به این معنا که اسباب کار را از هر سو فراهم خواهد نمود.

و اگر مسئله را از راه عادی و طبیعی بررسی کنیم ، پاسخ فوق این است که مردم دنیا که از ظلم و و جور و فساد به ستوه آمده و تشنه مصلح حقیقی هستند، وقتی که ندای چنین مصلحی به گوششان رسید، خودبخود به سوی او جذب می شوند و همه امکانات خود را در اختیار این مصلح قرار می دهند، البته در این صورت هم امدادهای غیبی به کمکشان خواهد شتافت . با توجه به امکانات عظیم دنیای اسلام از نظر اقتصادی ، نیروی انسانی ، جغرافیائی و استراتژیکی که در مراحل اول به امام (عج) می پیوندند و منافع اولیه دنیای استکبار را در اختیار امام علیه السلام قرار می دهند، مسأله به راحتی حل خواهد شد. مثال کوچکش پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ در سرزمین خود ما بود که مردم با رهبری صحیح با مشتهای خالی همه اسلحه های مدرن و پیچیده را در اختیار خود در آوردند، و غول شاهنشاهی را سرنگون نمودند و مشابه این مسئله در دنیا کم نیست مانند: فروپاشی غول کمونیسم در شوروی سابق و نقاط دیگر.

قسط و عدل چیست ؟

می پرسند:

در روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) به طور تواتر (بسیار) آمده که خداوند، پس از ظهور آن حضرت دنیا را پر از قسط و عدل می کند آنچنانکه پر از ظلم و جور شده است . (۲۴۱)

منظور از ((قسط))و ((عدل))و فرق بین این دو چیست ؟

پاسخ :

واژه ((قسط)) بیشتر در امور اقتصادی و توزیع اموال براساس عدالت اجتماعی بین افراد به کار می رود که در این جهت هیچگونه تبعیضی نباشد (۲۴۲) که در مقابل جور قرار گرفته است ، ولی عدل یک معنی عامی دارد که شامل عدالت در تمامی ابعاد از عقائد و فرهنگ و سیاست و... خواهد شد، که در مقابل ظلم است .

توسعه عدل و داد در حدی است که طبق بعضی از روایات نخستین گامی که امام قائم (عج) پس از خروج برمی دارد این است که سخنگوی آن حضرت به جهانیان اعلام می کند:

کسانی که می خواهند حج مستحب بجای آورند، حجرالاسود و محل طواف را به کسانی که حج واجب دارند، واگذار نمایند (۲۴۳) ضمناً این روایت حاکی از هجوم زیاد مسلمین برای برگزاری حج است براستی چقدر دامنه عدالت گسترش می یابد؟ ((قسط)) و ((عدل)) هر دو بسیار مهم هستند، ولی رعایت ((قسط)) بخصوص در حکومت اسلامی جای خاصی دارد، مثلاً در اسلام باید بیت المال بطور تساوی در بین مستعین ، توزیع گردد، شیوه امام علی علیه السلام چنانکه در گفتارش در نهج

البلاغه پیداست ، همین بوده است ، داستان آهن گداخته در رابطه با برادرش عقیل که در خطبه ۲۲۴ نهج البلاغه آمده ، شاهد گویائی بر این مطلب است این همان قسط است .

و در خطبه ۱۲۶ می فرماید:

((... و لو كان امال لي لسويت بينهم فكيف و انما المال مال الله ؛))

((اگر مال از شخص من بود، آنرا بطور مساوی تقسیم می کردم ، تا چه رسد به اینکه مال ، از آن خدا است .))

از دیدگاه فقه اسلامی نیز مسئله چنین است ، عالم بزرگ شیخ طوسی (ره) در کتاب ((خلاف)) (باب العین و قسمه الغنیمه) در مسأله ۴۴ گوید:

در بیت المال ، بین مردم بخاطر شرافت و یا سابقه بیشتر در اسلام یا دانش و زهد، فرقی نباید گذاشت و شیوه امام علی علیه السلام همین بود... سپس می گوید: اسم بیت المال ، مطلق است و شامل همه مردم می شود.

محقق عالیقدر صاحب جواهر رحمه الله در جلد ۱۶ نیز همین نظر را بیان می کند.

آری در پاره ای از موارد بخاطر امور استثنائی ، به بعضی بیشتر داده می شود، مثلا در غنائم جنگی که یکی از منابع درآمد بیت المال است به جنگجویان پیاده یک سهم و به جنگ جویان سواره دو سهم و به جنگ جویانی که از یک اسب بیشتر دارند، سه سهم داده می شود، ولی این فرق به خاطر مخارج خوراک آن اسبها است ، و حاکی از تبعیض این فرق به خاطر مخارج آن اسبها است ، و حاکی از تبعیض در تقسیم بیت المال نیست .

ناگفته نماند که منابع بیت المال متعدد است :

۱- زکاة

۲- خمس

۳- انفال (غنائم جزء انفال است).

۴- جزیه (که از اهل کتاب گرفته می شود).

۵- خراج ؛ مقدار مالی که طبق قرارداد حکومت اسلامی و کارکنان زمین از محصول زمین یا قیمت آن گرفته می شود آنهم باید از اراضی خراجیه یعنی از زمینهایی که مسلمین به اذن امام معصوم علیه السلام با قهر و غلبه یا از روی مصالحه از کفار گرفته اند باشد.

۶- فیئ (به معنی بازگرداندن است) و منظور اموالی است که بدون زحمت از کفار بازگردانده شده و در اختیار مسلمین قرار می گیرد، که طبق آیه ۶ و ۷ سوره حشر این اموال مال خدا و رسول و بستگان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یتیمان و مستمندان و درماندگان راه خدا است، بنابراین فرق بین فیئ و غنائم جنگی.

(باید توجه داشت که درآمد فیئ، داخل در بیت المال نیست و اختیارش در دست رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و بعد از آن حضرت در اختیار بستگان آن حضرت است و در زمان غیبت با ولی فقیه است تا به مصرف تعیین شده برساند.) به هر حال قسط اسلامی که تقسیم و توزیع عادلانه بیت المال است بدون هیچ گونه تبعیضی، در عصر حکومت درخشان امام عصر(عج) در اختیار مستحقین قرار می گیرد (۲۴۴) و به این ترتیب امر توزیع که از مهمترین و پیچیده ترین شاخه های اقتصادی است به نحو عادلانه و احسن صورت می گیرد و از شکاف عمیق طبقاتی جلوگیری می نماید. امروز امر توزیع ثروت در دنیا بقدری مفتضحانه است که مثلاً در بعضی از کشورهای آفریقائی، مردم دسته دسته از گرسنگی می میرند ولی در آمریکا و اکثر کشورهای غربی هزاران دلار خرج ماهیانه سگ خانه شان می نمایند، با توجه به اینکه این دلارها و منابع آنها را از همین کشورهای ضعیف، مثل زائو مکیده و برده اند.

مسلمانان منتظر امام قائم (عج) باید هم اکنون در جهان، این زمینه را به وجود آورند، یعنی دست استعمارگران و غارتگران جهانی را کوتاه کنند و ثروتهای کلان خود را برای خود نگهدارند تا قسط و عدل اسلامی که از اهداف مهم امام عصر(عج) است کم کم جامه عمل بپوشد و مستضعفان در فکر و عمل و در اقتصاد و توزیع و بر سر کار آیند و به حقشان برسند.

حکومت قائم علیه السلام و پیشرفت علم؟

می پرسند:

صنعت در ابعاد گوناگون روز بروز در حال ترقی و پیشرفت است، آیا در حکومت مهدی (عج) این پیشرفت صنعتی متوقف می شود و یا ادامه می یابد؟

پاسخ:

حکومت امام مهدی (عج) از متن اسلام راستین سرچشمه می گیرد و اسلام نه تنها با پیشرفت صنعت و هر علم دیگری که مانع کمال و رشد انسانها نمی گردد مخالف نیست، بلکه مؤید آن است.

آری اگر صنایع به صورت عوامل تخریبی و ویرانگر در آیند، اسلام و حکومت امام مهدی (عج) شدیداً با آن مخالفت می کند.

حکومت مهدی (عج) مؤید پیشرفتهای همه جانبه صنعتی است که در خدمت بشر و عدالت و امنیت و آسایش و آزادی به کار رود.

برای اینکه اوج پیشرفت زمان حکومت حضرت مهدی (عج) را دریابیم به دو روایت ذیل توجه فرمائید:

۱- امام صادق علیه السلام فرمود:

((ان قائمنا اذا مد الله لشيئنا في اسماعهم و ابصارهم حتى لا يكون بينهم و بين القائم برید))

((وقتی که قائم ما قیام کند، خداوند شنوائی گوشها و بینائی چشمهای شیعیان ما را به گونه ای زیاد می کند که دیگر بین

آنها و امام قائم (عج)، پیک پست نخواهد بود. یعنی آنها مستقیماً در هر کجا باشند با امام علیه السلام تماس می گیرند.))

(۲۴۵)

شاید بتوان گفت: این روایت از تلویزیونهای دو طرفه و دارای تلفن، سخن می گوید، و احتمال دارد که منظور، وسعت دید و اندیشه شیعیان در آن عصر باشد.

مطلب اول را روایت دیگری که از امام صادق علیه السلام نقل شده تایید می کند:

((ان المؤمنین في زمان القائم و هو بالشرق يرى اخاه بالمغرب و كذا الذي في المغرب يرى اخاه بالشرق))

((در عصر حکومت قائم (عج) مؤمنی که در شرق جهان است برادرش را که غرب جهان است می بیند و به عکس مؤمنی

که در غرب جهان است برادرش را که در شرق جهان است می بیند.)) (۲۴۶)

روشن است که: دیدن این چنین، حکایت از وجود صنایع پیشرفته می کند.

۲- و در روایت امام باقر علیه السلام فرمود:

((ذوالقرنین (که شرحش در قرآن در اوائل سوره کهف آمده) در میان نوع ابر مخیر گردید او ابر آرام را برگزید و ابر دیگر که

خشن و سرکش است برای صاحب شما (امام قائم (عج)) ذخیره شده است.

روایت کننده پرسید ابر خشن و سرکش چیست؟

فرمود: ابری است که همراه رعد و صاعقه یا برق است صاحب شما (امام قائم (عج)) بر آن سوار می شود و در پله های

آسمانهای هفتگانه و زمینهای هفتگانه بالا می رود.)) (۲۴۷) به این ترتیب می بینیم در این روایت اشاراتی به فضاپیماهای

بسیار سریع و تندر و که قدرت وصول به آسمانها هفتگانه را دارند شده است، اینها و روایاتی از این قبیل ما را به پیشرفت

عجیب صنعت در عصر حکومت حضرت مهدی (عج) رهنمون می سازد، البته صنعت مثبت نه منفی.

حکومت مهدی (عج) و تشریفات ؟

می پرسند:

تشریفات و اسرافکاری در دنیای روز انسانها را خسته کرده و به زحمت انداخته است ، بخصوص در دنیای غرب ، مد و مدپرست ، همه زندگی آنها را گرفته و دیگر فکر و ذهن اکثر آنها جز به این امور، کشش دیگر ندارد، آیا در زمان حکومت امام مهدی (عج) این گونه تشریفات برچیده می شود؟

پاسخ :

صد در صد مثبت است ، در آن عصر، هر گونه اسراف و اتراف و تشریفات حرام است و در همه چیز سادگی و زهد و پارسائی که اساس پرواز در فضای معنویت است دیده می شود، چنانکه اسلام از اول این روش را آورده است .
در این مورد مفضل رحمه الله یکی از شاگردان امام صادق علیه السلام گودید: ((در سفر حج ، در مراسم طواف خانه کعبه در حضور امام صادق علیه السلام ، مرا دید و فرمود: ترا غمگین و رنگ پریده می بینم ؟
عرض کردم : فکرم در این باره مغشوش است که حکومت و سلطنت در دست زمامداران ستمگر عباسی است و همه امکانات و زرق و برق در اختیار آنهاست ، اگر حکومت در دست شما بود ما هم به طفیل شما از آن بهره مند می شدیم . امام صادق علیه السلام فرمود:

((امام لو کان ذلک لم یکن الا سیاسه اللیل و سیاحه النهار و اکل الجشب و لبس الخشن شبه امیرالمؤمنین علیه السلام و الا فالنار فنزوی ذلک عنا فصرنا ناءکل و نشرب و هل راءیت ظلامه جعلها الله نعمه ؛))

((اگر حکومت در دست ما بود، شبها به عبادت و نگهبانی و رسیدگی به پرونده های امور مردم و روزها به جهاد و تاءمین نیازهای مردم می پرداختیم ، به خوردن غذای ساده و پوشیدن لباس خشن اکتفا می کردیم ، همانند زندگی امیرمؤمنان علی علیه السلام در غیر این صورت سرانجام ما آتش دوزخ بود، اکنون که حکومت در دست ما نیست ، ما به طور متعارف (نه ساده) می خوریم و می نوشیم ، آیا مظلومیتی را دیده ای که خداوند آن را نعمت قرار داده باشد؟)) (یعنی : اکنون که حکومت ما غصب شده ، در لباس و خوراک و زندگی ، راحت تر هستیم) . (۲۴۸)

نظیر این روایت در گفتگوی امام صادق علیه السلام با معلی بن خنیس رحمه الله در روایات آمده است . (۲۴۹)

حکومت درخشان امام مهدی

مقدمه

ما نمی توانیم درخشندگی حکومت جهانی حضرت قائم (عج) را آنطور که هست نشان دهیم ، ولی شاید با ذکر چند ویژگی از ویژگیهای این حکومت در همه زمینه های ، دورنمایی از این نظام بهشتی و سراسر عدل آن را توصیف نموده و در معرض دید خوانندگان قرار دهیم .

به طور کلی همانگونه که ائمه علیه السلام و امام صادق علیه السلام فرمودند:

((ان الله يحيي الارض بعد موتها؛))

((خداوند زمین را پس از مرگش زنده می کند.)) (۲۵۰)

و این آیه را با ظهور امام قائم (عج) تطبیق نمودند و فرمودند:

((خداوند زمین را به عدالت قائم (عج) پس از مرگ رهبران ستمگرا زنده می گرداند.)) (۲۵۱)

با مقایسته زمین خشک و مرده با زمین پر از گل و گیاه و میوه و سبزه و آب و مقایسه آن با حکومت مهدی (عج) به دست می آوریم که حکومت جهانی آن حضرت تا چه اندازه ای از عدل و صفا و امنیت و شادمانی در همه زمینه ها برخوردار است .

(۲۵۲)

۱- توحید سراسری در همه زمینه ها

اکنون برای آشنایی بیشتر با این دوران سراسر درخشان که خداوند به آن سوگند یاد کرده (۲۵۳) به ویژگیهای زیر که

نمایانگر دورنمایی از آن است توجه کنیم ، تا زمینه ساز این ویژگیها باشیم :

امام صادق علیه السلام فرمود:

((وقتی که قائم (عج) قیام کند هیچ کافر و مشرک پیدا نمی شود مگر اینکه قیام او را انکار کرده و ناپسند می شمرد ولی

کار به جایی می رسد که اگر کافر و مشرکی در شکم سنگی سخت ، پنهان شده باشند، آن سنگ می گوید: ای مؤمن در

شکم من کافر است مرا بشکن و او را بکش .)) (۲۵۴)

و در عبارت دیگر فرمود:

((قائم (عج) همه دین را در همه عالم آشکار می سازد.)) (۲۵۵)

امام باقر علیه السلام فرمود: امام قائم (عج) هر منافق شکاکی را به قتل می رساند. (۲۵۶)

نیز امام باقر علیه السلام فرمود:

((حکومت‌های باطل نابود گردد، حکومتش شرق و غرب را فرا گیرد، دین خدا به وسیله قائم (عج) زنده گردد و بدعتها و باطلها نابود شود.)) (۲۵۷)

امام صادق علیه السلام در ضمن روایتی به مفضل رحمه الله فرمود:

((به خدا سوگند! اختلاف از میان ادیان برداشته می شود و همه دینها به صورت یک دین درمی آیند چنانکه خداوند در قرآن می فرماید: تنها دین در نزد خدا اسلام است.)) (۲۵۸)

به این ترتیب وحدت جهانی معنوی پدید می آید.

و به این ترتیب می بینیم توحید در حکومت و سیاست و دین و قانون و در یک کلمه توحید در تمام زمینه ها که شالوده اساسی یک حکومت درخشان است، در حکومت حضرت مهدی (عج) تحت رهنمودهای آن بزرگمرد الهی پدیدار می شود، به عبارت دیگر، نفوس مردم، تکامل و رشد می یابد که در این صورت پایه نخستین حکومت عدل جهانی برقرار شده است، آن هم در سطح کل جهان، چنانکه در ذیل روایتی از امام کاظم علیه السلام آمده است: در تمام نقاط مشرق و مغرب کسی باقی نمی ماند جز اینکه معتقد به یکتایی خدا است. (۲۵۹)

و چنانکه امام باقر علیه السلام فرمود:

((اذا قام قائمنا وضع الله يده على رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و كملت به احلامهم؛))

((وقتی که قائم (عج) ما قیام کرد، خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان می گذارد و به وسیله آن عقلها و اندیشه هایشان را به کمک هم گرفته و کامل می سازد.)) (۲۶۰)

در اینجا اضافه می کنیم که آن حضرت اسلام را مو به مو و با کمال قاطعیت اجراء می کند، زناکار همسردار را سنگسار می نماید، و مانع زکات را گردن می زند. (۲۶۱)

۲- پیشرفت عجیب علوم

شکی نیست که علم و دانش و رشد فکری و فرهنگی نقش به سزایی در تکامل انسان دارد و بسیاری از مشکلات سر راه تکامل را رفع می کند، در عصر انقلاب جهانی مهدی (عج) یکی از امور، پیشرفت عجیب علوم در تمام زمینه ها است. امام صادق علیه السلام فرمود:

((اصول علم و دانش دارای بیست و هفت حرف (رشته) است، تمام پیامبران آنچه برای مردم تا حال آورده اند دو حرف بوده ، وقتی که قائم (عج) ما قیام کند بیست پنج حرف دیگر عموم را نیز آشکار می سازد و در میان مردم رواج می دهد و ضمیمه آن دو حرف می کند تا بیست و هفت حرف تکمیل گردد.)) (۲۶۲)

این پیشرفت نه تنها در علوم انسانی، بلکه در علوم صنعتی و اقتصادی و غیره نیز پدید خواهد آمد. امام صادق علیه السلام فرمود:

((ان المؤمن من فی زمان القائم و هو بالمغرب یری اخاه بالمشرق؛))

((مؤمن من در عصر حکومت مهدی (عج) در حالیکه در مغرب سکونت دارد، برادرش را که در مشرق است می بیند.)) (۲۶۳)

خود امام قائم (عج) نیز همچون حضرت علی علیه السلام اعلام می کند:

((سلونی قبل ان تفقدونی فان بین جوانحی علما جما؛))

((قبل از آنکه از میان شما بروم هر گونه سؤال دارید از من بپرسید چرا که سراسر وجودم سرشار از علم و دانش است.)) (۲۶۴)

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسد؛ مردم چگونه به قیام آن حضرت آگاه می شوند؟ امام صادق علیه السلام فرمود:

((هر یک از شما وقتی از بستر برخاست، در کنار بسترش دعوتنامه ای می بیند که در آن آیه ۵۳ نور نوشته شده و سپس در آن آمد؛ اطاعت خالصانه نشان دهید.)) (۲۶۵)

مفهوم این روایت به تکنیک ((فاکس)) که از وسایل مهم مخابراتی امروز است بسیار نزدیک می باشد.

اینها نمونه هایی از روایات است که حکایت از پیشرفت و رشد همه جانبه علوم مختلف در حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) می کند.

۳- پیشرفت و رشد کشاورزی و امکانات

در تعبیری از ائمه معصومین علیه السلام رسیده است :

((و لا یبقی فی الارض خراب الا یعمره ؛))

در همه زمین جای خرابی نماند بلکه همه را آباد خواهد ساخت.)) (۲۶۶)

و در عبارتی آمده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

((در آن زمان زمین کبد و اشیاء گرانقیمت خود را بیرون می فرستد و ثروت فراوان در میان مردم پخش می شود.)) (۲۶۷)

و دامداری نیز در این عصر به طور چشمگیر پیشرفت می کند (۲۶۸)

۴- برادری و صفا و صمیمت

در آن زمان نه تنها مردم در جهت ظاهر مادی پیشرفت عجیبی می کنند بلکه از لحاظ معنوی نیز که بسیار مهم و هدف اصلی است رشد شایانی دارند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

((اذا قام القائم جائت المزملة و اتی الرجل الی کیس اءخیه فیاءخذ حاجته لا یمنعه))

((وقتی که قائم (عج) قیام کرد، رفاقت و برادری برقرار شود، به طوری که هر کس دست به جیب برادرش کرده و به قدر نیاز بدون ممانعت از آن برمی دارد.)) (۲۶۹)

کوتاه سخن اینکه یک اقتصاد سالم ضد طبقاتی براساس عدل و مساوات اسلامی برقرار می گردد. (۲۷۰)

۵- امنیت و برکت و وفور نعمت و عدالت

در جهان مفاهیم ، واژه هایی بهتر از عدالت ، برکت ، امنیت و وفور نعمت نداریم .

در حکومت درخشان حضرت مهدی (عج) تمام این مفاهیم به نحو احسن محقق می گردد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

((در آن زمان اگر پیر زنی از مشرق به مغرب برود کسی به او کار ندارد.)) امام صادق علیه السلام فرمود:

(۲۷۱)

((وقتی که قائم (عج) قیام کرد، دآوری به عدالت می کند و ظلم و جور از میان می رود، و راهها امن می شود، زمین

برکتهای خود را آشکار می سازد، و هر حقی به صاحبش برمی گردد، و همه مردم معتقد به اسلام می شوند. پیامبر خدا صلی

الله علیه و آله و سلم در ضمن گفتاری فرمود:

(۲۷۲)

((تنعم فیہ امتی نعمه لم ینعموا مثلها قط تؤتی الارض اکلها (کنوزها) و لا تدخر منهم شیئا و المال یومئذ کدوس یقوم

الرجل فیقول یا مهدی اعطنی فیقول خذ؛))

((آنچنان در میان امت من وفور نعمت می شود که مثل آن هرگز نبوده است ، زمین گنجها و میوه های خود را آشکار می سازد و از آنها چیزی کم نکند، و مال و ثروت همچون چیزی است که زیر دست و پا افتاده باشد، شخصی می آید و می گوید: ای مهدی (عج) از اموال به من بده امام به او می فرماید: بگیر)) (۲۷۳)

و در عبارت دیگر فرمود:

((خداوند باران را از آسمان همواره بر آنها بفرستد و از زمین چیزی از گیاه نماند مگر این که سبز گردد.)) (۲۷۴)

حضرت رضا علیه السلام در ضمن روایتی فرمود:

((قائم (عج) وقتی که ظهور کرد نورش جهان را روشن می کند، ترازوی عدالت بین مردم قرار می دهد، هیچکس به کسی ظلم نمی کند، زمین برای او در نور دیده می شود (یعنی به هر جای زمین برود فوری و آسان است) و او سایه ندارد و...) باز نقل شده که در سال قیام آن حضرت بیست و چهار بار باران بیارد که آثار و برکات آن دیده شود. (۲۷۵)

جالب اینکه : وفور نعمت و به عبارت دیگر اقتصاد خوب و خودکفایی در حدی است که مردم بی نیاز می شوند و کسی برای صدقه و انفاق خود، شخص نیازمندی را پیدا نمی کند، چرا که همه مردم خودکفا و بی نیازند. (۲۷۶)

علاوه بر این پیشرفتهای پیشرفتهای دیگری نیز در شهرسازی و راهسازی و نوسازی و توسعه نهضت سوادآموزی و پیشرفت قضایی و در یک کلمه پیشرفت در همه زمینه ها بوجود می آید. (۲۷۷)

کوتاه سخن آنکه : یک نهضت به تمام معنی پر از صفا و صمیمیت در دنیا به وجود خواهد آمد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

((وقتی که قائم (عج) ما قیام کند سراسر زمین به نور پروردگارش روشن می شود، یعنی عدل و داد در سراسر زمین تا آنجا که طبیعت زمین پذیرا باشد اجرا خواهد شد.)) (۲۷۸)

۶- توجه کامل به اماکن مقدسه و توسعه شهرها و بهداشت

از آنجا که اماکن مقدسه مانند مسجد و... پایگاه مرکزی برای عبادت و تعلیم و تعلم در جهت تکامل نفوس است ، امام قائم (عج) در این جهت نیز توجه خاص دارد، به طوری که امام صادق علیه السلام فرمود:

((وقتی قائم (عج) ما ظهور کند در پشت کوفه ، مسجدی می سازد که هزار در دارد، و خانه های کوفه به دو نهر کربلا

متصل می گردد.)) (۲۷۹)

ایجاد مسجد بزرگی در پشت کوفه (صحرای نجف) در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده که مضمونش چنین است :

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

((گویا حسنی (۲۸۰) را (در کوفه) با حسینی (ظاهرا منظور امام قائم (عج) است) می بینم که حسنی با یارانش با حسینی بیعت می کنند و در اطراف آن حضرت هستند، تا در جمعه دوم مردم گویند نماز پشت سر امام قائم (عج) مساوی بانماز پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است اما بر اثر کثرت جمعیت در مسجد کوفه جا پیدا نمی شود، امام (عج) به پشت کوفه رفته و خط مسجد بزرگی را می کشد که آن مسجد هزار در دارد، تا مصلاهی بزرگ و فراگیر برای همه جمعیت باشد.)) (۲۸۱)

در نوسازی و شهرسازی، خانه های کوفه به خانه های کربلا متصل می شوند. (۲۸۲)

کوتاه سخن اینکه: آن چنان شرایط زندگی سالم در تمام ابعادش در زمان حکومت امام عصر (عج) فراهم خواهد شده که به فرموده امام صادق علیه السلام: ((یک مرد در این عصر چنان عمر طولانی می کند که دارای هزار فرزند می شود.)) (۲۸۳) امام باقر علیه السلام فرمود:

((وقتی که قائم قیام کرد به کوفه می رود و چهار مسجد را در آنجا ویران می نماید. هر مسجدی که در زمین مشرف (بر

خانه های مردم) باشد، (۲۸۴) ویران می کند، راهها را وسیع می نماید.))

به این ترتیب می بینیم حتی اگر مسجد هدف غیر اسلامی داشت ویران می شود. آری هر مانعی را که در راهها است از میان برمی دارد و عوامل ناپاکی و نادرستی و حتی ناودانهایی را که موجب این کثافتها می شوند از بین می برد، هر بدعتی را نابود و هر سنت نیکی را احیاء می سازد، قسطنطنیه (واقع در ترکیه) و کوههای گیلان و چین را فتح می کند... (۲۸۵)

جالب اینکه: در این عصر درخشان، امکانات یک فرد صالح و مؤمن، پرنده را از هوا فرود می آورد و او آن را ذبح کرده و می پزد و از گوشتش بهره مند می شود. (۲۸۶)

در میان این امور، آنچه که بسیار مهم است و امور دیگر مقدمه و وسیله آن است، تکمیل نفوس و بالا بردن سطح معلومات و معنویات است، که هدف تمام پیامبران و اولیاء خدا همین بوده است. (البته در پرتو تکمیل نفوس، سایر مواهب مادی نیز به دست می آید.)

ما وقتی که آیه ۵، سوره قصص ((و نريد ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض...)) را که در مورد حکومت حضرت ولی عصر (عج) می باشد تحت مطالعه قرار می دهیم، واژه مستضعف را در روایات امامان علیه السلام می نگریم می بینیم بیشتر

روایات ، مستضعف را به معنی کم عقل ، کم سواد، هدایت نشده ، بی خبر از قرآن و ناتوانی در فکر و شناخت گرفته اند.

(۲۸۷)

امام باقر علیه السلام در معنی مستضعف فرمود:

((الذين لا يجدون حيلة و لا يهتدون سبيلا، لا يستطيعون حيلة الكفر و لم يهتدوا فيدخلوا في الايمان فليس هم من الكفر و

الايمان ؛))

آنانکه چاره ای ندارند و به راه هدف ، هدایت نمی یابند، توانایی تشخیص تزویر کفر را ندارند، و راهی به هدایت نبرده اند تا

ایمان آورند، آنها نه کافر و نه مؤمن هستند. (۲۸۸)

نتیجه می گیریم که اهم هدف امام قائم (عج) تکیل نفوس و آگاه کردن مردم و خط دادن به آنها و هدایت کامل معنوی و

علمی آنها و نجات دادن آنها از استضعاف در جهت معنی و فکر و اندیشه است ، در اینجا سخن را کوتاه کرده و آن را با

اشعار ذیل و چند سخن از بزرگان پایان می بریم .

سراسر صحن آن آرامگه جنات موعودی

بعینه چون بهشت کردگار آن ساحت غبرا

نه دردی هست و نه رنجی نه آلامی نه اسقامی

نه سودایی تنی افزون شود نه کاهش صفرا

هزاران گل شکفته گردد از آسیب گل چینان

به صد شادی کنار گل کشد صد عندلیب آوا

چریدی و چمیدی در امان ز آسیب صیادان

غزال کوهی و آهوی دشتی ، شادر در صحرا

و بالاخره به فرموده امام صادق علیه السلام :

((فیاطوبی لمن ادرکه و کان من انصاره و الویل کل الویل لمن ناواه و خالفه و خالف امره و کان من اعدائه ؛))

((ای خوشا به سعادت آنکس که امام مهدی (عج) را درک کند و از یاورانش شود، و ای ، وای از هر جهت وای بر کسی که

با او مبارزه و مخالفت کند، و از فرمانش سرپیچی نماید و در صف دشمنانش قرار گیرد. (۲۸۹)

و به قول ابن عباس رحمه الله صحابی معروف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مفسر بزرگ :

((فطوبی لمن ادرک زمانه ؛)) ((خوشا به سعادت کسی که زمان ظهور قائم (عج) را درک کند. (۲۹۰)

و به فرموده امام علی علیه السلام : آیه

((و نریدا ان نمین علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین ؛))

((می خواهیم بر آنانکه در زمین مستضعف شمرده شدند منت نهیم و آنها را امامان و وارثان زمین قرار دهیم .

در مورد آل محمد علیه السلام است که مهدی علیه السلام آنها پس از رنج و سختی آنها، نهضت کند و به آنها عزت بخشد

و دشمنان آنان را خوار نماید.

دولت کریمه (۲۹۱)

یکی از دعا هایی که شبهای ماه مبارک رمضان می خوانیم ، دعای افتتاح است ، این دعا را حضرت ولی عصر (عج) به محمد

بن عثمان (دومین نائب خاص از نواب اربعه) تعلیم داده و او منتشر نموده است .

سید بن طاووس رحمه الله در اقبال خود در ذکر اسناد دعا های ماه رمضان ، دعای افتتاح را پس از ذکر اسناد دعا های ماه

رمضان ، دعای افتتاح را پس از ذکر یک سلسله از ناقلین به محمد بن عثمان می رساند که محمد بن عثمان رحمه الله آن را

از امام زمان علیه السلام گرفته است .

علامه مجلسی رحمه الله در زادالمعاد نیز همین سند را نقل کرده و آن را سندی معتبر می داند و می گوید: امام زمان علیه السلام آنرا برای شیعیان نوشته است که هر شب ماه رمضان بخوانند، فرشتگان می شنوند و برای خواننده آن استغفار می کنند.

نکته جالب اینکه : در این دعای شریف به طور جامع به ویژگیهای حکومت حضرت مهدی (عج) که به عنوان ((دولت کریمه خوانده شده اشاره شده است ، توجه عمیق به معنی این دعا برای منتظران مهدی (عج) لازم است .
دولت کریمه عبارت از تشکیل دولت اسلامی است که تمام افراد آن از مزایای حقوق و عدالت اجتماعی برخوردارند، و در پرتو آن دولت ، توحید و ایمان در سراسر زمین حکومت می کند.

حضرت رضا علیه السلام در انتظار رسیدن چنین حکومتی ، دو آیه از قرآن را ذکر فرمود:

۱- ((وارتقبوا انی معکم رقیب ؛)) ((شما در انتظار بمانید، من هم در انتظارم . (۲۹۲)

۲- ((فانتظروا انی معکم من المنتظرین ؛)) ((شما منتظر باشید من هم با شما منتظر هستم . (۲۹۳)

گر چه آیه اولی از قول حضرت هود علیه السلام و آیه دومی از قول حضرت شعیب علیه السلام به قوم خود است ، ولی

حضرت رضا علیه السلام تاءویل فرمودند به ظهور امام زمان علیه السلام که همه باید در انتظارش باشیم ، و فرمود:

این انتظار نیکو انتظاری است . (۲۹۴)

توجه امام علیه السلام به مکه ، کوفه و قم

یکی از شؤن یک حکومت جهانی ، و یا فراهم آوردن مقدمات آن ، استفاده از مراکز استراتژیکی و مهم از نظرات مختلف ، به خصوص از نظر معنوی است .

این مراکز همچون پایگاه و هسته های اصلی هستند که می توان از آنها به عنوان فراهم آوردن اسباب کار، استفاده کرد. در روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) سه مرکز به خصوص اسم برده شده :

۱- مکه ۲- کوفه ۳- قم که اینها در پیشبرد نهضت جهانی حضرت مهدی (عج) اثر به سزایی دارند.

ما در اینجا با رعایت اختصار، شرحی درباره این سه مرکز ذکر می کنیم ، تا رهنمودی برای مسلمین و آینده سازان منتظران حضرت مهدی (عج) باشد و روز به روز بر رونق این سه مرکز در ابعاد مختلف بیفزایند.

۱- مکه مرکز اولین جرقه های انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج)

در روایات می خوانیم : حضرت مهدی (عج) در مکه کنار کعبه ظهور و خروج می کند. (۲۹۵)

هنگام ظهور به کعبه تکیه می کند به صدایش را بلند می نماید که :

((هان ای مردم جهان ، کسی که می خواهد به آدم علیه السلام و شیث علیه السلام بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد به ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد به موسی علیه السلام و یوشع علیه السلام بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد به عیسی علیه السلام و شمعون علیه السلام بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد به محمد صلی الله علیه و آله و سلم و امیرمؤمنان علی علیه السلام بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد به حسن علیه السلام و حسین علیه السلام بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد به امامان علیه السلام از فرزندان حسین علیه السلام بنگرد به من بنگرد و به ندای من پاسخ مثبت دهید، من از آنچه که آنها خبر داده اند و آنچه که خبر نداده اند به شما خبر می دهم . (۲۹۶)

خلاصه این روایت این است که تمام صفات پیامبران بزرگ و رسولان و اوصیاء آنها در وجود من جمع است ، من غیر از آنچه آنها آورده اند، شما را به زیادت از آن آشنا می کنم ، و اهداف آنها را تکمیل می نمایم . شما پیرو هر دینی هستید، گمشده شما در وجود من است به گرد من جمع شوید که به هدف کامل زندگی خود خواهید رسید.

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه :

((و اذان من الله و رسوله الى الناس يوم الحج الاكبر ان الله برىء من المشركين ؛))

((و این اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر (روز عید قربان) که خداوند و پیامبر او از مشرکان بیزارند. (۲۹۷)

فرمود: ((منظور خروج قائم (عج) و دعوت او از مردم به سوی رهبری خود است . (۲۹۸)

ناگفته نماند امام باقر علیه السلام در این حدیث یکی از مصادیق روشن این دعوت عمومی را بیان می فرماید، که در آن وقت این دعوت به صورت کامل جامه عمل می پوشد و تحقق عینی می یابد.

موضوع دیگر اینکه : یاران امام زمان علیه السلام پس از ظهور در مکه (چنانکه قبلاً گفتیم) به آن حضرت می پیوندند که از جمله آنها سیصد و سیزده نفر یاران خاص هستند و سرانجام ده هزار نفر شده و به سوی مدینه رهسپار می شوند... (۲۹۹)

موضوع دیگر اینکه امام زمان علیه السلام مسجدالحرام را خراب کرده و به اصل خود برمی گرداند و همچنین ، مقام حضرت ابراهیم علیه السلام را به جای اصلی خود برمی گرداند.

در این مورد امام صادق علیه السلام فرمود:

((وقتی که قائم (عج) قیام کند، مسجدالحرام را ویران نماید تا به جای اصلی خود برگردد، مقام ابراهیم علیه السلام را به محل اصلی خود می گذارد، دستهای کلید داران (خائن ..) را قطع کرده و در کعبه آویزان می نماید و بر آنها می نویسد اینها دزدان کعبه هستند. (۳۰۰)

و سه هزار نفر از خائنان و چپاولگران مکه را در شش نوبت به قتل می رساند. (۳۰۱)

از این مطالب نتیجه می گیریم که نخستین جرقه های انقلاب جهانی آن حضرت در مکه بروز می کند. و به این ترتیب می بینیم آن حضرت مسائل تشریفاتی و تزئینی و فرعی را از بین برده ، و مردم را به ابعاد اصلی حج که مهمترین آن ، بعد سیاسی و عبادی آن است متوجه می سازد.

با توجه به اینکه در اسلام ، بعد سیاسی نیز عبادت است .

و این یک درس بزرگی است برای طرفداران مهدی (عج) که مکه این مرکز استراتژیکی و مهم دنیای اسلام را به صورت کانون آتشفشان عدالت و معنویت و اتحاد بر ضد استکبار جهانی در آورند. و آنرا آماده ظهور امام عصر(عج) کنند و از زیر یوغ استکبار، خارج نمایند.

در اینجا سخن را رها کرده و به گفتار پرمغز امام خمینی قدس سره که در پیام مهم خود به مسلمانان در آستانه برگزاری

کنگره عظیم جهانی حج سال ۱۳۶۳ (چهارم شهریور مطابق ۲۸ ذی القعدة ۱۴۰۴) ابلاغ فرموده اشاره می کنیم .

((... ابعاد مختلف این فرضیه الهی عظیم سرنوشت ساز ((حج به واسطه انحرافهای حکومتهای جور در کشورهای اسلامی و آخوندهای فرومایه کشورهای اسلامی و کج فهمی های بعضی از معممین و مقدس نماها در تمام کشورهای اسلامی در پرده ابهام باقی مانده است ، کج فهمانی که حتی با تشکیل حکومت اسلامی مخالف و آن را از حکومت طاغوت بدتر می دانند...

...از همه ابعاد حج ، مهجورتر و مورد غفلت تر، بعد سیاسی این مناسک عظیم است که دست خیانتکاران برای مهجوریت و مورد غفلت تر، بعد سیاسی این مناسک عظیم است که دست خیانتکاران برای مهجوریت آن بیشتر در کار بوده و هست و خواهد بود و مسلمانان امروز و در این عصر که عصر جنگل است ، بیشتر از هر زمان ، موظف به اظهار آن و رفع ابهام از آن هستند....

روزی که ولی الله اعظم امام عصر(عج) ظاهر شوند و در کعبه ندای عدالت سر دهند و بر خلاف ظالمان و کافران فریاد

کشند، همین آخوندها هستند که او را تکفیر و از ستمگران پشتیبانی می نمایند. (۳۰۲)

... مراتب معنوی حج که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه، نزدیک می نماید، حاصل نخواهد شد

مگر آنکه دستورات عبادی حج به طور صحیح و شایسته و مو به مو عمل شود...

... اگر در این کنگره جهانی که همه اقشار ملت‌های مظلوم اسلامی از هر قشر و ملت و دارای هر زبان و مسلک و هر رنگ و

قشر ولی با روش واحد و لباس مشابه، دور از هر آرایش و آرایش اجتماع نموده اند، مسائل اسلامی اسلام و مسلمین و

مظلومان جهان، از هر فرقه حل نشود حکومت‌های مستکبر و زورگو نیز جایشان ننشینند، از اجتماعات کوچک منطقه ای و

محلی کاری برنخواهد آمد و راه حل فراگیری به دست نخواهیم آورد...

بیتی که برای قیام، تاءسیس آن هم قیام ناس و للناس، پس باید برای همین مقصد بزرگ در آن اجتماع نمود و منافع ناس

را در همین مواقف شریف تاءمین نمود ورمی شیاطین بزرگ و کوچک را در همین مواقف بزرگ انجام داد، مجرد کلید دارای

بیت و سقاییت حجاج و عمارت مسجدالحرام کافی نیست و مربوط به مقصد نیست، ساده بودن بیت و مسجد همچون زمان

ابراهیم علیه السلام و صدر اسلام و به هم پیوستن مسلمین در آن مکان بی آرایش و وافدین بی پیرایش هزاران مرتبه

بالاتر از تزئین کعبه و بناهای مرتفع عظیم و غافل شدن از مقصد اصلی که قیام ناس و شهود منافع ناس است می باشد.

((اجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمن آمن بالله و الیوم الآخر و جاهد فی سبیل الله لا یستوون عند الله و الله لا

یهدی القوم الظالمین)) (۳۰۳)

گویی این آیه در عصر ما نازل شده و گویای حال ما است، در عصر حاضر سرگرمی به سقاییت و معیشت حجاج و به عمارت

و تزئین مسجدالحرام و غفلت از ایمان به خدا و روز قیامت و کناره گیری از جهاد فی سبیل الله را شعار خود قرار داده اند و

کسانی که به این آیه عمل کنند آنها را ظالم می خوانند.

و آیه ۳، سوره توبه (و اذان من الله و رسوله ...) درست برخلاف رفتار آخوندهای درباری و تاءمین کننده منافع شیطان بزرگ

آمریکا است ... که فتوا می دهند حج باید از این مسائل به دور باشد...

مسأله، مسأله حضور در محضر است و شاهد جمال محبوب، گویی گوینده از خود در این محضر بی خود شده و جواب

دعوت را تکرار می کند، و دنباله آن سلب شریک به معنی مطلق آن می نماید.

باید متوجه باشند که حج آنها حج ابراهیمی علیه السلام ((ابوالانبیاء صلوات الله علیه باشد و حج محمدی صلی الله علیه و آله و سلم ((و الا ما اکثر الضجيج و اقل الحجيج ؛)) (۳۰۴) چقدر ناله کن زیاد است ولی حاجی حقیقی کم است
 ((از خداوند تعالی پیروزی اسلام و خذلان کفر و بیداری مسلمانان و تعهدشان را در پیشبرد مقاصد اسلامی خواستارم . (۳۰۵)
 ((روح الله الموسوی الخمينی رحمه الله))

نتیجه اینکه مسلمانان دوستدار حضرت قائم (عج) باید به مکه و کعبه و حج، اهمیت فراوان بدهند و فلسفه حج را درک کنند و اجرا نمایند و بدانند که عرفات مرکز شناخت و مشعر مرکز شعور و منی مرکز عشق و قربانی و ترور شیاطین تجسم یافته است در این صورت کمک بزرگی به فراهم شدن اسباب کار در مورد ظهور آن حضرت کرده اند.

در اینجا این مطلب را با سخنی از وصیت امام علی علیه السلام به دو فرزندش امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام پایان می پریم .

((اللّٰهُ اللّٰهُ فِى بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تَخْلُوهُ مَا بَقِيتُمْ فَانْهَ انْ تَرْكُ لَمْ تَنَظَرُوْا!))

((خدا را، خدا را، در مورد خانه پروردگارتان (کعبه) آن را تا زنده هستید خلوت نکنید، زیرا اگر این خانه ترک شود، کرامت و عزت خود را (از طرف خدا و مردم) از دست خواهید داد. (۳۰۶)

آری باید مسلمانان با طرح جامع ایجاد شورای اسلامی اداره امور حج ، با موج عظیم میلیونی ، همه ساله مسلمانان را خط بدهند و نتایج سودمندی از این مرکز عبادی سیاسی بگیرند، و بدانند که مراسم حج تنها بعد عبادی آن نیست و گرنه امام حسین علیه السلام روز هشتم ذی الحجه حج را رها نمی کرد و به سوی جهاد نمی رفت .

ناگفته نماند که مدینه نیز از مراکز مهم در رابطه با حکومت حضرت مهدی (عج) است که آن حضرت با یاران خود از مکه به مدینه آمده و در آنجا جمعیت‌های زیادی به آن حضرت می پیوندند و عده ای از مخالفان سرکوب می شدند. (از اینکه مدینه را مستقلاً ذکر نکردیم چون آن را جزء حجاز و در قلمرو مکه به حساب آوردیم .)

اینک به این روایت توجه کنید:

امام صادق عليه السلام فرموده :

((مکه ، حرم خدا و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حرم امام علی علیه السلام است و یک نماز در مکه معادل با صد هزار نماز است ، انفاق یک درهم در مکه معادل با انفاق با صد هزار است ، مدینه حرم خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حرم امام علی علیه السلام است و یک نماز در مکه معادل با صد هزار نماز است))

و آله و سلم و امام علی علیه السلام است و یک نماز در آن معادل با هزار نماز، و انفاق یک درهم در آن معادل انفاق هزار درهم است . (۳۰۷)

روایات دیگری نیز در شاعن و مقام مدینه آمده که برای رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری شد.

۲- کوفه مقر حکومت حضرت مهدی

قبلا گفتیم ، امام قائم (عج) پس از ظهور از مکه به مدینه آمده و در آنجا همراه دهها هزار نفر از همراهان به سوی کوفه رهسپار می شوند و مقر حکومت آن حضرت کوفه است یعنی همان محلی که مقر حکومت امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام بود.

امام باقر علیه السلام فرمود:

((گویی قائم (عج) را می بینم در نجف کوفه که از مکه به آنجا آمده در حالی که پنج هزار فرشته که جبرئیل علیه السلام در طرف راستش و میکائیل علیه السلام در طرف چپش و مردم با ایمان در حضورش هستند، و آن حضرت لشکرها را در شهرها گروه گروه پراکنده می کند. (۳۰۸)

در کوفه حدود ده هزار نفر که ((بتریه نام دارند، جلو آن حضرت را می گیرند و به او می گویند از همانجا که آمده ای برگرد ما نیازی به فرزندان فاطمه علیه السلام نداریم ، امام (عج) با آنها جنگ می کند و همه آنها را به هلاکت می رساند، و آنگاه وارد کوفه شده و هر منافق شکاک را می کشد، و کاخ های عظیم ظلم را ویران می سازد، و جنگ افروزان را به قتل می رساند تا خداوند خشنود گردد. (۳۰۹)

آن حضرت در کوفه به توسعه راهها و خیابانها و شهرها و مساجد می پردازد، بیست و هفت نفر که اصحاب کهف و یوشع علیه السلام و سلمان رحمه الله و ابودجانه رحمه الله و مقداد رحمه الله و مالک اشتر رحمه الله در میانشان است در نجف به آن حضرت می پیوندند و در صف یاران آن حضرت قرار می گیرند.

بالاخره آنچنان در جهت ظاهر و باطن مردم به طور سریع و وسیع کار را به پیش می برد که خداوند سراسر زمین را به نور الهی روشن می کند و دیگر مردم نیازی به نور خورشید ندارند، ظلمت و تاریکی (ظلم و فساد) از بین می رود، یک نفر مرد در زندگی خود آنقدر عمر می کند که دارای هزار فرزند می شود... (۳۱۰)

موضوع دیگر توسعه دادن به شهر کوفه است که خانه های کوفه به رود کربلا متصل می شود، و مسجد با شکوهی در پشت کوفه ساخته می شود که هزار در دارد.

وسعت کوفه به حدی می شود که اگر مردی در کوفه سوار بر استر راهوار بشود تا خود را به نماز جمعه برساند، نماز جمعه را درک نمی کند در صورتی که آن مرد در کوفه سکونت دارد. (۳۱۱)

به این ترتیب می بینیم کوفه (که عبارت دیگر آن شامل نجف و عراق است) پایگاه حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) است، همان جایی که در طول تاریخ پایگاه مردان بزرگ چون ادريس عليه السلام، نوح عليه السلام، ابراهيم عليه السلام، عيسى عليه السلام و حضرت امام علی عليه السلام و امامان دیگر بوده است.

که در روایات آمده امام صادق علیه السلام فرمود:

((کوفه باغی از باغهای بهشت است، قبر حضرت نوح علیه السلام و ابراهيم عليه السلام و ۳۷۰ پیامبر دیگر و ۶۰۰ وصی و قبر سرور اوصیاء حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در کوفه است. (۳۱۲)

قبر مردان بزرگی همچون حضرت مسلم علیه السلام نماینده اول امام حسین علیه السلام و قبر حضرت هانی رحمه الله و مختار رحمه الله نیز در کوفه می باشد.

و حضرت امام علی علیه السلام در تفسیر آیه ۵۰ سوره مؤ منون :

((و آویناهما الی ربوة قرار و معین؛))

((ما حضرت عیسی علیه السلام و مادرش مریم علیهما السلام را پناه دادیم در مکانی بلند و خوب .

فرمود: ((منظور از این مکان (ربوه) کوفه است و منظور از ((قرار مسجد است و منظور از ((معین فرات است. (۳۱۳)

موضوع دیگر اینکه مهمترین مسجد، پس از مسجد اعظم کوفه، مسجد سهله است که در حدود سه کیلومتری شمال غربی مسجد کوفه قرار گرفته است.

در روایات آمده حضرت ادريس پیامبر، در این مکان (که اکنون مسجد سهله است) خیاطی می کرد، و حضرت ابراهيم عليه السلام از آنجا سوی عمالقه بیرون رفت و...

امام صادق علیه السلام فرمود:

((گویا می بینم، حضرت قائم (عج) را در مسجد سهله همراه خانواده خود. سپس فرمود:

هیچ پیامبری مبعوث نشد مگر اینکه در این مسجد نماز خواند...

یکی از یاران به نام ابوبصیر رحمه الله عرض کرد: آیا امام قائم (عج) همواره و همیشه در این مسجد خواهد بود؟ فرمود:

آری .

امام صادق علیه السلام فرمود: مسجد سهله خانه امام قائم (عج) است . او عرض کرد: (امامان) بعد از قائم (عج) چطور؟ (۳۱۴)

حضرت فرمود: آنها نیز تا آخر دنیا در این مکان سکونت خواهند کرد. (۳۱۵)

از این حدیث استفاده می شود که در دوران رجعت ، پس از حضرت قائم (عج) سایر امامان علیه السلام نیز همین مکان را پایگاه مرکزی خود قرار می دهند.

در مورد فضائل و مقدس بودن سرزمین کوفه روایات بسیار به ما رسیده است ، و همچنین در مورد اهل کوفه امام صادق علیه السلام در این مورد فرمود: ((مؤمنین کوفه حجت مردم سایر بلاد هستند، و نیز خداوند قم و اهلس را حجت بر سایر مردم قرار داد.

و یک قسمت از روایات حاکی است که هیچکس قصد سوء به کوفه نداشته مگر اینکه به هلاکت رسیده ، کوفه محل امن است و خداوند بلا را از آن رفع نموده است .

و در روایتی که مرحوم صدوق رحمه الله در کتاب معانی الاخبار نقل می کند، امام کاظم علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: خداوند چهار سرزمین را اختیار و امتیاز بخشید چنانکه در قرآن فرمود: ((والتين والزيتون و طور سينين و هذا البلد الامين ؛)) (سوگند به انجیر و زیتون و طور سینا و این شهر با امن .

منظور از تین ، مدینه است و منظور از زیتون ، بیت المقدس است و منظور از طور سینین ، کوفه است و منظور از شهر با امن مکه می باشد. (۳۱۶)

و در موضوع دفع و رفع بلا از این شهر روایات بسیار است از جمله در نهج البلاغه آمده که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

((گویی تو را می بینم ای کوفه ، که همچون چرم بازار عکاظ که مالش داده و کشیده می شود، محل تاخت و تاز حوادث و حمله قرار می گیری ، من به طور حتم می بینم که هر ستمگری به تو نظر سوئی داشت ، خدا او را گرفتار می سازد و یا به قتل می رساند. (۳۱۷)

همانگونه که حضرت علی علیه السلام فرمود همانطور شد، کسانی که قصد خیانت به این شهر را داشتند، همه ذلیل و به هلاکت رسیدند.

جنایتکار معروف ((زیاد جذام گرفت ، شکم حجاج پر از مار شد، عمر بن هیبره و پسرش یوسف به برص مبتلا شدند، عبیدالله بن زیاد و مصعب و ابوالسرایا به قتل رسیدند. (۳۱۸)

شرکت کنندگان در خون حضرت مسلم علیه السلام و امام حسین علیه السلام هر یک به دست مختار رحمه الله مفتضحانه به درک واصل شدند.

به هر حال این شهر پر سابقه و مقدس و در کنارش حوزه عملیه نجف اشرف و قبر مقدس حضرت علی علیه السلام ، این شهر حماسه ها و خاطره ها، پایگاه مرکزی حکومت مهدی (عج) قرار می گیرد، و با توجه به موقعیت استراتژیکی سرزمین عراق و اتصال آن به سوره و فلسطین و سپس سرزمین حجاز، و از یک طرف به ترکیه و شهرهای مسلمان نشین شوروی سابق و ایران و... مرکز بسیار مناسبی در جهان اسلام برای مرکز حکومت جهانی اسلام و برای مرکزیت حکومت جهانی است ، نتیجه اینکه طرفداران امام قائم (عج) باید عراق را از لوت طاغوتیان پاک سازند، و حوزه علمیه نجف را توسعه دهند و زمینه ساز خوبی برای ورود امام قائم (عج) باشند.

۳- قم ، آشیانه اهل بیت علیه السلام و مرکز نشر اسلام

در مورد قم و فضیلت سرزمین نیز، مطالب بسیاری گفته شده است از جمله :

امام صادق علیه السلام فرمود:

((برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حرمی است و آن مدینه است و برای علی

علیه السلام حرمی است و آن کوفه است و برای ما حرمی است و آن قم است و به زودی بانویی از فرزندان من در آن

سرزمین دفن شود که نامش فاطمه علیها السلام است ، هر کس او را زیارت کند بهشت بر او واجب می شود.

امام صادق علیه السلام این سخن را قبل تولد امام کاظم علیه السلام فرمود. و نیز در ضمن گفتاری امام صادق علیه السلام

فرمود:

(۳۱۹)

((مردم قم یاور قائم (عج) و خواهان حق ما هستند، آنگاه امام صادق علیه السلام سرش را به سوی آسمان بلند کرد و

عرض کرد: خدایا این مردم را از هر فتنه ای حفظ کن و از هر هلاکتی نجات بده .

موضوع دیگر در قم وجود حوزه علمیه مقدسه قم است ، که توسط آن ، اسلام به جهان منتشر شده و می شود.

و همچنین حدود ۴۴۴ امامزاده در این شهر مدفون هستند و اصحاب ائمه علیه السلام و علماء و مراجع و شهدای بزرگ که هر یک بر رونق و صفای معنوی این شهر افزوده است ، تا آنجا که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ((دری از بهشت در قم گشوده می شود. (۳۲۰)

امام صادق علیه السلام فرمود:

((پیش از ظهور مهدی (عج) قم مرکز علم و دانش می گردد و از آنجا به تمام شهرها در شرق و غرب ، علم و دانش منتشر می شود، و حجت خداوند بر همه مردم تمام می گردد و کسی نمی ماند که از این سرزمین بهره مند نشده باشد. (۳۲۱)

قم چندین نام دارد از جمله نامهای آن ((مجمع انصار القائم (عج))

(محل تجمع یاران امام زمان علیه السلام) و ((ماوی للفاطمیین (پناهگاه منصوبین به فاطمه زهرا علیها السلام) و بلد الائمه و بلد شیعه الائمه علیهم السلام (شهر امامان علیهم السلام و پیروان امامان)) (مقصد الجبارین مذهب الجبارین)) (شکننده ستمگران جبار، و خورد کننده آنها و... که همه این نامها از روایات گرفته شده است) (۳۲۲)

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

((مردی از قم برمی خیزد و مردم را به سوی حق دعوت می کند، گروهی همراه او هستند همچون پاره آهن ، طوفانهای تند حوادث آنها را از پای در نمی آورد، و از جنگ خسته نمی شوند و نمی ترسند و توکلشان بر خدا است و عاقبت نیک برای پرهیزکاران است . (۳۲۳)

و بالاخره صادق علیه السلام فرمود:

((اهل خراسان بزرگان ما هستند و اهل قم یاران ما هستند و اهل کوفه اوتاد (مردان استوار) ما هستند. (۳۲۴)

سابقه درخشان قم و ورود حضرت رضا علیه السلام به قم و دوستی مردم قم با امامان معصوم علیهم السلام در هر زمان و حوزه علمیه قم و مراجع بزرگ تقلید و علماء برجسته که از قم برخاسته اند، قبر منور حضرت معصومه علیها السلام در قم همه و همه بر شکوه این مرکز می افزاید، و هم اکنون که از نشانه هایش پیداست زمینه سازی فرهنگی و معنوی و سیاسی و غیره که از ناحیه ساکنان و علماء قم برای قیام جهانی مهدی (عج) می شود در جای دیگر سراغ نداریم .

مسجد جمکران پایگاه عظیم حضرت مهدی (عج) در قم حضرت ولی عصر(عج) به این مرکز توجه خاص دارد، و وجود مسجد جمکران در قم (که چند سالی نمی گذرد که مرکز قم خواهد شد) به دستور امام زمان علیه السلام به یک شخص صالح به نام حسن بن مثله رحمه الله ساخته شده ، که وی می گوید: در شب هفده ماه رمضان سال ۳۷۳ هجری قمری در

سرای خود خوابیده بودم که ناگاه گروهی از مردم نصف شب به سرای من آمده و مرا بیدار کردند و گفتند برخیز امام زمان علیه السلام تو را خواسته ، برخاستم و همراه جماعت به همان مکانی که اینک مسجد است رفتیم ، دیدم امام زمان علیه السلام با گروهی روی تختی نشسته و فرمود:

((برو به حسن مسلم رحمه الله بگو چند سالی است این زمین را زراعت می کنی و ما خراب می کنیم دیگر اجازه نداری در این سرزمین زراعت کنی ، این زمین شریفی است خداوند این سرزمین را برگزیده است و اگر دیگر بار اینجا را کشت کنی عذابی به تو خواهد رسید.

عرض کردم : مردم مرا تصدیق نمی کنند، نشانه ای قرار بده .
فرمود:

((ما در اینجا علامتی می گذاریم به مردم بگو به این محل احترام کنند و آنرا بنا و تعمیر نمایند و چهار رکعت نماز بخوانند... در آخر فرمود: کسی که دو رکعت نماز (امام زمان علیه السلام) را در این مکان بخواند گویا در کعبه نماز خوانده است . حسن مثله رحمه الله و گروهی دیگر امام زمان علیه السلام را اطاعت کردند و در آنجا مسجد ساختند که هم اکنون با اضافه کردن مساجد و بناهای دیگر بر تجلیل و عظمت جمکران افزوده شده است . (۳۲۵)

به این ترتیب مرکزیت قم و توجه امام زمان علیه السلام به این مرکز و نشانه های معنوی قم و حوزه علمیه قم و مدارس علمی جدا دانشگاه حضرت صادق علیه السلام است همه و همه حکایت از آن می کند که هنگام ظهور امام (عج) این مرکز با توسعه بیشتر و عمیقتر در نشر اسلام راستین و فقه جعفری در خدمت حضرت ولی عصر(عج) قرار می گیرد.
بنابراین باید به قم اهمیت فراوان داد، و زمینه سازان قیام حضرت مهدی (عج) این مرکز را هیچگاه از یاد نبرند و با حمایتهای خود بر رونق آن بیفزایند....

ضمناً ناگفته نماند که یکی از بلاد مقدس از نظر اسلام ، بیت المقدس است ،مسجد اقصی در این شهر قرار دارد که دومین معراجگاه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است .

و شاید بتوان احتمال داد که شکست و هلاکت دجال با دار و دسته اش در بیت المقدس توسط حضرت مهدی (عج) و یارانش ، یک جهتش پاک کردن سرزمین مقدس بیت المقدس از لوٹ وجود صهیونیستها و اشغالگران قدس است .
به این موضوع نیز باید توجه داشت که در احکام اسلامی نماز مسافر در چهار مسجد یعنی مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و سلم و مسجد کوفه و حائر (حرم) امام حسین علیه السلام حالت تخییر دارد یعنی هم می تواند تمام بخواند

و هم می تواند قصر (شکسته) بخواند، این دستورها حاکی است که این مکانهای مقدس برای مسلمانان همچون وطن است و بعضی از فقهاء تخییر نماز مسافر در چهار شهر یعنی مکه و مدینه و کربلا و کوفه را جایز دانسته اند. (۳۲۶)

به هر حال باید دست استکبار جهانی را از این مکانهای مقدس و استراتژیکی قطع کرد و این مراکز را برای استقبال از امام قائم (عج) آماده ساخت و آماده نمود.

دیدار کنندگان امام (عج)، در غیبت کبری

۱ امام زمان علیه السلام به صابونی اجازه دیدار نداد:

در اینجا مناسب دیدم به ذکر چند نمونه از کسانی که در زمان غیبت به حضور حضرت قائم (عج) شرفیاب شده اند و به این سعادت عظمی رسیده اند پردازم تا شاید رهگشایی برای روشندان پاک سیرت باشد و آنها نیز با ایجاد شرایط و التماس از در این خانه، به این سعادت نائل گردند و ناامید نشوند. (۳۲۷)

مردی صالح و خیراندیش در بصره عطاری می کرد وی داستان عجیبی دارد که از زبان خودش خاطرنشان می گردد:

عطاری می گوید: در مغازه نشسته بودم که دو نفر برای خرید سدر و کافور به در دکان من آمدند از گفتار و سیمای آنان دریافتم که اهل بصره نیستند و از شخصیت‌های بزرگوار می باشند (اثر النجابه ساطع البرهان) از حال و دیار آنان پرسیدم آنها کتمان کردند، من هر چه اصرار می نمودم آنان نیز اصرار به پاسخ ندادن می کردند.

آخر الامر آن دو نفر را قسم به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم دادم که خود را معرفی کنند چون دیدند من دست بردار نیستم گفتند ما از ملازمان و چاکران درگاه حضرت ولی عصر حجة بن الحسن العسکری (عج) هستیم، شخصی از نوکران آن درگاه با عظمت از دنیا رفته است صاحب آن ناحیه ما را مأمور کرد که از تو سدر و کافور خریداری کنیم.

فهمیدم که اینان از یاران آن حضرت هستند بی اختیار به دست و پای آنها افتادم و تضرع و زاری کردم که حتما باید مرا به آن حضرت برسانید.

یاران حضرت گفتند مشرف شدن به حضور آن سرور منوط به اجازه ایشان است!

عطاری گفت: مرا نزدیک آن حضرت ببرید اگر اجازه داد زهی سعادت و گر نه هیچ!؟

آنان از اقدام به این کار خودداری کردند ولی چون من با کمال پافشاری دست بردار نبودم آنگاه به من رحم کرده و منت گذاشتند و درخواست مرا اجابت نمودند.

بسیار خوشحال شدم با شتاب تمام سدر و کافور را به آنها داده ، درب مغازه را بستم و به دنبال آنها روانه شدم تا به ساحل دریای عمان رسیدیم .

آن دو نفر بدون احتیاج به کشتی روی آب روانه شدند من ترسیدم که غرق شوم و حیران ایستادم ، آنان متوجه شدند و گفتند: مترس ! خدا را به حضرت مهدی (عج) قسم بده و رهسپار شو!

من چنین کردم و بر روی آب مانند زمین خشک به دنبال آنها رفتم .

در وسط‌های دریا بودیم ، دیدیم ابرها به هم درآمد و هوا صورت بارانی گرفت و شروع به باریدن کرد، اتفاقاً من همان روز صابون ریخته بودم و بر پشت بام مغازه و به خاطر آنکه به وسیله تابش آفتاب خشک شود گذارده بودم همین که باران را دیدم خیال صابونها را نمودم و پریشان خاطر شدم ، به محض این خیال مادی ناگهان پاهایم در آب فرو رفت و به کمک هنر شناوری به دست و پا و تضرع افتادم آن دو نفر به من توجه کرده و عجز و ذلت مرا مشاهده نمودند فوراً به عقب برگشته دست مرا گرفتند و از آب بیرون کشیدند و گفتند: این پیشامد، اثر آن خاطره صابون بود، بار دیگر خدا را به حضرت مهدی (عج) قسم ده تا تو را در آب حفظ کند، من نیز استغاثه نموده و چنین کردم مثل اول روی آب با آنان رهسپار شدم ، وقتی به ساحل رسیدیم ، خیمه چادری را دیدم که همانند ((شجره طور)) نور از آن ساطع بود و آن فضا را روشن نموده بود. همراهان گفتند: تمام مقصود در میان همین پرده است .

با هم به راه خود ادامه دادیم تا نزدیک چادر رسیدیم یکی از همراهان پیشتر رفت تا برای من اجازه ورود بگیرد. چادر را خوب دیدم و صدای آن بزرگوار را می شنیدم ولی وجود نازنینش را نمی دیدم ، آن شخص درباره مشرف شدن من از حضور مبارکش خواستار اجازه شد، آن جناب فرمود: ((ردوه فانه رجل صابونی؛))

((به او اجازه ندهید و او را در عداد خدمه این درگاه ملک پاسبان نشمرید، زیرا او مردی صابون دوست و مادی است.)) یعنی او هنوز دل از تعلقات دنیای خالی نکرده و لیاقت حضور در این درگاه را ندارد.

عطار ادامه می دهد: چون چنین شنیدم ، ناامید گشتم و دندان طمع از دیدار آن حضرت کشیدم و دانستم که ، وقتی ممکن است به زیارت آن جناب برسم که دلم را از آلودگی های مادی و معنوی زدوده و صاف گردانم . (۳۲۸)

پیش از آنکه ملاقات عجیب عالم و محقق بزرگ جهان تشیع علامه حلی رحمه الله با امام زمان علیه السلام را شرح دهم ، اجازه دهید مختصری از شرح حال این مرد خدا را به نظرتان برسانم :

جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهر حلی رحمه الله معروف به ((علامه حلی)) از علمای برجسته قرن هشتم هجری است که در سال ۷۲۶ هـ ق از دنیا رفت و در نجف اشرف به خاک سپرده شد، این مرجع تقلید عالیقدر، سلطان محمد خدا بنده پادشاه مغول را شیعه کرد و در این مسیر خدمت بسیار بزرگی به مذهب جعفری نمود. (۳۲۹) او در تمام علوم اسلامی ، استاد ماهری بود و تالیفات او را بیش از ۵۰۰ جلد کتاب تخمین زده اند.

اینک توجه کنید که این مرد دینی چگونه مورد عنایت امام عصر(عج) قرار می گیرد:

او در حله یکی از شهرهای عراق سکونت داشت ، هر شب جمعه از حله با وسایل آن زمان به کربلا می رفت . (با اینکه بین این دو شهر بیش از ۱۰ فرسخ است) با این کیفیت که پنجشنبه سوار بر الاغ خود به راه می افتاد و شب جمعه در حرم مطهر امام حسین علیه السلام می ماند و بعد از ظهر روز جمعه به ((حله)) مراجعت می کرد.

در یکی از روزها که به طرف کربلا رهسپار بود، در راه شخصی به او رسید و همراه علامه با هم کربلا می رفتند علامه با رفیق تازه اش شروع به صحبت کرد و مسائلی را بیان نمود از آنجا که به فرموده امام علی علیه السلام :

((المرء مخبوء تحت لسانه ؛))

((شخصیت مرد در زیر زبانش نهفته است.))

علامه درک کرد که با مردی بزرگ و عالمی سترگ ، هم صحبت شده است ، هر مسئله مشکلی می پرسید، رفیق راهش جواب می داد به طوری که علامه که خود را یگانه دهر می دانست ، از علم رفیق راهش متحیر ماند گرم صحبت بودند تا آنکه در مسئله ای ، آن شخص بر خلاف فتوای علامه فتوا داد علامه گفت : این فتوای شما بر خلاف اصل و قاعده است دلیل هم که این قاعده را از بین ببرد نداریم .

آن شخص گفت :

((چرا دلیل موثقی داریم که شیخ طوسی رحمه الله در کتاب تهذیب در وسط فلان صفحه ، آن را نقل کرده است.))

علامه گفت : چنین حدیثی را در کتاب تهذیب ندیده ام .

آن شخص گفت :

((کتاب تهذیبی که پیش تو هست در فلان صفحه و سطر این حدیث مذکور است !!))

علامه در دنیایی از حیرت فرو رفت از این رو که این شخص ناشناس به تمام علائم و خصوصیات نسخه منحصر به فرد کتاب تهذیب آگاهی داشت .

علامه درک کرد که در برابر استاد علامه ها قرار گرفته ، لذا شروع کرد به ذکر مسائل مشکله ای که برای خودش حل نشده بود، در این موقع تازیانه ای را که دست داشت به زمین افتاد، در همین حین این مسئله را از آن شخص پرسید که آیا در زمان غیبت کبری ، امکان ملاقات با امام زمان علیه السلام هست ؟

آن شخص تازیانه را برداشته بود و به علامه می داد و دستش به دست علامه رسید فرمود:

((چگونه نمی توان امام زمان را دید در صورتی که اینک او در دست توست .))

علامه چون متوجه شد، خود را به دست و پای امام زمان علیه السلام انداخت و آنچنان محو عشق آن حضرت شد که مدتی چیزی نفهمید، پس از آنکه به حال خود آمد کسی را ندید، به خانه مراجعت کرد و فوری کتاب تهذیب خود را باز نمود و دید آن حدیث با همان علائم از صفحه و سطر، تطبیق می کند، در حاشیه این کتاب در همان صفحه نوشت : این حدیثی است که مولایم امام زمان علیه السلام مرا به آن خبر داده است .

عده ای از علماء همان خط را در حاشیه همان کتاب دیده اند. (۳۳۰)

همین علامه شنید یکی از علمای بزرگ اهل تسنن کتابی در رد شیعه نوشته که عده ای را با آن گمراه نموده ولی آن کتاب را در دسترس قرار نمی دهد، علامه مدتها به طور ناشناس در پیش آن عالم سنی ، شاگردی کرد تا بلکه آن کتاب را به دست بیاورد و به حمایت از تشیع بر آن رد بنویسد تا آنکه از آن عالم تقاضا کرد که چند روزی آن کتاب را در دسترسش قرار دهد، آن عالم ، کتاب را در اختیار علامه نمی گذارد، سپس حاضر شد که آن کتاب را یک شب به علامه بدهد و گفت من نذر کرده ام که این کتاب را بیش از یک شب به کسی ندهم .

علامه با اشتیاق تمام آن کتاب را به خانه آورد و تصمیم گرفت همان شب از تمام آن کتاب نسخه برداری کند (تا بعدا به رد آن بپردازد)

مشغول نوشتن آن کتاب شد، چند صفحه ای نوشت ، خسته شد و خواب او را گرفت در همین حال ناگاه دید مرد عربی وارد اتاق شد و گفت :

((ای علامه ! تو کاغذها را خطکشی کن ، من برایت می نویسم .))

علامه بی درنگ مشغول خطکشی شد ولی در همین حال خوابش برد وقتی که بیدار شد دید تمام کتاب را آن مرد عرب نوشته و در آخر آن این جمله به چشم می خورد: ((کتابه الحجۃ ؛ این کتاب را حجت (عج) نوشته است !.))

العجل ای صاحب محراب و منبر العجل

العجل ای حامی دین پیمبر العجل

العجل ای باعث ایجاد عالم العجل

العجل ای وارث شمشیر حیدر العجل

شهسوار زودتر بشتاب که از انبوه کفر

کشور ایمان شده یک سر مسخر العجل

تا بکی ما را بماند بر سر راه وصال

چشم حسرت روز و شب چون حلقه بر در العجل

مهدی آخر زمان ، ای پادشاه انس و جان

خیز و میکن دفع دجال بداختر العجل

از پی خونخواهی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم از نیام

برکش آن صمصام و بنشین بر تکاور العجل

۳- فریادرسی امام زمان علیه السلام در بحرین :

کشور ((بحرین)) که مدتی است اعلام استقلال کرده ، در طول تاریخ ، از نظر سیاسی و جغرافیایی و غیره در حال تغییر و تبدیل بوده از نظر تاریخی یکی از کشورهای پر حادثه جهان بوده است .

این کشور که امروز از هشت جزیره تشکیل شده و از ناحیه شمال هم مرز با کشور ((قطر)) و از ناحیه جنوب هم مرز با کشور عربستان سعودی می باشد، دارای شهرهای بزرگ و تمدن اقتصادی خوبی است ، در ((منامه)) که پایتخت این کشور می باشد، بالغ بر صد هزار نفر ساکن هستند شهر عوالی در بحرین مرکز بزرگ نفتی آن کشور است ، و طبق آثار باستانی کشف شده ، این کشور بیش از هزار سال قبل از میلاد تاکنون دارای ثروتهای سرشاری بوده و هر زمان از نظر اقتصادی ، درخشش داشته است . (۳۳۱)

ما در اینجا کاری به ریشه تاریخی این کشور و تغییر و تبدیل سیاسی آن و اینکه چگونه و چه وقت جزء کشورهای اسلامی قرار گرفت و چه وقت جزء ایران بوده و چند سال تحت الحمایه انگلیس و یا دیگران بوده نداریم ، به هر حال چنانکه از کتب تاریخی استفاده می شود این کشور از نظرات مختلف دیار شگفتیها و قصه ها بوده ، و مردم آن همواره در سایه ثروت سرشار آن از تعتمهای الهی برخوردار بوده اند.

این مختصری از دورنمای این کشور تازه مستقل بود، ولی آنچه در اینجا منظور است ، داستان مردم بحرین در حدود ۳۵۰ سال قبل یعنی در زمان سلطنت خاندان صفویه در ایران می باشد.

در این زمان مردم بحرین ، به نیکی و پاکی مشهور بودند شدت علاقه اکثر مردم بحرین به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و اخلاص آنان در این مسیر به اندازه ای است که شیخ بهایی برای پدرش در ضمن نامه ای نوشت :

((اگر دنیا می خواهی به هند برو و اگر آخرت می خواهی به بحرین نزد ما بیا و اگر نه دنیا می خواهی و نه آخرت در میان

عجم بمان)) از این رو شیخ حسین بن عبدالصمد پدر بزرگوار شیخ بهایی در بحرین توقف کرد تا به جوار رحمت پرودگار شتافت و اینک قبر او در یکی از روستاهای بحرین معروف بوده و مزار او مورد توجه ساکنان اطراف آن قریه است .

در اواخر حکومت سلسله شاهان صفوی در ایران دستهای استعمار، کشور آباد و غنی بحرین را به سوی خود برد، و آن را تحت الحمایه بیگانگان قرار داد، در این دوران دری به تخته خورد و حوادثی پیش آمد و اوضاع سیاسی اقتضاء کرد که والی و فرماندار بحرین ، شخصی ستمکار و دست نشانده بیگانگان شد که به دشمنی با امیر مؤمنان علی علیه السلام و

علاقمندان آن حضرت معروف بود ، اتفاقاً او معاون و وزیري داشت که از رئیس خود بیشتر با امام علی علیه السلام و دودمان و شیعیانش دشمن بود، این دو نفر همواره موجب مزاحمت و آزار و شکنجه مردم بحرین شده و آنان را که به ولاء و دوستی اهل بیت علیهم السلام مشهور بودند با عوامل مختلف تحت شکنجه و آزار قرار می دادند، این روش ادامه داشت و لحظه به لحظه شدیدتر می شد، تا آنکه وزیر، نقشه ای بسیار مرموز و خائنانانه طرح کرد و به خیال خام خود خواست در وقت خود آن نقشه را پیاده کند و بر ضد مردم شیعه بحرین به کار اندازد و به طور کلی سلب آزادی از آنان کند ولی اینک ببینید چگونه این نقشه را ایفا کرد؟ و چگونه نقشه اش نقش بر آب گشت ؟

درخت انار شهادت می دهد:

وزیر که نقشه خود را با موفقیت کامل در مرحله نتیجه گیری رسانده بود با کمال خرسندی در حالی که در دستش اناری بود نزد فرماندار (۳۳۲) آمد گفت : این انار را بگیرد و ببینید که حتی به وسیله این انار، درخت انار شهادت داده است که پس از

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جانشین آن جناب ابوبکر است بعد عمر، بعد عثمان و در مرحله چهارم علی علیه السلام می باشد.

فرماندار خیلی دقیق انار را واریسی کرد، دید روی پوست آن دور تا دور، این کلمات نقش بسته است :

((لا لاه الله محمدا رسول الله ابوبکر و عمر و عثمان و علی خلفاء رسول الله))

ملاحظه کرد که به قلم خلقت و طبیعت این کلمات نگاشته شده و به هیچ وجه ممکن نیست که ساختگی باشد، رو به وزیر کرد و با لحن جدی گفت : این مطلب از دلیل های روشن و واضحی است که ما را به بطلان مذهب رافضی ها (شیعه ها) رهنمون می شود.

وزیر گفت : آری ! همانگونه است که شما فرمودید ولی افسوس که این طائفه (شیعه ها) بر اثر تعصب زیاد به مذهب خود به آسانی زیر بار این دلیل واضح نمی روند، به نظر من بهتر این است که آنان را حاضر کنید و در یک مجلس باشکوهی در ملاء عام این انار را حاضر کنید و در یک مجلس باشکوهی در ملاء عام این انار را به ایشان نشان دهید، اگر بدین وسیله به حقانیت مذهب تسنن پی بردند و به آن گرایش پیدا کردند، زهی موفقیت ! و معلوم است که در این صورت شما به ثواب و پاداش خوب و بسیاری رسیده ای و اگر امتناع ورزیدند و با مشاهده این برهان قاطع ، باز از گمراهی خود دست برنداشتند، آنان را به انتخاب یکی از سه چیز مجبور کنید:

یا بسان یهود و نصاری به ما ((جزیه)) بدهند و در برابر ما ذلیل و خوار باشند و یا پاسخ قانع کننده این دلیل روشن را بدهند و یا آنکه مردان آنان را به قتل برسانیم و زنان و فرزندان شان را اسیر بنماییم و اموال شان را به غارت ببریم .

فرماندار که با دقت ، گفتار وزیر را گوش می داد، گفت : پیشنهاد خوبی کردی و باید چنین کرد، به دنبال این پذیرش دستور داد علماء و سادات و نیکان مردم بحرین در مجلس باشکوهی به گرد هم آیند تا آن انار کذائی را به آنان نشان داده و از آنها پاسخ بخواهد.

مجلس تشکیل شد وزیر و عده ای از شخصیت ها در حضور فرماندار قرار گرفتند، در همین هنگام فرماندار انار را به بزرگان شیعه نشان داد و گفت : ببینید درخت انار چگونه شهادت بر حقانیت مذهب ما داده است ، باید یا پاسخ این دلیل را بیاورید و یا جزیه داده و ذلیل و خوار زندگی کنید و یا آماده قتل و غارت باشید!

بزرگان بحرین که در ظاهر دلیل قانع کننده ای بر بطلان دلیل انار نداشتند و خود را در فشار و بن بست سخت می دیدند با خواهش و تمنا سه روز مهلت خواستند، فرماندار نیز سه روز به آنها مهلت داد تا شیعیان پاسخ آن دلیل را بیاورند و گرنه خود

را برای اطاعت او امر فرماندار حاضر نمایند، به این ترتیب تا اینجا ترفند و نقشه وزیر در مسیر خود قرار گرفته و از اینکه به مرحله اجراء و نتیجه گیری برسد، نزدیک می شد.

مشورت و راه حل :

شیعیان و تربیت شدگان مذهب جعفری به خوبی فرموده رئیس مذهب خود امام صادق علیه السلام را درک کرده بودند که :
(لا ظهير كالمشاوره ؛))

((هیچ یاری چون مشورت و از فکر همدیگر استمداد جستن نیست.))

اینان همگی در یک مجلس به گرد هم آمدند، پراکنده نشدند که بگویند بادا باد هر چه شد که شد، در این باره به فکر راه حل افتادند و هر کسی چیزی گفت تا سرانجام گروهی گفتند: این مطلب ، راه حلی جز توسل به امام عصر(عج) که در پشت پرده غیبت است و چون خورشیدی در پشت ابرها است و به ما روشنی و نشاط بخشیده ندارد، باید از ایشان دادخواهی و استدعا کرد تا به داد ما برسد.

در میان تمام جمعیت خود، ده نفر از زاهدین و شایستگان را انتخاب کردند و در میان آن ده نفر سه نفر که از نظر تقوی و عمل نیک ، لیاقت ملاقات با امام زمان علیه السلام را داشتند برگزیدند، تا هر یک شبی را در این سه شب به بیابان برود و مشغول عبادت و تضرع و زاری گردد و متوسل به امام عصر(عج) شده و از آن جناب تمنا کند بلکه عنایت خاصه آن بزرگوار دردها را درمان بخشد.

به این ترتیب در شب اول یکی از آن سه نفر به بیابان رفت و مشغول تضرع و زاری گردید ولی آن شب صبح شد و او نتیجه نگرفت ، شب دوم ، یکی دیگر از آن سه نفر رفت این شب هم بسان شب اول بی نتیجه به پایان رسید، تا شب سوم شد که آخرین مهلت بود و شیعیان در جوش و خروش بودند تا سومین نفر به نام ((محمد بن عیسی رحمه الله)) در آن شب به بیابان رفت ، تضرع و زاری را به آخرین درجه رسانید، در شب تاریک با سر و پای برهنه و حالتی خاص به امام زمان علیه السلام استغاثه کرد، با تضرع و زاری تواءم با اخلاص کامل ، عرض می کرد: ای ولی عصر(عج) به فریاد ما شیعیان برس ! زمان دقیقه به دقیقه می گذشت لحظات آخر شب فرا رسیده بود، توسل محمد بن عیسی رحمه الله به درجه نهائی رسیده بود هنگام سحر ناگاه شنید در بیابان شخصی به او گفت :

ای محمد بن عیسی ! این چه حالتی است که تو پیدا کرده ای و در این شب تاریک به این بیابان خلوت آمده ای ؟

محمد بن عیسی رحمة الله : ای مرد! به من کاری نداشته باش ، من برای امر بزرگی به اینجا آمده ام و آن را جز برای امام زمان علیه السلام هرگز اظهار نمی کنم و از آن بزرگوار فقط می خواهم که به داد من و به داد یک مشت شیعه برسد! هنوز گفتار محمد بن عیسی رحمة الله تمام نشده بود که از جانب همان مرد، شنید که :

((یا محمد بن عیسی انا صاحب الامر!)) ای محمد من همانم که او را طلب می کنی ، حاجت خود را بگو تا برآورم .))

محمد گفت : اگر تو امام زمان من هستی ، حاجت مرا می دانی ، نیازی به اظهار آن نیست .

امام فرمود:

آری ! تو به اینجا آمده ای تا پاسخ انار کذائی را از من بگیری و شیعیان را از این مهلکه نجات دهی .

محمد بن عیسی گوید: تا درک کردم که او حضرت ولی عصر(عج) است به سوی او شتافتم بر زانویش سر نهادم ، دست بر دامن پر مهرش زدم و عرض کردم اس سرور ما تو پناه ما هستی به داد ما برس ای دادرس پریشان احوالان .

آنجا که پرده ها کنار می رود!

آری برای هر نقشه خائنه روزی هست که پرده بردار پرده بردارد و صورت نازیبای زیر پرده را نشان دهد، عاقل آن است که دوراندیش بوده و همواره درصدد باشد تا قبل از آنکه پرده ها برداشته شود، زیر پرده ها را اصلاح نماید، قائم آل محمد(عج) گوشه ای از پرده ها را بالا زد طاقت نیاورد به سؤال بنده ای دلداده چون محمد بن عیسی توجه نکند رو به او کرد و فرمود: ((ای محمد بن عیسی ! وزیر فرماندار درخت اناری را در حیاط خانه خود نشانده است آن درخت چون به ثمر رسید، او قالبی

را با گل به شکل اناری درست کرد و آن قالب را که تو خالی بود دو نصف کرد و در دیوار داخل آن دو نصف قالب همان

کلمات (۳۳۳) را به صورت برجسته نوشت ، آنگاه آن دو نصف قالب را روی یکی از انارهای کوچک درخت گذارد و آنها را

محک بست ، آن انار در میان آن دو نصف غالب بزرگ شد تا درون قالب را پر کرد و در نتیجه آن نوشته های برجسته دیواره داخلی دو نصف قالب ، روی پوست انار قرار گرفت ، رفته رفته توأم با رشد انار، آن کلمات بر پوست انار به طور طبیعی نقش بست ، فردا که روز موعود هست هنگامی که نزد فرماندار رفتید به او بگو من جواب دلیل انار را دارم ولی این جواب را جز در

خانه وزیر اظهار نمی کنم ، فرماندار خواه ناخواه می پذیرد، چون به خانه وزیر رفتید، در طرف دست راست خانه وزیر،

بالاخانه ای هست بگو جواب را نمی گویم مگر در این بالاخانه ، در این هنگام ، وزیر خود را در بن بست می بیند و اصرار

می کند که به بالاخانه نروید، تو هم اصرار تمام کن ، به ناچار وزیر قبول می کند هنگامی که به بالاخانه رفتید نگذار تا وزیر

تنها برود وقتی داخل بالاخانه شدید، روزنه ای را می بینی و در مابین آن کیسه سفیدی را می نداری با عجله تمام آن کیسه

را بردار، و در میان آن ، قالب نامبرده را که از گل ساخته شده و با آن نقشه خائنه وزیر، طراحی گشته بیرون بیاور، نزد فرماندار بگذار و به او بگو که این انار به وسیله این قالب به این صورت در آمده است ، در نتیجه فرماندار از حيله و خیانت وزیر مطلع شده و حقانیت شما و بطلان عقائد آنان آشکار می گردد.

ای محمد بن عیسی ! به فرماندار بگو که ما برای تصدیق گفتار خود علامت دیگری داریم و آن اینکه داخل انار از خاکستر و دود پر است ، اگر قبول نداری ، این انار را بشکن ! در این هنگام وزیر، انار را برداشته و می شکند خاکستر و دود آن بیرون آمده و ریش و صورت وزیر را فرا می گیرد (این هم علاوه بر روسیاهی معنوی وزیر روسیاهی ظاهری او) .

محمد بن عیسی بسیار خوشحال شد، به دست و پای امام (عج) افتاد و تشکر کرد و به سوی رفقای خود با کمال خوشحالی مراجعت نمود، هنگام صبح مردم بحرین در مجلس فرماندار حاضر شدند، وقت پاسخگویی شیعه از دلیل انار اعلام شد، محمد بن عیسی آنچه را که امام عصر(عج) به او دستور داده بود یکی پس از دیگری انجام داد تا آخرین مرحله که در نزد فرماندار و وزیر انار را شکست و خاکستر و دود میان انار به صورت وزیر پاشید.

فرماندار که سخت مجذوب و تحت تاءثیر قرار گرفته بود، گفت : ((ای محمد بن عیسی ! این پاسخ را چه کسی به تو یاد داد؟))

محمد بن عیسی گفت : امام و حجت زمان علیه السلام به من آموخت .

فرماندار گفت : امام زمان کیست ؟

محمد بن عیسی گفت : امام زمان ما علیه السلام از جانب خداوند، حجت روی زمین است و دوازدهمین امام ما می باشد (آنگاه اسامی همه ائمه علیهم السلام را یکی پس از دیگری شمرده تا به صاحب الامر(عج) رسید.)

گواهی فرماندار:

با اینکه فرماندار در عقیده باطل خود سخت استقامت می ورزید، و سرسخت با شیعیان مبارزه می کرد، و حتی حاضر بود رهبران و ائمه آنان را به فحش بکشد اما اینک در برابر حادثه ای عجیب قرار گرفته است ، اینک خود را در مقابل قدرت عظیم می بیند.

عجز سراسر او را فر گرفت ، ناگزیر سر فرود آورد، ورق قلبش برگشت سخن قلب به وسیله زبانش اظهار شد:

((اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا عبده و رسوله و ان الخلیفه بعده بلافضل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب ؛))

((گواهی به یگانگی خداوند می دهم ، گواهی می دهم که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و رسول خدا است ،

جانشین بلافصل بعد از او امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.))

سپس ائمه پس از امام علی علیه السلام را یکی پس از دیگری تا امام زمان علیه السلام اسم برد و اعتراف به امامت آنها نمود.

آنگاه دستور داد تا آن وزیر خائن و دسیسه گر را اعدام کردند، تا همواره خاطره بطلان باطل و احقاق حق تجلی کند، سپس از اهل بحرین عذرخواهی کرد و به آنان احسان نمود.

به این ترتیب به قول معروف ((پایان شب سیه سپید است)) این واقعه چون درخششی بود که در تاریخ شیعه دل‌های دلدادگان را تا روز قیامت سفید کرد. (۳۳۴)

۴- شفای بیمار

داستان اسماعیل هرقلی رحمه الله نیز عجیب است که به زخم و درد شدید و طولانی گرفتار شده بود و تمام دکترهای آن زمان او را جواب کردند، سرانجام با توسل به امام قائم (عج) در سامرا و کنار قبر امام حسن عسکری علیه السلام و در سرداب معروف ، بالاخره به نتیجه رسید و امام قائم (عج) او را شفا دادند. (۳۳۵)

۵- تشرف یکی از فرزندان آیه الله اراکی قدس سره

مرجع عالیقدر آیه الله العظمی شیخ محمد علی اراکی (قدس سره) عالم زاهد و سلمان عصر که قبلاً در مدرسه فیضیه قم نماز جماعت می خواند برای یکی از علماء حضرت آیت الله شیخ محمد رازی نقل می کند که اکنون از زبان آقای رازی بشنوید:

آیه الله اراکی در شب سه شنبه ۲۶ ربیع الثانی ۱۳۹۳ (هجری قمری) برای این جانب نقل فرمود که دخترم ، که همسر حجه الاسلام حاج سید آقای اراکی است می خواست مشرف به مکه شود ترس داشت از تراحم حجاج ، که شاید نتواند طواف را کاملاً انجام دهد، من به او گفتم این ذکر را مداومت کن ، ((یا حفیظ یا علیم)) و مشرف شد و بعد از مراجعت به من گفت : آن ذکر را مداومت نمودم و در موقع طواف ، با ازدحام مردم مخصوصاً سودانی ها روبرو شدم . ترسیدم که من در اینجا محرمی ندارم تا مواظب باشند که به من تنه نزنند و مرا نیاندازند یک وقت دیدم کسی به من گفت : توسل به امام زمان علیه السلام پیدا کن .

من گفتم : امام زمان علیه السلام !! گفت : همین آقا که جلو تو می رود، امام زمان علیه السلام است .

من دیدم آقای بزرگواری جلو من است و اطراف او به قدر یک متر تقریباً حریم است و خالی است و احدی جرئت ورود به این حریم را ندارد به من گفته شد در این حریم وارد شو، پشت سر آقا من فوراً قدم به حریم گذارده به طوری که دستم به پشت آقا می رسید و دست بر پشت آقا گذارده و به صورت خود می مالیدم و می گفتم قربانت بروم ، ای امام زمان علیه السلام به طوری گرم سرور بودم که غفلت کردم بر حضرتش سلام کنم و هفت شوط طواف را در پشت سر آقا بدون مزاحمت و اینکه دست یا بدن کسی به من بخورد انجام دادم و تعجب می کردم که چطور از این همه جمعیت کسی وارد حریم نمی شود و در هر مرتبه که خواستم طواف کنم به همین کیفیت بود منتهی به صورتهای دیگر. (۳۳۶)

۶- راهنمایی حضرت مهدی (عج) در مسجد جمکران :

یکی از افراد موثق ، از مرجع تقلید، مرحوم حضرت آیت الله العظمی سید شهاب الدین نجفی مرعشی (وفات یافته ۷ صفر ۱۴۱۴ هـ ق) نقل کردند که ایشان فرمودند:

یکی از علمای نجف اشرف که مدتی به قم آمده بود، برای من نقل کرد، مشکلی داشتیم ، به مسجد جمکران رفتم ، درد دلم را در عالم معنی به حضرت ولی عصر(عج) عرض کردم و از او خواستم که وساطت کرده از درگاه خدا شفاعت کند تا مشکل من حل گردد. برای این منظور به طور مکرر به مسجد جمکران رفتم ، ولی نتیجه ای نگرفتم ، تا اینکه روزی در آن مسجد، در هنگام نماز دلم شکست و خطاب به امام زمان علیه السلام عرض : ((مولا جان ! آیا جایز است که در محضر شما و در منزل شما باشم و به دیگری متوسل شوم ؟ شما امام من می باشید، آیا زشت نیست با وجود امامی مانند شما حتی به علمدار کربلا قمر بنی هاشم علیه السلام متوسل شوم و او را نزد خدا شفیع قرار دهم ؟))

از شدت ناراحتی ، بین خواب و بیداری قرار گرفته بودم ، ناگهان با چهره نورانی قلب عالم امکان حضرت حجت (عج) روبرو شدم ، بیدرنگ سلام کردم ، جواب سلامم را داد و فرمود:

((نه تنها زشت نیست و ناراحت نمی شوم که به علمدار کربلا متوسل گردی ، بلکه به شما راهنمایی نیز می کنم که هنگام

توسل به علمدار کربلا چه بگویی ؟ هنگامی که برای روای حاجت به آن حضرت متوسل شدی بگو:

((یا ابا الغوث ادرکنی ؛))

((ای پدر پناه دهندگان به فریادم برس و به من پناه ده.)) (۳۳۷)

۷- نتیجه تواضع به مسجد جمکران ، پایگاه مقدس امام زمان علیه السلام

یکی از اعضای هیئت امنای مسجد مقدس جمکران در قم نقل کرد: در کنار مسجد جمکران تنها یک نفر مدفون است ، و قبرش در نزدیک در شمالی مسجد داخل صحن می باشد، این شخص به نام ((حاج ابوالقاسم زاهدی فر)) آدم بی ریا و بدون تکبر و بدون توقع در مسجد جمکران خدمت می کرد، حتی با اینکه انسان موقر و حاجی بود، توالتهای مسجد را پاک می نمود.

این شخص بیمار شد و در بیمارستان آیت الله العظمی گلپایگانی بستری گردید. به بالینش رفتم دیدم وضع وخیمی دارد، به من وصیت کرد که مرا در قبرستان بقیع (دو کیلومتری مسجد جمکران) دفن کنید. او از دنیا رفت پس از تجهیزات ، جنازه او را به مسجد آوردند و نماز بر جنازه خوانده شد و همه جمعیت تشییع کنند آماده شده بودند که او را به قبرستان بقیع برای دفن ببرند، ناگاه آقای لطیفی (از افراد برجسته امناء مسجد) تلفن کرد که دفن جنازه را به تاخیر بیندازید، دفن جنازه تاخیر افتاد، سرانجام بعد از ساعتی ، آقای لطیفی آمدند و فرمودند: ((ایشان را در کنار مسجد دفن کنید.))

گفتم چرا اینجا هنوز کسی دفن نشده است فرمود: ((حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی تلفن کرد که مرحوم حاج ابوالقاسم زاهدی فر را در کنار درگاه مسجد دفن نمایید.)) به این دستور عمل شد.

آری اخلاص و تواضع آن مرحوم که حتی مستراحهای مسجد را تمیز می کرد باعث شد که قبرش در بهترین جا قرار گرفت ، و همواره زیر پای زائران مسجد مقدس جمکران است . به این ترتیب ، آقا امام زمان علیه السلام خادمی او را قبول کرد، این است نتیجه بندگی خالصانه که انسان را به معراج می برد. به گفته شاعر:

تواضع سر رفعت اندازدت

تکبر به خاک اندر اندازدت

۸- محبت امام زمان علیه السلام به شیخ مفید:

محمد بن محمد بن نعمان که از علمای بسیار برجسته شیعه و مورد قبول شیعه و اهل تسنن بود و مرجع خاص و عام به شمار می رفت و بیش از ۲۰۰ کتاب اسلامی نوشت و آبروی شیعه در قرن پنجم بود و در همه رشته های علوم اسلامی استاد و نابغه به شمار می آمد: روزی در خانه بود، شخصی به حضورش آمد و پرسید زنی حامله فوت کرده ولی بچه در رحمش زنده است ، آیا او را همانطور دفن کنیم ، یا شکمش را شکافته و بچه اش را بیرون آوریم ؟

شیخ مفید رحمه الله گفت : همانگونه دفنش کنید، آن شخص برگشت و در وسط راه دید سواری به او نزدیک شد و گفت : شیخ مفید فرمود: شکم آن زن را پاره کنید و بچه را بیرون آورید.

آن شخص چنین کرد، پس از مدتی جریان را برای شیخ مفید نقل کردند، شیخ گفت من کسی را نفرستاده بودم ، معلوم است که آن سوار صاحب الامر(عج) بوده است ، اکنون که در احکام اشتباه می کنم خوب است دیگر فتوا ندهم ، در خانه اش را بست و از خانه بیرون نیامد.

ساعاتی نگذشت که از طرف امام زمان علیه السلام توقیعی (نوشته ای) به خدمت شیخ مفید گذاشته شد:

((ای شیخ ! برای مردم فتوا بگو و ما آن را تکمیل خواهیم کرد، و نمی گذاریم که در خطاء و اشتباه بمانی ، آنگاه در مسند فتوا نشست .)) (۳۳۸)

می نویسد: وقتی که شیخ مفید رحمه الله در سن ۸۵ سالگی در سوم ماه رمضان سال ۴۱۳ قمری از دنیا رفت ، آنچنان جمعیت از شیعه و سنی برای تشییع جنازه اش اجتماع کردند که تا آن روز بی نظیر بود و همه از شدت ناراحتی گریه می کردند (۳۳۹) وی را در حرم کاظمین علیهما السلام دفن کردند.

چندین بار از جانب امام زمان علیه السلام برای این مرد بزرگوار، نوشته ای به خط شریف آن حضرت (عج) صادر شد، در آغاز یکی از آنها آمد:

((للرخ السدید و الولی الرشید الشیخ المفید... سلام الله علیک ایها الولی المخلص فینا بالیقین ...!))

((به برادر استوار و ولی رشید شیخ مفید، سلام خدا بر تو ای ولی خالص در راه ما و دارای یقین به ما...!))

و در توقیع دیگری آمد:

((سلام علیک ایها الناصر للحق و الداعی الیه بکلمه الصدق ...!))

((سلام بر تو ای یاور حق و دعوت کننده به حق با سخنان راستین ...!)) (۳۴۰)

هنگامی که این عالم بزرگوار از دنیا رفت ، با خط شریف امام زمان علیه السلام بر روی قبرش نوشته شده بود:

((لا صوت الناعی بفقدک انما یوم علی آل الرسول عظیم ان کنت قد غیبت فی جدث الثری ، فالعلم و التوحید فیک مقیم و

القائم المهدی یفرح کلما تلک علیہ من الدروس علوم ...!))

((خبر دهنده مرگ خبر فقدان تو را نیاورد، امروز بر آل محمد علیه السلام روز مصیبت بزرگی است .

اگر تو در میان خاک قبر پنهان شدی ، علم و توحید همراه تو اقامت کرد.

قائم مهدی (عج) خوشحال می شود هر وقت که درسها و علوم تو را برایش می خوانند (کتابهای تو را طالبان ، مورد

مطالعه و بحث قرار می دهند.))

بالاخره در ضمن یکی از نامه ها (توقیعات) به شیخ مفید رحمه الله می نویسد:

((ما به مناجاتهای تو توجه داریم ، خداوند تو را به خاطر آن وسیله (و موفقیتی) که به تو از دوستانش بخشید حفظ کند و از توطئه دشمنان نگهدارد.)) (۳۴۱)

گفتار امام قائم (عج) به شیخ مفید رحمه الله :

در ضمن یکی از توقیعات یعنی نامه امام (عج) به شیخ مفید آمده :

((ما گرچه در مکانهای دور از ظالمان ، به سر می بریم ، خداوند متعال (فعلا) صلاح ما و شیعیان مؤمن ما را مادام که دنیا در دست فاسقان است ، چنین خواسته (۳۴۲) ما به ماجرای زندگی شما کاملا اطلاع داریم و از اخبار و آزاری که از ناحیه دشمنان به شما می رسد با خبریم ، چنانکه با گذشتگان صالح چنین می شد... ولی ما شما را فراموش نمی کنیم و توجه کامل به شما داریم و گر نه سخت در فشار (دشمن) قرار می گرفتید، یا دشمن شما را نابود می کرد، تقوا و پرهیزکاری را پیشه کنید...)) (۳۴۳)

امام علیه السلام در ضمن توقیع دیگر برای شیخ مفید رحمه الله چنین می نویسد:

((کسی که از برادران دینیت ، تقوا پیشه کند و از خدا بترسد و آنچه که بر عهده اش است به مستحقش واگذار نماید از فتنه و آشوب باطل محفوظ خواهد ماند. و اگر پیروان ما (خداوند آنها را توفیق دهد) به اتفاق با صدق قلب ، وفای به عهد (اسلام) کنند، برکت ملاقات با ما از آنها تاخیر نمی افتد، و سعادت دیدار ما سریعا به آنها با کمال شناخت و خلوص خواهد رسید، خداوند یار و یاور است و او برای ما کافی است و او نیکو نگهبان است ، و درود خدا بر آقای ما بشارت دهنده و ترساننده ، محمد صلی الله علیه و آله و سلم و دودمان پاکش باد.))

این نامه در آغاز شوال سال ۳۱۲ هجری قمری از ناحیه مقدسه امام عصر(عج) برای شیخ مفید رحمه الله صادر شده است . (۳۴۴)

این گفتار حاکی است که پنهان شدن اما قائم (عج) به خاطر عدم پذیرش جامعه است ، اگر جامعه صالح گردد و همه با کمال خلوص به اتفاق در برابر دشمن بایستند به ملاقات امام (عج) خواهند رسید.

ضمنا ناگفته نماند که توقیع (نامه) امام عصر(عج) برای بعضی از علمای دیگر نیز صادر شده از جمله ((علی بن الحسین بن موسی بن بابویه)) معروف به (ابن بابویه) (پدر بزرگوار شیخ صدوق رحمه الله) که در قم در قسمت شمال اول خیابان

چهارمردان مدفون است و حرم و بارگاه دارد، وی در زمان خود فقیه و پیشوای مردم قم بوده است و به گفته ابن ندیم ، وی ۲۰۰ جلد کتاب نوشته است ، در سال ۳۲۹ به دیار ابدی مسکن گزید.

برگ سبز از نگارنده ، خطاب به امام زمان علیه السلام :

بیا بیا که دل عاشقان برفت از دست

بیا بیا که چه بسیار غم به قلب نشست

بیا که فصل دراز خزان و غم تا کی ؟

بکش تو از دل جانکاه ، تیرها با شست

بیا بیا که فراغت بکشت پیر و جوان

نجاتشان بده جانا ز دست حاکم پست

تو ای عزیز خداوند و سرور ثقلین

تو ای نواده آن کو به آسمانها رفت

عنایت و کرمی کن به چاکران درت

اگر چه لایق درگه نبود غافل و مست

فسوس و آه ، بهاران گذشت و غنچه ندید

هر آنچه بلبل محزون پرید و بیرون جست

و لیک خوی نکویت دلش به شور افکند

خطاب کرد به خود، کی ز غصه در تپ خست

بشارتی دهمت ای ضعیف و درمانده

که مدتی است ببینم به رویت این در، بست

ندای وقت تولد که بود جاء الحق

چنین ندا و چنان صوت را ز مانی هست

خوش آن زمان که به جوش و خروش افتد راز

خوش آن مکان که بریده شود رگ تر دست

خوش آن دمی که بنورش جهان شود تابان

خوش آن مهمی که به گردش چو هاله مردم رست

بیا بیا که چه اندازه افتخار بود

محمدی به حضورت شود غلام (۳۴۵)

انتظار، یا زمینه سازی

مقدمه

هر انقلابی وقتی به نتیجه می رسد که قبلا در ابعاد مختلف زمینه سازی خوبی برای آن شده باشد، و هیچ انقلاب و نهضتی بدون مقدمه و زمینه سازی به پیروزی نخواهد رسید و این قانون در تداوم آن نیز وجود دارد.

انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) (ارواحنا فداه) که مهمترین و وسیعترین و عمیقترین انقلابات جهانی است و مربوط به همه جهان می باشد، از این قانون، مستثنی نیست بلکه به خاطر جهانی بودن و عمیق بودنش به طریق اولی باید برای آن زمینه سازی گردد.

مفهوم واقعی انتظار که در روایات ما به عنوان بالاترین عمل شمرده شده (۳۴۶) و آن ((به شمشیر زدن در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر فرق دشمن)) تشبیه شده (۳۴۷) همین زمینه سازی است.

و گر نه انتظار خشک و خالی، به عبارت دیگر امید ذهنی بی آنکه در جامعه تحقق یابد و آثارش آشکار شود هیچگاه بهترین عمل و همانند شمشیر زدن در رکاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نخواهد بود، چنانکه مفهوم واژه ((عمل)) و جنگیدن در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حاکی از حضور در صحنه و فعالیت عملی و کار و کوشش و زمینه سازی عینی است که نه نیت بدون عمل، و امید ذهنی بدون آثار عملی.

((انتظار)) به معنی آینده نگری است، و به معنی ناراضی بودن از وضع موجود، و به راضی شدن از آیند بهتر است، همچون بیمار که انتظار صحت و سلامتی دارد یعنی امید آن دارد که وضع موجود رهائی یابد و به وضع بهتری برسد، و پر واضح است که چنین دگرگونی نیاز به زمینه سازی دارد.

در انقلابهای پیامبران علیهم السلام نیز زمینه سازی وجود داشت، و به آنها در صورتی انقلاب را به ثمر می رساندند که در همه ابعاد زمینه سازی عملی شود و گر نه انقلابشان در نیمه راه با شکست مواجه می شد. (۳۴۸)

و از آنجا که انقلاب حضرت مهدی (عج) جهانی و همه جانبه و دراز مدت است و همه انقلابهای خدایرستان تاریخ و پیامبران علیهم السلام در آن خلاصه می گردد، و هدف نهائی انقلابات مقدس بشری است، حتما نیاز به زمینه سازی وسیع تر و عمیقتر دارد.

به عبارت روشن تر وقتی در روایات اسلامی می خوانیم: در حکومت امام زمان علیه السلام علم و صنعت، عدالت، اخلاق، فکر و اندیشه، کشاورزی و دامداری و بطور کلی اقتصاد در همه زمینه ها زمینه سازی دراز مدت و عمیق و پر دوام لازم دارد، چرا که بنابر اعجاز نیست، بلکه همانند انقلاب پیامبران علیهم السلام بنابر فکر و عمل و کار و سعی مردم در همه ابعاد است چنانکه انقلابهای بشر در طول تاریخ همیشه بر این اساس بوده است.

و برای مثال وقتی در روایات می خوانیم: امام صادق علیه السلام فرمود: علم و دانش دارای ۲۷ شعبه است، تمام آنچه تاکنون از پیامبران به ما رسیده دو شعبه آن بیشتر نبوده و وقتی حضرت قائم (عج) ظهور کند آن دو را به ۲۷ شعبه می رساند. (۳۴۹)

نتیجه می گیریم که برای چنین انقلاب دامنہ دار و عمیقی، زمینه سازی پر دامنہ و عمیق لازم است، که بسیار از زمینه سازیهای دیگر انقلابها وسیعتر و پر دامنہ دارتر است.

پاسخ به یک سؤال:

در اینجا این سؤال پیش می آید که: طبق روایات وقتی جهان، پر از ظلم و فساد شد آنگاه امام زمان علیه السلام ظهور می نماید و جهان را پر از عدل و داد می کند، این موضوع نه تنها زمینه سازی نیست بلکه درست به عکس در جهت خلاف انقلاب مهدی (عج) می باشد.

پاسخ اینکه:

خود این موضوع (غرق شدن جهان در ظلم و فساد) یک نوع زمینه سازی است، چرا که نوع مردم از این ظلم و فساد، ناراضی شده و به ستوه می آیند و همین موضوع آنها را تشنه انقلاب می کند، و این خود زمینه فکری و معنوی ایجاد می نماید.

علاوه، منافات ندارد که در کنار این ظلم و فساد جهانی، دوستان و هواداران آن حضرت با زمینه سازیهای مثبت و آینده ساز، در اندیشه خود و مردم، مقدمه چینی برای انقلاب کنند، در حالی که مخالفان سرگرم فساد و ظلم و غافل از همه جا هستند، گروههای بیدار مسلمان از فرصت استفاده کرده با زمینه سازیهای مثبت بر روند کار خود بیفزایند، و رفته رفته جهان

را که آتش زیر خاکستر است ، ناگهان به نفع انقلاب ، شعله ور سازند، چنانکه نمونه کوچک آن را در کشور اسلامی ایران در ۲۲ بهمن سال ۱۳۷۵ با چشم خود دیدیم ، ولی نظر به این که کتاب جهانی مهدی (عج)، جهانی و بسیار وسیع و عمیق است ، روشن است که زمینه سازی (بخصوص زمینه سازی فکری و فرهنگی) بیشتری در سطح کل جهان لازم دارد.

عوامل مهم زمینه سازی

از آنجا که انقلاب حضرت مهدی (عج) همان انقلاب اسلامی است منتهی در سطح وسیعتر و عمیقتر و از آنجا که این انقلاب تکمیل کننده انقلاب پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و با توجه به اینکه طبق روایات عین همان انقلاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است . (۳۵۰)

منتهی در سطح وسیعتر و در جهت تکمیل آن ، در این جا به ذکر یازده عامل زیر که در انقلاب عظیم الشان اسلام به رهبری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقش مهم در زمینه سازی حکومت اسلامی داشت می پردازیم ، تا با تعقیب اساس این عوامل در ابعاد گوناگون و جهانی ، زمینه ساز انقلاب حضرت مهدی (عج) گردیم ، و مفهوم عینی و واقعی ((انتظار)) را تحقق بخشیم (با توجه به اینکه عوامل زیر مهمترین آنها است):

۱ جاذبه قرآن و حقانیت اسلام :

همان گونه که در مثلها آمده ((سرانجام ، حقیقت جای خود را باز می کند)) تکیه بر حقایق نورانی و استوار و منطقی قرآن و اسلام ، این مکتب زنده و غنی و حیاتبخش و سازنده یکی از عوامل مهم پیروزی است .

در صدر اسلام ، درستی و واقعیت هماهنگی دستورات اسلام با عقل و وجدان و انسانیت و پیکار اسلام با هر گونه آلودگی و فقر و بدبختی و بی عدالتی خودبخود یک جاذبه قوی داشت که انسانها را به سوی خود می کشانید، و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از این راه پیروزی های چشمگیری به دست آورد، تا آنجا که گاهی می شد سرسخت ترین دشمنان اسلام مانند ولید بن مغیره وقتی چند آیه از آیات قرآن را که حکایت از قوانی اسلام می کند شنید دیوانه وار به مجلسی که از طرف دودمانش تشکیل شده بود آمده و گفت :

به خدا سوگند از محمد صلی الله علیه و آله و سلم سخنی که نه شباهت به گفتار انسانها دارد، نه جن ها؛

((و ان له حلاوة و ان علیه لطاوة و ان اعلاه لمثمر و ان اسفله لمغدق و انه یعلوا و لا یعلی علیه ؛))

((گفتار او شیرینی خاصی دارد و زیبایی مخصوصی، بالای آن (همه شاخه های درختان برومندش) پر ثمره و پایین آن (مانند ریشه های درخت کهن) پر مایه است، گفتاری است که بر هر چیزی پیروز می شود و چیزی بر آن پیروز نخواهد شد.)) (۳۵۱)

امروز نیز تکیه بر چنین مکتب پر مایه و استوار و مقایسه علمی و منطقی آن بر سایر مکتبها، از نظر معنوی بزرگترین عامل حرکت و زمینه سازی برای یک حکومت عدل جهانی است، و به تنهایی کافی است که نیازهای مادی و معنوی انسانها را بر آورد و آنها را در همه ابعاد مثبت انسانی به پیش ببرد.

براستی اگر در انقلاب فرهنگی در دانشگاهها، قرآن به صحنه آید و حقائق نورانی آن به مردم برسد و پیاده گردد، ریشه دارترین زمینه برای آینده سازی و حکومت جهانی مهدی (عج) پدیدار خواهد شد.

۲- علم و اندیشه و به کار انداختن آن :

بدون شک علم و فکر، بسیاری از کارها را آسانتر کرده و بسیاری از راهها را نزدیکتر نموده و بسیاری از گرهها را در زمینه های گوناگون گشوده است و گاهی راه صد ساله به وسیله علم و دانش یکشبه طی می شود.

برای پیشرفت و زمینه سازی برای حکومت ایده آل جهانی اسلام به رهبری امام مهدی (عج) یکی از راههای محکم، تحصیل علم و دانش و کاراندازی آن است، در صورتی که این دو بر اساس شناخت و اولویتها و کارهای مثبت و عادلانه به کار رود.

در این مورد اسلام اکیدا سفارش فرموده، در اینجا به دو گفتار ذیل از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم توجه کنید: ((لکل شیء دعامة هذا الدین الفقه و الفقیه الواحد اشد علی الشیطان من الف عابد))

هر چیزی، اساس و پایه دارد، پایه این دین (اسلام) فهم و شناخت است، و موضع گیری یک مسلمان فهمیم و دارای شناخت در برابر شیطان و هر گونه فساد، محکمتر و بیشتر از هزاران مسلمان بدون شناخت است.)) (۳۵۲)

امام علی علیه السلام در عبارتی فرمود:

((قوام و دوام دین و دنیا به چهار چیز بستگی دارد: نخست ... به دانشمندی که دانش خود را به کار اندازد.)) (۳۵۳)

بنابراین باید همه مسلمانان در تحصیل علوم مختلف و عینیت بخشیدن آن علوم در جامعه تلاش کنند و بدین وسیله زمینه فکری و علمی را در همه ابعاد برای حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) فراهم سازند.

۳- استقامت و پایداری و شجاعت :

در صدر اسلام ، استقامت و پایداری و شهامت پر توان مسلمانان در برابر تندبادهای حوادث ، از عوامل پیروزی بود، اینک نیز برای پیروزی در نیل به تکمیل اسلام به دست حضرت مهدی (عج) نیاز به صبر و پایداری است .

نمونه های صبر و استقامت مسلمانان صدر اسلام در تاریخ بسیار است و نمونه های صبر و استقامت در جنگهای اسلامی به خوبی در روحیه مسلمانان آشکار است ، آنها با کمترین نفر و کمترین ابزار جنگی پوزه بزرگترین ارتش دشمنان را به خاک مالیدند.

مثلا جعفر طیار رحمه الله برادر امام علی علیه السلام در جنگ موته (جنگ با ابر قدرت روم) با این که دو دستش قطع شده بود و نود زخم به بدنش رسیده بود، پرچم را با دو بازوی بریده اش نگه داشته بود و همچنان می جنگید. (۳۵۴)

قرآن صد و چهار بار سخن از صبر و استقامت به میان آورده و در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران می فرماید:

((یا ایها الذین آمنوا اصبروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون ؛))

((ای کسانی که ایمان آوردید، استقامت کنید و در برابر دشمنان نیز پایداری به خرج دهید و از مرزهای خود مراقبت به عمل آورید و از خدا به پرهیزید شاید رستگار شوید.))

مسلمانان برای زمینه سازی برای یک حکومت جهانی اجرای این دستورات نیز لازم و ضروری است .

۴- زهد و رعایت اخلاق و حقوق :

رعایت اخلاق نیک نسبت به یکدیگر در برخوردها و تمام ابعاد زندگی ، و رعایت حقوق جانی و مالی و عرضی و... که عالیتین نقش را در جذب دیگران و نفوذ در دلها دارد، از عوامل مهم گسترش اسلام در صدر اسلام بوده است .

اخلاق پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام و شاگردانشان بسیاری از گردنکشان را به سوی اسلام پر از مهر و صفا جلب کرد و موجب تقویت مسلمانان گردید.

امیرمؤمنان علیه السلام در وصف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

((از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پاک و نازنین پیروی کن ، او لقمه دنیا را با اطراف دندان می خورد (نه اینکه دهانش را پر کند) و دنیا را به چشم (دقیق) نمی نگریست ، از جهت پهلوی لاغر و از جهت شکم گرسنه ترین اهل دنیا بود، مانند بردگان سیاه بر روی زمین می نشست و کفش خود را با دست خود اصلاح می کرد و لباس خود را با دست خود می دوختد

احیانا بر الاغ برهنه سوار می شد و از شدت تواضع و فروتنی دیگری را هم ردیف خود می کرد.

یکی از همسرانش پرده ای نسبتاً زیبا و دارای نقش و نگار بر در خانه آویخته بود، به آن بانو فرمود: بی درنگ این پرده

رنگارنگ را از در خانه بردار، چرا که من با نگاه به این پرده به یاد دنیا و زینتهای آن می افتم ...

اکنون مرا ببینید چگونه زندگی می کنم ، بر این جامه پوشیده ام چندان وصله زده ام که از وصله کننده آن شرم دارم ، روزی

وصله کننده به من گفت : این پیراهن پاره را که دیگر وصله نمی خورد به دور اندازم ، گفتم آهسته باش سبکباران زودتر به

سر منزل مقصود می رسند.)) (۳۵۵)

براستی اگر همه شاخه های اخلاق اسلامی رعایت گردد بهترین زمینه سازی معنوی برای ظهور امام زمان علیه السلام

خواهد بود.

۵- ایمان و توکل به خدا:

روحیه قوی و اطمینان قلب و اعتماد به نفس از عوامل سازنده و پیش برنده و زمینه ساز و سوزاننده موانع سر راه است ، یک

چنین روحیه و آرامش و استواری قلب در سایه ایمان به خدا و توکل به او به دست می آید که دعا و مناجات و نماز و روزه

تقویت کننده چنین ایمان و توکل است .

پس از آنکه مکه به دست ارتش اسلام به رهبری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فتح شد، ابوسفیان کنار ارتش قوی

اسلام قدم برمی داشت و می گفت :

((لیت شعری بماذا غلبنی ؛))

((کاش می دانستم که محمد صلی الله علیه و آله و سلم با چه وسیله ای بر من پیروز شد؟ ما که سازماندهی و تشکیلات و

پول و جهاز جنگی و جمعیت داشتیم چطور مغلوب شدیم ، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با دست خالی بر ما پیروز

گردید.))

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم دست بر دوش او گذارد و فرمود:

((بالله غلتک ؛))

((من به کمک خدا بر تو پیروز شدم .))

آری ایمان و توکل به خدا است که اتحاد و انسجام و روحیه قوی می سازد و کارهای ناممکن می کند و مشت خالی را بر

تانکها پیروز می گرداند، به طور قطع می توان گفت که نقش ایمان و توکل بر جنگها به مراتب بیش از نقش وسائل و ابزار

جنگی و تشکیلات است .

و ما نیز باید در سایه ایمان و توکل به خدا به پیش رویم و فکرا و عملا زمینه ساز آینده درخشان باشیم ، چنانکه مسمانان در صدر اسلام در پرتو ایمان ، به پیروزی های معجزه آمیز نائل شدند.

۶- تعاون و همکاری

برادری اسلامی و رسیدگی به دردهای اجتماعی و تاءسیس واحدهای وسیع و پر دامنه در این زمینه نیز در نوع خود برای انسجام و پیوند و بهم پیوستگی هر چه بیشتر، زمینه ساز آینده درخشان است و نقش اجتماعی مؤ ثری در پیش برد هدفها دارد. (۳۵۶)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ((مؤ منان در دوستی با مؤ منان دیگر همچون اعضاء یکدیگرند که اگر یک عضو بدرد آید عضوهای دیگر نیز ناآرام هستند.)) (۳۵۷)

اگر براستی جامعه ما نسبت به همدیگر چنین احساسی می داشتند پیشرفت بی نظیری در زمینه های مختلف نصیبشان می شد.

۷- برخورد ها و روشهای منطقی با یکدیگر:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم براساس علم و منطق با گروههای مختلف غیر اسلامی مناظره و بحث می کرد، امام صادق علیه السلام چهار هزار شاگرد در رشته های مختلف تربیت می نمود، و خود شخصا با منکران خدا می نشست و به بحث و گفتگو می پرداخت .

این بحثها و تجزیه و تحلیلهای روشنگرانه نقش مؤ ثری در توسعه اسلام داشت .

قرآن می فرماید:

((مردم را به راه پروردگارت با حکمت و پنده های نیکو و جدال و بحث و انتقاد دعوت کن .)) (۳۵۸)

حکمت همان روشهای استدلالی و منطقی است .

موعظه نیک عبارت از اندرزهایی است که جنبه عاطفی و احساسی دارد.

مجادله نیک بحثهای رو در رو و براساس انصاف و حسن نیت است .

حضرت علی علیه السلام فرمود:

((طرفداران پنج دین مختلف به صورت گروه‌های پنج نفری به حضور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای بحث و مذاکره آمدند به ترتیب: گروه یهود، سپس گروه مسیحی گروه مادی، سپس گروه دوگانه پرست، سپس گروه مشرک به مناظره کردند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم با کمال متانت سخن آنها را گوش داد و به پاسخ آنها پرداخت، و این مناظرات، سه روز بیشتر طول نکشید، که پنج گروه قانع شدند و به اسلام گرویدند، در پایان گفتند:

((ما راءینا مثل حجتک یا محمد، نشهد انک رسول الله:))

((ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم ما همچون حجت و استدلال تو هرگز در جائی ندیده ایم، گواهی می دهیم که تو رسول خدا هستی.)) (۳۵۹)

آری! اگر برای جذب تحصیل کرده ها و افراد مختلف غیر اسلامی با چنین شیوه ای رفتار شود، نقش مؤثری در گسترش اسلام خواهد داشت و همچنین زمینه سازی فکری حساب شده ای برای آینده درخشان به دست حضرت مهدی (عج) خواهد بود.

۸- توجه به طبقه مستضعف:

نوعاً انقلابها بر دوش مستضعفین به پیش می رود، چرا که مستکبران و سرمایه داران از وضع موجود خود راضیند و نوعاً مخالف انقلاب بر مبنای تعالیم الهی و یا طرفداری از مستضعفان خواهد بود.

اسلام هیچگاه روی خوش به مستکبران و طاغوتیان نشان نداده است، چنانکه در آغاز، حامی پیش برنده اسلام افراد مستضعفی همچون بلال رحمه الله، سلمان رحمه الله، جوبیر رحمه الله، خباب رحمه الله و عمار رحمه الله، سمیه رحمه الله و... بوده اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به این گروه از افراد توجه خاصی داشت، حتی همه اموال همسرش خدیجه

علیها السلام را در این راه مصرف نمود و خود عملاً همچون مستضعفان می زیست و بیشتر با آنها محشور بود.

بهر حال توجه به مستضعفان، و تأمین نیازهای آنها، و برقراری عدالت اجتماعی و جلوگیری شدید از استثمار و استثمار

استثمار، یکی دیگر از عوامل زمینه ساز برای حکومت امید مستضعفان جهان حضرت مهدی (عج) خواهد بود.

در حالی که این سطور را می نویسم: اخبار می گوید: امام خمینی فرمود: ((من یک لاک موی گودنشینان را به همه کاخ

نشینان نمی دهم.))

بدون شک اتحاد نقش اعجاز آمیزی در پیشبرد اهداف دارد، جمعیت و اتحاد، قدرت را چندین صد برابر و هزار برابر و میلیون برابر می کند، مثل اتحاد همچون مثل سد عظیمی است که مبداء بزرگترین نیروهای صنعتی و آبیاری سرزمینهای بزرگ و روشنائی شهرهای زیاد می شود، یک چنین نیروئی بر اثر بهم پیوستن قدرتهای ناچیز دانه های باران بدست آمده است . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

((المؤمن من للمؤ من کالبنیان یشید بعضه بعضاً؛))

افراد با ایمان ، نسبت به یکدیگر همانند اجزای یک ساختمان هستند که هر جزئی از آن ، جزء دیگر را محکم نگاه می دارد.)) (۳۶۰)

حال اگر مسلمانان دست به دست هم دهند و با اتحاد و انسجام همه جانبه در محور اسلام حرکت کنند، همچون دریای خروشان خواهند بود که در برابر امواج سهمگین طوفانها ایستادگی خواهند نمود. برای زمینه سازی حضرت مهدی (عج) و تشکیل حکومت جهانی ، اتحاد و انسجام مسلمانان نقش اساسی را خواهد داشت و باید مسلمانان از هر گونه اختلاف فرعی و موسمی پرهیز کنند و در برابر مشترک ، با اتحاد و وحدت و هماهنگی خود بایستند تا بتوانند راه را برای ظهور مصلح کل جهانی هموار سازند. (۳۶۱)

۱۰- رهبر شایسته :

در اسلام به ((ولایت)) اهمیت فراوان داده شده است به گونه ای که اگر آن نباشد هیچ چیز نیست ، بلکه باید برنامه های اسلام تحت نظارت ولایت باشد، و به عبارت دیگر چرخ انقلاب توسط او به گردش در می آید، او نشان راه و پیشوا و جلودار امت است ، و همه گروههای اسلام را در یک خط به پیش می برد.

ولایت یعنی حکومت و سرپرستی دین و دنیای مردم ، که بسیار مقام پر مسئولیت بزرگی است و تنها افراد شایسته و کامل می توانند عهده دار آن گردند.

همانگونه که در صدر اسلام رهنمودهای رهبر شایسته نقش اساسی در پیشبرد داشت ، امروز نیز در راه انتظار حضرت مهدی (عج) و زمینه سازی برای حکومت جهانی آن حضرت حتما باید این خط حفظ گردد، تا مسلمانان در نظم و انسجام خاص

تحت رهنمودهای رهبر شایسته که امروز از آن به ولایت فقیه تعبیر می شود راه زمینه سازی صحیح را دریابند و با

پشتگرایی معنوی خاصی آن را دنبال کنند. و به عبارت روشنتر، نائب و معاون به حق حضرت مهدی (عج) مسلما به راه

مهدی (عج) نزدیکتر و آگاهتر است، و رهنمودها و سرپرستی او می تواند نزدیکترین و حساب شده ترین شیوه برای رسیدن به حکومت مولی امام زمان علیه السلام باشد، با توجه به اینکه انجام دو وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر انسان را از بی تفاوتی بیرون می آورد، و وادار می کند که حضور فعال در صحنه داشته باشد.

به امید آنکه با به کار بستن این عوامل که در رأس عوامل دیگر است بتوانیم همچون مسلمانان صدر اسلام به پیش رویم و جهان را به استقبال حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) سوق دهیم که خود در مسیر انقلاب، و تداوم انقلاب است که نهایت آن آینده درخشان و اهتزاز پرچم ((لا اله الا الله)) در کل جهان خواهد شد، و همین امید به آینده روشن نه مبهم و تاریک خود همان عامل درونی و انتظار است که باید به صورت علم و عمل در آید و به نتیجه عینی برسد. باید توجه داشت که خود امام قائم (عج) نیز در انتظار است که شرایط فراهم شود و خداوند متعال، اذن خروجش را صادر فرماید و جهان را از ظلم و فساد رهائی بخشد و به قدری در این مورد بی تاب است که حتی وقت خروج وارد مسجدالحرام می شود و بین مقام ابراهیم علیه السلام و کعبه دو رکعت نماز می خواند و پشت به حجرالاسود زده، سپس دستهایش را به سوی آسمان بلند کرده و آنچنان گریه و تضرع می کند که به زمین می افتد و این است فرموده خدا در قرآن:

((امن یجیب المضطر اذا دعاه و یكشف السوء و یجعلکم خلفاء الارض))

آیا خدای شما کسی است که دعای مضطر را اجابت می کند و گرفتاریها را برطرف می سازد و شما را خلفای زمین قرار می دهد؟ (یا معبودهای باطل) ((۳۶۲))

امام صادق علیه السلام فرمود:

((سوگند به خدا ((مظطر)) همان قائم (عج) است.)) ((۳۶۳))

آری امام قائم (عج) این چنین بی تابانه در انتظار اصلاح و انقلاب جهانی است، تا جهان را از لوث آلودگیها و جنایات و ستمگریها نجات بخشد.

۱۱- لزوم برنامه ریزی

می دانیم که مسأله مهدی موعود(عج) یک مسأله عادی و سطحی و اقلیمی و احتمالی نیست، بلکه مسئله بسیار مهم جهانی و عمیق و واقعی است که تقریباً در همه ادیان و در همه جا و در همه زمانها در رأس مسائل مهم عقیدتی و سیاسی است و در اسلام به عنوان یک اصل استوار و خلل ناپذیر مطرح می باشد، و از آن به ثمره و نتیجه قیام تمام پیامبران و

رسولان و رهبران الهی یاد می گردد، و نهضت جهانی حضرت مهدی (عج) با عنوان امید پیامبران و رسولان و مستضعفان تاریخ و وصول به اهداف عالی انسانی در همه ابعاد و... خوانده می شود.

حال که چنین است باید مسأله را جدی گرفت، در طول تاریخ در این باره حرف زیاد زده اند ولی برای وصول به این هدف باید همت کرده و آن هم همتی عمیق، همه جانبه در کل جهان، و همیشگی، و در عمل.

با مطالعه و بررسی آیات و روایات مربوط به نهضت و ظهور امام زمان علیه السلام به دست می آید که مسأله وصول به این ظهور مسأله راحت طلبی نیست و با یک یا چند قیام و قعود به دست نمی آید باید در راه آن عرقها و خونها ریخته شود.

(۳۶۴)

از طرفی این مسأله دارای ابعاد گوناگون است، مانند ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، مکتبی، نظامی و خلاصه آمیخته با مسأله دین است، همانگونه که دین حقیقی یک مجموعه عمیق و اهرم قوی و همه جانبه برای رشد در همه ابعاد است،

مسأله قیام مصلح جهانی حضرت مهدی (عج) که در هر زمانی مطرح بوده و در هر دینی از آن به نوعی سخن به میان آمده و در اسلام از آن به عنوان یک اصل مهم انقلابی یاد می شود دارای ابعاد گوناگون است.

عناصر اصلی برنامه ریزی قیام و ظهور

بر همین اساس باید برای تحقیق آن یک برنامه ریزی حساب شده و جامع در سطح کل جهان صورت گیرد.

با توجه به اهمیت فوق العاده آن باید در این برنامه ریزی، امور بسیار به طور عملی و جدی و حساب شده تعقیب شود که ما در اینجا امور نهگانه زیر را که پایه های اصلی این برنامه ریزی است و باید به همت مسلمانان تحقق یابد تا زمینه ساز ظهور خاطرنشان می کنیم:

۱- هدفداری:

یکی از عوامل پیروزی، داشتن هدف است به ویژه هدفی عالی و تاءمین کننده تمام ابعاد سعادت بشر در مورد مصلح آینده حضرت مهدی (عج) تمام پیامبران و امامان و کتب آسمانی و ادیان حقیقی، خبر از ظهور او را در آخرالزمان داده اند، و این عقیده در اسلام جزء بافت و ارکان اسلام است، بر همین اساس، هدف مشخص و غیر مبهم است، و بروز نهضتها و قیامها برای رسیدن به این هدف، کورکورانه و مبهم نیست.

امام خمینی قدس سره در یکی از سخنان خود که در روز نیمه شعبان ۱۳۶۰ شمسی ایراد نمود فرمود: ((باید خودمان را مهیا کنیم از برای آمدن آن حضرت ، من نمی دانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم ، بزرگتر از این است ، نمی دانم بگویم که شخص اول است ، برای آن که دومی در کار نیست ایشان را نمی توانم ما با هیچ تعبیری تعبیر کنیم ، الا همین که (مهدی موعود ((عج))) هدف دار بودن این عقیده را مشخص می کند، و هدف است که قیامها را خط و جهت داده و از سرنگونی در می آورد و به راه صاف و راست رهنمون می نماید، بنابراین باید در این برنامه ریزی به این هدف توجه گردد.

۲- توجه به جهانی بودن ظهور:

پایه دوم این برنامه ریزی این است که ظهور و امامت امام زمان علیه السلام مربوط به کل جهان است ، و پس از ظهور اسلام حقیقی با تمام ابعادش در همه جهان بدست با کفایت آن حضرت در سطح جهان حاکم و پیاده می شود. امام صادق علیه السلام فرمود:

((اذا قام القائم لا یبقی ارض الا نودی فیها شهادة لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله ؛))

((وقتی که قائم (عج) قیام کرد، هیچ نقطه ای از زمین نیست مگر این که آوای توحید و پذیرش رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آن بلند است.)) (۳۶۵)

بنابراین در این برنامه ریزی باید همه جهان با انواع فرهنگ ها و سنتها و انحرافات و عقاید گوناگون را در نظر گرفت و طرحی جامع برای براندازی همه فسادها و انحرافات همه جهان ، که از آن گاهی تعبیر به صدور انقلاب اسلامی می شود ارائه داد.

با توجه به این که جهان همچون حلقه های زنجیر در شؤ و ن مختلف به هم ارتباط دارد و همین ارتباطات تائثرات مثبت و منفی نسبت به همدیگر دارند، اگر ما نقطه ای را از انحراف بیرون آوردیم کافی نیست چرا که خواه ناخواه تائثرات اطراف این نقطه ، مانع وصول به هدف در آن نقطه خواهد شد.

۳- جهش و انقلاب :

همان گونه که از نام انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) پیدا است باید برای وصول به این انقلاب به صورت انقلابی کار کرد، با میانه روی و محافظه کاری و خط لیبرالی نمی توان به این هدف بزرگ رسید، چرا که پر واضح است برای برنامه ریزی یک چنین انقلاب عظیمی که موانع بسیاری سر راه دارد، باید جهاد کرد، جهادی پی گیر و بزرگ ، و تبدیل انحرافات

عقلی و عملی و اخلاقی به اعتدال و صراط مستقیم ، که یک تحول بی نظیر و عظیمی است چنین تحولی با میانه روی و محافظه کاری ، به دست نمی آید.

بنابراین باید حرکت‌های این نهضت ، اسلامی و مکتبی باشد، و از حرکت‌های غیرمکتبی چنین تحولی میسر نیست .

چنانکه در روش انبیاء و پیامبران الهی علیهم السلام از جمله پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به خوبی این انقلاب و جهش را در سطح محدود خودشان می بینیم ، البته چنانکه خواهیم گفت این مطلب به این معنا نیست که ما در این کار عجله کنیم و سطحی به پیش رویم .

قابل توجه اینکه طبق بعضی از روایات ، آن حضرت در روز عاشورا قیام می کند. (۳۶۶)

و به فرموده امام صادق علیه السلام در شب بیست و سوم ماه رمضان بنام آن حضرت ندا شود و روز عاشورا قیام کند. (۳۶۷)

دقت در این نکته که در روایات اسلامی وارد شده در شب تولد امام زمان علیه السلام زیارت امام حسین علیه السلام را بخوانند، با توجه به محتوای این زیارت و ارتباط این دو، نتیجه می گیریم ، که مسأله راحت طلبی در کار نیست بلکه مسأله قیام و انقلاب و شهادت طلبی و جهاد تا سر حد شهادت و نفرت شدید از دشمن است و باید با چنین روشی خود را به امام زمان علیه السلام نزدیک کنیم ، در اینجا نقل این روایت بجا است ، امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود:

((اذا قام قائمنا سقطت التقية و جرد السيف و لم يأخذ من الناس و لم يعطهم الا بالسيف ؛))

((وقتی که قائم (عج) ما قیام کند تقیه برداشته شود و شمشیر کشیده گردد و با مردم (متمرد) در داد و ستد جز شمشیر

(حکومت) در میان نباشد.)) (۳۶۸)

۴- پیشرفت عمیق و استوار:

در برنامه ریزی لازم است ، توجه کامل شود که در تمام ابعاد به طور صحیح و عمیق و استوار به پیش رفت و واحدهای این بنای عظیم را از اساس و شالوده درست و محکم و خلل ناپذیر ساخت و به همین ترتیب رگه های دیگر این بنا با استواری به پیش رود و گر نه کوچکترین طوفانی آن بنا را ویران خواهد کرد، بنابراین نباید در این کار عظیم ، عجله کرد و به عبارت دیگر باید هر چه می توانیم بر کیفیت کار توجه کنیم ، نه کمیت بدون کیفیت .

در اینجا بد نیست به یک فراز تاریخی عجیب ((که می توان از آن درس نیکی گرفت گر چه از بیگانگان است)) اشاره کنیم

در جنگ جهانی دوم وقتی قوای متحدین (آلمان ، ایتالیا، ژاپن) فرانسه را که جزء قوای متفقین (انگلیس ، آمریکا، شوروی) بود شکست دادند، و در جولای سال ۱۹۴۰ میلادی انگلستان در میدان نبرد جهانی با دشمن پیروزمند، تنها ماند، در پاریس کنفرانس سری بین سه نفر از سران جنگ جهانی یعنی چرچیل (رهبر انگلستان)، هیتلر (رهبر آلمان) و موسولینی (رهبر ایتالیا) در قصر ((فونتن بلوی)) به وجود آمد. در این کنفرانس هیتلر به چرچیل گفت : حال که سرنوشت جنگ معلوم است و بزرگترین نیروی اروپا و متفق انگلیس یعنی فرانسه شکست خورده است ، برای جلوگیری از کشتار بیشتر، بهتر است انگلستان قرارداد شکست و تسلیم را امضاء کند تا جنگ متوقف شود و صلح به جهان بازگردد.

چرچیل در جواب گفت : بسیار متأسفم که من نمی توانم چنین قراردادی را امضاء کنم ، زیرا هنوز انگلستان شکست نخورده است و شما را فاتح نمی شناسم .

هیتلر و موسولینی از این گفتار چرچیل عصبانی می شوند، به تندی با او برخورد می کنند، چرچیل با خون سردی می گوید: عصبانی نشوید، انگلیس به شرطبندی ، خیلی اعتقاد دارد، آیا حاضرید برای حل قضیه با هم شرط ببندیم ؟ در این شرط هر که برنده شد باید بپذیرد که فتح با او است .

سران فاشیست (هیتلر و موسولینی) با خوشروئی این پیشنهاد را قبول کردند، در آن لحظه هر سه نفر در جلو استخر بزرگ کاخ نشسته بودند.

چرچیل گفت : آن ماهی بزرگ را در استخر می بینید هر کس آن ماهی را تصاحب کند برنده جنگ است ، هیتلر فوراً پارابلوم خود را از کمر کشید به این سو و آن سوی استخر پرید و شروع به تیراندازی های پیاپی به ماهی کرد ولی سرانجام بی نتیجه و خسته و درمانده بر صندلی خود نشست ، و به موسولینی گفت حالا نوبت تو است .

موسولینی لخت شد و به استخر پرید، ساعتی تلاش و تقلا کرد، او نیز بی نتیجه و درمانده بیرون آمد و بر صندلی خود نشست .

همین که نوبت به چرچیل رسید، صندلی راحت خود را کنار استخر گذاشت لیوانی به دست گرفت ، در حالی که با تبسم سیگار برگ خود را دود می کرد شروع به خالی کردن آن استخر نمود.

رهبر آلمان و ایتالیا که می خواستند ببینند نخست وزیر سالخورده و چاق و سنگین انگلستان در برابر آنان چه تاکتیکی جهت صید ماهی پیش خواهد گرفت ، وقتی او را در چنین وضعی دیدند با تعجب پرسیدند: چه می کنی ؟

چرچیل گفت : من عجله برای شکست ندارم با حوصله ، این روش مطمئن خود را ادامه می دهم ، سرانجام پس از تمام

شدن آب استخر، بی آنکه صدمه ای به ماهی بخورد صید از من خواهد بود. (۳۶۹)

این واقعه عجیب گر چه از بیگانگان است ولی می توان از آن این درس را آموخت که : برای وصول به هدف آن هم هدف

بزرگ نباید عجله کرد و سطحی به پیش رفت ، بلکه باید با برنامه ریزی عمیق و اطمینان بخش هر چند دراز مدت و در

عین حال با کمترین ضایعات کار را ادامه داد، و این کار نیاز به طرح های بسیار استوار و محکم خواهد داشت . البته تحقق

چنین امر مهمی نیاز به طول زمان دارد، از این رو خداوند متعال به حضرت مهدی علیه السلام طول عمر عنایت فرموده

است (دقت کنید) تا آمادگی در مردم جهان پیدا شود. (۳۷۰)

۵- اخلاص :

برای پیشروی و دست یازی به مقدمات ظهور، هیچ عاملی در کاربرد امور، و پیمودن پله ها و پشت سر گذاشتن موانع مانند

((اخلاص)) در کار نیست ، اخلاص ، در کارها روح و نشاط می بخشد، و به طور اتوماتیک بدون دردسر، چرخهای عظیم

موتورهای انقلاب را به حرکت در می آورد، اخلاص انسان را به آخرین درجه آمادگی و اراده قاطع و طبیعی بودن بدون منت

که همان انتظار ظهور است سوق می دهد، خداوند متعال پشتیبان افراد مخلص است ، شیطان و هوسهای نفسانی که ضررها

و ضربات سختی بر رشد انسانها وارد می آورند از افراد مخلص دورند. (۳۷۱)

آزاد اندیشی واقعی در سایه اخلاص به دست می آید، توکل به خدا و اعتماد به نفس ، و عزت و شرافت که هر یک عاملی

برای دستیابی به مقدمات ظهور حضرت بقیه الله (عج) است در پرتو اخلاص ، جان می گیرند و تحقق می یابند. در روایتی

از امام باقر علیه السلام می خوانیم :

((هر بنده ای چهل روز در راه خدا مخلصانه قدم برداشت خداوند درد و درمان را به او نشان می دهد و ریشه های حکمت و

دانش را در دلش استوار می سازد.)) (۳۷۲)

امام صادق علیه السلام در سخنی فرمود:

((اذا كان مخلصا لله اخاف الله منه كل شيء حتى هوام الارض و سباعها و طير السماء؛))

((هر گاه مؤ منی کارها را تنها برای خدا انجام دهد، خدا همه چیز حتی جنبدگان و درندگان زمین و پرندگان آسمان را از او

می ترساند.)) (۳۷۳)

بنابراین در این برنامه ریزی باید اخلاص در کارها سرلوحه برنامه ها قرار گیرد.

تخصص و تعهد و به عبارت دیگر علم و ایمان ، و توسعه دادن به این دو در همه ابعاد زندگی ، بهترین زمینه ساز برای فراهم شدن ظهور امام زمان علیه السلام است ، و این دو همچون دو بال پرنده اند که آن پرنده با آن دو بال به پرواز در می آید، اگر هیچیک از این دو نباشد، پروازی نیست و اگر یکی باشد و دیگری نباشد باز نتیجه بخش نیست چرا که با یک بال نمی توان پرواز کرد.

تخصص بدون تعهد، مثالش در این شعر مثنوی مولوی آمده :

تیغ دادن در کف زنگی مست

به که آید علم ، ناکس را بدست

تعهد بدن تخصص نیز در بسیاری اوقات به جای پیشرفت بر مشکلات کار می افزاید و احیاناً خسارت ناپذیری بر انسان وارد می سازد و مثالش همچون ماشینی است که بدون چراغ در بیابان هولناک و پر فراز و نشیبی حرکت می کند که جز سقوط و سرگردانی نتیجه ای ندارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

((من عمل علی غیر علم کان ، ما یفسد اکثر مما یصلحه ؛))

((کسی که بدون علم و دانش کاری انجام می دهد، ضرر و زیان آن بیش از نفع آن است .)) (۳۷۴)

از سخنان امیر مؤمنان علی علیه السلام است که فرمود:

((کمر مرا دو گروه شکستند:

۱ دانشمندان منحرف

۲ مردم نادان)) (۳۷۵)

قرآن مجید در یک آیه ، پیشروی و پیمودن درجات عالی و پیروزی را در سایه تخصص و تعهد (علم و ایمان) هر دو دانسته و می فرماید:

((یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات ؛))

((خداوند از شما، آنان را که ایمان آوردند و تحصیل علم و دانش کردند، چندین درجه بر دیگران برتری می بخشد.)) (۳۷۶)

با توجه به اینکه علم و شناخت، انسان را به عوامل رشد و ترقی و دستورات حیاتبخش و سازنده مکتب حرکت آفرین و غنی اسلام آگاه می سازد، و تعهد و ایمان، آن عوامل را اجراء می نماید.

۷- مانع شناسی :

اکثرا حرکت فراهم می شود، ولی موانع سر راه، چرخهای آن عوامل را از حرکت باز می دارد، باید موانع را بشناسیم تا آنها را سر راه برداریم، مثلا انحطاط مذهبی و اخلاقی، عدم استفاده از علوم گوناگون و عفلت از وضع زمان، اختلاف و تفرق، کارهای اساسی و اصلی را فدای امور جزئی و فرعی کردن، مقدم داشتن منافع شخصی بر منافع عمومی و... از موانع سر راه است، حتما به این جهت نیز باید در برنامه ریزی توجه گردد، همه پیامبران و اولیاء خدا علیه السلام آرزو داشتند که به هدف برسند ولی موانع سر راه مانع وصول آنها به هدف عالیشان شد، شاید یک فلسفه اینکه خداوند عمر حضرت مهدی (عج) را طولانی کرده این باشد که در این مدت موانع شناخته گردند و از سر راه برداشته شوند.

بر همین اساس است که امام صادق علیه السلام می فرماید:

((العامل علی غیر بصیرة کالسائر علی غیر طریق و لا تزید سرعة الا بعدا!))

((عمل و حرکت بدون بصیرت و شناخت مانند حرکت در غیر راه اصلی است و سرعت در این راه جز دوری بیشتر از هدف،

نتیجه دیگری ندارد.)) (۳۷۷)

۸- هشیاری و هوشمندی :

یک فرد با ایمان باید ((کیس)) و هوشیار باشد و به جای دو چشم با چهار چشم اطراف خود را ببیند و کاملا مراقب باشد، که از ناحیه دشمن غافلگیر نگردد، و به طور خلاصه مؤمن در این دنیا باید خود را همواره در جبهه مقدم جنگ با دشمن ببیند و مواظب باشد که اگر دشمن از در رفت، از پنجره وارد نشود، اگر در جبهه نظامی شکست خورد در جبهه اقتصادی پیروز نشود و...

به عنوان مثال؛ حکومت عثمانی یک حکومت مقتدر اسلامی بود، هیچ قدرتی را یارای مقابله با آن نبود ولی بر اثر عدم

هشیاری و به خاطر غفلت و غوطه ور شدن در امور گذرا و مادی، آنچنان غافلگیر شد که با یک پیش آمد یعنی جنگ

جهانی دوم از هم پاشید و به چندین قسمت تجزیه شد و در نتیجه در مارس ۱۹۲۵ میلادی اسلام به معنی یک قدرت آشکار

سیاسی و اجتماعی و کانون مشتعل از اندیشه ها و احساسهای نو و نیرومند زائیده از صحنه حوادث جهان رخت بر بست و از

میدانهای گرم کار و پیکار به گوشه سرد و آرام خزید و رفته رفته راه سقوط و تفرق را پیش گرفته ، نه تنها در جبهه نظامی و سیاسی شکست خورد بلکه اسلام جوشان و خروشان و حرکتزا و جنبش آفرین در میانشان به اسلام فرسوده و بی روح در آمد، دشمنان از فرصت استفاده کرده و به پیش تاختند. (۳۷۸)

در این راه باید از عوامل بازدارنده و غافل کننده مانند سنت گرائی و گذشته نگری غلط، شخصیت گرائی ، پیشداوری و گم بودن ، عجب و خودبینی که پیروی از هوس های نفسانی ، تکیه بر حدس و گمان ، وابستگی ها و... به شدت پرهیز کرد. این مطلب مهم را رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در یک عبارت کوتاهی فرموده است :

((و لو لا کثیر کلامکم و تمریج فی قلوبکم لراءیتم و اری و سمعتم ما اسمع ؛))

((اگر زیاده روی در سخن شما (شعار تو خالی)، هرزه چرانی در دل شما (پر کردن ذهن از امور واهی) نبود هر چه من می بینم شما هم می دیدید و هر چه من می شنوم شما هم می شنیدید.)) (۳۷۹)

۹- دورنمایی از امکانات عظیم دنیای اسلامی و نتیجه بحث :

در اینجا با توجه به مطالب یاد شده درباره امکانات مسلمانان فعلی دنیا به طور فشرده ، سخنی به میان می آوریم که اگر به راستی این امکانات برای یک برنامه ریزی جامع و حساب شده در جهت اجرای اسلام که زمینه سازی ظهور حضرت مهدی (عج) است به کار گرفته می شد چقدر مثمر ثمر و نتیجه بخش بود!

امکانات مسلمانان را از چند جهت می توان بررسی کرد:

الف : از جهت نیروی انسانی و اتحاد:

امروز حدود یک میلیارد نفر مسلمانان در دنیا زندگی می کنند و یک چهارم جمعیت کرده زمین را تشکیل می دهند و حدود ۴۷ کشور مستقل دارند، و در بسیار از کشورها هم دارای نیروی عظیم می باشند، مثلا هندوستان یک کشور اسلامی نیست ولی دارای یکصد و پنجاه میلیون مسلمان است و در شوروی (سابق) شصت تا هفتاد میلیون مسلمان وجود داشت و در سایر کشورها نیز تعدادشان بسیار زیاد است . اگر اینها متحد شوند، هیچ قدرتی در دنیا بدون جلب رضای اینها نمی تواند حاکم باشد، با توجه به اینکه اگر نفوس یک میلیارد مسلمان بوسیله عقیده به اسلام ، مرتبط گردد چه قدرت عظیمی به وجود خواهد آمد!

و با توجه به اینکه در دنیای امروز قدرتهایی که وجود دارد، یکی از آن قدرتهای مارکسیسم است که در کشورهای

مارکسیستی هستند، که با فروپاشی آن در شوروی ، از هم پاشیدند، و آنها که باقی مانده اند، اگر تحت این عنوان با هم

متحد شوند، چه می توانند بکنند، با اینکه بین آنها نیز تفرقه شدید است ، کمونیستهای چین و کمونیستهای شوروی سابق را تکفیر می کنند و به عکس ...

یکی از قدرتهای ، قدرت مسیحیت است ، می گویند در دنیا بیش از یک میلیارد مسیحی وجود دارد، اما مسیحی ها هم با هم اختلاف شدید دارند، نیروی عظیم پروتستان ، اصلا کاتولیکها را قبول ندارند، به علاوه مکتبشان یک مکتب زاینده و حرکت بخش نیست ، یهودیها در دنیا حدود ده میلیون یا پانزده میلیون نفر می باشند که از تفرقه شدیدی برخوردارند. بودائیها زیاد هستند، ولی یک تیپ خاصی می باشند و داعیه اجتماعی و سیاسی ندارند، سیکها نیز چیزی نیستند، تنها قدرت عظیمی که تحت پوشش آئین حرکت آفرین اسلام بی بدیل و رقیب می ماند، مسلمانان هستند، اگر اینها یک جریان خوب اجتماعی برای خود درست کنند، از ساخت حساسترین اسلحه های اتمی و سفینه های فضانوردی تا ساخت سوزن سنجاق برای خوشان امکان متخصص داشتن و تکنیک در سطح عالی وجود دارد...

بسیاری از همین مغزهای اسلامی ، مراکز صنعتی اروپا و آمریکا را می گردانند، به آنجا رفته اند و مانده اند و فسیل شده اند. و در مجامع بین المللی ، مسلمانان ۴۵ ۴۶ رأی مستقل دارند، که اگر هر نفرشان بتوانند یک رأی از کشورهای دیگر را به دست آورند دارای ۹۰ رأی خواهند شد هیچ بلوکی در دنیا نیست که آن همه رأی داشته باشد.

قدرتهای غیر اسلامی ، به عنوان یک قدرت نیرومند وجه مشترکی ندارند که آنها را به هم پیوند دهد، ولی اسلام با عنوان ((حبل الله)) (رابط دینی خدا) همه را به هم پیوند می دهد، و از قطرات باران سیل بنیان کن جاری می سازد.

ب : امکانات جغرافیائی دنیای اسلام :

اسلام دارای امکانات جغرافیایی عظیمی است که با هیچ قدرتی در دنیا قابل مقایسه نمی باشد، خلیج فارس و تنگه هرمز، دو طرفش در دست مسلمانان است ، دو طرف کانال سوئز، در دست مسلمانان است ، یک طرف جبل الطارق در دست مسلمانان است ، عبور از اقیانوس هند بدون جلب رضایت مسلمانان ممکن نیست ، اقیانوسیه در دست مسلمانان است ، و در جنوب آفریقا مهمترین خط کشتیرانی دنیا وجود دارد، اگر مسلمانان مایل نباشند، عبور در آن ممکن نیست ، یک طرف دریا استراتژیکی مدیترانه در دست مسلمانان است ، تنگه دارانل و بسفور هم در دست مسلمانان است ...

ج : امکانات اقتصادی دنیای اسلام :

وضع اقتصادی مسلمانان در حدی است که تنها در اوپک حداقل ۴۰ سوخت دنیا از ناحیه مسلمانان تاءمین می شود، و اگر این امر نباشد دنیا خاموش می گردد، قاره آفریقا (که ۷۰ آن مسلمانان هستند) انبار باروت اروپاست ، اگر این انبار را ببندند اروپا خفه می شود و نمی تواند ادامه زندگی دهد.

مثلا ژاپن یکپارچه به دنیای اسلام وابسته است و اگر دو ماه رابطه اش را با دنیای اسلام قطع کند به یک جزیره سرد و خاموش تبدیل می شود. (۳۸۰)

کوتاه سخن اینکه : دنیای اسلام بدون نیاز اقتصادی به دنیاهای دیگر می تواند ادامه زندگی دهد اما دنیاهای دیگر بدون نیاز به دنیای اسلام نمی توانند ادامه زندگی دهند.

ما با سران حکومت‌های اسلامی که خود را فروخته اند حرفی نداریم ، با ملت‌های مسلمان حرف می زنیم ، اگر برآستی آنها با نهضت خود و با تشکیل کنفرانس‌های جدی و عمیق آن همه امکانات را برای تحقق آرمان اسلامی بکار گیرند و با تشکیل کنفرانس‌های جدی و عمیق و برنامه ریزی‌های دقیق در جهت حکومت جهانی تحت رهبری یک مصلح عادل و عالم حرکت کنند، آن وقت است که دنیا آماده ظهور حضرت مهدی (عج) خواهد شد و همه آن چیزهایی که ناممکن تصور می کردیم ، ممکن می شود و تحقق می یابد.

به امید یک چنین تحول عظیم و به کارگیری امکانات دنیای اسلام تحت فرماندهی عظیم و وسیع اسلام .

نشانه های عالی انتظار

دوازده نشانه

بعضی از علمای بزرگ برای درجه عالی انتظار با استفاده از روایات ، دوازده نشانه ذکر کرده و نشانه دوازدهم را چنین شرح می دهند.

از علامات انتظار مهیا بودن برای ورود محبوب است و مهیا بودن به چند چیز است .

۱- عزم حقیقی بر یاری و متابعت آن حضرت

۲- متصف شدن به صفات نیک اخلاقی و دوری از هر گونه آلودگی اخلاقی

آئینه شو جمال پری طلعتان طلب

جاروب کن تو خانه و پس میهمان طلب

۳- مواظبت در اطاعات و انجام واجبات و مستحبات و ترک محرمات و مکروهات

۴- تهیه سلاح

۵- مرابطه و مرزداري

۶- مواظبت در خواندن عهدنامه بزرگ و کوچک (که در کتاب زادالمعاد مذکور است) (۳۸۱)

ظلم نکردن و اعانت به ظلم نکردن و هشیاری و توجه و شناخت افراد نیرنگ باز و توطئه نیز از جمله اموری است که باید به آن توجه داشت .

رعایت حقوق برادران

از مهمترین امور در زندگی محبان و منتظران قائم (عج) رعایت حقوق برادران و مسلمانان است .

در این باره بهتر است پای سخن پر مغز و دلنشین حضرت امام صادق علیه السلام و امام باقر بنشینیم .

امام باقر علیه السلام به جابر جعفری رحمه الله فرمود:

((ای جابر آیا کسی که ادعای تشیع می کند، برای او این قول که دوست اهل بیت علیهم السلام هستم کافی است ؟

سوگند به خدا شیعه ما نیست مگر کسی که پرهیزکار بوده و اطاعت از خداوند کند، شیعیان ما را به این صفات بشناسید:

تواضع ، خشوع امانت داری ، بسیار در یاد خدا بودن ، اهل نماز و روزه بودن ، احترام به پدر و مادر کردن ، مهربانی کردن به

همسایگان مستمند و بدهکار و یتیمان ، راستگو بودن ، آنها تلاوت قرآن می کنند، و زبانشان را کنترل می نمایند، و برای

خودشان در همه چیز امین هستند...))

((ای جابر!)) (ما نتال و لا یتنا الا بالعمل و الورع ؛))

به ولایت و دوستی ما جز از راه عمل و پرهیزگری نمی توانی برسی .)) (۳۸۲)

امام باقر علیه السلام روزی به یکی از یارانش به نام سعید بن حسن رحمه الله فرمود:

((آیا در میان شما این روش هست که کسی از شما به حضور برادر دینی اش برود دست در جیب او کند و به اندازه احتیاج

خود از آن ، پول بردارد و صاحب پول از آن جلوگیری نکند؟

سعید عرض کرد: نه چنین کسی را سراغ ندارم .

امام باقر علیه السلام فرمود: بنابراین اخوت و برادری در کار نیست .

سعید عرض کرد: آیا در این صورت ما در هلاکت هستیم ؟

امام علیه السلام فرمود: عقل این مردم هنوز تکمیل نشده است . (۳۸۳)

(یعنی تکلیف به حساب اختلاف درجات عقل ، مختلف می شود.)

امام صادق علیه السلام در ضمن گفتار می فرماید:

((ما اقل و الله من يتبع جعفرًا منكم ، انما اصحابي من اشد ورعه و عمل لخالقه و رجا ثوابه فهو لاء اصحابي ؛))

((سوگند به خدا چقدر پیروان جعفر از شما کم شده اند، بدانید که یاران من کسانی هستند که در پاکی و پرهیزکاری محکم

باشند، و کارهایشان را برای خدا انجام دهند و امید به پاداش خدا داشته باشند، اینها اصحاب و یاران من هستند.)) (۳۸۴)

در مورد حقوق برادران دینی به حدیث جالب و جامع ذیل که امام صادق علیه السلام برای یکی از یارانش (معلی بن خنیس)

در موارد هفتگانه زیر شرح داده اند توجه کنید:

معلی بن خنیس رحمه الله می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم حق مسلمان چیست ؟

فرمود:

((هفت حق واجب است که اگر یکی از آنها را تباه کند از ولایت و اطاعت خداوند خارج شده و خداوند از او بهره (طاعت و

بندگی) ندارد.

عرض کردم آنها چیست ؟

فرمود: من بر تو نگرانم ، می ترسم آنها را تباه سازی و بدانی و عمل نکنی .

عرض کردم : ((لا قوة الا بالله)) (نیروی جز از خدا نیست) فرمود: آشناترین آنها این است که :

۱- آنچه را برای بردار مسلمان دوست بداری که خود دوست می داری ، و نپسندی برای او آنچه را که برای خود نمی

پسندی .

۲- از خشمگین کردن برادر مسلمان (یا از خشم) دوری کنی ، و آنچه را که مورد رضایتش است انجام دهی و او امرش را

اطاعت کنی .

۳- با جان و مال و زبان و دوست و پای خود او را یاری کنی .

۴- چشم و راهنما و آئینه او باشی .

۵- تو سیر نباشی و او گرسنه ، تو سیراب نباشی و او تشنه و تو پوشیده نباشی و او برهنه .

۶- اگر دارای خدمتکار باشی و بردار مسلمانان خدمتکار نداشته باشد، بر تو واجب است که خدمتکارت را بفرستی تا لباسهای او را بویید و غذایش را آماده کند و فرشش را بگستراند.

۷- او را از مسئولیتهای سوگندهایش رهاسازی، دعوتش را اجابت کنی، در بیماری او را عیادت نمائی، بر جنازه اش حاضر شوی، اگر دانستی که او حاجتی دارد در ادای حاجب او شتاب کنی، تاخیر در روای حاجت او نکنی که او اظهار آن کند، بلکه زودتر به رفع نیازش پردازی، سپس امام صادق علیه السلام گفتارشان را با این جملات پایان دادند.

((فاذا فعلت ذلک و صلت ولایتک بولایتہ و ولایتہ بولایتک ؛))

((وقتی که چنین کردی دوستی او و دوستی او را به دوستی خود پیوند داده ای.)) (۳۸۵)

در اینجا این فصل را با حدیث عرفانی ذیل پایان می بریم .

حضرت موسی بن عمران علیه السلام به خدا عرض کرد:

((پروردگارا آیا کسی را مثل من گرامی داشته ای آنجا که سخن خود را به من شنونده ای ؟

خداوند فرمود: ((بدانکه برای من بندگان هست که در آخرالزمان می آیند، آنها به من از نسبت به تو نزدیکترند، زیرا من با او

با واسطه بودن هفتاد هزار پرده حجاب سخن می گویم ولی هر گاه (بنده من در آخرالزمان) روزه بگیرد، و بر اثر روزه

لبهایش سفید و رنگش زرد گردد این هفتاد هزار پرده را هنگام افطار آنها برمی دارم.)) (و این چنین به آنها نزدیک می شوم

((.)) (۳۸۶)

روزی که سر از پرده برون خواهی کرد

دانم که زمانه را زبون خواهی کرد

گر زیب و جمال از این فزون خواهی کرد

یا رب چه جگرها است که خون خواهی کرد

نتیجه اینکه علاقمندان و یاران امام مهدی (عج) باید کاملاً خود را وظیفه شناس و پایبند به اسلام و متعهد و مسؤول بدانند، و همواره مراقب احوال و کارهای خود باشند، و از انحرافات دوری جسته و پناه به خداوند ببرند و مو به مو احکام اسلام را عمل نمایند، تا شایستگی سربازی آن حضرت را پیدا کنند.

مبارزه و جهاد و یاد خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

یاران و منتظران مهدی (عج) به خصوص باید به امر به معروف و نهی از منکر و جهاد و مبارزه با انحرافات و دشمنان و آگاهی از جریانات جهان، اهمیت خاصی بدهند و همواره در صحنه حضور داشته باشند.

بدانند که بزرگترین و مهمترین عامل نهضت امام حسین علیه السلام عامل امر به معروف و نهی از منکر بوده است.

و بدانند که در بررسی جهاد و جنگهای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم چنین به دست می آید که در طول تاریخ بشر هیچ ژنرالی مانند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با دشمن ننگیده است (منظور وسعت و دامنه جنگ نیست بلکه منظور اشتغال به کار جنگ است).

در این بررسی می بینیم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حدود ۷/۵ سال کار جنگی (در ده سالی که در مدینه بود) در

این مدت ۶۴ یا ۶۵ فعالیت جنگی دارد که اگر بر روزها تقسیم کنیم هر ۴۵ روز یا ۵۰ روز یک لشکرکشی می کند.

عثمان بن مظعون که انزوا و عبادت در گوشه و کنار کوهها را اختیار کرده بود، به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: دلم می خواهد بیابان گرد باشم، و کنار کوهها به عبادت مشغول شوم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ((لا تفعل فان سیاحه امتی الغزوة و الجهاد؛))

((چنین نکن، سیاحت و بیابانگردی امت من جنگ و جهاد است.)) (۳۸۷)

و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

((کسی که جنگجویی را تجهیز کند هر چند به این اندازه که نخی در سوراخ سوزن او کند خداوند گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد.)) (۳۸۸)

و نیز فرمود: ((نگهبانی یک شب در راه خداوند، بهتر است از عبادت هزار شب، که روزش را انسان روزه بگیرد.)) (۳۸۹)

علاقمندان و یاوران حضرت مهدی (عج) هیچگاه نباید خدا و محمد صلی الله علیه و آله و سلم و آلش علیهم السلام و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام را فراموش کنند، بلکه باید همواره آنها را در نظر داشته باشند. در گفتاری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

((هر گروهی که در مجلسی اجتماع کنند ولی در آن یاد خدا نکنند و درود بر پیامبرش نفرستند آن مجلس حتما، مایه حسرت و زر و وبال (مایه سنگینی برگردن) آنها خواهد بود.)) (۳۹۰)

ایستادگی در سختیها و آزمایشها

به این نکته مهم باید توجه داشت که در زمان غیبت و در آستانه ظهور امام قائم (عج) مردم مسلمان در سختترین آزمایشها قرار می گیرند و زیر و رو می شوند، در چنین وضعی، نگهداری آتش در کف دست آسانتر است از حفظ ایمان. در این مورد یکی از یاران امام باقر علیه السلام به نام جابر جعفری رحمه الله از امام باقر علیه السلام پرسید: فرج شما چه وقت است؟

امام باقر علیه السلام فرمود:

((هیئات، هیئات لا تكون فرجنا حتى تغربلوا ثم تغربلوا ثم تغربلوا يقولها ثلاثا حتى يذهب الكدر و يبقى الصفو؛))
((هیئات هیئات، فرج ما نرسد تا غربال شوید، باز هم غربال شوید و باز هم غربال شوید تا این که کدورتها برود و صافی صفا بماند.)) (۳۹۱)

یعنی وقتی مسلمانان با هم با کمال صفا و اتحاد و صمیمیت زندگی کردند، به فرج امامشان خواهند رسید.
همین مطلب را امام صادق علیه السلام نیز به شکل دیگر فرمود، شخصی از آن حضرت پرسید آن آزمایشها چیست؟ امام صادق علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود:

((و لنبلونكم بشىء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين؛))
((قطعا همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود میوه ها آزمایش می کنیم و بشارت ده استقامت کنندگان را.)) (۳۹۲)

سپس فرمود: ((ترس از زمامداران (فاسق) ... است، گرسنگی به خاطر گردانی است، زیان مالی از کسادى تجارت و کم رونقى آن است، و زیان جانی به مرگهای سریع است، و کمبود میوه ها بر اثر نقص کشاورزی و کمبود برکت در میوه ها است، آنگاه فرمود: بشارت باد به استقامت کنندگان به نزدیک شدن ظهور قائم (عج).)) (۳۹۳)

البته بسیاری هم هستند که طاقت این آزمایش را نداشته و از این غربال امتحان بیرون می افتند چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود:

((استخراج من الغربال خلق كثير؛))

((به زودی افراد بسیاری از غربال خارج شوند.)) (۳۹۴)

معرفت امام عج و پیروی از آن حضرت

باید قبل از قیام مهدی (عج) او را شناخت و از او پیروی کرد چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود:

((رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خوشا به سعادت آن فردی که قائم (عج) ما را قبل از قیامش شناخته و به

او اقتداء کرده است ، دوست او را دوست داشته و از دشمن او بیزاری بجوید، و امامان قبل از او را نیز ولی و سرپرست خود را

بشناسد، این چنین افرادی دوستان من هستند و دوست و مهر مرا به خود جلب کرده اند و گرامیترین امت من نزد من

هستند.)) (۳۹۵)

چنانکه امام قائم (عج) در فرازی از توقیع خود به شیخ مفید که قبلا ذکر شد می فرماید:

((ما حتما به اخبار شما آگاهی کامل داشته ، و هیچ مطلب کوچکی از اخبار شما از ما پنهان نیست ، و گر نه آنچنان در سختی

قرار می گرفتید که دشمنان شما، شما را تار و مار می کردند.)) (۳۹۶)

بنابراین باید ما همواره به یاد عصر (عج) باشیم و به او اقتدا کنیم ، او نیز حتما به یاد ما هست ، و ما را یاری خواهد کرد. امام

باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام فرمود:

((لا یكون العبد مؤمنا حتی يعرف الله و رسوله و الائمه کلهم و امام زمانه و یرد الیه و یسلم لهثم قال : کیف يعرف الآخر و

هم یجهل الاول ؛))

((مؤمن نیست مگر کسی که خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و همه امامان علیهم السلام و امام زمانش را بشناسد و

به او مراجعه کرده و تسلیم فرمان او باشد. سپس فرمود: چگونه ممکن است کسی امام آخر را بشناسد، ولی نسبت به امام

اول (حضرت علی) جاهل باشد.)) (۳۹۷)

آری امامان ، همه از یک نور و یک ریشه اند و همه معلمان قرآن و اسلامند و باید به همه معتقد بود و شناخت و معرفت

واقعی به همین است به اضافه تسلیم بودن در برابر او امر آنها و عمل به فرموده های آنها و الگو قرار دادن روشن و منش

آنان !

درست است که پس از آنکه جهان پر از ظلم و جور شد امام قائم (عج) ظهور می کند، اما این مربوط به مخالفان امام علیه

السلام و گنهکاران دور از امام علیه السلام است .

اما شیعیان و علاقمندان به امام علیه السلام هر قدر گنهکار باشند به همین اندازه ظهور امام علیه السلام به تأخیر می افتد چنانکه در فرازی از توقیع امام زمان علیه السلام به شیخ مفید رحمه الله آمده :

((اگر شیعیان ما که خداوند توفیقشان دهد همگان در پیمانی که با ما داشتند، متحد می شدند، هرگز برکت دیدار ما از آنها تأخیر نمی افتاد، و هر چه زودتر سعادت دیدار ما را با معرفت کامل پیدا می کردند، ولی آنچه باعث این دوری و سلب این توفیق دیدار شده خبرهائی است که از اعمال ناپسند آنان به ما می رسد.)) (۳۹۸)

مسئله رهبری

یکی از مسائل مهم در زمان غیبت ، مسأله رهبری و توجه به تشکیل حکومتهای صالح در کشورهای اسلامی است رهبر صالح است که می تواند چرخهای انقلاب را به حرکت در آورد، و اسلام را به طور صحیح اجرا نماید و در پرتو آن قوانین اسلام زنده شوند تا زمینه سازی سازنده ای برای تمام جهانی حضرت مهدی (عج) به وجود آید.

در این باره حضرت علی علیه السلام فرمود:

((در حکم خدا و اسلام بر مسلمانان واجب و لازم است که هیچ کاری انجام ندهند و قدمی پیش و پس نگذارند، قبل از آنکه امامی را برگزینند، امامی عفیف و خوب و پارسا که احکام قضاوت و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را خوب بشناسد، اموالشان را جمع کند و حج و نماز جمعه شان را بر پا دارد، و مالیاتهای اسلامی را بستاند.)) (۳۹۹)

از سوی دیگر امامان ما، ما را با تءکید از قبول رهبران ناشایست بر حذر داشته اند، امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند فرموده است :

((حتما آنان را که امامان ستمگر انتخاب می کنند کیفر می کنم ، گر چه خود نیکوکار و پارسا باشند، ولی مردمی را که امامت عادلان را برگزینند می بخشم گر چه خود ستمگر باشند.)) (۴۰۰)

امام کاظم علیه السلام در گفتگوی خود با صفوان شتردار در پایان فرمود:

((فَمِنْ أَحِبِّ بَقَائِهِمْ فَهَوَ مِنْهُمْ وَ مِنْ كَانِ مِنْهُمْ فَهَوَ انْ وَرَدَ النَّارَ؛))

((کسی که ماندن رهبران ناشایست را دوست بدارد جزء آنها است و کسی که جزء آنها باشد، در میان آتش دوزخ خواهد بود.))

(۴۰۱)

قرآن در سوره هود آیه ۱۱۳ می فرماید:

((وَ لَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَيَمْسَكُوا النَّارَ وَ مَالَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ ؛))

((تکیه بر ستمگران نکنید (و به آنها وابسته نشوید) که موجب می شود آتش شما را فرا گیرد و رد آن حال جز خدا هیچکس سرپرستی نخواهد داشت و یاری نمی شوید.))

آری ! وابستگی و تکیه بر ظالمان است که همه چیز انسان را بر باد می دهد، استقلال فرهنگی ، اقتصادی ، نظامی و سیاسی را از انسان می گیرد و انسان را برده می سازد، چنانکه قرن‌ها است مستضعفین در طول تاریخ به این موضوع گرفتارند، باید به فکر باشند و خود را از این گرفتاری نجات بخشند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

((وقتی که روز قیامت می شود، منادی ندا می دهد که کجا هستند ستمکاران ، و کجا هستند یاران ستمکاران و کسانی که خود را شبیه آنها ساخته اند؟ حتی کسانی که برای آنها قلمی تراشیده اند، و یا دواتی از آنها را لایقه کرده اند (یعنی پنبه ابریشمی یا پارچه به دوات آنها گذارده اند) همه آنها را در تابوتی از آهن قرار می دهند، سپس در میان جهنم پرتاب می شوند.)) (۴۰۲)

سرنوشت غم انگیزه اندلس و امپراطوری عظیم اسلامی عثمانی که در مدت کوتاهی از مسلمانان گرفته شد و قطعه قطعه گردید و... همه و همه بر اثر اعانت به ظالمان و یا وابستگی به آنها بوده است .

به هر حال منتظران و یاران مهدی (عج) باید در این جهت حتما خود و جامعه خود را بسازند و استقلال همه جانبه بیابند، تا در وقت خروج آن حضرت آنها را در اختیار امام (عج) بگذارند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

((ظالم و یاور ظالم و راضی به کار ظالم هر سه شرکت در ظلم دارند.)) روزی آن حضرت به یکی از یارانش به نام ((عذافر)) فرمود:

(۴۰۳)

((به من خبر رسیده تو برای ابو ایوب و ربیع (دو نفر از ظالمان آن عصر) کار می کنی ؟ آیا در این فکر هستی که روز قیامت به عنوان اعوان الظلمه (یاران ظالم) مورد خطاب گردی ، در این وقت حالت چگونه است ؟))

عذافر از گفتار امام علیه السلام به سختی نگران شد و از شدت ناراحتی مشتش به خود کوبید و در سکوت غمباری فرو رفت وقتی امام علیه السلام این حالت را از او دید، به او فرمود:

((ای عذافر تو را از آن ترسانیدم که خداوند مرا از آن ترسانیده است.))

فرزند عذافر می گوید: پدرم از غصه و ناراحتی پس از چند روز از دنیا رفت . (۴۰۴)

آری مسلمانان پاکدل از سخن امامشان این چنین تحت تأثیر قرار می گرفتند و از خوف خدا به لرزه در می آمدند.

ابویعفر گوید: در حضور امام صادق علیه السلام بودم ، در این هنگام یکی از اصحاب وارد شد از آن حضرت پرسید: گاهی فشار زندگی باعث می شود که دستگاه ظلم عباسی مرا به بنائی ساختمان یا پاک کردن نهر و یا اصلاح کلنگ و تیشه دعوت می کند، من هم برای تاءمین رزق و روزی قبول می کنم آیا جایز است ؟

امام علیه السلام فرمود:

((من دوست ندارم طنابی از آنها را گره بزنی یا سر مشکی از آنها را ببندی و در برابر، همه مدینه را به من بدهند.

نه حتی خطی برای آنها با قلم بکشی ، بدانکه کمک کنندگان ظالمان در روز قیامت در میان خیمه ای از آتش هستند، تا

خداوند بین بندگان قضاوت نماید.)) (۴۰۵)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

((کسی که تازیانه ای را در کنار حاکم ستمگر حمل کند (به عنوان فرمان بردار او) خداوند آن تازیانه را در روز قیامت به

صورت مار و افعی از آتش در می آورد که طول آن هفتاد ذرع است ، آنگاه خداوند آن مار را در آتش جهنم ، مسلط بر او می کند تا او را عذاب دهد.)) (۴۰۶)

منتظران مهدی (عج) باید بدانند که از هدفهای اصلی امام قائم (عج) ریشه کن کردن ظلم است بنابراین نه خود ظالم

باشند و نه به هیچ عنوان کمک به ظلم کننده خواه آن ظالم در محدود خاص باشد و یا ظالمی به صورت ابر قدرت باشد.

این امور است که زمینه های سازنده برای ظهور آن حضرت را پدید می آورد و نباید از آن غفلت نمود.

توجه به شناخت قرآن و اجرای آن

از امور اصلی و هر روزه ای که حتما باید منتظران مهدی (عج) به آن اهمیت دهند، انس گرفتن با قرآن و عمل به آن است

. (۴۰۷)

در مورد شناختن مفاهیم قرآن و اجرای آن ، مگر نه این است که قرآن و عترت علیه السلام در کنار هم هستند، امام زمان

علیه السلام قرین قرآن است ، اگر خدای نکرده قرآن مهجور گردد، درست بر عکس راه امام قدم (عج) برداشته شده است ،

اگر آیات عذاب ، آیات رحمت ، آیات عبرت ! آیات سیاسی ، آیات عبادی ، آیات تذکر و... را با کمال دقت توجه کنند و هر

روز بخوانند و معانی آن را در ذهن خود ترسیم نمایند، خواهند فهمید که با این کار چقدر سریع و آگاه به سوی فرج امام (عج) گام برداشته اند.

در اینجا برای اینکه هم از قرآن استفاده کرده باشیم و هم طرز استفاده را دریابیم و هم از دستورات محکم قرآن در جهت زمینه سازی برای حکومت صالحان بدانیم به دو فراز زیر از قرآن توجه کنید.

در آیه ۷۵ سوره نساء می خوانیم :

((و مالکم لا تقاتلون فی سبیل اللّٰه و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها و اجعل لنا من لدنک ولیا و اجعل لنا من لدنک نصیرا!))

((چرا در راه خدا و در راه نجات مستضعفین از مردان و زنان و کودکان پیکار و مبارزه (با مستکبران) نمی کنید و در راه نجات مستضعفین که می گویند خدایا ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگر است بیرون ببر و برای ما از طرف خودت سرپرست و یاور قرار بده ، اقدام نمی نمایید؟))

این آیه به ما می گوید: نباید بی تفاوت باشیم باید برای خدا و نجات مستضعفین پیکار کنیم ، مستضعفانی که خدا پرستند و دنبال رهبر شایسته اند و از ستم و ستمگران ناخشنودند، چنین افراد را باید کمک کرد و نجات داد. تعبیر به ((مالکم)) (چرا یک نوع استفهام انکاری است ، حاکی است که حتما باید مسلمانان در راه نجات مستضعفان ، نه تنها بپایزند بلکه باید پیکار کنند).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم با بیانات جذاب و پر محتوای خود شاگردان مکتب اسلام را به گونه ای ساخته بود که در مبارزه با دشمن کارشان چنان اوج گرفت ، که طبق روایات هفت نفر از فقرای انصار به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده و عرض کردند و بر اثر تهیدستی وسیله ای برای شرکت در جهاد نداریم ، شما وسیله ای از شمشیر و نیزه و مرکب در اختیار ما بگذارید تا در جهاد شرکت کنیم ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم چون وسیله در اختیار نداشت ، جواب منفی به آنها داد، آنها به قدری ناراحت شدند که اشک در چشم هایشان حلقه زده بود، و کم کم به گریه تبدیل شد و سخت گریستند و بعدها به نام ((بکائن)) (گریه کنندگان) معروف شدند.

آیه ۹۲ سوره توبه در وصف این افراد مخلص نازل شد (۴۰۸)

((و لا علی الذین اذا ما اتوک لتحملهم لت لا اءجد ما اءحملکم علیه تولوا و اءعینهم تفیض من الدمع حزنا لا یجدوا ما ینفقون ؛))

((و نیز اشکالی نیست بر آنها که نزد تو (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) آمدند که آنها را مرکبی برای میدان جهاد سوار کنی، گفتی مرکبی که شما را بر آن سوار کنم ندارم از نزد تو بازگشتند در حالی که چشمانشان اشکبار بود، از این رو که چیزی را نداشت تا در راه خدا انفاق کنند.))

آری این چنین تعلیمات قرآن که دو نمونه اش را ذکر کردیم، اثر می بخشد فرزندان و شاگردان قرآن باید این چنین تربیت گردند تا منتظر واقعی امام زمان علیه السلام شوند، پس باید با قرآن مأنوس بود و این درسها را از آن آموخت. (۴۰۹)

زنان باید احساس مسؤولیت کنند

در این مسیر زنان که نیمی از جامعه را تشکیل می دهند، باید نقش سازنده داشته باشند، بدانند که آنها نیز موظفند دوش به دوش مردان برای زمینه سازی ظهور امام قائم (عج) و برای خودسازی و پاکسازی محیط و قهرمان پروری آن هم زمینه سازی است، تلاش عمیق و پی گیر و خستگی ناپذیر بنایند.

وقتی که در جنگ احد بسیاری از مسلمانان کشته شدند و شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام سخت مجروح گردیدند شایع شد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز شهید شده، زنان مسلمان به خصوص ناراحت شدند، از خانه ها بیرون آمدند و به تحقیق پرداختند.

یکی از این زنان از انصار (مسلمانان مدینه) بود از مدینه بیرون آمده و سراسیمه به سوی احد رهسپار شد، در راه مردی را دید که از جبهه برمی گردد، از او پرسید: آیا به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آسیبی وارد شده است؟

آن مرد به جای جواب سؤال زن، به او گفت: ای خواهر! پدر شما کشته شده است، زن تکان مایمی خورد، باز طولی نکشید پرسید: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سالم است؟

آن مرد به جای جواب سؤال زن، به او گفت: ای خواهر برادر شما نیز کشته شده است، زن تکان مختصری عرضش شد، ولی بار دیگر به حال آمد و پرسشش را تکرار کرد، مرد برای بار سوم گفت: ای خواهر شوهر شما کشته شده است، زن باز تکانی خورد، اما این بار با خشم و گستاخی گفت: من نمی خواهم بدانم چه کسانی از من کشته شده اند، فعلا احتیاجی به اینها ندارم، خواهش می کنم بگویید پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم چگونه است؟

آن مرد در جواب گفت: پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در کمال سلامتی است.

ناگهان صورت زن از خوشحالی برافروخته شد و با حالی سرشار از عشق به اسلام، قاطعانه گفت: ((بنابراین قربانی ما هدر نشده است.)) (۴۱۰)

یعنی اگر من سه قربانی (پدر و برادر و شوهرم) را در راه خدا داده ایم به هدر نرفته چرا که رهبر عزیز اسلام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم زنده است و همین افتخار مرا بس .

این چنین زنان قهرمان در صدر اسلام بسیار بودند هم اکنون نیز باید زنان مسلمان این چنین نقش گویا و زاینده و بالنده داشته باشند و بدانند که گردش چرخ انقلابها (که بدون آن به فرج امام زمان علیه السلام نزدیک نخواهیم شد) نیمی به دوش زنان است و زن باید خود را درک کند و بداند مسؤ ولیتی بس سنگین دارد و قبلا نیز در این باره سخن گفتیم .

الگوی زنان مسلمان باید افرادی مانند خدیجه کبری علیها السلام ، فاطمه زهرا علیها السلام و زینب کبری علیها السلام باشد، زینب علیها السلام در شرایط سخت نهضت امام حسین (عج) سه کار مهم را به عهده گرفت :

۱- حمایت از رهبرش امام حسین علیه السلام تا زنده بود و سپس از امام سجاد علیه السلام .

۲- حفظ یتیمان و سرپرستی از آنها.

۳- رساندن پیام شهیدان در کوفه و شام با بیانات کوبنده و پرمحتوا، و هر جا سخن از آنان گفت ، این سه امر مهم را به خوبی انجام داد، و مرام آنها را زنده نگه داشت .

توجه به جمعه و جماعات

اجتماع و به هم پیوستگی است که به راستی یک اهرم بسیار قوی برای حرکت دادن سریع چرخهای انقلاب است .

منتظران امام مهدی (عج) باید به آن توجه کامل داشته باشند، و بدانند (چنانکه قبلا گفتیم) آن حضرت اماکن مقدسه را توسعه می دهد از جمله مسجد کوفه را تا جمعیت در آن ، جا بگیرند.

ما وقتی نماز را هر روز می خوانیم ، وقتی آن را تجزیه و تحلیل می کنیم می بینیم نماز بر اساس جمع و جماعت تشریع شده است ، مثلا در سوره حمد واژه های ((نعبد)) (تنها ترا می پرستیم) ((نستعین)) (تنها از تو کمک می جوئیم) ((اهدنا)) (ما را هدایت کن) همه به صورت جمع به کار رفته است .

و در پایان نماز، سلام بر جمع شده (السلام علیکم سلام بر شما). این نشانه آن است که انزوا و گسیختگی از اجتماع ، از اسلام بدور است ، اینک به چند روایت زیر توجه کنید.

۱- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم تصمیم گرفت ، مردمی را که در منزلهای خود نماز می خوانند و در جماعت شرکت نمی کنند خانه هایشان را آتش بزنند، نابینائی به حضور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید، عرض کرد، من شبکور

هستم ، صدای اذان جماعت را می شنوم ولی کسی نیست که دستم را بگیرد و مرا به مسجد برساند تا در جماعت شرکت کنم و با شما نماز بخوانم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

((از منزل خود تا مسجد طنابی بکش آن طناب را بگیر و با راهنمایی آن خود را به مسجد برسان و در جماعت شرکت کن .))
(۴۱۱)

۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

((کسی که درباره جماعت مسلمانان به اندازه یک وجب مانع شود ،تعهد ایمان از گردنش ساقط می گردد.)) (۴۱۲)

۳- امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

((... و الزموا عما عقد علیه جبل الجماعة ؛))

((به آنچه را که پیوند جماعت بر آن گره خورده است بپیوندید و آنرا رها نکنید.)) (۴۱۳)

۴- در مورد نماز جمعه ، این نماز عبادی سیاسی ، و این میتینگ هفتگی پر شور مسلمین و این اجتماع دشمن شکن و نفاق برانداز، حضرت امام باقر علیه السلام فرمود:

((من ترک الجمعة ثلاث جمع متوالیة طبع الله علی قلبه ؛))

((کسی که (بدون عذر شرعی) سه بار پشت سر هم نماز جمعه را ترک کند، خداوند مهر بر قلبش می زند)) (۴۱۴) (یعنی

چنین کسی آنچنان در عناد و نفاق و بی ایمانی فرو می رود که خداوند حس تشخیص را از او می گیرد و او را کوردل می کند.)

باز فرمود:

((سوگند به خدا به من خبر رسید که یاران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز پنجشنبه برای روز جمعه (و انجام

نماز جمعه و سایر آداب) مهیا می شدند.)) (۴۱۵)

۵- امام صادق علیه السلام فرمود:

((کسی که به سوی مسجد گام بر می دارد، بهر چیز خشک و تری در راه ، گام بگذارد زمین آن تا طبقه هفتم برای او تسبیح

خدا می گویند.)) (۴۱۶)

در مورد نظم و پاکیزه نگهداشتن مسجد نیز روایاتی بسیار آمده ، از جمله پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:
صفهای خود را منظم کنید در حالی که شانه هایتان در ردیف همدیگر باشد، تا شیطان در شما نفوذ نکند. نیز فرمود:
(۴۱۷)

((کسی که روز پنجشنبه و شب جمعه ، مسجد را جارو کند و ذره ای خاک از آن مسجد بر سر و صورت او بنشیند، خداوند او را می آمرزد.)) (۴۱۸)

در این مورد روایات دیگری نیز در کتاب تهذیب شیخ طوسی صفحه ۲۵۶ آمده است .

به این ترتیب : باید علاقمندان به ظهور امام مهدی (عج) به اجتماع و جماعت و نماز جمعه و پر کردن مساجد، اهمیت فوق العاده بدهند، تا در پرتو آن ، عوامل استقبال از امام مهدی (عج) فراهم شود و موجب خودسازی خودشان گردد. امامان معصوم ما علیهم السلام از هر فرصتی برای تهذیب و پاکسازی پیروانشان استفاده می کردند.